

فرصت ها و تهدیدهای حضور اتباع خارجی (افغانستانی) در استان
تهران

اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی



مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



طرح پژوهشی

فرصت‌ها و تهدیدهای حضور اتباع خارجی (افغانستانی) در استان تهران

مجری طرح

سعیده سعیدی

استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

مهر ۱۴۰۰

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

۲	بیان مسئله
۷	ضرورت انجام پژوهش
۷	اهداف پژوهش
۸	سوال پژوهش
۹	گام‌های اجرایی پژوهش
۹	روش پژوهش
۱۷	فصل دوم: تهدیدها و فرصت‌های حضور اتباع افغانستانی در استان تهران: ابعاد فضایی کالبدی-جمعیت‌شناختی
۱۹	تأثیرات حضور جمعیت مهاجر در تغییر بافت کالبدی جامعه میزبان
۲۳	زیست غیررسمی مهاجران و تشدید حاشیه‌نشینی در کلانشهر تهران
۲۶	زیست غیررسمی مولد جزایر محصور ملیتی
۲۹	فصل سوم: تهدیدها و فرصت‌های حضور اتباع افغانستانی در استان تهران: ابعاد فرهنگی
۴۲	پذیرش فرهنگی-اجتماعی جامعه میزبان نسبت به جامعه مهاجران در استان تهران
۴۴	تمایل/اقدام به بازگشت از منظر فرهنگی
۴۵	برنامه‌های بازگشت اتباع افغانستانی ساکن ایران
۴۷	چالش‌های ازدواج بین فرهنگی
۴۶	فصل چهارم: ابعاد اجتماعی تهدیدها و فرصت‌های اتباع افغانستانی در استان تهران
۵۲	پروبلماتیک هویت اتباع افغانستانی ساکن استان تهران
۵۸	تعلق اجتماعی و همبستگی اجتماعی جامعه مهاجران با جامعه میزبان
۶۳	فصل پنجم: ابعاد ساختاری-نهادی تهدیدها و فرصت‌های اتباع افغانستانی در استان تهران
۷۶	انواع کارت‌ها و مجوزها

۸۹.....	دسترسی مهاجران مجاز به خدمات و چالش‌های پیش روی آنها.....
۱۰۴.....	دسترسی غیرمجازین به خدمات.....
۱۱۷.....	چرخه انتفاع، مطالعه موردی: مهاجران افغانستانی در تهران.....
۱۴۴.....	نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۴۵.....	یافته های عملیاتی تکنیک تحلیلی سوات.....
۱۶۰.....	منابع.....
۱۶۷.....	ضمائم.....



فصل اول

کلیات پژوهش



:

بیان مسئله

تحرک مکانی افراد در بین فضاها، مکان‌ها و زمان‌های مختلف پیامدهای اقتصادی، روان‌شناختی و سیاسی داشته که موضوع مهاجرت را به یک مفهوم زمینه مند مبدل ساخته است. مهاجرت فرصت‌ها و تهدیدهای متعددی را برای کشورهای مبدأ، ترانزیت و مقصد ایجاد می‌نماید و روند آن در سال‌های اخیر به صورت پرشتابی افزایش یافته است. مهاجر بین‌المللی به فردی اطلاق می‌گردد که بیش از یک سال در کشوری غیر از کشور محل اقامت خود اسکان داشته باشد که تعداد مهاجران با رشدی شتابان به ۲۸۱ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ رسیده است (گزارش سازمان جهانی مهاجرت^۱ ۲۰۲۱). با توجه به شرایط ویژه خاورمیانه، بسیاری از مهمترین کشورهای مهاجر فرست در این منطقه قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران در موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی موقعیتی استراتژیک دارد چراکه به طور همزمان کشور مبدأ، ترانزیت و مقصد میلیون‌ها مهاجر بوده است و به عنوان یکی از مهمترین کشورهای مهاجر پذیر در دنیا میزبان میلیون‌ها تبعه افغانستانی و عراقی در طی ۴ دهه گذشته بوده و از سوی دیگر به طور همزمان برای بسیاری از اتباع افغانستانی به عنوان کشور ترانزیت محسوب شده که برای مهاجران غیرمعارف^۲، دروازه ورود به ترکیه و اتحادیه اروپا می‌باشد. حضور میلیونی اتباع افغانستان در چهار دهه گذشته به عنوان مسئله‌ای اجتماعی بستر ساز چالش‌های متعددی برای هر دو طرف شده است. عمده جریان عظیم مهاجرت دسته جمعی پناهجویان افغانستانی به مرزهای شرقی ایران ناشی از مسائل داخلی در این کشور بوده است که سبب ساز چالش‌های جدی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی در ایران شده است.

^۱ IOM

^۲ irregular



شکل ۱. نقشه کشور افغانستان

کشور افغانستان در نتیجه سال‌ها جنگ مزمن و خشونت‌های داخلی به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای مهاجرفرست در عرصه جهانی است و آوارگی، مهاجرت و پناهنجوبی نوع دائمی از تجربه زیسته^۳ برای جامعه افغانستانی است و ۷۶ درصد از جمعیت این کشور حداقل برای یک بار تجربه آوارگی داخلی یا خارجی را در زندگی داشته‌اند (گزارش صلیب سرخ^۴ ۲۰۰۹) و هر دقیقه ۱ نفر به دلیل درگیری‌ها و بحران در این کشور آواره می‌شود. براساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان^۵ ۲۰۵۹ میلیون پناهنده ثبت شده افغانستانی در ۹۴ کشور جهان حضور دارند (گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان ۲۰۱۴) و ایران و پاکستان از بزرگترین کشورهای میزبان گروه هدف می‌باشند.

منازعات داخلی ناشی از تنش‌های قومی، مذهبی و سیاسی، فقر، جنگ‌های بین‌المللی، موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی صعب، ظهور نیروهای طالبان و داعش و تأثیرات پربسامد تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بر جامعه منجر به مهاجرت‌های گسترده بین‌المللی و همچنین آوارگی داخلی میلیون‌ها افغانستانی گردیده و جمهوری اسلامی ایران در طی چهار دهه اخیر با توجه به مجاورت جغرافیایی، دسترسی آسان، قرابت مذهبی، زبانی و فرهنگی به عنوان یکی از مهمترین

³ lived experience

⁴ ICRC

⁵ UNHCR

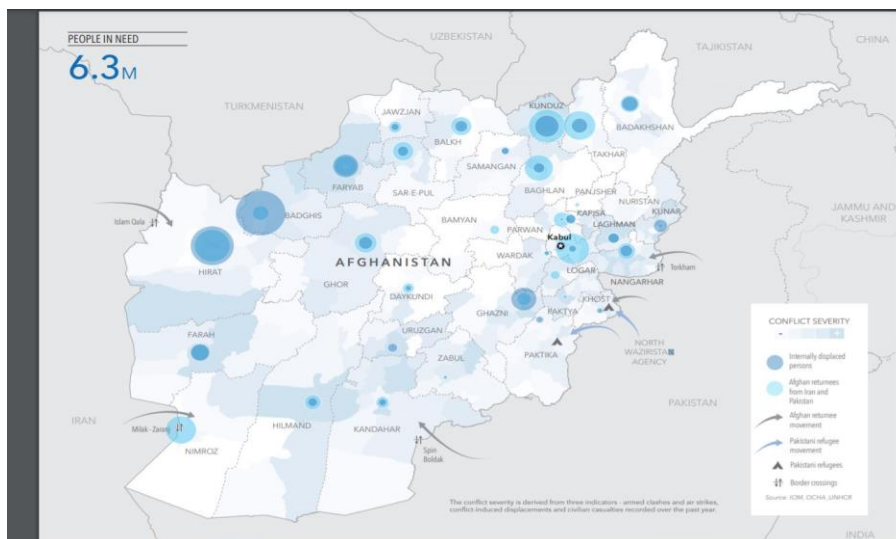
کانون‌های جذب مهاجران موقت و دائم افغانستانی در جهان بوده به نوعی که امروزه با ظهور نسل دوم و سوم مهاجران روبرو است. رنانی و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیل ترجیح مقصد^۶، به رابطه مستقیم بین میزان حضور مهاجران در یک کشور و تمایل اتباع کشور مبدا به مهاجرت به آن کشور اشاره می‌نمایند. چراکه شکل‌گیری دیاسپورا در یک کشور استقرار مهاجران جدید را تسهیل کرده و به‌عنوان یکی از مهمترین فاکتورهای انتخاب مقصد در میان‌ذهنیت اتباع افغانستانی می‌باشد.

مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران همواره شاهد ورود و خروج اتباع افغانستانی بوده است. این جریان مهاجرتی به ایران جریانی مداوم و تاریخی بوده و اولین جابجایی عمده از کشور افغانستان به ایران در دهه ۱۸۵۰ میلادی صورت گرفته است که طی آن ۵۰۰ خانوار هزاره به ایران مهاجرت کردند. همچنین می‌توان به ۱۵۰۰ خانوار افغانستانی (حدود ۱۶۸۰۰۰ نفر) طی سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۳ در تربت‌جام مستقر شدند اشاره کرد. اما مهاجرت عمده افغانستانی‌ها به ایران پس از اشغال این کشور توسط شوروی از سال ۱۳۵۸ آغاز شده است که تبعات فراوانی در ابعاد مختلف برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است و به بیان دقیق‌تر از این زمان موضوع مهاجرت به یک چالش تبدیل شده است.

پس از خروج نیروهای شوروی، بسیاری از مهاجرین افغانستانی به کشور خود بازگشتند ولی موج جدید مهاجرت به ایران پس از آغاز جنگ داخلی و افزایش تنش‌ها و ناآرامی‌ها آغاز شد که طبقات متوسط شهری و تحصیل کرده بخش اصلی مهاجران را تشکیل می‌دادند. در ادامه سیل بعدی مهاجرت از زمان به قدرت رسیدن طالبان طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ به سمت ایران سرازیر شد. (محمودیان، ۱۳۸۶: ۴۸) این روند در سال‌های بعد تا امروز ادامه داشته است و مهاجران افغانی با شدت و ضعف به‌واسطه فصول کاری، شرایط محیطی و کاهش یا افزایش ناآرامی‌ها به سمت ایران روانه می‌شوند. البته لازم به ذکر است در مقطعی از تاریخ و پس از جنگ سوریه، سیل اتباع افغانستانی از مسیر ایران برای مهاجرت به اروپا به همراه اتباع سوری ایجاد شد.

موج سوم مهاجرت از سال ۱۳۷۳ با ظهور و قدرت گرفتن هر چه بیشتر طالبان در افغانستان شروع شد و موج چهارم مهاجرت از سال ۱۳۸۰ با حمله آمریکا و هم‌پیمانانش به افغانستان رقم خورد. بازگشت مجدد طالبان به قدرت در تابستان ۱۴۰۰ منجر به شکل‌گیری موج جدیدی از تحرک مکانی گسترده در افغانستان گردیده که تاثیر جدی و مستقیمی بر مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران داشته است.

^۶ destination preferences



شکل ۲. وضعیت آوارگان داخلی کشور افغانستان ۲۰۲۰

شکل ۲ به خوبی نشان می‌دهد که یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق انباشت آوارگان داخلی (IDPs)^۷ در کشور افغانستان در مناطق هم‌مرز با استان‌های شرقی ایران (ولایت‌های هرات، فراه و نیمروز) قرار دارد که یکی از مهمترین عوامل تشدید جریان مهاجرت بین دو کشور است. کریمی پور (۱۳۷۹) در پژوهش خود نشان می‌دهد که کشور افغانستان با ۵۷ منبع تنش و مشاجره پایه‌ای با همسایگانش تقریباً در قبال هر همسایه، ۱۰ منبع مشاجره فعال یا پنهان دارد که می‌توان افغانستان را رکورددار منابع پنهان و آشکار مشاجره با همسایگان معرفی کرد و موج‌های مهاجرتی گسترده به دو کشور ایران و پاکستان را تشدید نموده است.

کشور پاکستان همانطور که جرار و مالی (۲۰۱۱) نشان می‌دهند اجازه سرریز شدن مهاجران افغانستانی به درون جامعه شهری و روستایی خود را نداده و مهاجر افغانستانی در آن کشور همواره تصویری موقتی از زندگی دارد در حالیکه در طی این چهار دهه، جمهوری اسلامی ایران برخلاف پاکستان از اردوگاه‌ها برای اسکان آوارگان افغانستانی در مقیاسی بسیار کوچک دامنه استفاده نموده است که منجر به "شهری شدن مسئله مهاجرت" در ایران شده است چراکه ۹۷ درصد از اتباع غیر ایرانی در فضای غیر مهمانشهری و در سطح شهر و روستاهای کشور اسکان یافته‌اند. این نکته منجر به شکل‌گیری تبعات جدی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای هر دو طرف شده است.

⁷ Internally displaced persons

یکی از مهمترین ویژگی‌های جمعیت مهاجران در ایران پراکندگی سکونت افراد در سطح شهرهاست در صورتی که براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی بسیاری از کشورهای میزبان، مهاجران را به صورت کنترل شده و قاعده‌مند در مهمانشهرها و اردوگاه‌های مرزی اسکان می‌دهند. مهاجران افغانستانی علیرغم حضور چهل ساله در ایران و ظهور نسل سوم خود، همچنان به عنوان "غریبه‌هایی در خانه برادر"، "اتباع بیگانه"^۸، "خارجی" و "اضافه بار" تلقی می‌شوند و بافت فرهنگی بسیاری از مناطق ایران همچنان قابلیت جذب و تعامل سازنده را با این جمعیت ندارد.

از ویژگی‌های بارز جمعیت مهاجران ساکن ایران، بزرگ بودن جامعه، شهرنشینی، طولانی بودن اقامت و در نتیجه ظهور نسل دوم و سوم مهاجران است که از سرمایه انسانی نسبتاً بالایی برخوردارند. تجربه به دنیا آمدن و بزرگ شدن در ایران مهاجران را در وضعیت موقتی و مبهم "افغانستانی تبارهای ساکن ایران" نگه داشته، از حالت اصیل بودن^۹ خارج ساخته و به موقعیت "دیگری"^{۱۰} وارد می‌کند. این احساس غریبگی چالش مضاعفی برای نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران است چرا که ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه میزبان نیز آن‌ها را به عنوان غریبه و اضافی دانسته و لذا در هر دو سرزمین مهمان‌های ناخوانده محسوب می‌گردند و فرصت بهره‌مندی از سرمایه انسانی این جمعیت از بین می‌رود. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا ضمن شکل دهی به تصویر کلی از موقعیت مهاجران افغانستانی در استان تهران به واکاوی فرصت‌ها و تهدیدهای این حضور درازمدت و بعضاً غیررسمی پرداخته شود.

اگرچه موضوع مهاجران افغانستانی مقیم ایران جایگاه مناسبی در تحقیقات دانشگاهی ایران به ویژه در دهه اخیر داشته است اما بررسی این تحقیقات نشان می‌دهد که ادبیات تولید شده وجوه متعدد و متداخلی را در برمی‌گیرد که گاه کارایی لازم را برای تبیین موقعیت‌مندی مهاجران افغانستانی ساکن ایران از دست می‌دهد. مهاجرت‌های بین‌المللی به عنوان موضوعی بین رشته‌ای، از نظرگاه‌های مختلف جمعیت‌شناسی (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۸)، انسان‌شناسی (میرزایی ۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی (نصر اصفهانی ۱۳۹۷) و اقتصادی (حسن نژاد ۱۳۹۸) مورد مذاقه قرار گرفته است. نگارنده در طی ۱۲ سال اخیر بر زیست مهاجران افغانستانی در میدان‌های مختلف داشته است؛ تجربه تغییرات هویتی زنان مهاجر هزاره در کشور آلمان (سعیدی ۲۰۱۸)، تجربه مهاجرت به وسیله شبکه‌های قاچاق در کشورهای ترانزیت (سعیدی ۱۳۹۷)، تاثیر

^۸ در مهمترین قانون ایران در مورد مهاجران خارجی، "قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران" که در ۱۹ اردی‌بهشت ۱۳۱۰ تصویب شده از واژه بیگانه استفاده نشده است اما در آیین‌نامه اجرایی این قانون (آیین‌نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه) که در سال ۱۳۵۲ تصویب شد و بعد از انقلاب هم بارها مورد تجدید نظر قرار گرفته است اصطلاح اتباع بیگانه ذکر شده است.

^۹ authentic

^{۱۰} other

زندگی مهاجرانه در ایران بر الگوهای ازدواجی اتباع افغانستانی ساکن ایران (سعیدی ۱۳۹۶) و همچنین تاثیر مهاجرت بر تغییر الگوهای خوراک مهاجران افغانستانی (سعیدی ۱۳۹۵)، تجربیات مهاجران افغانستانی در بحران کرونا (سعیدی ۱۳۹۹ الف) و تحلیل جنسیتی وضعیت دانشجویان افغانستانی در آموزش عالی ایران (۱۳۹۹ ب) نمونه‌هایی از تحقیقات میدانی نگارنده در سال‌های اخیر می‌باشد که به دنبال فهم موقعیت اتباع افغانستانی ساکن ایران بوده است.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از بزرگترین میزبانان مهاجران افغانستانی در جهان بوده است اما به دلیل نبود سیاست مهاجرتی جامع در کشور به نظر می‌رسد علیرغم هزینه‌های فراوان تحمیل شده به کشور، دستگاه سیاستگذار نتوانسته است از ظرفیت‌های این جمعیت بزرگ استفاده کند و موقعیت سردرگمی هم برای جامعه مهاجران و هم کشور میزبان به آسیب‌های جدی منجر شده است. در این پژوهش تلاش خواهد شد با استفاده از تکنیک تحلیلی سوات، تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط ضعف و نقاط قوت مسئله مهاجران افغانستانی ساکن استان تهران در ابعاد مختلف جمعیت‌شناختی، نهادی-ساختاری، اجتماعی و فرهنگی در بستر ملاحظات امنیتی و اقتصادی مورد مذاقه قرار گیرد. بی‌شک ارائه تصویری روشن از وضعیت مهاجران افغانستانی در استان تهران به بهبود سیاستگذاری جامع در این خصوص خواهد انجامید.

ضرورت انجام پژوهش

- جمعیت پرتعداد مهاجران افغانستانی رسمی و غیررسمی در سطح استان تهران
- افزایش حساسیت در سطح دستگاه‌های سیاستگذار نسبت به مخاطرات حضور غیررسمی اتباع غیرایرانی
- افزایش حساسیت در سطح جامعه نسبت به حقوق مهاجران با سابقه فرهنگی و تمدنی مشترک
- شناخت چالش‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی زیست غیررسمی مهاجران افغانستانی در سطح استان تهران
- کاربست رویکردی نو در موضوع مهاجران افغانستانی ساکن استان تهران در راستای بهره‌مندی از ظرفیت و سرمایه انسانی گروه هدف

اهداف پژوهش

هدف کلی

شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای حضور اتباع افغانستانی در استان تهران

اهداف جزئی

- آسیب شناسی پدیده مهاجرت به ویژه آسیب‌های حضور مهاجرین افغانستانی در تهران
- شناسایی ظرفیت‌ها و مزیت‌های حضور مهاجران در استان تهران
- شناسایی نقاط ضعف و مشکلات برنامه ریزی و مدیریت یکپارچه مهاجرین افغانستانی در استان تهران
- شناسایی تدابیر قانونی و پایدار و درازمدت برای ساماندهی وضعیت مهاجران افغانستانی در استان تهران

سوال پژوهش

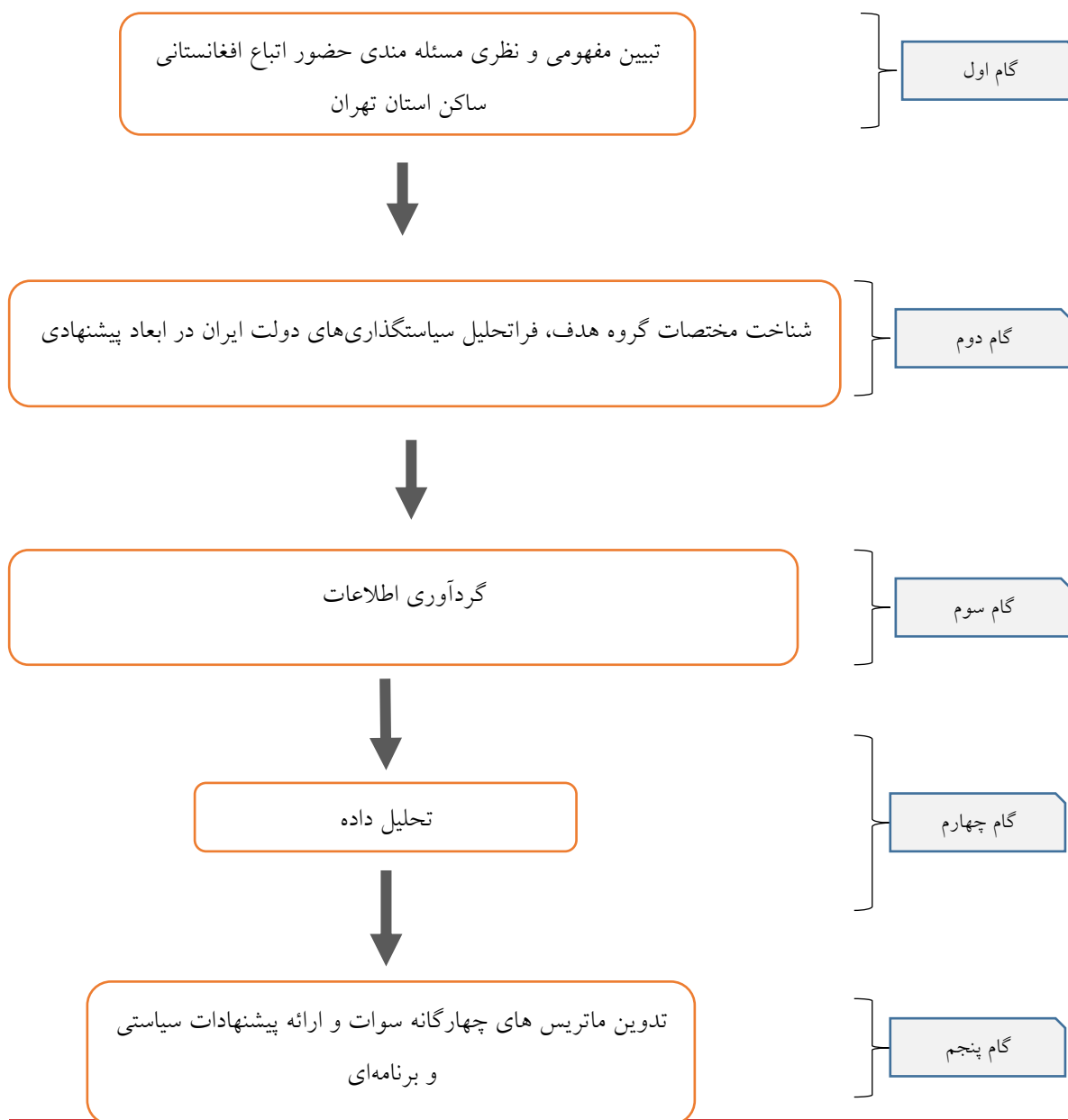
• سوال اصلی

- مهمترین فرصت‌ها و تهدیدهای حضور اتباع افغانستانی در استان تهران چه می‌باشد؟

• سوالات فرعی

- مهاجران افغانستانی ساکن استان تهران چه موقعیت اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دارند؟
- چالش‌های مهاجران افغانستانی ساکن استان تهران چگونه صورت بندی می‌شود؟
- نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی چه فرصت‌هایی برای جامعه میزبان دارند؟
- چه رویکردهای نوینی در ارتباط با مهاجران افغانستانی قابل اتخاذ است؟

گام‌های اجرایی پژوهش



پژوهش پیش رو از نظر نحوه گردآوری داده، به صورت اسنادی-میدانی، از لحاظ هدف و ماهیت موضوع مورد بررسی، کاربردی و از منظر روش تحقیق مورد استفاده از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسئله، توصیفی-تحلیلی به شمار می‌رود که از اعتبار قابل ملاحظه‌ای در مطالعات جامعه‌شناختی برخوردار است و در ۳ مرحله به اجرا گذاشته خواهد شد. روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، ترکیبی از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته^{۱۱}، گفتگو و مناظره، برگزاری نشست‌های کارشناسی و کسب نقطه نظرات دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و بررسی تطبیقی مستند به بهره‌گیری از منابع دست اول همچون قوانین و آیین نامه‌ها می‌باشد.

تحلیل محتوای اسناد، قوانین، کنوانسیون‌ها و آیین نامه‌های موجود در ارتباط با مهاجران و پناهندگان نیز به منظور ارزیابی از وضعیت موجود صورت گرفته است. در نتیجه حضور میدانی محقق، ۸۶ مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته در نقاط مختلف استان تهران با اتباع افغانستانی صورت گرفته است که در جدول شماره ۱ جزئیات مشارکت کنندگان در پژوهش آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	شاخص	تقسیم بندی
۱	جنسیت	زن: ۳۹ مرد: ۴۷
۲	وضعیت تاهل	مجرد: ۳۱ متاهل: ۴۳ مطلقه: ۱۲
۳	محل تولد	ایران: ۵۹ افغانستان: ۲۲ سایر کشورها: ۵

¹¹ semi-structured interview

<p>کمتر از ۲۰: ۱۰</p> <p>بازه ۲۰-۳۰: ۳۰</p> <p>بازه ۳۰-۴۰: ۲۳</p> <p>بازه ۴۰-۶۰: ۱۸</p> <p>بیش از ۶۰: ۵</p>	سن	۴
<p>هزاره: ۱۷</p> <p>پشتون: ۱۴</p> <p>تاجیک: ۲۱</p> <p>قرلباش: ۱۶</p> <p>ازبک: ۱۴</p> <p>سایر: ۴</p>	قومیت	۵
<p>بی سواد: ۱۲</p> <p>ابتدایی تا دیپلم: ۲۸</p> <p>دارای تحصیلات دانشگاهی: ۴۶</p>	میزان تحصیلات	۶
<p>شغل رسمی: ۴</p> <p>شغل غیررسمی: ۵۲</p> <p>بیکار: ۳۰</p>	وضعیت شغلی	۷
<p>زیست شهری: ۶۷</p> <p>زیست روستایی: ۱۸</p> <p>اقامت در مهمانشهر: ۱</p>	مکان سکونت	۸
<p>فاقد مدرک هویتی: ۳۷</p> <p>کارت آمایش: ۲۵</p> <p>گذرنامه (پاسپورت یا گذرنامه خانواری):</p> <p>۲۴</p> <p>سایر: ۰</p>	وضعیت اقامت	۹

جامعه آماری پژوهش متشکل از اتباع افغانستانی است که تجربه حضور در استان تهران را دارا می‌باشند. به منظور شناخت جامع نسبت به موقعیت اتباع افغانستانی در سطح استان تهران تلاش شده است تا در انتخاب نمونه‌های مصاحبه حداکثر تنوع در منطقه محل سکونت لحاظ شود. مناطقی که بیشترین تعداد مصاحبه‌شوندگان سکونت داشته‌اند شامل: ورامین، اسلامشهر، پیشوا، منطقه کن، دماوند، مناطق ۱، ۳، ۵، ۱۲، ۱۶، ۲۲ شهرستان تهران. بازه زمانی مصاحبه‌ها از حداقل ۴۵ دقیقه و حداکثر ۳ ساعت و ۱۵ دقیقه بوده است.

در اینجا باید تاکید کرد که با توجه به هدف این پژوهش، تعدد از واژه اتباع به جای مهاجران استفاده خواهد شد چراکه واژه مهاجر براساس اسناد بین‌المللی (گزارش سازمان جهانی مهاجرت ۲۰۲۱) به کسی اطلاق می‌شود که بیش از ۱۲ ماه در کشوری غیر از محل تولد خود زندگی نماید ولی در این پژوهش جامعه آماری در مقیاسی وسیع‌تر تنظیم شده و اتباع افغانستانی که کمتر از مدت یک سال در ایران حضور دارند هم پوشش داده شده‌اند. در انتخاب نمونه‌ها سعی شد براساس حداکثر گوناگونی^{۱۲} در نمونه‌ها از ۵ قومیت اصلی افغانستان (هزاره، پشتون، ازبک، تاجیک و قزلباش) استفاده شود. هم‌چنین به منظور تحلیلی جامع‌تر هر دو جنسیت مرد و زن در نمونه‌ها لحاظ شد و تنوع طبقاتی، تحصیلی افراد مورد تاکید محقق بوده است.

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش و یافتن نمونه‌های مرتبط با اهداف پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند ترکیبی^{۱۳} استفاده شده است. در این نوع نمونه‌گیری، محقق به ترکیب بیش از یک راهبرد نمونه‌گیری می‌پردازد (تدلی و تشکری ۱۳۹۵). براین اساس، ترکیبی از نمونه‌گیری‌های هدفمند شامل گلوله برفی و نمونه‌گیری ناهمگون با حداکثر تنوع استفاده شده است. به دلیل اینکه جمعیت مورد پژوهش دارای پراکندگی جغرافیایی است و در شناسایی نمونه‌ها با محدودیت‌های مختلفی مواجه خواهیم بود نمونه گلوله برفی می‌تواند راه حل منطقی برای یافتن نمونه‌های مناسب با اهداف تحقیق باشد. هم‌چنین با توجه به پارامترهای مورد نظر در هنگام جمع‌آوری داده‌ها، نمونه‌گیری هدفمند به عنوان راهکاری مناسب برای غریبال کردن افراد در جهت دست یافتن به اهداف پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

به دلیل حساسیت‌های موجود در خصوص جامعه مهاجران نمونه‌گیری گلوله برفی، نظری و هدفمند به کار گرفته شده است. یافتن نمونه‌های مرتبط با موضوع پژوهش در موضوعاتی که مخاطرات سیاسی و امنیتی برای گروه‌های آسیب‌دیده مانند پناهجویان را ممکن است به‌همراه داشته باشد فرایندی پیچیده و زمان‌بر است (کیل و برینکمن ۲۰۰۹). برای جمع

¹² maximum variation of sampling

¹³ Mixed purposive sampling

آوری بهتر داده‌ها دسترسی به افراد از طریق آشنایی اولیه با نمونه‌ها بوده و به تدریج افراد مشارکت کننده بر مبنای اهداف تحقیق مورد شناسایی قرار گرفته اند. بعد از انجام هر مصاحبه از مطلعین درخواست شد که با توجه به شناخت خود از اهداف و موضوع پژوهش، افراد دیگری را معرفی نمایند و این زنجیره مانند گلوله برفی که در مسیر خود و در طول زمان بزرگ‌تر می‌شود به گروه گسترده‌ای از پاسخگویان مبدل می‌گردد (بریمان ۲۰۱۶).

قابلیت اعتماد^{۱۴} یافته‌های پژوهش نیز به روش تماس طولانی با محیط پژوهش^{۱۵} و مشاهده مستمر در میدان تحقیق، تبادل نظر همتایان^{۱۶}، کفایت مراجع^{۱۷}، توصیف غنی^{۱۸} و تایید مشارکت‌کنندگان^{۱۹} مورد تایید واقع شد. تایید پایایی^{۲۰} (مریام ۲۰۰۹) تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه مطلوب، ثبت کامل رخدادها و پیاده‌سازی آنان انجام گرفت و مرحله تحلیل داده‌ها آغاز شد. در مرحله بعد داده‌های به دست آمده بر مبنای شباهت‌های مفهومی بر اساس سوالات کدگذاری و مقوله‌بندی شد و از روش تحلیل تماتیک^{۲۱} (شریر ۲۰۱۲) در ارائه تحلیل نهایی استفاده شد. در این پژوهش بعد از پیاده سازی مصاحبه‌ها و فایل‌های صوتی کدگذاری باز صورت گرفت و فهرستی از ایده‌های موجود در داده‌ها تهیه و کدهای اولیه استخراج شدند.

تحلیل تماتیک بر اساس استقرای تحلیلی است که محقق به دنبال طبقه بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای است که به یک سنخ شناسی برسد. در فرایند داده کاوی تحلیل مقایسه‌ای مداوم مصاحبه‌های در دستورکار قرار گرفت و تلاش شد تا ضمن استخراج نکات کلیدی دسته بندی‌های ابتدایی و موقت از کدهای اولیه صورت گرفت که بتدریج با توجه به انباشت نظری و مشاهدات میدانی مقولات محوری پژوهش به دست آمد. به منظور رعایت نمودن اخلاق^{۲۲} در پژوهش کیفی کلیه مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه بودن داده‌ها و حق کناره‌گیری در هر زمان از جریان مشارکت در تحقیق به تایید مشارکت‌کنندگان رسیده است. تمامی فایل‌های صوتی بعد از پیاده سازی و کدگذاری بر اساس اصول اخلاق در پژوهش و به منظور حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان از گوشی تلفن همراه محقق پاک شده است.

¹⁴ credibility or trustworthiness

¹⁵ prolonged engagement

¹⁶ peer debriefing

¹⁷ referential adequacy

¹⁸ external audit

¹⁹ member checking

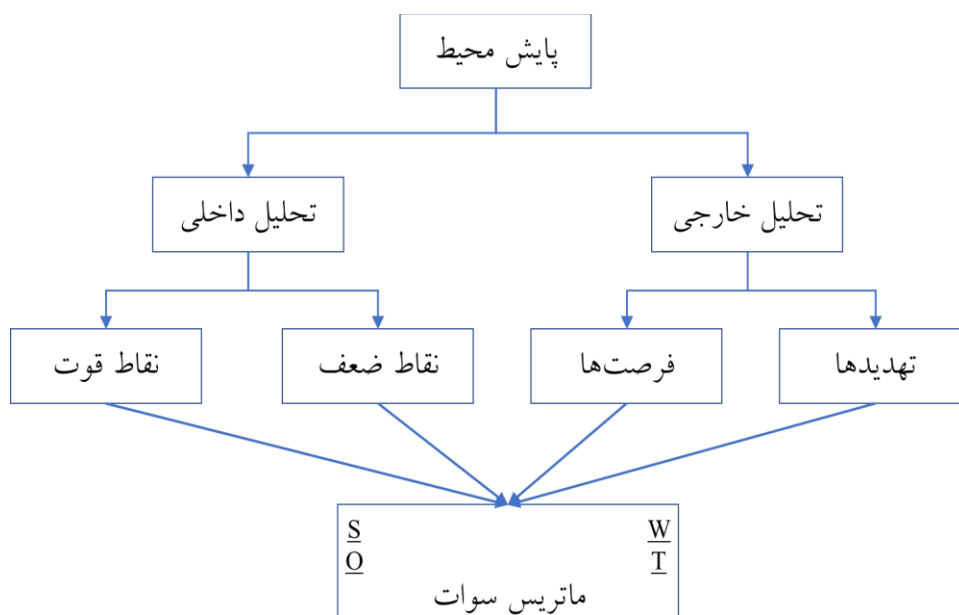
²⁰ dependability

²¹ thematic analysis

²² ethics

پس از اتمام مصاحبه و اجرای روش‌های تکمیلی سنجش صحت یافته‌ها و عینیت‌پذیری^{۲۳} داده‌ها با استفاده از روش‌های مختلفی چون بازنگری مشارکت‌کنندگان^{۲۴} برای تایید و اصلاح کدها، بررسی مکرر^{۲۵} در نمونه‌ها استفاده شد. برای به دست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از روش‌های بررسی توسط اعضا، مثلث‌سازی دیالوگ محور و بازبینی توسط همکاران پژوهش استفاده شد.

بعد از انباشت اطلاعات میدانی-اسنادی، در مرحله دوم از تکنیک تحلیل سوات (SWOT) به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش استفاده خواهد شد. تجزیه و تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف داخلی سیستم و فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از سیستم (سوات) از مهمترین فنون در فرایند برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک است (انجی و بلومرد ۲۰۱۵).



شکل ۳. چارچوب تکنیک تحلیل سوات

تکنیک تحلیلی سوات براساس داده‌های به دست آمده، عوامل موثر بر سیستم سازمانی را تبیین می‌نماید و یکی از کارآمدترین ابزارها برای تجزیه و تحلیل نظامند مدیریت سازمانی است. براساس تکنیک تحلیلی سوات، بعد از بررسی

²³ conformability

²⁴ member check

²⁵ prolonged engagement

های اولیه ماتریس چهارگانه ای از عوامل درونی و عوامل بیرونی موثر در وضعیت اتباع افغانستانی ساکن استان تهران تدوین می‌شود. ماتریس عوامل درونی شامل نقاط قوت (S^{26})، نقاط ضعف (W^{27}) سیاستگذاری های موجود را نشان خواهد داد؛ از سوی دیگر ماتریس دوم عوامل بیرونی مربوط به فرصت‌ها (O^{28}) و تهدیدها (T^{29}) را به تصویر خواهد کشید.

جدول ۲: جزییات مصاحبه متخصصان

<p>اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی استان تهران، معاونت علمی ریاست جمهوری، شهرداری تهران، امور بین الملل نهاد رهبری، وزارت بهداشت، سازمان امور دانشجویان، مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش، سازمان تامین اجتماعی، وزارت کار، سازمان بهزیستی، امور بین الملل چند دانشگاه در استان تهران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، اردوگاه سلیمانخانی</p>	<p>نهاد سیاستگذار</p>
<p>اساتید و محققین دانشگاهی در ایران، اساتید و محققین دانشگاهی در افغانستان (با سابقه به مهاجرت به ایران)، محققان مراکز تحقیقاتی در افغانستان همچون مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان و آکادمی علوم افغانستان</p>	<p>نهاد آکادمیک</p>
<ul style="list-style-type: none"> • انجمن های دانشجویان افغانستانی: ادا، ندا، دات، کانون آینده سازان وطن • سازمان های مردم نهاد: انجمن پویش، ایلپا، کیانا • سازمان های بین المللی درگیر در موضوع پناهندگان (اعضای سابق): کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، NRC، Relief International، DRC • ادمین گروه های فعال در امور مهاجران در فضای مجازی با تاکید بر اینستاگرام 	<p>نهادهای مدنی</p>

در مرحله سوم از طریق مصاحبه متخصصان^{۳۰} و همچنین برگزاری پانل خبرگان (پوپر ۲۰۰۸) با ۲۶ نفر از کارشناسان نهادهای مختلف که در جدول شماره ۲ ذکر شده است موارد به دست آمده ارزش گذاری شده و سپس ۴ استراتژی

²⁶ Strength

²⁷ Weaknesses

²⁸ Opportunity

²⁹ Threats

³⁰ expert interview

(تهاجمی، تدافعی، رقابتی و انطباقی) تعیین و در نهایت وضعیت راهبردها به منظور دستیابی به بهبود کارایی سیستم بر روی محور مشخص می‌شود.

جدول ۳. استراتژی‌های چهارگانه ماتریس سوات و نحوه تعیین آن

ضعف‌ها (W)	قوت‌ها (S)	
راهبردهای WO (حداقل-حداکثر): از بین بردن ضعف‌ها با استفاده از فرصت‌ها (راهبرد انطباقی)	راهبردهای SO (حداکثر - حداکثر): بهره‌برداری از فرصت‌ها با استفاده از قوت‌ها (راهبرد تهاجمی)	فرصت‌ها (O)
راهبردهای WT (حداقل-حداقل): کاهش ضعف‌ها با پرهیز از تهدیدها (راهبرد تدافعی)	راهبردهای ST (حداکثر-حداقل): جلوگیری از بروز تهدیدها با استفاده از قوت‌ها (راهبرد رقابتی)	تهدیدها (T)



فصل دوم

تهدیدها و فرصت‌های اتباع افغانستانی ساکن استان تهران:

ابعاد فضایی کالبدی-جمعیتی شناختی



یکی از مهمترین مواردی که در تحلیل موقعیت جامعه مهاجران راهگشاست بررسی توزیع و الگوی پراکندگی در استان تهران است. توزیع پراکندگی و ترکیب جمعیتی اتباع افغانستان در سطح استان تهران تابع امکانات و فرصت‌های شغلی استان‌ها و تابع ساختار اجتماعی و فرهنگی، و مجاورت با کشورهای مبدا مهاجران دارد و موقعیت استان تهران از آن جهت از اهمیت بسیار برخوردار است که علاوه بر ملاحظات امنیتی و استراتژیک پایتخت بودن، به تنهایی بیش از یک سوم اتباع غیر ایرانی در این استان سکونت دارند.



شکل ۴. نقشه استان تهران به تفکیک شهرستان‌ها (مرکز آمار ایران)

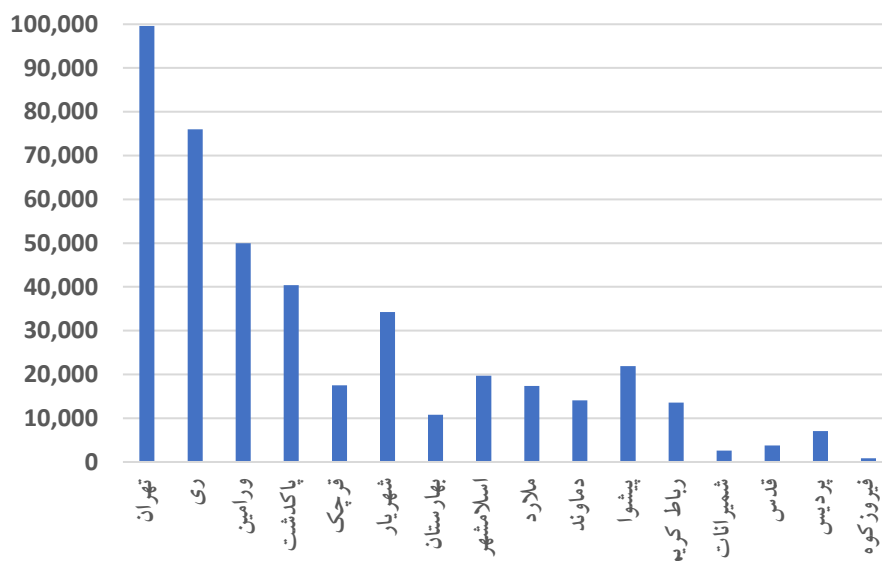
استان تهران با وسعت ۱۲۹۸۱ کیلومتر مربع با ۱۶ شهرستان^{۳۱}، ۳۳ بخش، ۴۵ شهر و ۷۸ روستا، از شمال به استان مازندران، از جنوب به استان قم، از جنوب غربی به استان مرکزی، از غرب به استان البرز و از شرق به استان تهران محصور شده است.

^{۳۱} تهران، ری، ورامین، پاکدشت، قرچک، شهریار، بهارستان، اسلامشهر، ملارد، دماوند، پیشوا، رباط کریم، شمیرانات، قدس، پردیس و فیروزکوه.

جدول ۴. اطلاعات جمعیتی استان تهران (بهار ۱۴۰۰)

سایر شهرستان‌ها	جمعیت شهر تهران (ری، تهران و شمیرانات)	جمعیت کل استان
۴.۱۳۳.۱۴۸	۹.۱۳۴.۴۸۹	۱۳.۲۶۷.۶۳۷

اگرچه دسترسی به آمار اتباع دارای مدارک هویتی (کارت آمایش، گذرنامه عادی، گذرنامه خانواری، کارت تردد) نیز به سختی صورت گرفته است و اما تخمین تعداد اتباع فاقد مدرک به مراتب پیچیده‌تر است و رقمی بیش از ۷۷۰ هزار نفر را در بر می‌گیرد.^{۳۲}



نمودار ۱. پراکندگی جمعیتی اتباع افغانستانی دارای مدرک هویتی در استان تهران (براساس طرح آمایش ۱۵)

مهمترین تهدید امنیتی حضور اتباع افغانستانی در کل کشور و به طور خاص در استان تهران، "حضور اتباع فاقد مدرک" است. بسیاری از مهاجران به دلیل بالا بودن هزینه دریافت ویزا و هزینه سفر هوایی به ایران از مسیر غیررسمی وارد کشور

^{۳۲} مصاحبه با اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی تابستان ۱۴۰۰

شوند. بعد از تحولات سیاسی تابستان ۱۴۰۰ و قدرت‌گیری طالبان در نظام سیاسی افغانستان بعد از خروج نیروهای غربی از این کشور سیاست رسمی ایران بسته نگاه داشتن ورودی‌های قانونی مرزهای شرقی بوده است اما بررسی‌های میدانی و گزارشات رسانه‌ای نشان می‌دهد که بازار افغانی‌کشی به صورت گسترده تری در جریان است و افراد فاقد مدرک هویتی که از شرایط پیش‌آمده در افغانستان فرار می‌کنند به انحاء مختلف در حال ورود غیرقانونی به ایران هستند و از آنجا که مراکز اسکان رسمی از سوی دولت ایران مشخص نشده است این افراد به محض ورود به داخل خاک ایران خود را به نزدیکترین شبکه داخل کشور می‌رسانند که استان تهران به دلیل تجمع اتباع افغانستانی و شکل‌گیری شبکه‌های خویشاوندی سترگ، از مهمترین مقاصد این افراد می‌باشد. از منظر اقتصاد سیاسی، ورود و خروج غیرقانونی مهاجران افغانستانی از مرزهای شرقی نه فقط محمل آسیب‌های اجتماعی-امنیتی است بلکه نیروی محرکه کلیدی در اقتصاد زیرزمینی مناطق مرزنشین است.

زند رضوی (۱۳۹۹) تجارت افغانی‌کشی را که به معنای ورود غیرقانونی هر کارگر روزمرد از کشور افغانستان تا رسیدن به مقصد برای فروش نیروی کار می‌داند مولد چرخش مالی انبوهی می‌داند که به فریب شدن شبکه‌های مافیایی در بازه "اخراج از مرز قانونی و ورود غیرقانونی" منجر شده و در سال ۱۳۹۵ سالانه حداقل ۶۰۰ میلیارد تومان گردش مالی برای آن تخمین زده شده است. کارگزاران این شبکه که مصداق بارز قاچاق انسان است شامل صاحبان سرمایه در کشورهای فرستنده، رانندگان فوق حرفه‌ای، راه‌بلدها، راه‌پاک‌کن‌ها، رابطه‌ها، کارفرمایان در کشور مقصد و ماموران دولتی است و در این فرایند مجموعه وسیعی از فساد و بزه در جریان است.

تأثیرات حضور جمعیت مهاجر در تغییر بافت کالبدی جامعه میزبان

الگوهای مهاجرت در میان اتباع افغانستانی مردگزين است که بیانگر حضور بیشتر مردان افغانستانی در ایران است. اگرچه در سال‌های اخیر مهاجرت‌های انفرادی در میان دختران افغانستانی افزایش یافته است و همانطور که داناتو و همکاران (۲۰۱۱) اشاره می‌کنند الگوهای مهاجرت به تدریج به سمت تعادل جنسیتی^{۳۳} حرکت می‌کند. اگرچه مهاجرت تحصیلی دختران افغانستانی به ایران افزایش یافته است اما همچنان غالب حرکت‌های مهاجرتی به سمت ایران یا به صورت مهاجرت انفرادی مردان جویای کار است یا در قالب‌های خانواری و دسته جمعی.

یکی از مهمترین شاخصه‌های ساختار جمعیتی مهاجران ساکن استان تهران جوان بودن است به طوری که بر اساس داده‌های سرشماری مسکن و نفوس (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) حدود ۴۶ درصد مهاجران افغانستانی زیر ۲۰ سال و حدود ۶۷ درصد آنان زیر ۳۰ سال سن داشته‌اند. از سوی دیگر بالا بودن نرخ باروری و غلبه سنت بر الگوهای باروری است. هر چند همانطور که عباسی و صادقی (۱۳۸۸) اشاره می‌کنند بستر اجتماعی و فرهنگی زیست شهری و کلانشهری ایران امروز بر الگوهای باروری نسل جدید مهاجران تأثیر مستقیم گذاشته و همگرا با نرم‌ها و هنجارهای رفتاری جامعه ایران تغییر یافته است. این مسئله با افزایش سطح طبقاتی و پایگاهی افراد روند پر قدرت تری به خود می‌گیرد.

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته در این پژوهش با متخصصان، یکی از مهمترین نگرانی‌های دستگاه سیاستگذار در خصوص ورود و اسکان اتباع غیرایرانی، "تغییر هرم سنی، جنسی و مذهبی" مناطق مختلف استان تهران می‌باشد به نوعی که در برخی مناطق استان تهران بافت محله‌ای با غلبه ساکنان مجرد مرد، غلبه سکونت اهل تسنن و یا غلبه ملیتی و حضور حداکثری اتباع افغانستانی مواجه است که بافت کالبدی محلات را دستخوش تغییر نموده است.

تغییر بافت جمعیتی در برخی مناطق در استان‌های مرزی همواره از پیامدهای امنیتی افزایش حضور اتباع غیرایرانی در کشور بوده است (علی‌پور و همکاران ۱۳۹۶) اما در سال‌های اخیر در برخی مناطق استان تهران نیز این الگو در حال شکل‌گیری و افزایش است. اگرچه هنوز داده رسمی و قابل استنادی از سوی نهادهای زیربند منتشر نشده است اما بررسی‌های میدانی تیم تحقیقاتی نگارنده نشان می‌دهد که در برخی مناطق استان تهران به ویژه منطقه کن، کهنک (پیشوا) و رامین و اسلامشهر سرعت این امر بالا است. در مصاحبه متخصصان با برخی از نهادهای مرتبط با موضوع اتباع افغانستانی، "تغییر ترکیب جمعیتی و به ویژه مذهبی" در مناطق استان یکی از مهمترین بسترهای تهدید بیان شده است.

³³ shift toward gender balance

اگرچه ایماژ جمعیت مهاجران ساکن در ایران با کلیشه "افغانی هزاره شیعی" برساخت شده است اما داده های غیررسمی نشان می دهد که در دهه اخیر جمعیت مهاجران قومیت تاجیک، ازبک، پشتون و قزلباش افزایش داشته است و لزوماً دیگر نمی توان جمعیت مهاجران افغانستانی را در قالب "برادران شیعی" تقلیل داد. نکته مهم دیگری که باید به آن توجه داشت اینکه بسیاری از اتباع افغانستانی به ویژه در دهه ۸۰ شمسی به دلیل انتفاع از حمایت دولت میزبان، در سرشماری های صورت گرفته عمدتاً قومیت خود را هزاره اعلام کرده اند در حالیکه در موارد متعدد خلاف آن بوده است؛ فلذا در برخی مناطق شهری و روستایی استان تهران جمعیت اهل تسنن به دلیل فرجه شدن جامعه مهاجران افغانستانی از جمعیت ایرانیان شیعی ساکن پیشی گرفته است.

این تغییر ترکیب جمعیتی به سمت افزایش تعداد مردان مجرد در برخی مناطق استان تهران دیده می شود. پردیس و پرنده از جمله مناطقی هستند که به دلیل تجمع مراکز ساختمانی و کارخانه ای و به سبب اشتغال رسمی و غیررسمی جمعیت بالایی از مردان افغانستانی مجرد شاهد این مسئله هستند که از سوی مصاحبه شوندگان به عنوان یکی از بسترهای تهدید بیان شده اند.

البته باید توجه داشت که در بحث تغییر ترکیب جمعیتی در مناطق حاشیه ای در شهرهایی مثل تهران مهاجر بودن ساکنان جدید تنها یک مولفه تاثیرگذار است و در تحلیل زیربنایی باید اشاره داشت که این مناطق عمدتاً به دلیل فرسودگی کالبدی و به دلیل ضعف بنیان های اجتماعی و زیست محیطی و اقتصادی بتدریج از ساکنان بومی خالی شده و با طبقه فرودست کم درآمد - که مهاجران افغانستانی عمدتاً در این طبقه قرار می گیرند - جایگزین شده اند. پایین بودن هزینه اجاره مسکن، مشکلات مالی ناشی از افزایش قیمت هزینه های تمدید وضعیت، بالا بودن نرخ خانوار در جامعه افغانستانی ساکن استان تهران، دسترسی راحت تر به امکانات شغلی زیر زمینی در فعالیت های یدی و خدماتی که در نتیجه تمایل کارفرمایان ایرانی در به کارگیری نیروی کار ارزان قیمت فاقد مدرک است از جمله مهمترین دلایل کشش کالبدی این مناطق است. نصرافهانی (۱۳۹۷) به درستی اشاره می کند که کارفرمایان ایرانی یکی از مهمترین عواملی هستند که سیاست های رسمی جمهوری اسلامی را به سمت غیررسمی نگه داشتن اتباع غیر ایرانی سوق می دهد چرا که هرچقدر نیروی کار فاقد مدرک و در موقعیتی متزلزل باشد امکان استثمار بیشتری وجود دارد. اگرچه این امر منافع اقتصادی را به سمت کارفرمایان خواهد داشت اما قطعاً یکی از مهمترین پویش های تهدیدزای حضور اتباع افغانستانی در ایران خواهد بود چراکه هرچقدر زیست غیررسمی اتباع غیرایرانی افزایش یابد امکان کنترل گری امنیتی و اجتماعی نیز بشدت کاهش می یابد و تبعات جبران ناپذیری به همراه خواهد آورد.

زیست غیررسمی مهاجران و تشدید حاشیه نشینی در کلانشهر تهران

براساس داده‌های میدانی این پژوهش یکی از مهمترین شاخص‌های زندگی بیش از چهار دهه‌ای مهاجران افغانستانی در ایران "زیست غیررسمی به عنوان شیوه متداول زندگی در ایران" است که در مقابل "به رسمیت شناختن"^{۳۴} شکل گرفته است. این شیوه زندگی در جریان چندین دهه حضور صورت بندی عمیق و قدرتمندی به خود گرفته و نه تنها به افراد امکان تداوم حیات می‌دهد بلکه در چرخه‌ای از فرایندهای غیررسمی دائماً بازتولید می‌شود و در راستای "نامری بودگی مهاجران" عمل می‌کند. این شیوه زندگی تاحدی با "جنبش تهی دستان و سیاست‌های خیابانی" قرابت مفهومی دارد که آصف بیات (۱۳۹۸) در خصوص طبقه فرودست ایران در دهه پنجاه و شصت شمسی به کار می‌برد.

از منظر جغرافیایی و کالبدی، بیشتر تمرکز مطالعات بر اسکان غیررسمی در استان تهران بوده است (علاالدینی و میرزایی ۱۳۹۷) اما به نظر می‌رسد این شیوه از زندگی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و امنیتی فربه تری دارد. زیست غیررسمی با مفاهیمی همچون زیست پنهان، زیست سیاه، زیست زیرزمینی و زیست موازی مترادف است و برای توصیف فرم‌های ناامن و مستور از زندگی روزمره استفاده می‌شود و در حواشی و پسرانه‌ای استان تهران به وفورد دیده می‌شود. این شیوه از زندگی تقویت کننده اقتصاد غیررسمی است که مشاغلی همچون زباله گردی و یا افغانی کشی را پوشش می‌دهد. براساس یافته‌های پژوهش پیش رو، "گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی"، "گسترش حاشیه نشینی"، "شکل‌گیری و تقویت گتوهای ملیتی/قومیتی" و شهرک‌های اقماری از مهمترین تهدیدهای تراکم جمعیتی اتباع فاقد مدرک در شهرستان‌های استان تهران است.

بهشته متولد بادغیس است و در سن یک سالگی با پدر و مادر و سه برادر دیگرش از مرز بلوچستان به ایران مهاجرت کرده‌اند و در سن ۳۵ سالگی دخترش بنفشه با پسری ایرانی ازدواج کرده است. نمونه‌ای از روابط تنگاتنگ بین دو ملت که نشان می‌دهد ظهور نسل جدید مهاجران ادبیات مهاجرت را با تغییرات مفهومی گسترده‌ای مواجه ساخته است. از نظر بهشته افغانستانی بودن یعنی "همچون سایه زیستن" و "طرف حساب قرار نگرفتن" و بر "خلاقیت افغانستانی‌ها در یافتن راه در رو" تاکید می‌کند. مکانیسمی که می‌توان آن را "نبوغ بقا" نامید:

³⁴ recognition

به جز چند سالی در اوایل انقلاب که از کوپن ارزاق بگیر تا مدرسه و احترام در سطح شهر، مهاجران افغانستانی وضعیت خوبی داشتند به تدریج فشارها بر ما زیاد شده است. به هر حال شاید کشور ایران هم حق دارد و با این همه مشکلات اقتصادی که مردم خودش گرفتارش هستند ما مهاجران هم بار اضافه هستیم. ولی طی این سال‌ها مهاجران یاد گرفته‌اند که چطور گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند. حق داشتن سیم کارت^{۳۵}، حساب بانکی^{۳۶} و کارت عابر بانک نداریم ولی اکثرا به طریقی کارت بانکی داریم یا از دوستان ایرانی گرفته‌ایم و یک حق الزحمه‌ای بهشان می‌دهیم یا مرامی به ما دادند. اگر قیافه هزاره نداشته باشی به راحتی سفر می‌روی و حق تردد و رفتاری‌های اجازه تردد گرفتن را دور می‌زنی. آن جمعیتی هم که کارت آمایش یا گذرنامه و کارت تردد ندارند هم که نور علی نور. همچون سایه در شهر می‌چرخند و عملاً کسی نمی‌تواند بفهمد چه می‌کنند. ولی از طرف دیگر این نوع زندگی باعث شده حق و حقوقی هم نداشته باشیم و اگر مشکلی پیش بیاید جایی نباشد که تظلم خواهی کند. وقتی مدرکی نداری اگر چه به خیلی از امکانات دسترسی نداری ولی از یک جنبه‌هایی راحت تری. خطایی هم از تو سر بزند مبصر نداری، چه کسی می‌فهمد که تو کی هستی و بابا نه ات کی هستند. خیلی از مهاجران از قوانین ایران باخبر نیستند، یعنی جایی نبوده که به آنها آموزش داده باشند. از طرف دیگر قوانینی هم که هست دائما تغییر می‌کند و مثلا مدارکی که با آن در سال قبل می‌توانستی رسمی و کارت دار بشوی الان عوض شده و یکسری پیش شرط‌هایی می‌خواهد که زمانش را از دست داده‌ای. در نتیجه بسیاری از مهاجران عطای قانونی و رسمی شدن را به لقایش می‌بخشند. کارگاه‌های بازار سیروس، خیابان مولوی، هرنای از جمله مهمترین مقاصد نیروی کار ارزان قیمت است. خیلی از کارفرماها برای رقابتی بودن بازار و سیطره کالاهای چینی تمام تلاششان را می‌کنند که دستمزد کارگر را پایین بیاورند و از سوی دیگر از افراد بیگاری بیشتری بکشند. کارگر افغانستانی بدون مدرک بهترین گزینه است چون انگار صاحب ندارد، هر بلایی که بخواهی می‌توانی سرش بیاوری. از طرف دیگر اخلاق و پشتکار و وجدان کاری مهاجران افغانستانی هم معروف شده و این باعث می‌شود کارفرما بیشتر اعتماد کند.

گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی به مثابه پیامد مستقیم اقتصاد سیاسی نئولیبرال و گسترش شهرنشینی، به بازتولید شدن پرولتاریای غیررسمی می‌انجامد. "گسترش اقتصاد زیرزمینی"، "کاهش کنترل گری اجتماعی"، "افزایش آسیب‌های اجتماعی" و "افزایش تمایلات قانون‌گریزانه" از بدیهی‌ترین نتایج امنیتی زیست غیررسمی اتباع غیر ایرانی در استان

^{۳۵} براساس آیین‌نامه اجرایی اداره اتباع وزارت کشور (۱۳۹۸) هر فردی که بیمه تامین اجتماعی شود توسط سازمان تامین اجتماعی و اداره اتباع دو سیم کارت رایگان تحویل می‌گیرد.

^{۳۶} رجوع شود به پیوست شماره ۴.

تهران است. سیاست‌های کلان مبتنی بر طرد مهاجران و موقتی انگاشتن مزم^{۳۷} حضور این گروه در کنار واکنش‌های احساسی و بعضاً غیر انسانی جامعه میزبان در طرد و تحقیر اتباع افغانستانی منجر به شکل‌گیری و تقویت عصبیت‌های قومیتی-مذهبی و ملیتی در میان خود مهاجران شده است و به شکل‌گیری جزیره‌های متعدد و گسسته بدون ارتباط سازنده با جامعه ایران انجامیده که این امر در درازمدت عواقب امنیتی و اجتماعی گسترده‌ای خواهد داشت.

تلاش در جهت قانونی شدن حضور مهاجران و از بین بردن زیست غیررسمی مهاجران به عنوان گفتمان مسلط در چهار دهه گذشته، در راستای برخورداری از حداقل امکانات به افزایش سطح همبستگی اجتماعی و بالاتر رفتن ضریب امنیتی جامعه خواهد انجامید. "ناپایداری و عدم ثبات در قوانین و مقررات مربوط به حوزه اتباع خارجی"، "ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی"، "پایین بودن اعتماد اجتماعی جامعه مهاجران نسبت به دستگاه سیاستگذار کشور میزبان"، "عدم اطلاع از قوانین و مقررات از سوی جامعه مهاجران"، "ناکارآمدی و فقدان ضمانت اجرایی مقررات موجود" از مهمترین عوامل تشدید کننده قانون‌گریزی در میان اتباع افغانستانی ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی است؛ امری که قابل تعمیم به کلیه ابعاد زیستی جامعه مهاجران در سطح کشور است.

یکی دیگر از نتایج مهم این شیوه زندگی "سازگاری منفعلانه" و "بی مسئولیتی اجتماعی" در میان مهاجران نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه میزبان است که تهدید جدی برای منافع ملی خواهد بود. مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیش زمینه مهمی برای رفتارهای اجتماعی مطلوب است. براساس نظریه از خود بیگانگی سیمن (۱۹۵۹) در مرحله احساس انزوای اجتماعی افراد بر اثر عدم احساس تعلق اجتماعی فرد به بی‌سازمانی اجتماعی می‌رسد؛ موقعیتی که نهادهای اجتماعی که نقش کنترل اجتماعی را بر عهده دارد (همچون خانواده و مدرسه) فاقد کارکردهای لازم می‌شوند که پتانسیل شکل‌گیری رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه را دارد. بی‌سازمانی اجتماعی به معنای کاهش تاثیر قواعد اجتماعی موجود بر رفتار اعضای گروه است خود کنترلی اجتماعی پایین و گرایش به پیوند با خرده فرهنگ کج رو را به دنبال دارد. کاهش تعلق اجتماعی به کاهش سطح همبستگی اجتماعی و ملی، تعهد نسبت به جامعه منجر می‌شود (خجسته نژاد و همکاران ۱۳۹۶).

³⁷ prolonged temporariness

زیست غیررسمی مولد جزایر محصور ملیتی

سیاست‌های کلان مبتنی بر طرد سازی مهاجران و موقتی انگاشتن حضور این گروه در کنار واکنش‌های جامعه میزبان مبنی بر عدم پذیرش مهاجران منجر به شکل‌گیری و تقویت عصبیت‌های قومیتی-مذهبی و ملیتی در میان خود مهاجران شده است به نوعی به شکل‌گیری جزیره‌های متعدد و گسسته بدون ارتباط سالم با جامعه ایران انجامیده که این امر در درازمدت عواقب امنیتی و اجتماعی گسترده‌ای خواهد داشت.

دلایل متعددی همچون رویکرد طرد کننده جامعه میزبان در قبال مهاجران، تبعیض و احساس حرمان در میان مهاجران و شکست فرایند ادغام در جامعه جدید به شکل‌گیری و گسترش "جزیره‌های قومیتی"^{۳۸} و گتوهای^{۳۹} (تک افتادگی) مهاجران منجر می‌شود که با چیرگی عصبیت‌ها شبه قبیله‌ای^{۴۰} و جدایی‌گزینی اجتماعی^{۴۱}، قومیتی و فضایی همراه است. در خصوص اتباع افغانستانی ساکن استان تهران این جدایی‌خواهی کالبدی و فعالیت در تشکیلات غیررسمی اقتصادی هم از سوی جامعه مهاجران دنبال می‌شود و هم از سوی جامعه میزبان ترغیب می‌شود.

دلایل اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و اجتماعی متعددی این شیوه اسکان را تشدید می‌نماید. یکی از عمده ترین شباهت گتو شهرهای غربی با زاغه‌های حاشیه‌ای جهان سوم مسئله "محرومیت" است که این دو شکل زیست را شبیه می‌نماید. شغل‌های کاذب، درآمد پایین، سطح پایین سواد، سطح دسترسی بهداشتی درمانی نازل، پایین بودن استاندارد فضاهای سکونت، بالا بودن جرم و بزه، بالا بودن نرخ زاد و ولد و بالا بودن اختلالات روانی و پرخاشگری از خصوصیات بارز این شیوه زیستی است.

در تبیین الگوهای رفتاری مهاجران و چالش‌های فرایند هویت‌یابی گروه هدف اتخاذ رویکردهای میان رشته‌ای راهگشا خواهد بود. اگرچه نظریه از خودبیگانگی ملوین سیمن (۱۹۵۹) در بستر فکری روانشناسی اجتماعی شکل گرفته اما در تبیین احساسات افراد در مواجهه با خود و جامعه کاربرد دارد. تمرکز این نظریه بر موقعیت‌های فرودستی است که فرد را به کنش منفعلانه و بعضاً ناسازگارانه سوق می‌دهد و با جریان کلی جامعه^{۴۲} احساس بیگانگی کرده که به صورت بازنمایی می‌شود:

³⁸ ethnic enclaves

³⁹ ghettoization

⁴⁰ tribal-like loyalties

⁴¹ social separation

⁴² mainstream



شکل ۵. نظریه بیگانگی اجتماعی سیمن

احساس بی قدرتی^{۴۳} (باور فرد بر اینکه قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نیست و کنش و شرکت او هیچ تاثیری در تعیین مسیر وقایع ندارد)، احساس انزوای اجتماعی^{۴۴} یا بیگانگی از جامعه مرحله‌ای از هویت است که به دلیل عدم اعتقاد به سیستم پاداش اجتماعی در فرد شکل می‌گیرد و در آن احساس عدم تعلق و انفصال بنیادین با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، در خود فرو رفتگی و حاشیه‌ای شدن را تجربه می‌کند. این مرحله در تقویت بی‌مسئولیتی اجتماعی تاثیرگذار است. احساس بیهودگی یا بی معنایی^{۴۵} به از خود بیگانگی می‌انجامد؛ موقعیتی که فرد در عقاید خود دچار تردید و شبهه شده، بنیان‌های فکری‌اش متزلزل می‌شود و قدرت تصمیم‌گیری را از او سلب می‌شود، در نتیجه ارتباط سازنده‌ای را با جامعه نمی‌تواند شکل دهد. این احساس در بستر مهاجرت با مفهوم آشفتگی هویتی و یا سردرگمی هویتی قابل تحلیل است. احساس خودبیزاری^{۴۶} در نتیجه عدم بهره‌وری و احساس ارزشمندی به فرد منتقل می‌شود. ناتوانی در تولید اثری مطلوب، نداشتن کارایی و بازدهی در عرصه اجتماع فرد را به این احساس مخرب هویتی می‌کشاند. این مرحله پتانسیل خوبی برای تحلیل یافته‌های پژوهش در بخش حرمان و تبعیض ساختاری مهاجران دارد.

⁴³ feelings of powerlessness

⁴⁴ feelings of social isolation

⁴⁵ feelings of meaninglessness

⁴⁶ feelings of self-estrangement

احساس بی‌هنجاری^{۴۷} نیز اقتباسی از وضعیت آنومی است که دورکیم مطرح کرده وضعیت فکری و ذهنی است که فرد به کنش‌هایی متمایل می‌شود که مورد تایید جامعه نیست و تنها مسیر بقا و تداوم را در حرکت کردن برخلاف ارزش‌های جامعه می‌بیند. مسدود بودن راه‌های مشروع رسیدن به اهداف پذیرفته شده جامعه برای گروه‌ها و اقشاری از جامعه تولید فشار اجتماعی می‌کند.

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته قوم هزاره با توجه ویژگی‌های ظاهری که پورکایاستا (۲۰۰۵) از آن به "دیگری‌پنداری نژادی"^{۴۸} یاد می‌کند با تبعیض مضاعفی در سطح مدرسه و جامعه مواجه است. سمبل‌های ظاهری مثل حجاب، رنگ پوست، تیرگی مو و یا حالت چهره مهاجران همواره به عنوان مظاهر تقویت‌کننده به حاشیه رانده شدن و کاهش ادغام هستند (تلس ۲۰۱۴).

براساس یافته‌های پژوهش میدانی سعیدی (۱۳۹۹ ج) که در خصوص فرایند هویت‌یابی دانش‌آموزان افغانستانی در نهاد آموزش و پرورش ایران انجام داده است هراندازه دل‌بستگی مهاجران به انجمن‌های زادگاهی قوی‌تر بود شانس ادغام عاطفی آن‌ها در جامعه میزبان کاهش می‌یافت. جدایی‌گزینی‌های اجتماعی-فضایی زمینه‌های لازم را برای کاهش تماس‌های بین طبقاتی و افزایش تماس‌های درون‌طبقاتی در جامعه فراهم می‌سازد. این جدایی‌ها زمینه‌ساز کم‌رنگ شدن هویت فردی شهروندان، کاهش تعاملات بین طبقه‌ای، کاهش منزلت اجتماعی، تقسیم‌نکردن متعادل خدمات، بروز آسیب‌های اجتماعی متعدد به ویژه در مناطق محروم، کند شدن آهنگ رشد اقتصادی و در نهایت تشدید نابرابری‌ها و شکاف‌های فضایی بین مهاجران و سایر گروه‌های ساکن در شهر می‌شود.

تمرکز مکانی مهاجران در مناطق خاص و جداسازی محل سکونت را "نژادپرستی اجتماعی"^{۴۹} نام نهادند. تنفر نژادی نسبت به مهاجرین به عنوان "دیگری‌های تازه وارد" که از نظر قومیت، نژاد و زبان "نامتجانس" با جامعه هستند در مطالعات محققین متعددی بیان شده است که مهاجران را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به جدایی‌گزینی فضایی^{۵۰} که وندرلان بومادف (۲۰۰۷) از آن به انزوای غیرداوطلبانه یاد می‌کند می‌کشاند. در برخی موارد این جزیره‌های قومیتی به تشدید استیگما در جامعه و بدنام‌سازی قلمرویی^{۵۱} (به عنوان نمونه ایماژ منطقه هرنندی در تهران و منطقه یبر و قوه در ورامین) منجر می‌شود. این بدنام‌شدن محلات بر احساس امنیت ذهنی شهروندان، ارزش اقتصادی محله تاثیر مستقیم می‌گذارد.

⁴⁷ feelings of normlessness

⁴⁸ racial otherness

⁴⁹ socially-sanctioned racism

⁵⁰ spatial segregation

⁵¹ territorial stigmatization

در پژوهش کیفی توبر (۲۰۰۷) در خصوص مهاجران افغانستانی در اصفهان، از نظر شهروندان ایرانی "بزرگترین مشکل بهداشتی تعداد زیاد افغانی" است و همراستا با این مطالعه، در پیمایش نصر اصفهانی (شرق ۱۳۹۹) در حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان^{۵۲} افغانستانی‌ها را متعلق به نژادی دیگر می‌دانند، ۲۸ درصد از افراد مشارکت‌کننده ازدواج میان ایرانی و افغانستانی را عامل "آلودگی نژادی" می‌دانند و ۴۴ درصد از تهرانی‌ها با جداسازی فضایی مهاجران موافق هستند که به نوعی به نظر می‌رسد در مواردی جامعه میزبان با نگاه سلسله مراتبی و با منش فاصله گرفتن^{۵۳} درصدد تمایزسازی و نگاه سلسله مراتبی بر دیگران است.

تلاش در جهت قانونی شدن حضور مهاجران در راستای برخورداری از حداقل امکانات به افزایش سطح همبستگی اجتماعی و بالاتر رفتن ضریب امنیتی جامعه خواهد انجامید. دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، شفافیت وضعیت حقوقی و اقامتی، به رسمیت شناخته شدن توانمندی و خلاقیت آموزشی و مهارتی فارغ‌التحصیلان افغانستانی به تقویت مشارکت مهاجران در توسعه همبستگی اجتماعی می‌انجامد. این در حالیست که تجربه بیش از ۴ دهه حضور مهاجران در ایران عملاً به طرد و به حاشیه راندن این جمعیت در زیست‌فرودستانه انجامیده است.

شکل‌گیری و تشدید ناسازگاری هویتی میان مهاجران با جامعه میزبان به تغییر دامنه تعلق افراد از سطح کلان (جامعه ایرانی) به عصبیت‌های گروهی و قومیتی، از بین رفتن پیوندهای اجتماعی افراد به جامعه میزبان، تقویت تمایلات فردگرایانه، افزایش ناهنجاری‌های روانی-رفتاری و بزه و در نتیجه کاهش اخلاق شهروندی می‌انجامد.

زیست‌غیررسمی مهاجران را می‌توان بازی دو سرباخت خواند. از یکسو این شیوه زندگی برخلاف منافع ملی درازمدت کشور میزبان خواهد بود چراکه کنترل‌گری اجتماعی را پایین می‌آورد و امکان رصد فعالیت‌های افراد از بین می‌رود و همچنین تربیت سرمایه انسانی (در راستای سفیر فرهنگی مورد نظر در اسناد بالادستی) کاملاً مغفول می‌ماند چراکه افراد صرفاً در جستجوی راهی برای بقا مسیرهای غیررسمی را تجربه می‌کنند که قابل مشاهده و تحلیل نیست. از سوی دیگر این شیوه زندگی به موقعیت پادروایی و متزلزل مهاجران دامن زده و مسیری بدون چشم انداز روشن را در برابر افراد قرار می‌دهد که این احساس نامرئی بودن و دیده نشدن به دلزدگی و ناکامی کنشگران منجر می‌شود و سرمایه انسانی تولید شده در بستر نهاد آموزش به هدر می‌رود.

^{۵۲} حجم نمونه: ۱۱۲۸ نفر

^{۵۳} pathos of distance

بی شک تشدید کنترل‌های مرزی به منظور اشراف بر ورود و خروج از مرزهای شرقی و رسمی کردن حداکثری حضور مهاجران مناسب‌ترین استراتژی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با پروبلماتیک مهاجرت است. توجه به مختصات این زیست غیررسمی یکی از مهمترین وظایف دستگاه سیاستگذار است چراکه فربه شدن این گروه‌های سیال که خارج از نهادهای رسمی دست به فعالیت می‌زنند و به تدریج قدرت شبکه سازی، سازمان‌دهی و بسیج شدن می‌یابند می‌تواند "زهدانی برای تغییرات نوین" (گرامشی ۱۹۷۱) مبدل شود چراکه احساس تهدید مشترک به بسیج شبکه‌های منفعل منجر خواهد شد.



فصل سوم

تهدیدها و فرصت‌های اتباع افغانستانی ساکن استان تهران:

ابعاد فرهنگی



نهاد آموزش مهمترین بستر فرهنگی فرصت آفرین در بحث اتباع غیرایرانی در کشور می باشد. مدرسه در کنار خانواده رکن اصلی شکل دهنده به شخصیت کودکان و نوجوانان و نقش آفرین اصلی فرایند جامعه پذیری آنان محسوب می‌شوند و محوری‌ترین بستر آموزشی در زندگی یک کودک است که با تحولات اساسی در ذهن، رشد عقلی و عاطفی و نگرش افراد همراه است و به عنوان مهمترین عامل تکوین شناختی و اجتماعی انسان بر تعریف فرد از خود و جامعه تأثیرات عمیقی می‌گذارد. آموزش و پرورش یک فعالیت معطوف به آینده و درازمدت است و به ازای هر مبلغی که دولت در بهبود کیفیت آموزش کودکان هزینه می‌کند تاثیر بلند مدت حاصله از فقر زدایی آموزشی بیشتر از هر ریال هزینه‌کرد دولت به جامعه باز می‌گردد.

مدرسه اولین بستر آغاز فرهنگ پذیری در مهاجر است (ژانگ ۲۰۰۸) و کشورهای مختلف سرمایه گذاری عظیمی در بخش آموزش و پرورش مهاجران زیر ۱۸ سال انجام می‌دهند چراکه در نگاهی درازمدت این امر به انباشت سرمایه انسانی و تربیت نیروهای توانمند در جهت منافع ملی خواهد بود. حتی در کشورهای میزبانی که سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای در قبال مهاجران اعمال می‌کنند، مسئله آموزش به کودکان صرفنظر از وضعیت اقامتی (مهاجر، پناهنده و یا پناهجو) خدمات آموزشی ارائه می‌شود چراکه آموزش به عنوان یک خیر جمعی، نه تنها به رشد فردی جامعه مهاجران کمک خواهد کرد بلکه در تربیت افراد در جهت ارزش‌ها و هنجارهای جامعه میزبان نیز موثر است.

به عنوان مثال کشور آلمان علیرغم اینکه یکی از مهمترین مقاصد مهاجران خاورمیانه‌ای محسوب می‌شود اما یکی از سخت‌گیرانه‌ترین سیاست‌های مهاجرتی را (در امر ویزا، اقامت و تابعیت) در جهان داراست اما برنامه‌های گسترده آموزشی، مشاوره‌های روان‌شناختی، تسهیلات بهداشتی و پزشکی را در جهت سلامت روان و جسم مهاجران اجرایی می‌کنند تا افراد جدیدالورود براساس نیازمندی‌های جامعه میزبان تربیت شده و به‌عنوان سرمایه در جامعه مورد استفاده قرار گیرند. طبق قوانین پناهندگی آلمان، فرد زیر ۱۸ سال اخراج نمی‌شود مگر اینکه والدین او در کشور مبدأ به فرد دیگری یا یکی از سازمان‌های حفاظت از کودکان به‌صورت کتبی اجازه داده باشد تا فرد را بعد از اخراج تحویل گرفته و از او مراقبت کند. اداره رفاه جوانان^{۵۴} مسئول رسیدگی به افراد زیر ۱۸ سال است و بعد از ثبت پرونده در این اداره، یک پرستار برای راهنمایی فرد و همچنین تعیین محل اقامت او انتخاب می‌شود.

در صورت حضور خویشاوندان در آلمان می‌توان درخواست زندگی با آنان را داد در غیر این صورت در کمپ جوانان بدون سرپرست و یا خانه‌های مشترک برای این افراد سکونت خواهند داشت. این پروسه معمولاً دو هفته طول می‌کشد و

⁵⁴Jugendamt

بعد از آن پناهجو در یکی از ایالات ۱۶ گانه آلمان جابه‌جا می‌شود و اداره امور خارجی آن ایالت برای وی نامه اقامت صادر می‌کند. در اداره رفاه جوانان، مددکاران اجتماعی به‌صورت داوطلبانه به کودکان زیر ۱۸ سال در زمینه‌های امور مدرسه، درس‌ها، یادگیری زبان، دوست‌یابی یا فعالیت‌های فراغتی کمک می‌کنند. همچنین تسهیلات آموزشی اجباری برای همه افراد زیر ۱۸ سال اعمال می‌شود و افراد باید یا به مدرسه رفته و یا دوره‌های آموزشی فنی حرفه‌ای را بیاموزند. به‌نظر می‌رسد نگاه دولت آلمان به مهاجران به‌صورت عام و جوانان و کودکان مهاجر به‌صورت خاص، نگاهی درازمدت به‌منظور پرورش افراد برای بهروزی بالاتر در جامعه براساس منافع ملی کشور است (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سعیدی ۱۳۹۹ د). یکی از مهمترین نقاط ضعف سیاستگذاری مهاجرتی در جمهوری اسلامی ایران همین قسمت است؛ بذل توجه دولت‌هایی همچون آلمان به افراد زیر ۱۸ سال را اگر با سیاست دولت ایران در رسمی کردن حضور افراد فاقد تابعیت بعد از سن ۱۹ سالگی مقایسه نمود به یکی از جدی‌ترین ایرادات سیاستی در این حوزه خواهیم رسید چراکه اعطای تابعیت به افرادی که ۱۹ سال از عمر خود را که مهمترین سن پرورش، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری بوده است را به صورت غیررسمی، حاشیه‌ای، چراغ خاموش و طرد شده سپری کرده است دستاورد مناسبی در راستای منافع ملی کشور نخواهد داشت.

مهاجران افغانستانی از همان سال‌های ورود به ایران از خدمات آموزشی استفاده می‌نمودند. تا سال ۱۳۸۰ دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس دولتی و یا غیررسمی تحصیل می‌کردند. در این دوره دانش‌آموزان پسر به‌منظور کمک به درآمد و تأمین هزینه‌های خانواده مجبور به کار بودند، از این‌رو در دهه ۱۳۷۰ ترک تحصیل در میان دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر بود. در مجموع در این دوره تنها حدود ۶ درصد دانش‌آموزان افغانستانی قادر به تکمیل دوره دبیرستان، دیپلم و دوره‌های فنی و حرفه‌ای شدند. البته سیاست اصلی در این دوره به‌خصوص از دهه ۱۳۷۰ به سمت تشویق مهاجران افغانستانی به بازگشت به کشورشان تغییر یافت؛ از این‌رو محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌های بیشتری برای تحصیل آنها ایجاد گردید (رجوع شود به اسکوییر ۲۰۰۰).

در اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی، خدمات ایران برای مهاجران افغانستانی، از جمله دسترسی آنها به مدارس ایرانی محدود شده بود. پس از آن، دانش‌آموزان افغانستانی تحصیلات خود را در مدارس خودگردان که عموماً توسط افغانستانی‌ها اداره می‌شد، ادامه دادند. چند سال بعد، این سیاست تغییر یافت و مهاجران دارای مدرک می‌توانستند در مدارس دولتی ایران تحصیل کنند. اما، دانش‌آموزان فاقد مدرک بایستی در مدارس خودگردان تحصیل می‌کردند. عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۸) استدلال کردند که در سال ۱۳۸۱، مدارس خودگردان توسط دولت ایران غیرقانونی اعلام شد "تا مهاجران

افغانستانی را مجبور به بازگشت به افغانستان کنند" (هودفر ۲۰۱۰). پس از آن، تعداد زیادی از مدارس خودگردان در چند شهر ایران تعطیل شد. بسیاری از افغانستانی‌ها در مدارس خودگردان تحصیل کرده بودند و قبل از ورود به مدارس دولتی مجبور بودند برای شرکت در امتحانات ورودی شرکت کنند. سیستم آموزش ایران، کیفیت آموزش و مدارکی را که توسط مدارس خودگردان صادر می‌شوند را نمی‌پذیرد. علاوه بر این، به دلیل فقدان مدارک اولیه برای دانش آموزان افغانستانی، شرایط نامساعد اقتصادی خانواده‌ها و موانع فرهنگی، برخی از آنها به ویژه دختران نمی‌توانند در مدارس تحصیل کنند یا مجبور به ترک تحصیل از مدرسه می‌شوند.

سوادآموزی دانش آموزان افغانستانی در ایران در دو چارچوب اصلی سیستم آموزش و پرورش و همچنین نهضت سوادآموزی انجام گرفته است. براساس آمارهای ارائه شده توسط سازمان نهضت سوادآموزی از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۹۸ حدود ۸۵۰ هزار و ۱۱۵ نفر از اتباع خارجی در در کلاس‌های سوادآموزی ثبت‌نام کرده‌اند (خبرگزاری ایسنا مرداد ۱۳۹۹). البته مشخص نیست که آمار ارائه شده به صورت تجمعی بوده و ثبت نام هر سوادآموز در هر سال در آمارها در نظر گرفته شده است یا این آمار مربوط به جمع تعداد سوادآموزان اتباع خارجی در ایران است.

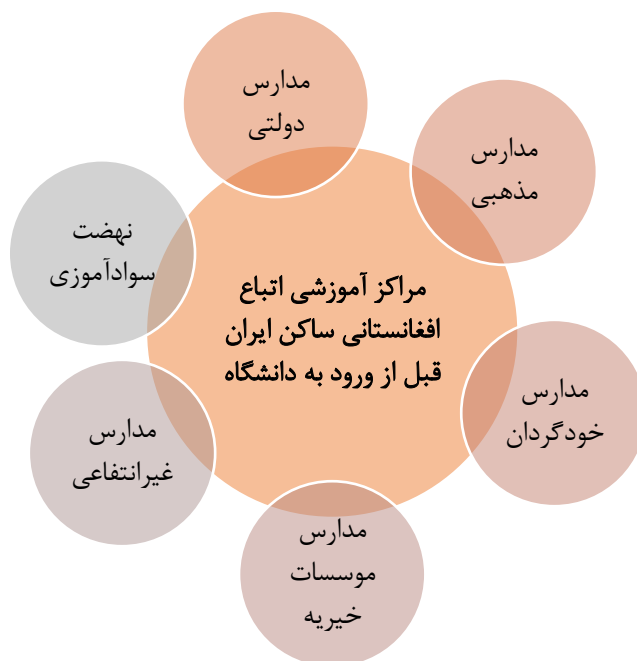
براساس جدیدترین آمار منتشر شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، دانش آموزان افغانستانی بیش از ۹۵ درصد از کل جمعیت دانش آموزان غیرایرانی در نهاد آموزش و پرورش ایران را در بر می‌گیرند (جدول شماره ۵). در مصاحبه با مسئولان وزارت آموزش و پرورش (۱۴۰۰) هزینه‌های دانش آموزان خارجی بیش از ۲ هزار میلیارد تومان سالانه برآورد شده است که شامل خدمات آموزشی، سنجش دانش آموز و تست‌های آموزشی و تشخیصی است، از سوی دیگر دوره‌های آموزشی روانشناختی برای خانواده‌های این دانش آموزان در برنامه این وزارتخانه وجود دارد. از این تعداد ۳۳ درصد دانش آموزان فاقد مدرک هویتی رسمی بوده‌اند و ۶۷ درصد دانش آموزان دارای مدرک اقامتی معتبر می‌باشند.

جدول ۵. آمار دانش آموزان غیرایرانی در مدارس ایران (امور بین الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و

پرورش، اردیبهشت ۱۴۰۰)

۴۹۷۶۲۴	تعداد کل دانش آموزان اتباع غیرایرانی در کشور
۱۴۱۲۴۴	تعداد دانش آموزان دارای برگه حمایت تحصیلی
۱۶۱۷۸۰	تعداد دانش آموزان غیرایرانی در استان تهران
۲۵۹۹۳۱	دانش آموزان پسر
۲۳۷۶۹۳	دانش آموزان دختر
۴۷۲۵۱۲	تعداد دانش آموزان افغانستانی
۷۰۲۶	تعداد دانش آموزان عراقی
۲۹۰۳	تعداد دانش آموزان پاکستانی

یکی از ابزارهای مهم فرهنگ‌پذیری و درونی کردن ارزش‌ها و باورهای جامعه میزبان، نظام آموزشی است. اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر اشاره دارد که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای آحاد ملت تا پایان متوسطه فراهم سازد. ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک که مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته است اجباری و در دسترس قرار گرفتن آموزش ابتدایی رایگان را برای همه کودکان بر پایه فرصت‌های برابر به رسمیت می‌شناسد. همچنین بند ۸ اصل ۸ قانون اساسی و بند ۷ ماده ۴۸ قانون اساسی بر برخورداری همه افراد از حق تحصیل صرفنظر از تابعیت آنها اشاره دارد. دسترسی به خدمات آموزشی برای مهاجرانی که به صورت متعارف در ایران زندگی کرده و دارای برگه هویتی رسمی (کارت آمایش یا گذرنامه یا کارت تردد) هستند اگرچه با فرایندهای بوروکراتیک بعضاً دست و پا گیر، اما همواره وجود داشته است. از سال ۱۳۹۴ بعد از فرمان مقام رهبری این امکان برای مهاجران غیرمتعارف که فاقد برگه هویتی هستند نیز مقدور شده است که با دریافت برگه هویت تحصیلی از اداره اتباع می‌توانند در مدارس ثبت نام نمایند.



شکل ۶. مراکز آموزشی اتباع افغانستانی ساکن ایران قبل از ورود به دانشگاه

مدارس خودگردان^{۵۵}، مدارس دولتی (هنرستان^{۵۶}، کار و دانش^{۵۷} و مدارس خاص^{۵۸})، مدارس مذهبی، مدارس غیرانتفاعی، نهضت سوادآموزی^{۵۹}، مدارس موسسات خیریه به صورت رسمی و غیررسمی هر کدام در مقیاسی مشخص به ارائه خدمات

^{۵۵} براساس شیوه نامه ثبت نام دانش آموزان اتباع خارجی (شهریور ۱۳۹۹) مدارک صادره از مدارس خودگردان معتبر نبوده و ثبت نام دانش آموزان در پایه‌های بعدی تحصیلی منوط به تعیین پایه تحصیلی است.

^{۵۶} ثبت نام دانش آموزان اتباع خارجی در هنرستان‌ها با رعایت سهمیه در رشته‌های زیر مجاز است: پذیرش ۲۰ درصدی از ظرفیت هر ناحیه، شهرستان و منطقه فقط در شاخه فنی و حرفه‌ای شامل رشته‌های پویانمایی، سینما، موسیقی (نوازندگی ساز ایرانی)، موسیقی (نوازندگی ساز جهانی)، نمایش و نقاشی. هرچند که براساس مصاحبه‌های صورت گرفته در مواردی برخورد‌های سلیقه‌ای کادر هنرستان مانع از ثبت نام دانش آموزان اتباع شده است.

^{۵۷} شاخه کارودانش در رشته‌های هتلداری، نقاشی ایرانی، صحافی و جلدسازی، نوازندگی ساز ایرانی، نوازندگی ساز جهانی، آواز ایرانی و جهانی و پذیرش ۱۰ درصدی از ظرفیت هر ناحیه، شهرستان و منطقه متناسب با سیاست‌های توسعه متوازن استان در سایر رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کارودانش.

^{۵۸} تحصیل فرزندان ایثارگران اتباع خارجی در مدارس شاهد و مدارس ایثارگران با رعایت ضوابط و شرایط ورود به این مدارس بلامانع است. ^{۵۹} براساس شیوه نامه ثبت نام دانش آموزان اتباع خارجی چنانچه متقاضیان ادامه تحصیل پس از تعیین پایه تحصیلی دارای کبر سن بوده و امکان ادامه تحصیل در مدارس رسمی روزانه را ندارند می‌توانند با معرفی نامه ادارات آموزش و پرورش به مدارس بزرگسالان یا نهضت سوادآموزی مراجعه کنند.

آموزشی می‌پردازند. تا سال ۱۳۸۴ اتباع افغانستانی می‌توانستند انتخاب کنند در مدارس دولتی درس بخوانند یا در مدارس خودگردانی که در سفارت افغانستان ثبت شده بود. اما در سال ۱۳۸۴ آئین نامه‌هایی به امور اتباع شهرهای مختلف و نیروهای انتظامی و آموزش و پرورش و سایر مراکز آموزشی ابلاغ و آموزش افغانستانی‌ها در مدارس خودگردان غیرقانونی اعلام شد و به دنبال آن بسیاری از مدارس خودگردان پلمپ و حتی اجازه اقامت مسئولان لغو گردید.^{۶۰} هر چند که بعد از فرمان رهبری (از سال ۱۳۹۴) دامنه فعالیت مدارس خودگردان به شدت کاهش یافت ولی همچنان به دلایل متعددی این مدارس مشغول به فعالیت هستند.

آموزش یکی از مهمترین ابزارهای جامعه‌پذیری نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی در ایران است. جامعه دانش‌آموزان افغانستانی با اختلاف بسیار، بزرگترین گروه دانش‌آموزان مهاجر در آموزش و پرورش ایران هستند که قرابت فرهنگی، زبانی و مذهبی عمیقی با جامعه میزبان دارند اما به نظر می‌رسد فرایند فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی این گروه در بستر مدرسه با چالش‌های متعددی مواجه است که به مواردی از آن اشاره خواهد شد. دولت جمهوری اسلامی ایران براساس قانون "ایجاد شرایط تسهیل زمینه‌های ادامه تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان افغانی و عراقی مقیم ایران" مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۳۰ موظف است از طریق وزارت آموزش و پرورش اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف) صدور مجوز، حمایت و نظارت بر مدارس غیرانتفاعی موضوع این مصوبه، مطابق با نظام آموزشی کشور.

ب) برگزاری دوره‌های کوتاه مدت آموزشی برای کودکان واجب‌التعلیم افغانی و عراقی که به صورت غیرمجاز در ایران حضور دارند.

ج) تاسیس مدارس ایرانی-افغانی در داخل افغانستان.

گلاله^{۶۱} متولد برازجان از والدینی اهل بخارا به همراه همسر و سه فرزندش در ورامین ساکن است. به دلیل عدم تمديد کارت آمایش (با توجیه بالا بودن هزینه تمديد) در شش سال اخير فاقد مدرک اقامتی رسمی هستند از چالش‌های مهاجران در ورود به مدرسه می‌گویند:

^{۶۰} به دلیل عدم نظارت بر مدارس خودگردان نمونه‌های فراوانی از خشونت و تنبیه بدنی دانش‌آموزان وجود دارد، همچنین ناهماهنگی در نحوه تدریس و محتوای آموزشی ارائه شده نیز از دلایل غیرقانونی اعلام شدن مدارس خودگردان در ایران بوده است.

^{۶۱} به معنای کاکل، موی مجعد و پیچیده

احساس منفی که از فرایندهای بوروکراتیک در مهاجر ایجاد می‌شود آسیب‌زننده است. اینکه برای ثبت نام در مدرسه چه در زمان تحصیل خودم در ۲۷ سال پیش و چه الان برای فرزند نام هر ساله باید چندین هفته گوش به زنگ رسیدن دستورالعمل آموزش و پرورش برای ابلاغ نامه رسمی باشیم خسته کننده است. فرقی هم نمی‌کند که چهل سال در ایران بوده باشی یا تازه وارد. با تو هم شبیه کسی برخورد می‌شود که تازه از مرز وارد شده است. معرفی نامه و برگه حمایت تحصیلی هم هر سال انقدر دیر و به سختی به دستمان می‌رسد که مدرسه‌های نزدیک محل سکونت ظرفیتشان پر شده و دیگر امکان ثبت نام بچه‌های افغانستانی نیست و ما را به مناطق بسیار دورتر^{۶۱} معرفی می‌کنند که رفت و آمد سخت است و خیلی از خانواده‌ها قید ادامه تحصیل را می‌زنند.

"نوع وضعیت اقامتی^{۶۳} اتباع افغانستانی در ایران"، "غلبه نگاه امنیتی بر آموزشی" و "موازی کاری نهادهای سیاستگذار در حوزه مهاجران"، "تشتت و ناهماهنگی بوروکراتیک در نهاد آموزش و پرورش ایران"، "چالش زبان و لهجه اتباع خارجی در مدارس ایران"، "ختی بودن برنامه درسی در قبال فرهنگ پذیری مهاجران افغانستانی"، "مشکلات مربوط به کد ارقمی و ۱۶رقمی برای ثبت نام"، "کمبود ظرفیت مدارس دولتی در برخی مناطق شهری به دلیل تراکم جمعیت"، "دلایل اقتصادی ناشی از الزام پرداخت شهریه"، "دیر ابلاغ شدن بخش‌نامه‌های سالانه ثبت نام به مدارس"، "چالش‌های دریافت برگه حمایت تحصیلی^{۶۴}"، "بالا بودن سن افراد و عدم تطابق سن دانش آموز با پایه تحصیلی" از مهمترین چالش‌های نهاد آموزش و پرورش در قبال اتباع افغانستانی است.

^{۶۲} براساس شیوه نامه ثبت نام دانش آموزان اتباع خارجی مدارک هویتی و اقامتی هر فرد (به جز دفترچه اقامت و کارت اقامت ویژه) در محدوده همان استان یا شهرستان محل صدور معتبر بوده و دارندگان آن صرفاً مجاز به ثبت نام در همان محدوده هستند البته موارد استثنا توسط ادارات کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور و ناجا اعلام می‌شود.

^{۶۳} ۱. گذرنامه که دارای پروانه اقامت باشد (دارای کد ۱۶ رقمی فراگیر). ۲. کارت هویت ویژه اتباع خارجی (صادر از اداره کل امور اتباع خارجی وزارت کشور). ۳. دارندگان کارت‌های آمایش ۱۱، ۱۲ یا ۱۳. ۴. دارندگان برگ تردد بین شهری (معادل کارت آمایش). ۵. دفترچه پناهندگی معتبر صادره از ناجا (دارای کد ۱۶ رقمی فراگیر). ۶. گذرنامه مضمولین طرح خانواری با هر میزان اعتبار. ۷. دفترچه اقامت معتبر صادره از ناجا. ۸. کارت ویژه حمایت تحصیلی برای اتباع خارجی (معرفی نامه حمایت تحصیلی). ۹. دارندگان کارت اقامت ویژه (صادر از اداره کل امور اتباع خارجی کشور).

^{۶۴} دانش‌آموزانی که دارای مدارک هویتی و اقامتی نامعتبر یا فاقد هرگونه مدارک هویتی و اقامتی معتبر هستند، فقط از طریق کارت ویژه حمایت تحصیلی برای اتباع خارجی که از سوی اداره کل امور اتباع خارجی وزارت کشور صادر می‌شود می‌توانند در مدارس رسمی ثبت نام و ادامه تحصیل دهند. کارت حمایت تحصیلی شامل مشخصات فردی اظهار شده از طرف ولی دانش‌آموز، شناسه اختصاصی و عکس دانش‌آموز و ولی او است.

یکی از مهمترین مقولات به دست آمده "عدم کارایی نهاد مدرسه در بازتولید ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی" است. در راستای تقریب بین‌الذهانی دو جامعه، نهاد آموزش و پرورش نتوانسته است نقش کاربردی و سازنده‌ای را ایفا نماید. وجود یک برنامه درسی حساس به تنوع فرهنگی می‌تواند بالندگی دانش‌آموزان را تضمین کند و به آنان مهارت زیست چندفرهنگی بدهد. در این راستا باید تاکید کرد که مسیریادگیری⁶⁵ بر داده‌های آموخته رجحان دارد و معلم می‌تواند نقش مهمی در جرح و تعدیل نگاه دوسویه جامعه مهاجر-جامعه میزبان به یکدیگر داشته باشد چراکه یادگیری از ساحت‌های درونی وجود است.

در شیوه‌نامه ثبت نام دانش‌آموزان اتباع خارجی چندین بار از واژه "تسهیل و تشویق بازگشت پایدار" استفاده شده است. سیاست مهاجرتی که بر سیاست‌های انقباضی و کاهنده دسترسی به خدمات و حقوق شهروندی با محوریت بازگشت مهاجران به افغانستان تاکید داشته و حضور مهاجران را موقتی و ملزم به بازگشت به افغانستان می‌داند اما هیچ‌گونه تلاش منسجم و برنامه‌ریزی شده‌ای در جهت آشنا کردن نسل دوم و سوم مهاجران با جغرافیایی که درصدد بازگشت به آن هستند صورت نگرفته است. مهاجران افغانستانی، وطن، سرزمین مادری یا خانه را فضایی انتزاعی و برساختی متصور⁶⁶ می‌دانند که لزوماً رویای بازگشت به آن، موقعیت جغرافیایی و عینی مشخصی را نشان نمی‌دهد، موقعیتی که می‌توان از آن به فرایند جغرافیایی‌زدایی از مکان یاد نمود. بی‌شک نقش مدرسه و دوران ۱۲ ساله حضور در نهاد آموزش و پرورش در آشنا کردن مهاجران با سرزمین مادری و تقویت انگیزه در جهت بازگشت بسیار حایز اهمیت است، نقشی که تا به امروز کاملاً مغفول مانده و جایی در برنامه درسی نهاد آموزش و پرورش ندارد.

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکی از مهمترین اهداف جذب و آموزش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های کشور، "تربیت سفیر فرهنگی" و "برقراری تعاملات علمی-فرهنگی و اجرایی پس از فراغت از تحصیل" آنان است. ایمازی که از فرهنگ و جامعه ایران به طور کلی در طول مدت حضور در نهاد آموزش شکل می‌گیرد مهمترین بستر تبدیل فارغ‌التحصیلان به دوگانه اپوزیسیون یا سفیر فرهنگی خواهد بود.

در مطالعه سعیدی (۱۳۹۸) در خصوص چالش‌های فرهنگی و اجتماعی اتباع افغانستانی در نهاد آموزش عالی ایران، "نبود اخلاق حرفه‌ای در میان کارمندان مرتبط با دانشجویان خارجی"، "چالش‌های بوروکراتیک انتقال از آموزش پرورش به آموزش عالی"، "ضعف اطلاع‌رسانی"، "نقش قانون تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران در ریزش سهم زنان در آموزش

⁶⁵ learning trajectory

⁶⁶ imagined construct

عالی"، "کاغذبازی"، "عدم اطلاع دقیق از ضوابط مربوط به اتباع خارجی"، "چالش شهریه دلاری و ابهام در مورد بورسیه های تحصیلی"^{۶۷}، "اعمال تبعیض میان دانشجویان افغانستانی با سایر دانشجویان (ایرانی، بورسیه، سایر ملل)"، "انعطاف ناپذیری و عدم مساعدت"، "بوروکراسی مضاعف در قبال اتباع خارجی به ویژه افغانستانی"^{۶۸} "نوسانات ارزی و کمبود دسترسی به دلار"، مسئله "شهرهای ممنوعه" (ضمیمه شماره ۱) و "رشته‌های ممنوعه"^{۶۸}، "دستورالعمل های کوتاه مدت در پرداخت شهریه با دلار آزاد، دلار نیمایی و دلار دولتی" و "قوانین سلیقه‌ای و تفاوت نرخ تحصیل در دانشگاه های مختلف"، "تاثیرگذاری روابط بین دو کشور ایران و افغانستان بر دانشجویان افغانستانی" و "توجه به منافع سیاسی به جای شایستگی علمی بورسیه شوندگان" و "فقدان بستر مناسب در بهره مندی از سرمایه انسانی فارغ التحصیلان" از جمله مهمترین چالش های اتباع افغانستانی در نهاد آموزش عالی بیان شده است.

تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه مهاجران به طور عام و دانشجویان خارجی به طور خاص را می‌توان با مفهوم "بوروکراسی مضاعف" فهمید که کنترل و نظرات متعدد کار را پیچیده‌تر می‌کند چراکه برای نظارت بر فعالیت هر نهاد یک نهاد بالادستی تعیین شده است که در برخی موارد منافع و اهداف نامتجانسی دارند که این امر به تشتت سیاست‌گذاری منجر می‌شود. وزارت علوم با محوریت سازمان امور دانشجویان، نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، موسسات خصوصی به ویژه موسسه خردورزان (پایگاه فرهنگی سپاه قدس)، سفارت افغانستان، برخی احزاب فعال در خاک افغانستان از جمله مهمترین نهادهای صاحب نفوذ در این موضوع هستند. همچنین اداره کل اتباع خارجی وزارت کشور نیز به عنوان بزرگترین اهرم

^{۶۷} اعطای فرصت آموزش رایگان با پرداخت مقرری تحصیلی براساس ضوابط و مقررات دولت ایران است و به دو روش بورس الف و بورس ب اعطا می‌شود:

بورس الف: دریافت‌کنندگان این بورس علاوه بر تحصیل رایگان (معاف از پرداخت شهریه تحصیلی)، از تسهیلاتی مانند کمک هزینه تحصیلی، بیمه خدمات درمانی، خوابگاه مجردی و کمک هزینه مسکن و کمک هزینه پایان نامه برخوردار هستند.

بورس ب: دریافت‌کنندگان این بورس از تحصیل رایگان (معاف از پرداخت شهریه) و تسهیلاتی مانند بیمه خدمات درمانی و خوابگاه مجردی برخوردار هستند.

^{۶۸} فیزیک اتمی، فیزیک هسته ای، فیزیک مولکولی (پلاسما)، فیزیک ذرات بنیادی، مهندسی پلاسما، مهندسی ایمنی (گرایش بازرسی فنی و حفاظت هوایما)، مهندسی تعمیر و نگهداری (هلی کوپتر و هوایما)، مهندسی هوا فضا، مهندسی هوانوردی (خلبانی، ناوبری هوایما، تعمیر و نگهداری هوایما، خلبانی هلی کوپتر و مراقبت پرواز)، علوم نظامی، الکترونیک هوایمایی، تعمیر و نگهداری هوایما، مخابرات هوایما، مراقبت پرواز، فناوری اطلاعات (گرایش مخابرات امن)، مهندسی فناوری ماهواره و مهندسی کامپیوتر (گرایش رایانش امن) ممنوع می‌باشد.

فشار در حوزه مهاجران نقشی کاملاً کنترل‌گرانه و محدودیت‌زا داشته و هر گونه تجمع یا برنامه‌های فرهنگی نیازمند اخذ مجوز از این سازمان است که فرایندی طولانی دارد.

پذیرش فرهنگی-اجتماعی جامعه میزبان نسبت به جامعه مهاجران در استان تهران

اگرچه جامعه مهاجران افغانستانی از منظر زبانی، مذهبی، ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی بیشترین میزان قرابت با جامعه میزبان را دارند اما تحقیقات متعدد بر تعارض و تنش‌های پیدا و پنهان در زیست روزمره این دو گروه اشاره دارد که نشان از پایین بودن "سطح پذیرش فرهنگی-اجتماعی مهاجران در ایران" است. تحقیقات متعددی بر نگرش منفی پیش‌دآوری جامعه ایران نسبت به مهاجران خارجی به ویژه اتباع افغانستانی ساکن در بافت‌های فرسوده (شاطریان و همکاران ۱۳۹۴) و تأثیرات منفی سکونت مهاجران افغانستانی بر روستاهای مرزی شهرستان (لطفی و جهان تیغ ۱۳۹۳) و شهر مشهد (و ثوقی و محسنی ۱۳۹۵) اشاره داشته‌اند. روحانی و انبارلو (۱۳۹۵) نشان می‌دهند که شکل‌گیری عواطف منفی نسبت به جامعه مهاجران در فویبای تجاوز و حمله، ترویج افغانستانی‌هراسی، سرزنش اجتماع، تحمل اجباری شرایط و تنفر ترس‌آلود نمود یافته است.

در سال‌های اخیر اگرچه در عرصه صدا و سیما تغییرات مثبتی در بازنمایی مهاجران صورت گرفته است اما در عرصه سینما همچنان تصویر کلیشه‌ای "افغانی خطرناک و فقیر" بازنمایی می‌شود اما رویکرد صدا و سیما در قبال مهاجران تغییرات مشهودی داشته است و با تمرکز بر نقاط مثبت زیست مهاجران، نخبگان و تحصیل‌کردگان افغانستانی مرئی‌تر شده‌اند. برنامه‌هایی همچون وطن‌دار^{۶۹}، خندوانه و مستند مسابقه خانوادگی خانه ما تصویر مثبت و سازنده‌ای از مهاجران افغانستانی نشان می‌دهد که نشان دهنده نقش کلیدی مهندسی رسانه‌ای شبکه‌های مجازی و رسانه‌های جمعی در تقویت ویژگی‌های مشترک بین خرده فرهنگ‌های فراملی دارند. هرچند که باید اشاره کرد در مواردی به نظر می‌رسد موازنه منافع ملی و مهاجر دوستی به هم می‌خورد و رسانه ملی (به ویژه شبکه افق) به صورت یکسویه در چرخشی فاحش رویکرد مبارزه طلبانه‌ای برای حقوق مهاجران را به نحوی در پیش می‌گیرد که به "افزایش تمنیات طلبکارانه" از جامعه میزبان فارغ از شرایط عینی موجود دامن می‌زند.

براساس یافته‌های این پژوهش، یکی از مهمترین عرصه‌های تدوین استراتژی در جهت افزایش ضریب پذیرش فرهنگی-اجتماعی در جامعه میزبان، مداخله آموزشی-فرهنگی از سمت نهاد آموزش و پرورش نه تنها به شناخت از کشور مبدا در میان دانش‌آموزان مهاجر کمک می‌کند بلکه در تقویت ارتباطات میان فرهنگی و نزدیکی فرهنگی جامعه میزبان و مهاجران نیز نقش مهمی خواهد داشت.

^{۶۹} هم‌وطن

روحانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش کمی خود در شیراز میزان تحصیلات، مراد و آگاهی از تاریخ، فرهنگ و ادبیات افغانستانی‌ها را در مثبت کردن عواطف اجتماعی جامعه میزبان نسبت به مهاجران تاثیرگذار دانسته‌اند. تلاش در جهت فهم تفاوت‌های میان فرهنگی و تاکید بر اشتراکات مذهبی، فرهنگی و زبانی با مهاجران افغانستانی به تقریب بین‌الذہانی در نهاد مدرسه خواهد انجامید. بی شک ارائه دوره‌های آموزشی با محوریت موضوعات فرهنگی به کادر مدارس و همچنین برنامه‌های فرهنگی برای دانش‌آموزان در مدارس که تعداد بالایی از مهاجران افغانستانی حضور دارند به کاهش احساس تبعیض و افزایش همدلی میان افراد خواهد انجامید. زرغونه^{۷۰} دانشجوی دوره دکتری زبان شناسی شناخت جامعه ایران را از افغانستان بسیار ضعیف و محدود به هجوهای ارائه شده در تلویزیون می‌داند:

بعید می‌دانم در دنیا دو کشور دیگری باشند که تا این اندازه قرابت فرهنگی، زبانی و اندیشه‌ای با هم داشته باشند. اما چه چیزی در واقعیت بازنمایی شده؟ صرفاً تنش و خصومت و مسخره کردن لهجه و پوشش مهاجران. بارها پیش آمده استاد یا دانشجو یا کارمندی صحبت کردم و با تعجب گفتند مگر افغانستان هم عید نوروز را جشن می‌گیرند؟ یا بعد از معاشرت با من گفته‌اند چقدر خوب فارسی حرف می‌زنی و در پاسخ وقتی شنیده‌اند که زبان ما هم فارسی دری است با شباهت‌های بسیار تعجب کرده‌اند. ما در دو دنیای بسیار دور از هم سیر می‌کنیم، گویی منافع قدرت‌های بین‌المللی در این بوده است که این دو کشور از هم دور شوند و مردمانش با یکدیگر ضدیت داشته باشند.

در سال‌های اخیر رسانه‌های جمعی فضای تعاملی مناسبتری نسبت به مهاجران بازنمایی کرده‌اند که در تغییر پیش‌دوری ذهنی ایرانیان موثر بوده است. تجربه‌های انباشته شده در نتیجه زیست طولانی مدت در جامعه ایران به شکل‌گیری پیش‌فرض‌های گاه متصلبی در میان ذهنیت مهاجران افغانستانی می‌انجامد. پیش‌فرض‌هایی که در بستر زیست روزمره و مواجهه دائمی با اعضای جامعه میزبان از کودکی شکل می‌گیرد و در نهاد دانشگاه تداوم می‌یابد. این پیش‌فرض‌ها به جامعه افغانستان هم منتقل می‌شود، از طریق دیدارهای متناوب و با گسترش چشمگیر دسترسی به فضای مجازی و وجود شبکه‌های اجتماعی فراگیر در هر دو کشور ایران و افغانستان به اشتراک پیش‌فرض‌ها کمک شایان توجهی نموده است.

^{۷۰} غنچه طلایی

تمایل/اقدام به بازگشت از منظر فرهنگی

سیاست رسمی دولت ایران در طی چهار دهه گذشته بر محور فشار حداکثری بر مهاجران به منظور بازگشت به افغانستان استوار بوده است. نگه داشتن افراد در وضعیت معلق و ناپایدار و محدود کردن امکان هر گونه ادغام ساختاری در جامعه میزبان به عنوان مهمترین اهرم فشار بر مهاجران عمل کرده تا افراد راهی جز بازگشت به کشور مبدا نداشته باشند. سیاستی که در عمل به شکست انجامیده و حاصل آن ظهور نسل دوم و سوم مهاجرانی است که با چالش‌های هویتی متعدد دست به گریبانند و در زیستی کاملاً شهری در جامعه ایران گسترده شده‌اند که به جای بهره‌مندی از سرمایه انسانی این گروه جوان و پر استعداد، به دلیل پایین بودن سطح تعلق اجتماعی پتانسیل بالایی در تبدیل شدن به تهدیدات امنیتی دارند.

رویکردها و مدل‌های نظری متعددی در خصوص مهاجرت بازگشتی و عوامل تعیین‌کننده آن مطرح شده است. بورجاس و براتسبورگ (۱۹۹۶) دو رویکرد را در تحلیل تصمیم افراد به مهاجرت بازگشتی مطرح می‌نمایند. گروهی از افراد با اهدافی مشخص برای چند سال مهاجرت کرده و بعد از انباشت سرمایه انسانی یا ثروت به کشور مبدا باز می‌گردند^{۷۱} که این تصمیم، بخشی از برنامه اقامتی مطلوب^{۷۲} در طول چرخه زندگی است. از سوی دیگر تصمیم به بازگشت توسط گروهی از مهاجران در نتیجه احساس سرخوردگی و شکست در نرسیدن به اهداف از پیش تعیین شده به دلیل عدم آگاهی مناسب از شرایط جامعه مقصد است.

این مسئله از طریق رویکرد نئوکلاسیک در حوزه نظریه‌های مهاجرت بین‌المللی قابل تحلیل می‌باشد چرا که طبق رویکرد "یاس و ناامیدی" افراد زمانی تصمیم به بازگشت می‌گیرند که نتوانسته‌اند شغلی متناسب با وضعیت آموزشی خود یا با دستمزد بسیار پایین تر از انتظار داشته‌اند. "سرخوردگی و نرسیدن"، "دنبال کردن شانس جدید"، "تجربه فضایی به نام وطن"، "در جستجوی خانه/جایی برای زندگی"، "بهره‌مندی از تسهیلات سازمان‌های بین‌المللی"، "نیاز عاطفی به فضایی برای ریشه دواندن"، "ادای دین به سرزمین مادری"، "انسداد مسیر ورود به بازار کار رسمی در ایران" و "تجربه کردن ایده‌های ممنوعه" به عنوان مهمترین دلایل نسل جدید در بازگشت به افغانستان بوده است.

⁷¹ nesting bird or bird of passage

⁷² optimal residential location plan

برنامه های بازگشت اتباع افغانستانی ساکن ایران

بازگشت صورت بندی متفاوتی برای مهاجران دارای مدرک و فاقد مدرک اقامتی دارد. مهاجران بدون مدرک به سه شیوه به کشور افغانستان باز می گردند. یا به صورت خودخواسته و براساس سفر شخصی و یا به صورت داوطلبانه و با استفاده از برنامه های حمایتی سازمانی و یا در نتیجه دستگیری توسط نیروهای انتظامی و اجبار به رد مرز. با استفاده از برنامه های سازمانی که در نتیجه همکاری سازمان جهانی مهاجرت و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و با همکاری وزارت مهاجرت و عودت کنندگان افغانستان و اداره کل اتباع خارجی جمهوری اسلامی ایران و افراد متقاضی از کمک های نقدی و غیرنقدی و همچنین هماهنگی های لازم برای اسکان مجدد در کشور مبدا بهره می جویند.

دفاتر مربوطه در ۴ نقطه مرزی اسلام قلعه و میلک (مرز ایران و افغانستان) و ترخم و اسپین بولدک (مرز افغانستان و پاکستان) قرار دارند. تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی کشورهای درگیر (ایران و افغانستان) مهمترین عامل در نمودار تعداد عودت کنندگان است؛ به عنوان نمونه بعد از توافق برجام روند بازگشت بسیار کاهش یافت (۲۴۸۰۵۴ هزار نفر) در حالیکه در سال ۲۰۱۸ و همزمان با تشدید تحریم های بین المللی و افزایش مشکلات اقتصادی در ایران یش از ۷۵۷ هزار مهاجر فاقد مدرک تقاضای بازگشت به افغانستان را ثبت نموده اند (گزارش سازمان جهانی مهاجرت ۲۰۲۰).

در خصوص بازگشت اتباع افغانستانی دارای مدرک هویتی روش های مختلفی وجود دارد. افراد یا به صورت داوطلبانه و با هزینه شخصی تصمیم به بازگشت به کشور افغانستان می نمایند و یا از تسهیلات حمایتی سازمان های بین المللی با تاکید بر سازمان بین المللی مهاجرت و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان بهره می جویند که با وزارت مهاجران و عودت کنندگان افغانستان همکاری نزدیکی دارند. عملاً این سازمان به عنوان مهمترین نهاد تسهیل گر بازگشت مهاجران افغانستانی به کشور است که در قالب برنامه مختلفی به این امر مبادرت می ورزد و برنامه RQA^{۷۳} (بازگشت متخصصان افغانستانی از ایران) مهمترین طرح عملیاتی شده این نهاد است.

این پروژه بر بازگشت داوطلبانه متخصصین افغانستانی ساکن در ایران به افغانستان با انگیزه انتقال دانش و مهارت افراد در جهت تسریع در روند بازسازی کشور تمرکز دارد و سازمان و وزارتخانه های داخلی افغانستان نیازهای خود را به این سازمان اعلام کرده و سالانه لیست مشاغل درخواستی بر این مبنا تدوین می شود. این سازمان اتباع افغانستانی تحصیل کرده در ایران را که به صورت قانونی اقامت دارند و حداقل مدرک کارشناسی را از یکی از دانشگاه های معتبر در دست داشته

⁷³ Return of Qualified Afghans

باشند از طریق این طرح در جریان بازگشت به کشور حمایت مالی می‌کند که شامل ۱۱۰۰ دلار آمریکا در بدو ورود به افغانستان (شامل هزینه‌های سفر)، مبلغ ۳۰۰ دلار ماهیانه بابت کمک هزینه مسکن، مبلغ ۵۰۰ دلار ماهیانه به عنوان حقوق می‌باشد. لازم به ذکر است مبلغ ۱۲۰ دلار به صورت ماهیانه علاوه بر حقوق به زنان متقاضی به صورت مضاعف پرداخت خواهد شد. این کمک هزینه به مدت ۷ ماه ارائه خواهد شد. لازم به ذکر است بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته مدت زمان ارائه تسهیلات و مبلغ حمایتی طی سال‌های گذشته متغیر بوده و با توجه به افزایش مهاجرت‌های بازگشتی به افغانستان (با توجه به نوسانات ارزی در ایران) این سازمان سقف حمایتی خود را کاهش داده است.

نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی در ایران جامعه پذیری را تجربه نموده و در اکثر موارد هیچ گونه تجربه مستقیمی از سرزمینی که به نام وطن در قالب افغانستان ندارد و تنها از راه‌های محدودی چون خانواده و یا از دریچه رسانه‌های جمعی به صورت ناقص و کاریکاتوریزه شده از سرزمین مادری شناخت پیدا می‌کند. سیاست دولت ایران در تشویق بازگشت تناقض آشکاری با رویه‌های اعمالی دستگاه‌های مختلف از جمله رسانه‌های جمعی و نهادهای تاثیرگذار مانند اداره اتباع دارد. محدودیت‌های متعدد و بوروکراسی دست و پا گیر در جهت برگزاری برنامه‌های فرهنگی در خصوص فرهنگ افغانستان عملاً مهمترین کانال شناسایی و آشنایی با سرزمینی را از افراد می‌گیرد که تمامی این چهار دهه الزام به بازگشت به آن پررنگ بوده است.

در این دسته از مهاجران به دلیل عدم ادغام عاطفی در جامعه میزبان تمایل به بازگشت بالاتر است هرچند که همانطور که بره (۲۰۰۵) به خوبی بیان می‌دارد بین داشتن تمنای خانه^{۷۴} و تمنای بازگشت به خانه^{۷۵} باید تفاوت قائل شد چراکه بسیاری از مصاحبه شونده‌گان اگرچه وابستگی قوی به ایران به عنوان خانه داشتند ولی با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور مبدا در خصوص بازگشت با تردید صحبت می‌کردند. نسل دوم و سوم مهاجران با توجه به جامعه پذیری در ایران شاخص‌های متفاوت زبانی، نوع پوشش آن‌ها را به عنوان "دیگری" در افغانستان نشان می‌دهد که کلماتی چون "ایرانی گگ" یا "زواره گگ" برای مسئله دلالت دارد.

⁷⁴ desire for home

⁷⁵ desire to return home

چالش‌های ازدواج بین فرهنگی

ازدواج زودهنگام در میان جامعه افغانستانی به عنوان یک سنت پذیرفته شده در قراردادهای اجتماعی همواره نمادی از الگوی سنتی ازدواج و همچنین مهمترین راه برای ازدواج ترتیبی^{۷۶} است. طبق گزارش کمیسیون حقوق بشر مستقل افغانستان بین ۶۰ تا ۸۰ درصد ازدواج‌ها در این کشور اجباری^{۷۷} می‌باشد (گزارش صندوق جمعیت ملل متحد ۲۰۱۲) در حالیکه طبق بند ب ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد روی دهد. از جمله عوامل تاثیرگذار بر نهاد ازدواج، وضعیت نظام‌های حقوقی جوامع مختلف است. اگرچه سیستم حقوقی کشور افغانستان بر پایه شرع یا قانون اسلامی توسعه یافته است اما بی‌ثباتی سیاسی و جنگ‌های داخلی و بین‌المللی متعدد در پنج دهه گذشته در این کشور تاثیرات بنیادینی بر قوانین رسمی افغانستان از جمله قانون خانواده گذاشته است.

اگرچه در سال‌های اخیر با افزایش نقش آگاهی بخش رسانه‌های جمعی، افزایش سطح سواد تحولات چشمگیری در بافت سنتی خانواده افغانستانی ایجاد شده که متاثر از نوسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور و گسترش فرهنگ شهرنشینی و مدرنیته می‌باشد اما همچنان نقش تاریخی سنت و عرف در تدوام کودک همسری تاثیر کلیدی دارد.

با افزایش دسترسی مهاجران به آموزش عمومی و حضور پررنگ‌تر در نهاد آموزش، الگوی ازدواج زودهنگام و ازدواج ترتیبی در میان مهاجران افغانستانی ساکن ایران تا حد زیادی کمرنگ شده و سن ازدواج به صورت قابل ملاحظه‌ای بالا رفته است هر چند که همچنان میانگین ازدواج در میان آنها نسبت به هم‌تایان ایرانی^{۷۸} بالاتر و همچنین از منظر سن اولین ازدواج پایین‌تر است. عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۸) " روند افزایش سن ازدواج در ایران " را به عنوان یکی از عوامل موثر بر گسترش ازدواج تاخیری در میان مهاجران افغانستانی قلمداد گشته و همچنین تفاوت‌های بین نسلی در زمان بندی و تمایل به ازدواج، به عنوان فاکتورهای مهمی از فرایند همانندگردی مهاجران در جامعه میزبان محسوب می‌گردد.

مهاجرت قانونی و غیر قانونی و گذر از محیط سنتی و مواجهه با زندگی شهری و ساختارهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران تاثیرات ژرفی بر نهاد خانواده و الگوهای ازدواج در میان مهاجران افغانستانی می‌گذارد.

تجربه مهاجرت به ایران به دلیل غلبه زیست شهری که قبلاً بحث شد تاثیرات مستقیمی بر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی، فرزندآوری مهاجران افغانستانی گذاشته است. به طور کلی تجربه نهاد آموزش (مدرسه و دانشگاه) و مواجهه

⁷⁶ arranged marriage

⁷⁷ forced marriage

⁷⁸ طبق اعلام سازمان ثبت احوال ایران در سال ۹۸، میانگین سن ازدواج برای مردان ۲۹.۲ و برای زنان ۲۴.۴ بوده است.

با هنجارهای جامعه میزبان ارزش‌ها و الگوهای سنتی رایج در نهاد خانواده افغانستانی را به چالش می‌کشد. با بازتعریف فرایند جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، هنجارهای زنانه-مردانه بازتعریف می‌شوند. با تجربه مهاجرت بین‌المللی و تجربه هنجارهای جدید خارج از مرزهای افغانستان و مواجهه با زندگی شهری جدید در جوامع میزبان جامعه‌پذیری دوجنسیتی^{۷۹} در میان خانواده مهاجر به تدریج نفوذ می‌نماید که طبق آن هر فردی فارغ از جنس خود و صرفاً بر مبنای توانمندی، شخصیت و علایق خود، دارای نقش‌های مردانه و زنانه است و سویه‌های جنسیتی مشاغل تا حد زیادی رنگ باخته است.

مسئله مهم دیگری که در بحث ازدواج در بستر جامعه مهاجران افغانستانی در استان تهران قابل ذکر است ازدواج مردان افغانستانی فاقد مدرک با زنان ایرانی است که در قالب ازدواج‌های استراتژیک، ازدواج مبتنی بر تقلب صورت بندی می‌شود. ازدواج‌هایی که گاهی نه بر مبنای علاقه بلکه بیشتر در راستای تسهیل دریافت اقامت کشور میزبان و یا دسترسی فرزندان حاصل از این نوع ازدواج از منافع رسمی شدن هویتی است. پژوهش منتشر نشده انجمن دیاران، پایداری ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانستانی را ۷۹/۵ درصد نشان می‌دهد.^{۸۰}

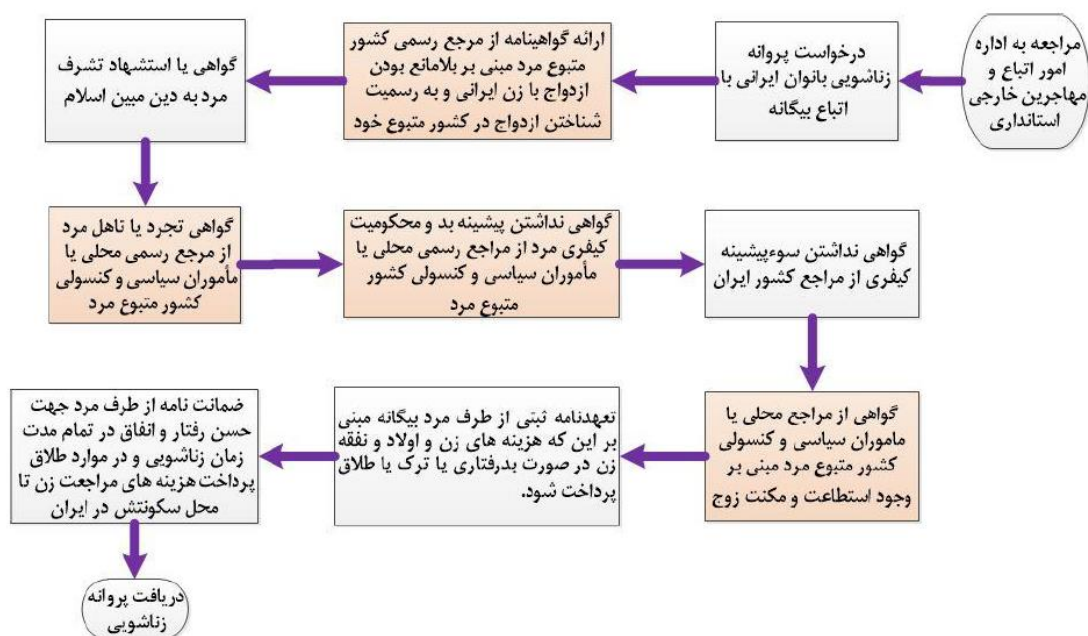
وضعیت ازدواج اتباع خارجی با بانوان ایرانی از دو جهت قابل بررسی است: ازدواج‌هایی که به صورت شرعی ولی غیرقانونی انجام شده است که عمدتاً از طرف بزرگان محلی و از طریق صیغه نامه دست نویس شرعی می‌شوند و ازدواج‌هایی که به صورت قانونی و شرعی انجام می‌گردد. نوع اول این ازدواج‌ها در هیچ جا ثبت رسمی نمی‌شود و برای وضعیت فرزندان حاصل از این نوع از ازدواج‌ها در دریافت شناسنامه ایرانی مشکلات عدیده ای ایجاد می‌نماید. فقر فرهنگی و فقر اقتصادی و عدم اطلاع از قوانین تابعیت در دو کشور ایران و افغانستان زمینه ساز تداوم این چالش جدی است. براساس قوانین حقوقی و مدنی جمهوری اسلامی ایران روابط مالی و احوال شخصیه زوجین تابع قوانین کشور متبوع شوهر است و براساس قانون دولت افغانستان تابعیت غیرافغانستانی زوجه سلب می‌شود.^{۸۱} فرزندان مادر

⁷⁹ androgynous socialization

^{۸۰} نگارنده در خصوص شیوه آمارگیری و داده کاوی با نهاد مربوطه به دفعات پیگیری نموده است. شیوه جمع آوری داده از طریق تماس تلفنی به افرادی است که در سرشماری معاونت رفاه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی در شهریور ۱۳۹۶ اعلام حضور کرده اند. از نظر نگارنده، دقت این آمار زیر سوال است اما متأسفانه پژوهش مستند یا داده رسمی دیگری برای مطابقت موجود نمی‌باشد.

^{۸۱} ماده ۹۸۷ قانون مدنی ایران بیان می‌دارد که: زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این که مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود. ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق، به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلی زن با جمیع حقوق و امتیازات راجع به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

ایرانی که پدرشان فاقد مدرک اقامتی رسمی است بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی نیز نمی‌توانند درخواست تابعیت ایرانی بدهند چراکه ازدواج والدین آنها ثبت رسمی نشده است. این موارد تبعات فراوانی برای مادران ایرانی دارد و در بسیاری از مناطق محروم کشور بسیاری از خانواده‌ها از جزئیات حقوقی این نوع از ازدواج اطلاع ندارند.



شکل ۷. فرایند قانونی کردن ازدواج شرعی یک زن ایرانی با یک مرد غیر ایرانی

به دلیل پیچیدگی بوروکراتیک ثبت ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی بسیاری از ازدواج‌ها به ویژه وقتی که زنان ایرانی با مردان فاقد مدرک اقامت رسمی ازدواج می‌کنند ثبت رسمی نمی‌شود و چرخه زیست غیررسمی مداوماً بازتولید می‌شود. اگرچه قانونگذار ضمانت اجرایی تخلف از مفاد ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی را حبس تعزیری درجه ۵ (از ۲ تا ۵ سال) تعیین کرده است اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد این است که اکثر این نوع از ازدواج‌ها بدون مجوز قانونی و پروانه زناشویی صورت می‌گیرد. از نظر دولت ایران مشکل اساسی در خصوص ازدواج بین زنان ایرانی با اتباع افغانستانی عدم کسب مجوز مندرج در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی است چراکه اغلب مردان مهاجری که مشمول این بحث می‌شوند فاقد مدارک قانونی لازم در کشور مبدا هستند در نتیجه ازدواج با دختر ایرانی در قالب پروانه زناشویی قابل ثبت نیست فلذا این ازدواج از نظر مقررات ایران قانونی محسوب نمی‌شود.



فصل چهارم

تهدیدها و فرصت‌های اتباع افغانستانی ساکن استان تهران:

ابعاد اجتماعی

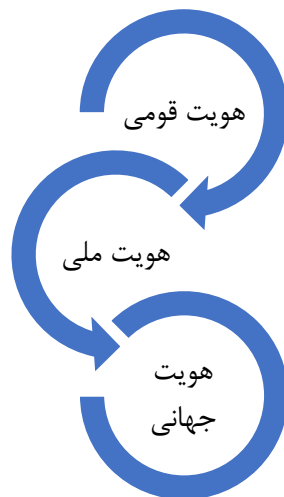


در خصوص مهاجران افغانستانی ساکن استان تهران چه در تولیدات رسانه‌ای و چه در منابع آکادمیک بر محوریت عدم موفقیت اقتصادی این جمعیت تمرکز داشته در نتیجه کارگران و طبقه فرودست^{۸۲} بیشترین سهم را در مطالب تولید شده دارند در حالیکه نسل دوم و سوم اتباع افغانستانی ساکن استان تهران تجربه تولد، آموزش و در نتیجه فرایند جامعه پذیری را در ایران تجربه کرده اند و مطالباتشان بیشتر صبغه اجتماعی و فرهنگی دارد؛ در این بخش تلاش خواهد شد چشم انداز روشن تری از وضعیت آنان ارائه شود.

پروپلماتیک هویت اتباع افغانستانی ساکن استان تهران

اندیشیدن در مورد چیستی هویت در چرخه‌ای مداوم با دیالکتیک درونی/بیرونی، مقایسه گروه خودی و غیر خودی و یا تمایزگذاری بین ما و دیگری شکل می‌گیرد و در یک معنا به دو سطح هویت فردی و هویت جمعی/اجتماعی تقسیم می‌شود. در هویت فردی افراد با چالش‌های معنایی متعددی مواجه هستند. دغدغه روزمره و مداومی که افراد در مواجهه با پرسش "من کیستم؟" با آن روبرو می‌شوند. یکی از مهمترین چالش‌های مهاجران افغانستانی تعریف از خود است. اینکه چه کسی هستی و شاخص‌های شکل دهنده به هویت چیست؟ در کشور میزبان چه عواملی در این تعریف و بازتعریف موثر است و در جامعه جدید چگونه برساخت می‌شود؟ "برزخ هویتی"، "نابسامانی هویتی"، "زندگی در دنیاهاى چندگانه"، "بیقراری هویتی" و "هویت پاندولی" از پرتکرارترین مقولات به دست آمده از مصاحبه‌های صورت گرفته است. نسل جدید مهاجران افغانستانی در ایران همراستا با همالان ایرانی خود هویتی ترکیبی سه گانه‌ای مشتمل بر هویت ملی، هویت قومی و هویت جهانی دارند.

^{۸۲} فرودست (subaltern) در ادبیات گرامشی به طبقات غیرنخبه‌ای اطلاق می‌شود که از توان سوپراکتیویته و عاملیت به وسیله نظام سلطه اقتصادی-سیاسی نخبگان محروم شده است.



شکل ۸. هویت ترکیبی نسل جدید مهاجران افغانستانی

هویت نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران را می‌توان در بازه‌ای از سیلان و تعلیق تعریف کرد. براساس مصاحبه‌های صورت گرفته وضعیت منطفی که از آن به شکل‌گیری "فرهنگ بریکولاژ شده"^{۸۳} یا فرهنگ ترکیبی یاد می‌شود (سعیدی ۲۰۱۹) که به تعامل بین دو فرهنگ کمک کرده و به ساخت‌یابی هویت‌های پاندولی در میان مهاجران منجر می‌شود. برشنا^{۸۴} از مسئولان فعال انجمن‌های دانشجویی افغانستانی است و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دغدغه هویت را بزرگترین مشکل نسل جدید مهاجرانی می‌داند که الزاما تجربه مهاجرت ندارند:

افغانستانی بودن یعنی بی‌قراری، یعنی سرگردان بین جنگ و غربت. مهاجر بودن یعنی در کابوس زیستن؛ حسی که به آدم بگویند تو که رفته بودی سفر، وطن را آب برد و من دیگری جایی را ندارم که بروم. حالت معلق بودن یعنی تو دیگر بخشی از محیط فرهنگی قبلی خود نیستی و در عین حال دنیای جدید هم تو را به عنوان عضو نپذیرفته است نسل من اگرچه مهاجر خطاب می‌شویم اما تجربه هیچ‌گونه مهاجرت و جابجایی مکانی را نداریم. ما نسل دوم و سوم‌های مهاجر میراث‌دار مکانی هستیم که هرگز ترکش نکرده‌ایم، لمسش نکرده‌ایم. علیرغم اینکه از کلاس چهارم ابتدایی در خصوص این سوال که من کیستم آگاه شدم و همیشه مطالعات گسترده‌ای در مورد اقوام مختلف در افغانستان انجام داده‌ام اما این سردرگمی همیشه با من است و من نمی‌توانم به دختر ۷ ساله‌ام توضیح دهم که ما چه عنوانی باید داشته باشیم و خانه

⁸³ bricolage culture

⁸⁴ برق

کجاست؟ چون وقتی من بدانم کی هستم می‌توانم به یک فضا عنوان خانه بدهم ولی وقتی هنوز اندر خم یک کوچه/م و نمی‌دانم کی و کجایی هستم این تعلق شکل نمی‌گیرد. اما همیشه به او می‌گویم که ما افغانستانی هستیم. یک کلیتی که شاید خودم هم خیلی از جزییاتش مطلع یا راضی نباشم اما عضو گروهی/جایی بودن به آدم احساس امنیت می‌دهد. در خلا بودن ترسناک است. من این نکته‌ای که شما در خصوص برزخ هویتی گفتید را قبول دارم چون انگاره‌های هویتی ما به خوبی به هم چسب نخورده‌اند.

سایمون ویل (۱۹۸۷) "ریشه داشتن" را بزرگترین نیاز روح انسان می‌داند و لفظ سرزمین مادری یا پدری به این اشاره دارد که هر انسانی نیاز دارد که ریشه ای داشته باشد که از آن ارتزاق کند فلذا آوارگی و مهاجرت های اجباری به اختلال روانی در افراد منجر می‌شود. پژوهش محمدیان و همکاران (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که براساس پرسشنامه سلامت عمومی^{۸۵} در میان ۴۵۳ مهاجر افغانستانی ساکن استان تهران نشان می‌دهد که اختلال های روانی در میان زنان، سالمندان، افراد متأهل، افراد مطلقه، افراد دارای سطح تحصیلات پایین تر، افراد خانه دار و افراد بیکار بیشتر می‌باشد.

سن فرد هنگام مهاجرت، دلیل مهاجرت، میزان سازگاری فرهنگی و اجتماعی با جامعه جدید، نداشتن برنامه برای آینده، پذیرفته نشدن اجتماعی مهاجران، ناپایداری خانواده، جدایی از بستگان، استرس فرهنگ پذیری، نبود حمایت اجتماعی، نداشتن نقش اجتماعی سودمند و پیوند معنی دار اجتماعی، نداشتن سرپناه، احساس عمیق انزوای اجتماعی، نظام متفاوت ارزشی-فرهنگی در کشورهای افغانستان و ایران، سطح پایین تر اجتماعی-اقتصادی مهاجران به دلیل نداشتن مهارت های اجتماعی لازم، بیکاری یا اشتغال به کارهای سخت و طاقت فرسای بدنی، نداشتن امنیت شغلی و پایین بودن دستمزدها نسبت به افراد ایرانی، جنگ داخلی و وضعیت ناپایدار سیاسی-اقتصادی-اجتماعی در کشور مبدا و پیامدهای ناشی از آن، نگرش منفی و آگاهی پایین مردم افغانستان نسبت به بیماری های روانی را از دلایل بالاتر بودن میزان اختلالات روانی در جمعیت مورد بررسی می‌دانند.

جابجایی سوژه انسانی از سپهر سرزمین مادری به سپهر نشانه‌ای سرزمین میزبان عناصر هویت ساز فرد را دچار چالش می‌کند. در کشور میزبان نشانه‌های هویت ساز افراد به سبب از دست دادن قدرت خود و تفاوت و یا تعارض با نشانه‌های هویت ساز سرزمین جدید ممکن است به حاشیه بروند و یا استحاله شوند (فلاح و برمکی ۱۳۹۵) اما در خصوص نسل جدید مهاجران افغانستانی در ایران به نظر می‌رسد این اتفاق بدون تحرک مکانی صورت گرفته است؛ هویت های سرگردانی

⁸⁵ General Health Questionnaire

که از نظر هویتی نه خود را اینجایی می‌دانند و نا آنجایی با بی خانمانی و بی وطنی همراه است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش همراستا با برشنا افغانستان را وطن آبا و اجدادی خود می‌دانند و ایران هنوز وطن امروزی تبدیل نشده است. از سوی دیگر اگرچه خود را افغانستانی می‌دانند اما حاضر نیستند برای همیشه به این کشور بازگردند. مصاحبه با نسل جدید مهاجران افغانستانی در استان تهران نشان می‌دهد که وجه غالب میان‌ذهنیت آنها در حالتی پاندولی قرار دارد که در احساس وابستگی توأمان به اینجا و آنجا، همه جا یا هیچ جا بازنمایی می‌شود عدم ادغام مناسب و چالش‌های جایابی مناسب در ساختار جامعه و عدم تطابق ظرفیت آرزومندی افراد با واقعیت‌های جامعه میزبان از مهمترین دلایل این سرگشتگی است.

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته در این پژوهش ویژگی مهم هویت نسل جدید مهاجران افغانستانی ساکن ایران هویتی آستانه‌ای^{۸۶} است که بر پایه سکنی‌گزیدن در اینجا و همبستگی و حفظ ارتباط با آنجا صورت بندی می‌شود. این وضعیت در میانه که سعیدی (۲۰۱۸) با مطالعه مهاجران افغانستانی در آلمان از آن به "سرگشتگی بین دو دنیا"^{۸۷} یاد کرده که به وضعیت احساسی مبهم مهاجر در تعریف خانه، وطن و هویت خود اشاره دارد.

در بحث اتباع افغانستانی ساکن استان تهران، یکی از مهمترین بسترهایی که به صورت توأمان پتانسیل تهدیدزایی و فرصت‌آفرینی دارد موقعیت نسل دوم و سوم مهاجران است که سعیدی (۱۳۹۹ الف) در پژوهش خود در خصوص زیست مهاجران در زمان بحران کرونا از تعبیر "غریبه‌های قریب" یاد می‌کند و با تاکید بر واژه "هم‌سرنوشتی" نشان می‌دهد که بحران کرونا با فرجه کردن مفهوم هم‌سرنوشتی دستگاه سیاستگذار را متوجه این موضوع کرده که همه اعضای جامعه در یک قایق سوار هستند و مغفول گذاشتن بخشی از جمعیت کشور پتانسیل تهدید و برخلاف منافع ملی خواهد بود. نسل دوم و سوم اتباع افغانستانی در استان تهران، مهاجرانی که تجربه مهاجرت نداشته‌اند از جایی به جای دیگر نرفته‌اند و مرزی رو در ننوریده‌اند. نسل دوم و سوم مهاجران ساکن ایران از نظر نظام ارزش‌ها و باورهای مذهبی و هم از نظر انتظارات و مطالبات با نسل اول مهاجران متفاوت هستند.

اگر به دلیل فرار از جنگ و خشونت در افغانستان، دغدغه نسل اول در درجه اول امنیت و حداقل معیشت بود نسل دوم و سوم در نتیجه جامعه‌پذیری در جامعه شهری ایران دغدغه‌های هویتی و مطالبات آموزشی فرهنگی و روانی وسیعتری را طلب می‌کند، سطح استانداردهای این نسل برای ارزیابی رضایت از زندگی متفاوت از نسل اول مهاجران است و ملاک

⁸⁶ liminal

⁸⁷ juggling between two worlds

قضاوت شان در مورد زندگی در ایران، نه وضعیت افغانستان بلکه جوانان شهری ایرانی و مهاجران افغانستانی در کشورهای انگلوساکسون است.



شکل ۹: هرم سلسله مراتب نیازهای انسانی مزلو

براساس هرم سلسله مراتب نیازهای انسانی مزلو (۱۹۵۴) احساس تعلق پذیری در مرتبه سوم قرار دارد در حالیکه گروه مورد مطالعه هنوز درگیر مراحل اول و دوم هستند. در نگاهی ریزبینانه‌تر باید گفت نسل اول مهاجران به واسطه تجربیات مستقیم از جنگ و ناامنی در سرزمین مبدا وقتی نیازهای اولیه زیستی (مرحله اول هرم مزلو شامل تنفس، غذا، آب، سرپناه، لباس و خواب) در جامعه ایران را بصورت مقطعی و محدود تامین شده یافت رضایتمندی بالاتری از زندگی دارد و این در حالیست که نسل دوم و سوم مهاجران با توجه به تجربه نهاد آموزش در ایران و جامعه پذیر شدن در بافت ایرانی نگاهی پرسشگرانه‌تر به معنای زندگی داشته و سطوح نیازهایش در مراحل والاتر هرم مزلو جستجو می‌نماید.

نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی ساکن در ایران هم خود را با والدین (نسل اول مهاجران) متفاوت می‌دانند و هم در جامعه افغانستان احساس تفاوت و غریبه بودگی دارند، در نتیجه هویتی جدید با مختصات نوآوارانه‌ای را در پرتو الگوهای جهانی شکل می‌دهند. براساس یافته‌های این پژوهش، "احساس دیده نشدن" و "وارد بازی نشدن" در تجربیات مشارکت

کنندگان در این پژوهش تکرار شده که می‌توان آن را ذیل مفهوم "طرد اجتماعی"⁸⁸ تحلیل نمود. طرد اجتماعی نتیجه ساختارهای نابرابر اجتماعی، به معنای کنار گذاشتن از جریان عام زندگی اجتماعی است و در این فرایند افراد و گروه‌های مشخصی به شکل نظام مند از دسترسی به موقعیت‌هایی محروم می‌شوند.

در نتیجه مصاحبه‌های صورت گرفته "زندگی بی ثبات و متزلزل"، "پادروایی"⁸⁹ (خسروی ۲۰۱۷) "بازی با موقتی‌ها"⁹⁰ و "حضور ناتمام"⁹¹ وجه غالب تعریف از زندگی نسل جدید مهاجران افغانستانی در ایران به ویژه تحصیل کردگان آنها است. به نظر می‌رسد نگاه به مهاجران افغانستانی بعد از ۴ دهه همچنان در قالب غریبه ای است که باید به مبدا بازگردد؛ کسی است که امروز می‌آید و فردا می‌ماند و موقعیت ثباتی در جامعه میزبان دارد اما از نظر جایگاه خود هیچ وقت خود را متعلق به جامعه میزبان نمی‌داند و به محیط اجتماعی جدید با معیارهای فکری خود می‌نگرد و فکر می‌کند که روزی آن را ترک می‌کند. فردی بدون گذشته مشترک با جامعه میزبان است. آدم حاشیه‌ای و غریبه در یک وضعیت انتقالی و لایبرنتی است که احساسات متناقض را با خود حمل می‌کند.

مقوله "هویت‌های سایه‌ای" (سعیدی ۱۳۹۸) یکی از مهمترین وجوه مشخصه نسل جدید مهاجران افغانستانی در ایران است که پتانسیل بسیار بالایی برای تهدیدزایی دارد. در بخش قبل در قالب مسئله زیست غیررسمی تاحدی به صورت بندی آن پرداخته شد. هویت‌های سرگردانی که اگرچه از سوی ساختار رسمی سیاستگذاری به رسمیت شناخته نمی‌شوند اما در زیر پوست شهر زیست روزمره خود را دنبال کرده و استراتژی‌های متنوع، نوین و هوشمندانه ای را برای بقا دنبال می‌کنند. عدم شناخت این استراتژی‌ها از سوی دستگاه سیاستگذار دولت میزبان، قطعاً پاشنه آشیل امنیتی جدی برای کشور خواهد بود.

⁸⁸ social exclusion

⁸⁹ precarity

⁹⁰ بازی موقتی‌ها به معنای محدود کردن تمامی سطوح زندگی یک مهاجر به زمانی موقت است: اقامت موقت، آموزش رایگان موقت، حقوق موقت.

⁹¹ partial presence

تعلق اجتماعی و همبستگی اجتماعی جامعه مهاجران با جامعه میزبان

مفهوم همبستگی اجتماعی در تحلیل توزیع نابرابر منابع و در نتیجه سطح پایین رفاه در زندگی مهاجران همواره از مهمترین چالش‌های مهاجران مقیم در ایران بوده است. یکی از مهمترین مراحل شکل‌گیری هویت این است که تا چه حد فرد خود را عضوی از گروه می‌داند. کشور افغانستان با فرهنگی غنی و متنوع که برکمن و شلنکف (۲۰۰۷) از آن به "فرهنگ به مثابه فرشی رنگارنگ" یاد می‌کنند از قومیت‌ها، مذاهب و گویش‌های متنوع با جهت‌گیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک مختلف و بعضاً غیر همسو تشکیل شده است.

اگرچه ۴ قومیت اصلی تاجیک، هزاره، پشتون و ازبک در افغانستان بیشترین عضو را دارند اما در سرود ملی این کشور ۱۴ قومیت نام برده می‌شود که در کنار صدها طایفه در شکل‌دهی به هویت افغانستان نقش آفرینی می‌نمایند. قوم پشتون سنی مذهب بوده و بیش از نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده به زبان پشتو تکلم می‌نمایند و بیشتر در مناطق جنوبی و شرقی افغانستان حضور داشته و از دو طایفه اصلی دورانی و قیلزی تشکیل شده است. قوم تاجیک ۲۷ درصد جمعیت را شامل می‌شود و عمدتاً سنی مذهب بوده و به زبان دری صحبت می‌کنند و عموماً در قسمت‌های شمال شرقی و غرب افغانستان سکونت دارند. قوم هزاره اقلیت شیعه مذهبی هستند که بیشتر در هزاره‌جات سکونت دارند.

مفهوم تعلق^{۹۲} ارتباط وثیقی با هویت فرد دارد و سنجش جهت‌گیری تعلق اجتماعی جامعه مهاجران یکی از ضروری‌ترین نیازهای دستگاه سیاستگذار در جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به منطقه ملتهب و پر آشوب خاورمیانه و مرزهایی به کشورهای منتهی می‌شود که درگیر تنش‌های داخلی و بین‌المللی هستند، هدف نهادهای ذیربط در حوزه اتباع غیرایرانی می‌بایست در تقویت همبستگی اجتماعی و تعلق اجتماعی جامعه مهاجران با جامعه میزبان باشد چراکه در غیر این صورت هویت‌های سایه‌ای و هویت‌های سرگردان بیشترین پتانسیل را برای دنبال کردن ماموریت‌های بیرون از مرزهای ملی ایران (جاسوسی) و همچنین گرایش به گروه‌های تکفیری و تروریستی همچون داعش و طالبان و القاعده را دارا می‌باشند.

⁹² belonging

نسل دوم و سوم مهاجران ملغمه‌ای از تجربیات متفاوت و چالش‌های چندگانه‌ای از سردرگمی بین فراملی‌گرایی، همانند سازی، دیاسپورا و تجربه تحقیرهای نژادی در زندگی‌شان است که به تقویت "عقده‌های اجتماعی" در نسل جدید مهاجران منجر شده است. ایمل^{۹۳} متولد و ساکن قم از پدر و مادری اهل ولایت هلمند دانش آموز مقطع دبیرستان دوره دوم است. مقوله "فضای سوم هویتی" در بین نسل جدید مهاجران افغانستانی کاملاً قبول دارد و آن را متأثر از ممزوج شدن دو فرهنگ ایران و افغانستان به علاوه "محرومیت‌ها و عقده‌های تجربه شده" می‌داند. ایمل تعلق چندگانه را اینطور تعریف می‌کند:

اگرچه تبعیض‌های متعددی را در طول زندگی تجربه کرده‌ام ولی هیچ وقت خودم را از ایران جدا نمی‌توانم تصور کنم. در شادی و غم این جامعه حضور داشته‌ایم. ریشه‌های زبانی و فرهنگی و مذهبی مشترک دو ملت را به هم متصل می‌کند. در مورد پرچم و سرود ملی به همان اندازه که در مورد افغانستان احساس غرور در دلم شکل می‌گیرد در خصوص ایران هم احساس مثبتی دارم. خیلی شبیه به ایرانی‌ها شده‌ایم. حتی در موبک‌های اربعین افغانستانی‌های مهاجر که می‌روی می‌بینی مداحی‌هایمان هم ایرانی است. اگرچه در ایران هویت اجتماعی و جایگاه حقوقی مشخصی نداریم اما در ناخودآگاه احساس ایرانی بودن دارم. اما هیچ وقت جرات نمی‌کنم این احساس تعلق را به زبان بیاورم. از طرف خود مهاجران یکجور مورد قضاوت قرار می‌گیری و از طرف جامعه ایرانی هم یکجور. به هر حال به عنوان یک هزاره در افغانستان با مشکلات و چالش‌های متعددی مواجه خواهیم بود و معتقدم آینده فرزندانم در ایران امن‌تر است تا در افغانستانی که در سیطره قوم پشتون است. ایران همچنان برای من شیعه، یک پناهگاه امن است. حمله انتحاری به مدرسه موعود در غرب کابل، حمله تروریستی به جنبش روشنائی و حمله به روستای میرزاولنگ که همگی به دلیل تخاصم قومیتی با هزاره‌ها رخ داده است. اما یک نکته مهمی را باید تاکید کنم. حتی اگر در قلبم احساس تعلق به این سرزمین (ایران) بکنم اما هیچ وقت جسارت و جرات ابراز آن را ندارم. حس می‌کنم مورد تمسخر قرار خواهم گرفت و اصلاً برای این جامعه اهمیتی ندارد وقتی که دائماً می‌خواهند ما برگردیم. احساس می‌کنم این تعلق اهمیتی ندارد چراکه ما با ایرانی‌ها خورده نمی‌شویم. ما همیشه مثل یک مسافر زندگی می‌کنیم. مثلاً خواهرزاده‌ام در راهپیمایی ۲۲ بهمن با ذوق بسیار پرچم ایران را نقاشی کرده بود و به دستش گرفته بود ولی همه مسخره‌اش کرده بودند.

^{۹۳} تمنا و آرزو

یکی از پرتکرارترین نظرات ارائه شده در مصاحبه‌ها "احساس عدم جسارت و جرات در بیان تعلق به جامعه ایران" بوده است. در نتیجه سیطره نگاه سلسله مراتبی و همچنین موقتی پنداری همیشگی حضور مهاجران افغانستانی، فرد مهاجر حتی اگر قلباً احساس تعلق به جامعه میزبان کند به دلیلی ترس از واکنش منفی جامعه میزبان و هم قوم‌ان خویش، با واژه این حس را مستور نگاه می‌دارد.

بسیاری از افغانستانی‌های ساکن ایران خود را همچنان افغانستانی و دیگری می‌دانند چرا که می‌خواهند با این کار احساس تعلق به وطن تحت درگیری و مغموم خود را نشان دهند و این احساس تعلق را به نسل‌های بعدی نشان دهند. بسته به زمینه و بستر اجتماعی-سیاسی مهاجران از هویت هایفن شده (افغانستانی-ایرانی) بهره می‌گیرند و بر یکی از طرفین هویتشان تاکید بیشتری می‌کنند. مهاجران افغانستانی در ایران در وضعیت پیچیده‌ای هستند چرا که یکی از طرفین هویت در ایماژی بر بحران است و سویه دیگر آن عینیت ندارد و از سوی جامعه میزبان به رسمیت شناخته نشده است.

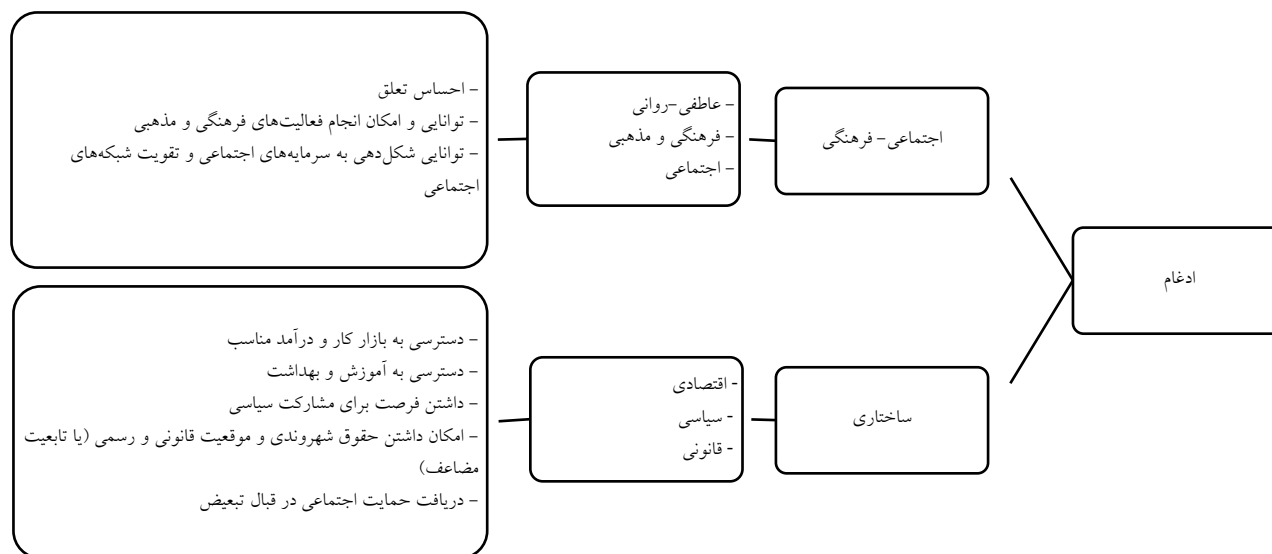
در عرصه خطر و بحران مهاجران افغانستانی خود را در قالب دیگری مهم^{۹۴} نشان می‌دهند که باید دیده/شنیده/کنترل یا طرف مذاکره قرار بگیرند. حالتی که دیگر امکان چشم پوشی از حضور طرف مقابل نیست و باید برای آن چاره‌ای اندیشید. سعیدی (۱۳۹۹ الف) در پژوهش کیفی خود بحران کرونا را به عنوان یک نمونه از بسترهایی دانسته است که به مرئی شدن حضور مهاجران انجامید. شیوع ویروسی همه‌گیر به عنوان شکلی از وضعیت اضطراری، با پررنگ کردن مفهوم "هم-سرنوشتی"، دستگاه سیاستگذار را متوجه این موضوع کرده که همه اعضای جامعه در یک قایق سوار هستند و مغفول گذاشتن بخشی از جمعیت کشور با هویت خاموش^{۹۵} به معنای گسترش مخاطرات ملی و پتانسیل تهدید خواهد بود و در نتیجه با مرئی کردن حضور مهاجران به صورت محدود و قطاعی فرایند ادغام ساختاری مهاجران را تسریع نموده است. یکی از مهمترین اشکالات سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در قبال اتباع غیرایرانی با تاکید بر اتباع افغانستانی در طی ۴ دهه گذشته، گیرکردن در بخش دسترسی‌های ساختاری و مغفول نگه داشتن ابعاد اجتماعی-فرهنگی حضور مهاجران در کشور است.

همانطور که پیشتر اشاره شد هرچقدر میزان احساس تعلق افراد به سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند پایین تر باشد حضور آنان پتانسیل تهدیدزایی بیشتر به خود خواهد گرفت و برعکس، هرچقدر سیستم سیاستگذار فیلترهای مختلفی را در فرایند ورود، جامعه‌پذیری اتباع غیرایرانی دنبال کند با توجه به قرابت زبانی، فرهنگی و مذهبی بین دو گروه،

^{۹۴} significant other

^{۹۵} silenced identity

بهره‌مندی از سرمایه انسانی این جمعیت فرصت ارزشمندی برای کشور ایران خواهد بود. در شکل شماره ۱۰ مدل اردال و اپن (۲۰۱۳) جزئیات سطوح ادغام مهاجران را به تفکیک نشان می‌دهد.



شکل ۳. تقسیم‌بندی مراحل ادغام مهاجران مدل اردال و اپن

بارزترین تفاوت ادغام ساختاری و ادغام اجتماعی- فرهنگی این است که ادغام ساختاری کاربردی^{۹۶} و قابل اندازه‌گیری است که شامل دسترسی به بهداشت و سلامت، دسترسی به بازار کار و آموزش و دسترسی تحصیلی است در حالی که ادغام فرهنگی اجتماعی پیچیده‌تر است و عناصر آن به سختی قابل اندازه‌گیری است مانند شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته در میان مهاجران، توانایی مدیریت زندگی روزمره^{۹۷} و یا احساس تعلق و عواطف مهاجران به مفهوم خانه. برای دستیابی به هدف مورد نظر دولت میزبان در تربیت سفیر فرهنگی باید توجه داشت که براساس مدل اردال و اپن (۲۰۱۳) نباید ادغام مهاجران را صرفاً فرایندی فیزیکی دانست (به عنوان مثال سنجش دسترسی به منابع اقتصادی) بلکه تمرکز بر ادغام اجتماعی- فرهنگی که و تقویت وجوه احساسی و عاطفی آن اهمیت والاتری دارد چراکه تقویت پیوندهای

^{۹۶}functional

^{۹۷}managing your everyday life

عاطفی مهاجران با جامعه میزبان بهترین نشانه ادغام است. احساس مهاجران نسبت به کشور جدیدشان بر قضاوت های آنان درباره جامعه میزبان و جایگاهی که خود در آن دارند تاثیر می‌گذارد.

رمضان (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان می‌دهد که حس مشترک شهروندی و احساس تعلق به یک کشور لزوماً از راه قانون و برنامه‌های دستوری و یا کاغذ و شناسه‌های هویتی پدید نمی‌آید (هرچند که پیش شرط بسیار مهمی است) بلکه لازمه آن ایجاد نوعی حس شفقت، همدردی و درک متقابل است. پیوند و پیوستگی عاطفی^{۹۸} و روحی و احساسی با کشور میزبان که به احساس بر خورداری از یک هویت مشترک با جامعه محل اقامت منجر می‌شود. این نکته می‌بایست مورد توجه دستگاه سیاستگذار ایرانی در خصوص اعطای تابعیت بقرار گیرد چراکه تمرکز اصلی بر ساختارهای اداری اعطای برگه هویتی متمرکز شده است در حالیکه این مدارک هویتی نیازمند بسترسازی های فرهنگی و اجتماعی درازمدت در جهت پرورش جامعه مهاجر بر اساس ارزشها و هنجارهای جامعه میزبان است؛ در غیر این صورت هدررفت انرژی و موجد هزینه های گزاف برای منافع ملی کشور خواهد بود.

یکی از مهمترین سوالات این پژوهش فهم سبب هویتی^{۹۹} مهاجران افغانستانی ساکن ایران بوده است. فهم کلیتی از هویت‌های گوناگون که فرد با خود حمل می‌کند و در هر شرایطی یکی یا بعضی از آنها نقش مسلط را در تعریف از خود بازی می‌کند. این هویت‌ها ممکن است با یکدیگر همساز یا ناهم‌ساز باشند و یکدیگر را تقویت یا تضعیف کنند یکسان بمانند یا در طول زمان تغییر کنند. کشورهایی در حوزه مهاجرت های بین المللی سیاستگذاری موفق داشته اند که با حفظ احترام به نمادهای بومی جامعه مهاجران، سهم ارزشها، هنجارها و ابژه های ملی جامعه میزبان نیز در این سبب هویتی شاخص و پررنگ است.

^{۹۸} affectional bond

^{۹۹} identity portfolio



فصل پنجم

تهدیدها و فرصت‌های اتباع افغانستانی ساکن استان تهران:

ابعاد ساختاری-نهادی



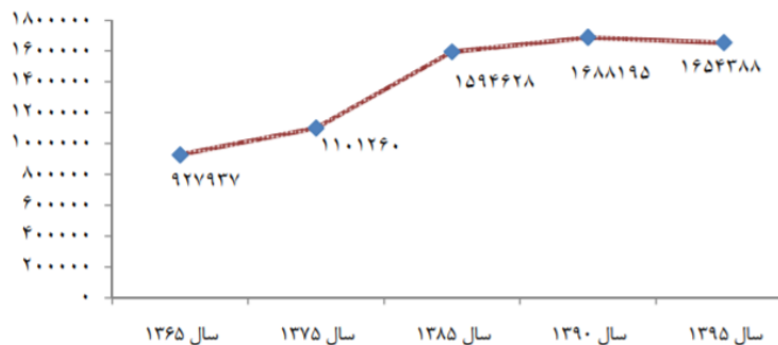
اتباع افغانستانی در ایران از منظر وضعیت حقوقی-قانونی به ۳ دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف) پناهندگان: این گروه از اتباع افغانستانی شامل کسانی است که قبل از سال ۱۳۸۲ وارد ایران شده و در طرح "آمایش پناهندگان جمعی" ثبت نام شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۲ به جز در موارد خاص (سیاسی یا ناشی از بیماری‌های ویژه) حق پناهندگی اعطا نمی‌نماید و بعد از سال تنها فرزندان افرادی که در طرح آمایش ثبت نام کرده‌اند به پناهندگان افزوده می‌شوند و دارندگان این موقعیت حقوقی تحت نظر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان قرار دارند. این افراد دارای کارت پناهندگی موسوم به "کارت آمایش" هستند که مجوز اقامتی مدت‌دار (سالانه) است و به تازگی (خرداد ۱۴۰۰) شانزدهمین دوره طرح سرشماری آمایش شروع شده است. دارندگان این کارت برای اشتغال باید از اداره اشتغال اتباع خارجی وزارت کار مجوز کار بگیرند البته محدودیت‌های دسترسی به گواهینامه رانندگی و خدمات الکترونیک بانکی هنوز وجود دارد.

ب) مهاجران: افرادی که با مدرک اقامتی قانونی (گذرنامه و ویزای موقت) در ایران زندگی می‌کنند از منظر حقوقی مهاجر خوانده می‌شوند که به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول کسانی هستند که در قالب طرح سامان‌دهی اتباع خارجی در سال ۱۳۸۹ شناسایی شدند و از دولت گذرنامه خانوار گرفته‌اند. دسته دوم افرادی هستند که گذرنامه افغانستانی دارند و با دریافت ویزای کار یا تحصیل یا ویزای توریستی در ایران اقامت دارند.

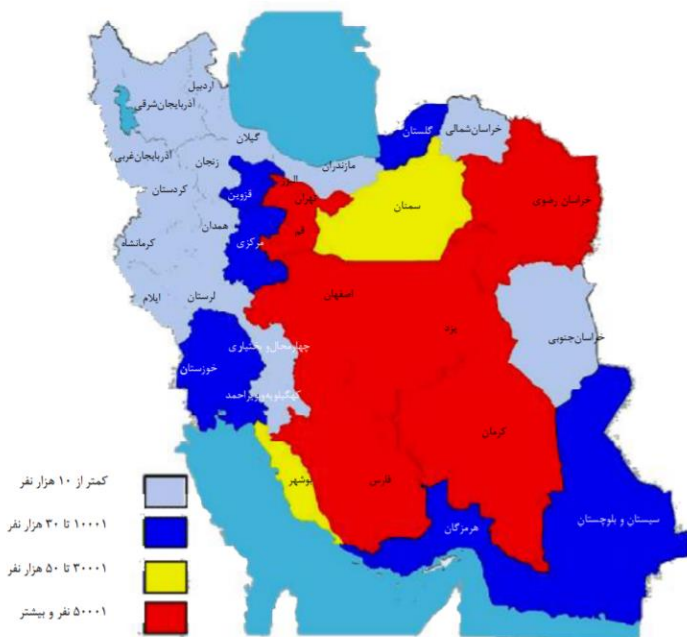
ج) مهاجران فاقد مدرک: به کلیه افرادی که بدون مدرک هویتی-شناسایی رسمی و قانونی در ایران سکونت دارند مهاجر غیرقانونی می‌گویند که یا از اول ورود به ایران فاقد مدرک قانونی بوده‌اند و یا زمانی مدرک اقامت قانونی در ایران را داشته‌اند اما به دلیل انقضا و یا فاقد اعتبار شدن به مهاجر فاقد مدرک تبدیل شده‌اند و از منظر حقوق بین‌الملل، این افراد زیستی غیرمتعارف^{۱۰۰} دارند و آمارهای غیررسمی و مبهمی دارند.

^{۱۰۰} طبق حقوق بین‌الملل و در راستای اصل برائت، اگر فردی مرتکب (Irregular migration): مهاجرت غیرمتعارف یک عمل برخلاف قانون شود، تا قبل از احراز جرم توسط مراجع قضایی نباید در مجامع عمومی در موردش صحبت شود. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در خصوص حقوق بشر اعلام داشته است که ورود غیرمتعارف به قلمروی کشورها باید صرفاً یک تخطی اداری تلقی شود و نه یک جرم کیفری. سازمان بین‌المللی مهاجرت و سایر سازمان‌های بین‌المللی باید طبق پیشنهاد مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ به جای واژه غیرقانونی از کلمه غیرمتعارف استفاده کنند.



نمودار ۲. جمعیت اتباع خارجی با مدرک رسمی در کشور طی سال‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۵ (مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)

یکی از مهمترین چالش‌های پژوهش در بسیاری از موضوعات علوم اجتماعی در ایران به ویژه مهاجرت، نبود آمارهای مستند و قابل اتکا است و بیشتر از اینکه آمارهای کمی و کیفی دقیق از جامعه هدف در اختیار باشد مطالعات صورت گرفته براساس تخمین تحلیل می‌شوند. به نظر می‌رسد ضعف آماری در این زمینه معلول فقدان سیاستی واحد در خصوص مدیریت جامع پدیده مهاجرت در ایران و تعدد مراکز سیاستگذار و تصمیم‌گیر در این حوزه است.



شکل ۱۱. توزیع جمعیت اتباع خارجی با مدرک رسمی بر حسب استان- براساس سرشماری ۱۳۹۵ (مرکز آمار و اطلاعات راهبردی)

آمارهای رسمی در زمینه تعداد اتباع غیرمجاز افغانستانی در ایران وجود ندارد و تنها برآوردهایی در ارتباط با تعداد آنها توسط مسئولان دولتی و سازمان‌های بین‌المللی ارائه می‌شود. برخی از اتباع غیرمجاز برای سال‌ها در ایران سکونت دارند و برخی مدت کوتاهی از حضور آنها در ایران می‌گذرد. برخی از آنها همراه با خانواده در ایران زندگی می‌کنند و بخش قابل توجهی از آنها بصورت مجردی (رجوع شود به صادقی ۱۳۸۸؛ یوسفی و دیگران ۱۳۹۲؛ میرزایی ۱۳۹۲). جهت اشتغال و ارسال وجوه به خانواده خود در افغانستان در کشور حضور دارند.

اگرچه تخمین تعداد مهاجران افغانستانی ساکن در ایران از تشتت آماری رنج می‌برد^{۱۱} اما براساس جدیدترین گزارش منتشر شده بیش از ۸۵۰ هزار نفر اتباع افغانستانی دارای کارت آمایش، حدود ۴۵۰ هزار نفر نیز با گذرنامه و بیش از ۲

^{۱۱} اگرچه سامانه "پژواک" در اداره کل اتباع بیگانه وزارت اطلاعات در راستای بهبود عملکرد ایجاد شده است که به ثبت مشخصات اتباع بیگانه مجاز و غیرمجاز اقدام می‌کند اما به دلیل محرمانه بودن داده‌ها دسترسی وجود ندارد. از سوی دیگر اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی نیز اطلاعات اتباع غیر ایرانی را در سامانه "سیام" قرار می‌دهد؛ این درحالیست که نیروی انتظامی با این سامانه همکاری ننموده و سامانه مستقلی دارد. سامانه یکپارچه اتباع و مهاجرین خارجی (سیام) در سال ۱۳۹۸ و با هدف یکپارچه نمودن و ایجاد بانک اطلاعات و داده اتباع خارجی

میلیون مهاجر غیرمتمعارف با زیستی غیررسمی در ایران سکونت دارند^{۱۰۲}. اتباع افغانستانی غیرمقیم هم به اشکال مختلف بین دو کشور در تردد هستند.

سیاست‌های ایران در میزبانی از مهاجران افغانستانی (نگاهی بر تحولات چهار دهه گذشته)

جمهوری اسلامی ایران در طی ۴ دهه گذشته میزبان اتباع کشورهای هم‌چون افغانستان، عراق، میانمار، پاکستان بوده است. جنگ، ناپایداری سیاسی، عدم امنیت، تضادهای قومی، فقر و فشارهای اقتصادی موجب شکل‌گیری روندها و الگوهای مهاجرتی پناهندگی از کشورهای همسایه به ایران بوده و ایران را تبدیل به یکی از کانون‌های عمده پناهنده‌پذیر جهان کرده است. اگرچه به صورت مدون سیاستگذاری رسمی در قبال موج‌ها پناهندگی در ایران وجود ندارد اما بررسی رویه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی در قبال اتباع افغانستانی به عنوان بزرگترین گروه غیرایرانی ساکن در کشور به چهار دوره سیاستگذاری منجر می‌گردد.

دوره اول: سیاست درهای باز

در دهه پنجاه شمسی بسیاری از اتباع افغانستانی با هدف فعالیت در صنعت نفت و گاز به کشور ایران وارد شدند. اما عمده ورود مهاجران افغانستانی در قالب ۴ موج اصلی صورت گرفته است. از سال ۱۳۵۸ با اشغال افغانستان توسط شوروی و ظهور دولت کمونیستی در این کشور، در سال‌های پایانی دهه هشتاد میلادی موج گسترده‌ای از مهاجرت از سوی مرزهای

راه‌اندازی شد. پیش از این، سامانه نجوا در اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی مورد استفاده قرار می‌گرفت (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸). سامانه دیگر سدک است که در گذشته از سوی اداره کل اشتغال اتباع خارجی و دفاتر خدمات اقامت و اشتغال اتباع خارجی مورد استفاده قرار می‌گرفت (خبرگزاری ایمننا ۱۳۹۴). با در نظر گرفتن سامانه پژواک وزارت اطلاعات، شاهد تعدد سامانه‌های مرتبط با اتباع خارجی هستیم که این موضوع باعث جزیره‌ای عمل کردن آنها در گذشته می‌گردید. با راه‌اندازی سامانه سیام بخش عمده‌ای از مشکلات مربوط به یکپارچه نمودن پایگاه داده و اطلاعات اتباع خارجی در کشور حل شده است.

^{۱۰۲} مصاحبه با اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی

شرقی^{۱۰۳} به ایران آغاز شد که موج اول مهاجرت اتباع افغانستانی به ایران شکل گرفت؛ ایران انقلابی با در پیش گرفتن "سیاست درهای باز" و با تاکید بر آموزه‌های دینی و ایدئولوژیک مبنی بر برادری و رافت اسلامی ممانعتی برای ورود مهاجران افغانستانی ایجاد نمود. ارائه حمایت‌های حقوقی به آوارگان بر اساس رویکردهای بشردوستانه در ایران دهه شصت شمسی صورت گرفت، مقوله ای که تحت عنوان شناسایی موقتی یا پریمافاشی^{۱۰۴} انجام شد. در ترکیه نیز در دهه اخیر این سیاست در قبال پناهجویان عراقی که از سوریه و اردن به این کشور فرار کرده بودند صورت گرفته است (مارفلیت و چتی ۲۰۰۹). دولت ایران در سال‌های آغازین ورود آوارگان و مهاجران افغانستانی در اوایل انقلاب اسلامی در ایران از آنها استقبال کرد (عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۸). سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در اولین موج مهاجرتی پس از انقلاب بر مبنای حس انسان‌دوستی و ایدئولوژی اسلامی به سمت جذب حداکثری بدون ساماندهی و حتی ثبت حداقلی صورت گرفت. چون اقدامات اولیه مناسبی برای ثبت و رهگیری مهاجران صورت نگرفت به تبع سیاست‌های بعدی سالهای اولیه انقلاب در وضعیت بی‌تفاوتی و غفلت از این موضوع قرار داشت.

به‌طوری‌که پس از انقلاب اسلامی در ایران، دولت جدید از روزهای آغازین خود سیاست درهای باز را برای پناهندگان افغانستانی در دستور کار قرار داد (عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۵؛ فرزین و جدلی ۲۰۱۳). سیاستی که ریشه در ارزش‌ها و آموزه‌های دینی اسلام داشت. به سخن دیگر، تعلقات ایدئولوژیکی نظام جمهوری اسلامی ایران به جهان اسلام با تشویق و دعوت از اتباع افغانستانی برای اسکان در ایران و ادغام آن‌ها در جامعه ایرانی همراه بود که به سیاست درهای باز مرسوم شد (صادقی، ۱۳۸۶: ۸). ایدئولوژی انقلاب اسلامی در رویکرد آن به جهان اسلام موجب شد در سالهای آغازین انقلاب، جمهوری اسلامی با آغوش باز‌پذیرای جمعیتی گسترده بدون ثبت نام یا اخذ کارت هویتی شد. در حالی که مطابق معمول عرف بین‌المللی و عملکرد سایر کشورها، پناهجویان به اردوگاهها انتقال داده و پس از بررسی و ثبت، در صورت لزوم اجازه ورود داده می‌شود که این امر به جذب حمایت‌های مالی از سوی سازمان‌های بین‌المللی می‌شود.

در نتیجه این سیاست میلیون‌ها آواره افغانستانی در ایران اسکان یافتند. مهاجران افغانستانی علاوه بر فرار از خشونت و ناامنی در افغانستان به اشتغال و خدماتی همچون آموزش و بهداشت دسترسی داشتند. از سوی دیگر تشابهات زبانی و اجتماعی-فرهنگی با ایران آنها را به مهاجرت به ایران تشویق می‌کرد.

^{۱۰۳} طول مرز مشترک ایران و افغانستان ۹۱۹.۱ کیلومتر است که ۶۸۱ کیلومتر آن را مرزهای خشکی و ۲۳۸ کیلومتر را مرزهای آبی (رودخانه‌های

هریرود، دریاچه بین‌المللی هامون، نهر سیخ سر و هیرمند) تشکیل می‌دهد.

در سال‌های اولیه ورود مهاجران افغانستانی به ایران، آنها مانند شهروندان ایرانی به کمک هزینه تامین غذا، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان دسترسی داشتند و اشتغال آنها به مشاغل سطح پایین در بخش کشاورزی و ساخت‌وساز محدود می‌شد (عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۸). تا اوایل دهه ۱۳۷۰، بیشتر پناجویان افغانستانی که وارد ایران می‌شدند، "مهاجرین" نامیده می‌شدند و به آنها حق اقامت نامحدود در ایران داده می‌شد. تا سال ۱۳۷۱، ایران به مهاجران افغانستانی که وارد کشور شده بودند کارت‌های آبی می‌داد که این نشانگر وضعیت آنها به‌عنوان مهاجران غیرداوطلبانه (مهاجرین) و نه پناهنده بود (رجایی ۲۰۰۰).

علاوه بر این، «کارت‌های سفید» (قبل از سال ۱۳۵۷) برای پناهندگان صادر شده بود. پس از انقلاب اسلامی، کارت‌های سفید بیشتر برای افراد تحصیل‌کرده به‌ویژه برای اتباع عراقی صادر می‌شد (فرلیک ۱۹۹۹). به دارندگان کارت‌های سفید حق بیشتری نسبت به کارت‌های آبی اعطا می‌شد، از جمله معافیت مالیات، حق کار و حق گرفتن مدارک سفر مطابق با کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ در مورد پناهندگان^{۱۰۵} (رجایی ۲۰۰۰). به دارندگان کارت‌های آبی اجازه اقامت نامحدود در ایران داده می‌شد و تا سال ۱۳۷۴، کمک‌هزینه مراقبت‌های بهداشتی و غذایی یارانه‌ای و همچنین دسترسی به آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان داده شد (عادلخواه و الزیوسکا ۲۰۰۷).



^{۱۰۵} برای مطالعه بیشتر در خصوص کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو پناهندگان سازمان ملل متحد به ضمیمه شماره ۲ رجوع شود.

شکل ۱۲: نمونه‌ای از کارت شناسایی ویژه آواگان افغانستانی (کارت آبی)



شکل ۱۳: نمونه‌ای از کارت سفید در طرح سرشماری، صادر شده در سال ۱۳۶۳ برای پناهندگان افغانستانی در ایران

در نتیجه نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی در دهه ۷۰، سیاست ایران در زمینه پناهندگان به تاکید بر جلوگیری از ورود غیرقانونی و بازگشت مهاجران افغانستانی تمرکز داشت. در اواسط این دهه، به دلیل رکود اقتصادی و فشار سیاسی داخلی، ایران شروع به حذف یارانه‌های بهداشتی و آموزشی پناهندگان کرد (عباسی شوازی ۲۰۰۵). پس از خروج نیروهای شوروی و سقوط دولت نجیب‌الله در افغانستان سیاست درهای باز ایران تغییر و سیاست تشویق به بازگشت مهاجران در دستور کار قرار گرفت. به سخن دیگر، مهاجران افغانستانی اگرچه در ابتدا در ایران مورد استقبال قرار گرفتند ولی با گذشت زمان، ایران با مشکلاتی از جمله افزایش نرخ بیکاری، جرم و قاچاق مواد مخدر روبه‌رو شد (هابلر ۲۰۱۵)؛ البته نسبت دادن بیکاری، جرم و قاچاق مواد مخدر به مهاجران افغانستانی به عنوان یکی از ابزارهای کنترل و تشویق به بازگشت مهاجران و یا معرفی آنها به عنوان عامل اصلی بیکاری در کشور در رسانه‌ها بازنمایی می‌گردید (نصر اصفهانی ۱۳۹۷).

دوره دوم: سیاست بازگشت داوطلبانه و اخراج غیرمجازین

موج دوم مهاجرت به سمت ایران از سال ۱۳۶۸ همزمان با خروج شوروری از افغانستان و شروع درگیری‌های داخلی در این کشور آغاز گردید. هرچند که با پایان پذیرفتن جنگ تحمیلی و عیان شدن مشکلات اقتصادی و زیرساختی کشور به تدریج سیاست‌های کنترل‌گرایانه و تحدیدکننده حضور مهاجران در دستور کار دولت در دهه هفتاد شمسی قرار گرفت. این سیاست‌های انقباضی و کاهنده دسترسی به خدمات و حقوق شهروندی با محوریت بازگشت مهاجران به افغانستان در طول سه دهه گذشته ادامه داشته است.

سیاست بازگشت آوارگان افغانستانی در دهه ۱۳۷۰ به دلیل تشدید درگیری‌های داخلی و به قدرت رسیدن طالبان با مانع جدی روبرو شد. با وقوع دور جدیدی از درگیری‌ها در افغانستان به دلیل وجود طالبان در مبارزات جناحی و قومی این کشور، ایران مرز خود را در سال ۱۳۷۴ مسدود کرد و برنامه بازگشت مهاجران افغانستانی به کشورشان را متوقف کرد. هزاران آواره جدید افغانستانی، از آن زمان به بعد مجاز به ورود به ایران شدند. دولت از ارائه اسناد به این پناهندگان جدید امتناع کرد و وضعیت آن‌ها ثبت نشد و به‌نوعی آن‌ها غیرقانونی محسوب شده و در هر زمان مستعد اخراج بودند و در این راستا چندین کمپین اخراج ایجاد شد. کاهش تدریجی خدمات به مهاجران افغانستانی (بخصوص در آموزش و پزشکی) در دستور کار قرار گرفت و محدودیت‌های اشتغال قانونی برای مهاجران اعمال شد.

سیاست بازگشت محصول تغییرات عمده داخلی در ایران و افغانستان بود که از یکسو در ایران بعد از ۸ سال جنگ طولانی با عراق، دولت مستقر با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای مواجه بود و از سوی دیگر در افغانستان نیز مجاهدین بعد از سقوط ژنرال نجسیب بر اوضاع مسلط شده بودند. به این ترتیب مبنای سیاست جدید ممانعت از ورود غیرقانونی و نیز بازگرداندن پناهنده‌های افغانستانی به کشورشان بود که از آن به سیاست بازگشت یاد می‌شود. بنابراین طرحی سه‌ساله برای بازگرداندن افغانستانی بین جمهوری اسلامی ایران، دولت افغانستان و سازمان ملل تدوین شد. بر اساس این طرح قرار بر این بود که دولت افغانستان به کسانی که بازگردانده می‌شوند، تسهیلاتی مانند زمین و خانه و سازمان ملل نیز کمک‌هایی مادی مانند دادن مبلغ مشخصی پول و مقداری کالای اساسی برای آنها در نظر گرفته شود. بعلاوه، دولت به تدریج خدمات رایگان آموزشی و بهداشتی را برای اتباع ممنوع ساخت تا سختی زندگی، آنها را به بازگشت ترغیب نماید. در دوران اصلاحات همزمان با اجرای برنامه‌های بازگشت از طریق کمیسیون سه‌جانبه، طرح‌های اخراج اجباری و ضربتی را هم در دستور کار قرار داد که مورد اعتراض کمیساریای عالی سازمان ملل قرار گرفت؛ با کاهش امنیت افغانها در ایران به واسطه برخورد پلیس و برخوردهای محلی، روند مهاجرت از مناطق مرزی و نزدیک به افغانستان به سوی

شهرهای بزرگ مانند تهران و اصفهان که فرصت‌های شغلی بیشتری در آنها وجود داشت نیز افزایش یافت. نتیجه این تغییر پراکندگی بیشتر خانواده‌های آنها در ایران شد.

پس از سرنگونی طالبان در اواخر سال ۱۳۸۰ سیاست اصلی دولت ایران بازگشت هر چه بیشتر پناهندگان و مهاجران افغانستانی بوده است؛ سیاستی که عمدتاً مورد حمایت کمیساریا بوده است. اقدامات انجام شده ترکیبی از برنامه‌های بازگشت داوطلبانه پناهندگان ثبت نام شده، اخراج اجباری مهاجران بدون مدرک، قطع یارانه‌ها و مزایای دولتی مانند ارائه خدمات درمانی و آموزش رایگان بوده است (کریستنسن ۲۰۱۶). در سال ۱۳۷۹-۱۳۸۰ طرح شناسایی اتباع خارجی را اجرا کرد که بعداً معیار صدور کارت آمایش قرار گرفت و دسترسی به خدمات و مجوز اقامت در ایران بر مبنای آن اعلام شد.



شکل ۱۴: نمونه رسید شرکت در طرح شناسایی اتباع خارجی در سال ۱۳۷۹-۱۳۸۰

دولت ایران از سال ۱۳۸۰ ارایه خدمات اداری و اجتماعی به اتباع غیرمجاز افغانستانی و عراقی را متوقف نمود. افزایش هزینه‌های آموزشی، بهداشتی و شهری، بازداشتن کودکان فاقد مدرک از دسترسی به آموزش و... از تدابیری بود که دولت از سال ۱۳۸۳ در نظر گرفت. عدم ارایه تسهیلات و خدمات به اتباع غیرمجاز از قبیل: خدمات اداری، افتتاح حساب در بانک‌ها و موسسات قرض الحسنه و مالی و اعتباری، صدور و تمدید هرگونه بیمه نامه و ارایه خدمات بیمه‌ای، عدم

واگذاری اماکن استیجاری به اتباع خارجی غیرمجاز از اقداماتی است که به منظور محدود نمودن مهاجرت‌های غیرقانونی صورت گرفته است (فصیحی ۱۳۹۳).

در سال ۲۰۰۳، ایران سیستم جدید ثبت نام با عنوان آمایش برای مهاجران ایجاد کرد. کارت آمایش برای کلیه مهاجران افغانستانی که حق اقامت در ایران را بر اساس ملیت افغانستانی خود در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دریافت کرده بودند، صادر شد و به‌عنوان تنها سند معتبر پناهندگان در ایران شناخته شد (گزارش کمیساریای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان ۲۰۱۴؛ ناصح و همکاران ۲۰۱۸)؛ پس از آن افغانستانی‌های تازه وارد، دیگر وضعیت پناهندگی را دریافت نمی‌کنند. فقط به مهاجرین تازه متولد شده، که والدین آنها در ایران دارای وضعیت پناهندگی هستند، کارت آمایش و وضعیت پناهندگی اعطا می‌شود.

با توجه به شرایط سخت اقتصادی در ایران برای مهاجران و پناهندگان افغانستانی در پی طرح هدفمند شدن یارانه‌ها در نوامبر ۲۰۰۹ به یکباره هزینه‌های زندگی مهاجران افغانستانی در ایران افزایش یافت. به علاوه، با افزایش بیکاری، تورم و گرانی، آمار مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران کاهش یافت. بنابراین عوامل یاد شده سبب شد تا مهاجران افغانستانی مقصد خود را برای مهاجرت از ایران به سمت کشورهای اروپایی و عربی تغییر دهند (فصیحی ۱۳۹۳).

دوره سوم: دسترسی بیشتر و تلاش بر ساماندهی مهاجران غیرمجاز

سیاست کلان دیگر ایران متمرکز بر آن دسته از مهاجران و پناهندگان افغانستانی است که در ایران سکونت داشته و به کشور خود بازنگشته‌اند. این سیاست عمدتاً مربوط به دهه ۱۳۹۰ تاکنون است که ایران با علم بر اینکه بازگشت تمام پناهندگان افغانستانی در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست، اقدام به گسترش دسترسی آنها به خدمات اجتماعی و همچنین ادغام ساختاری آنها نموده است. از سوی دیگر همچنان سیاست بازگشت به عنوان مهمترین سیاست اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اگرچه در عمل موفقیت چندان حاصل نشده است.

برنامه‌ها و آئین‌نامه‌های مختلفی برای تشویق به بازگشت پناهندگان در دهه ۱۳۹۰ مدنظر قرار گرفته است که سیاست "تغییر وضعیت پناهندگی به گذرنامه" و "برنامه خروج و بازگشت" از مهمترین آنها هستند. هر دو این ابزارها نگاه بلندمدت برای تشویق به بازگشت پناهندگان افغانستانی دارند (جاوهین و همکاران ۲۰۲۰). سیاست‌های اواخر دهه

هفتاد که متمرکز بر جدایی و تفکیک مهاجران افغانستانی بود، به تدریج در اواخر دهه ۱۳۹۰ به سیاست‌هایی با در نظر گرفتن ادغام از جنبه‌های مختلف تغییر کردند (یاربخش ۲۰۱۸؛ کسیمیس ۲۰۱۹).

قوانین و سیاست‌های مختلفی برای تسهیل ادغام اجتماعی و اقتصادی مهاجران افغانستانی (دارندگان کارت‌های آمایش یا گذرنامه) در ایران به تصویب رسیده است. به عنوان مثال، دسترسی به خدمات برای مهاجران دارای مدرک افغانستانی در دهه ۱۳۹۰ نسبت به دهه‌های گذشته گسترش یافت. از جمله مهمترین آنها دسترسی دانش‌آموزان مهاجر فاقد مدرک به مدارس دولتی پس از فرمان رهبر جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۴ بوده است. علاوه بر این، دسترسی پناهندگان افغانستانی به خدمات بانکی آنلاین، یکی دیگر از تغییرات سیاست حمایتی برای پناهندگان افغانستانی در ایران است؛ البته اجرای آن همچنان با مشکل مواجه بوده است.

پیش از این پناهندگان افغانستانی مجاز به استفاده از خدمات آنلاین یا الکترونیکی حساب‌های بانکی خود نبودند. البته اجرای این قانون در برخی از سال‌ها با مشکلات زیادی همچون مسدود نمودن حساب‌های بانکی و یا اعمال محدودیت برای سقف تراکنش‌های روزانه و یا برخوردهای سلیقه‌ای بانک‌ها مواجه بوده است؛ موضوعی که باعث نارضایتی و کاهش اعتماد مهاجران به سیستم بانکی شده است. همچنین، از سال ۱۳۹۸ به بعد، فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی و مردان خارجی (اغلب شامل مهاجران افغانستانی) در ایران، دارای حق قانونی برای اخذ تابعیت ایرانی قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی هستند.

از طرف دیگر در دهه ۱۳۹۰ در ارتباط با مهاجران فاقد مدرک افغانستانی در ایران نیز سیاست قانونی‌سازی و صدور مجوزهای اقامت (یا گذرنامه) از طریق انجام چند دوره سرشماری مورد پیگیری قرار گرفت. در مجموع سیاست ایران در دهه ۱۳۹۰ علاوه بر گسترش دسترسی مهاجران به خدمات اجتماعی-اقتصادی، بر محور قانونی‌سازی حضور بخشی از مهاجران فاقد مدرک از طریق انجام سرشماری و اجرای برنامه‌هایی برای تشویق مهاجران و پناهندگان به بازگشت بوده است. از این‌رو در سال‌های گذشته "ادغام ساختاری مهاجران افغانستانی در ایران با ارائه دسترسی به آموزش و بهداشت، با آهنگی هر چند کند، فرسایشی و تدریجی آغاز شده است" (سعیدی ۱۳۹۹).

سیاست ساماندهی پس از شکست دو سیاست دربهای باز و سیاست بازگشت در دستور کار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. شرایط موجود در کشور افغانستان و مشکلات در کنترل مرزها که منجر به بازگشت مجدد اتباع افغانستانی به کشور بود در نهایت موجب تغییر سیاست‌های مهاجرتی گردید. البته فشارهای خارجی و بین‌المللی نیز در اتخاذ این راهبرد از سوی جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است. بر همین اساس در ماده ۴۸ قانون برنامه سوم توسعه عنوان شده است که

وزارت کشور موظف است حداکثر در سال اول برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ نماید که کلیه افراد خارجی فاقد پروانه کار را جمع آوری نموده و در صورت عدم تهدید جانی، آنها را به کشور متبوع خود انتقال دهد و در غیر این صورت آنها را در اردوگاه‌های مشخص مجتمع نماید. تشخیص وجود و یا عدم وجود تهدید جانی به عهده وزارت امور خارجه است. در ادامه با توجه به تغییر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال اتباع در ماده ۱۸۰ قانون برنامه توسعه مقرر گردید شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه به منظور تمرکز فعالیت‌های جزیره‌ای نهادهای مختلف شکل بگیرد و به ریاست وزیر کشور و عضویت وزیران آموزش و پرورش، اطلاعات، امور خارجه، کار و امور اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، دبیر شورای عالی امنیت ملی، فرمانده نیروی انتظامی و رئیس جمعیت هلال‌احمر تشکیل گردد و مصوبات آن شورا پس از تأیید هیئت وزیران قابل اجرا باشد. فعالیت‌های شورای سیاست‌گذاری در امور اتباع در قانون برنامه چهارم ذیل ماده ۱۲۹ تمدید شد.

سیاست دسترسی به پناهندگی و اقامت (Admission) و شکل‌گیری سه گانه مهاجر مجاز، غیرمجاز و مهاجر تحمل شده

سیستم پناهندگی ایران از اوایل دهه ۱۳۸۰ دچار تغییراتی گردید. همچنانکه اشاره شد، با اجرای طرح آمایش و صدور کارت شناسایی برای پناهندگان، از اوایل دهه ۱۳۸۰ پناهجوی جدید در ایران ثبت نگردید. از این‌رو آوارگان تازه‌وارد افغانستانی وضعیت پناهندگی پیدا نکردند. یکی از دلایل این موضوع مرتبط با سیاست ایران در زمینه تشویق مهاجران افغانستانی به بازگشت و همچنین جلوگیری از ورود مهاجران جدید به ایران بوده است. باید توجه داشت که کنوانسیون وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ پایه شناسایی حقوق پناهندگان در جهان است که ایران نیز یکی از کشورهای است که کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن را پذیرفته است. بنابراین، عدم ثبت پناهجوی جدید و شفاف نبودن فرایند درخواست و اعطای وضعیت پناهندگی به پناهجویان یکی از چالش‌هایی است که در بحث اتباع افغانستانی مطرح است.

عدم ثبت پناهیجوی جدید (بجز موارد خاص) باعث عدم دسترسی به دریافت مدارک اقامتی برای مهاجران تازه وارد می‌شود. از این رو بخش عمده تازه واردان فاقد مدرک بوده و یا اینکه با دریافت روادید (اعم از توریستی، تحصیلی، درمانی و غیره) وارد کشور شده و در مهلت اعلام شده کشور را ترک نمی‌کنند. موضوعی که باعث تبدیل وضعیت آنها به مهاجر نامتعارف می‌گردد. با افزایش تعداد مهاجران فاقد مدرک (غیرمجازین) جمهوری اسلامی ایران در اوایل دهه ۱۳۹۰ اقدام به برگزاری سرشماری اتباع غیرمجاز نمود و این بخش از مهاجران گذرنامه‌های خانواری دریافت کردند. پس از فرمان رهبری مبنی بر دسترسی مهاجران غیرمجاز به آموزش در ایران، مجدداً طرح سرشماری اتباع غیرمجاز در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ برگزار گردید. این گروه از مهاجران اگرچه به بخش عمده خدمات دولتی به صورت رسمی دسترسی نداشتند اما حضور آنها به دلیل در اختیار داشتن کد سرشماری یا گذرنامه خانواری تحمل شده است که از آنها به عنوان مهاجران تحمل شده (Tolerated) یاد می‌شود.

انواع کارت‌ها و مجوزها

در دو دهه اخیر کارت‌ها یا مجوزهای اقامت مختلفی برای اتباع خارجی در ایران صادر شده است. مجوزهای اقامت صادر شده برای اتباع خارجی براساس ویژگی‌های آنها همچون تابعیت و یا داشتن امتیازات ویژه و همچنین براساس هدف از صدور مجوز اقامت متفاوت است. این موضوع باعث تعدد کارت‌ها و مجوزهای اقامت برای اتباع خارجی شده است. مهمترین کارت‌ها و یا مجوزهای اقامت اتباع افغانستانی در ایران به شرح ذیل است^{۱۰۶}:

کارت آمایش

کارت آمایش در راستای کنوانسیون وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ (و پروتکل ۱۹۶۷ آن) که جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از امضاء کنندگان آن است برای پناهندگان صادر می‌شود. صدور کارت آمایش براساس ماده ۲۷ کنوانسیون انجام می‌گیرد:

^{۱۰۶} اطلاعات در زمینه انواع کارت‌ها و مجوزها از مصاحبه متخصصان با مسئولان اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری تهران استخراج شده است.

ماده ۲۷ کنوانسیون پناهندگان: «دولت‌های متعاقد برای پناهندگانی که در سرزمین آنها به سر می‌برند و فاقد اسناد معتبر مسافرت می‌باشند، اوراق هویت صادر خواهند کرد»



شکل ۱۵: نمونه کارت آمایش ۱۴ برای پناهندگان افغانستانی

در سال ۱۴۰۰ شانزدهمین دوره تمدید کارت‌های آمایش انجام می‌گیرد.

کارت هویت

این کارت برای اتباع عراقی و تعدادی از خانواده‌های شهدای افغانستانی صادر می‌شود.

گذرنامه خانواری

در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ سرشماری اتباع غیرمجاز افغانستانی در دفاتر کفالت انجام شد و براساس آن دو گروه غیرمجازین مجرد و غیرمجازین خانواری شناسایی شدند. اما تنها برای خانوارها گذرنامه صادر شد که از آن به عنوان گذرنامه خانواری

یاد می‌شود و برای مجردین گذرنامه صادر نگردد. در حال حاضر اعتبار این گذرنامه‌ها یکساله است و در سال ۱۴۰۰ طرح تمدید آنها اجرا شده است.

دفترچه پناهندگی

اوراقی است که با درج مشخصات سرپرست خانوار پناهنده خارجی و افراد تحت تکفل وی به موجب قانون برای شناسایی و انجام امور اداری و کنترل انتظامی صادر می‌گردد. دفترچه پناهندگی براساس آئین نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲/۹/۲۵ به اتباع خارجی صادر می‌شود. براساس ماده اول این آئین‌نامه، "مقصود از پناهنده فردی است که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی، یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او می‌باشد به کشور ایران پناهنده شود". بررسی صلاحیت دریافت وضعیت پناهندگی بر عهده کمیته دائمی پناهندگان در وزارت کشور خواهد بود. براساس ماده ۶ این آئین‌نامه، "در صورت قبول پناهندگی دفترچه اقامت پناهندگی از طرف شهربانی کل کشور به شخص پناهنده داده می‌شود که به منزله دفترچه شناسایی و هویت رسمی است که در دفتر شهربانی محل اقامت ثبت می‌گردد". در حال حاضر این دفترچه توسط نیروی انتظامی (پلیس گذرنامه و مهاجرت) برای پناهندگان صادر می‌شود.

تفاوت دفترچه پناهندگی با پناهندگان دارای کارت آمایش و یا کارت هویت (برای پناهندگان عراقی) این است که دارندگان دفترچه پناهندگی همان پناهندگان سیاسی هستند اما دارندگان کارت آمایش و کارت هویت پناهندگان جمعی هستند. آئین‌نامه پناهندگان مصوب سال ۱۳۴۲، حقوق و دسترسی پناهندگان (دارندگان دفترچه پناهندگی) را مشخص کرده است. دسترسی پناهندگان به خدماتی همچون اشتغال، استملاک، محل کار و سکونت و غیره همچون سایر اتباع خارجی در ایران خواهد بود. البته اعطای تابعیت به پناهندگان دارای دفترچه پناهندگی در صورت رعایت قوانین کشور با نظر مساعد تلقی خواهد شد و همچنین برای این افراد پروانه مسافرتی صادر خواهد شد که با آن می‌توانند به خارج از کشور مسافرت نمایند؛ البته با لحاظ کردن لحاظ امنیت ملی و نظم عمومی.

گذرنامه با روادید و انواع آن

• انواع روادید

بخشی از اتباع خارجی در ایران افرادی هستند که در چارچوب قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی با اخذ روادید جمهوری اسلامی ایران وارد کشور می‌شوند. اتباع خارجی در ایران براساس مدت اقامت یا هدف از ورود به ایران، روادید مختلفی را دریافت می‌نمایند که در ادامه به معرفی انواع روادید اتباع خارجی پرداخته می‌شود^{۱۰۷}:

روادید خروج و مراجعت: مجوزی است که به موجب آن به تبعه خارجی اجازه داده می‌شود پس از خروج قانونی از کشور حداکثر در مدت زمان سه ماه، مجدداً به کشور بازگردد.

برگه تردد مرزی (پاس مرزی): اتباع خارجی ساکن در مناطق مرزی کشورهای همجوار که با ایران دارای توافق‌نامه تردد مرز نشینان می‌باشند، می‌توانند با استفاده از برگه گذر مرزی (پاس مرزی) از طریق مرزهای غیررسمی بدون اخذ روادید وارد کشور شده و تا عمق ۴۵ کیلومتری نواحی مرزی تردد نمایند.

روادید زیارتی (C): این نوع روادید برای اتباع خارجی مسلمان به ویژه شیعه به منظور زیارت ثامن الائمه حضرت امام رضا (ع) یا سایر اماکن متبرکه صادر می‌گردد. هم‌چنین برای آن دسته از اتباع خارجی مسلمان کشورهای همسایه که به قصد مناسک حج یا زیارت عتبات عالیات در کشورهای عربستان، عراق و سوریه قصد عبور از خاک جمهوری اسلامی ایران را دارند از سوی نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در آن کشورها پس از استعلام از اداره کل کنسولی وزارت امور خارجه صادر می‌گردد.

^{۱۰۷} بخشی از مطالب مربوط به انواع روادید برگرفته شده از وبسایت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است؛ قابل دسترس در:

https://evisatraveller.mfa.ir/fa/request/visa_types/

روادید سیاحتی (B): صدور این نوع روادید از سوی نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور انجام می‌گیرد، خواه درخواست صدور روادید از سوی دفاتر خدمات مسافرتی و جهانگیری مشمول بند "ب" باشد، یا درخواست به‌طور انفرادی توسط گردشگر به نمایندگی صورت گیرد.

روادید خبرنگاری - مطبوعاتی (H): نماینده خبرنگاری در داخل ایران می‌تواند از طریق اداره کل مطبوعات خارجی وزارت امور خارجه این نوع روادید را درخواست نموده تا اداره کل مذکور پس از موافقت، پس از اعلام موافقت تمام سازمان‌های مذکور مراتب صدور این نوع روادید به نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در محل اقامت تبعه خارجی اعلام می‌کند تا روادید صادر گردد.

روادید سیاسی (D) یا روادید خدمت (S): صدور این روادید برای مامورین ثابت و خانواده آنها، از طریق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور پس از اخذ نظریه تشریفات وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات صورت می‌پذیرد.

روادید دانشجویی - تحصیلی (E): روادید تحصیلی جهت دانشجویان یا طلاب علوم دینی که قصد تحصیل در ایران را دارند. این گذرنامه برای دانش‌آموزان، دانشجویان، محققان و طلاب خارجی صادر می‌شود.

روادید با حق کار (F): این نوع روادید از طریق کارفرما و از طریق اداره کل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام می‌گیرد. براساس ماده ۱۲۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، روادید با حق کار مشخص برای اتباع ذیل صادر می‌گردد:

- الف - مطابق اطلاعات موجود در وزارت کار و امور اجتماعی در میان اتباع ایرانی آماده به کار افراد داوطلب واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد.
- ب - تبعه بیگانه دارای اطلاعات و تخصص کافی برای اشتغال به کار مورد نظر باشد.
- ج - از تخصص تبعه بیگانه برای آموزش و جایگزینی بعدی افراد ایرانی استفاده شود.

روادید عبور (G): روادید عبور جهت خارجیانی که قصد مسافرت به کشور ثالث از طریق خاک ایران را دارند صادر می‌گردد. اتباع خارجی که قصد عبور از ایران را دارند می‌بایست بلیط مقصد را داشته باشند. نمایندگی وزارت امور خارجه در مرز یا مأمورین مرزی از سوی ناجا پس از اطمینان از خروج تبعه خارجی از کشور، این روادید را صادر می‌کنند.

روادید ۷۲ ساعته: اغلب برای بازدید کارشناسان جهت مشاوره در بخش دولتی یا خصوصی استفاده می‌شود.

روادید ورود (A): این روادید برای اتباع خارجی دارای دعوتنامه از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و خصوصی معتبر که به منظور مذاکره، عقد قرارداد، مذاکره جهت سرمایه‌گذاری، راه‌اندازی دستگاه‌های خریداری شده و ... عازم ایران می‌باشند، صادر می‌گردد. این نوع روادید برای افراد زیر صادر می‌گردد:

- اعضای هیئت علمی، فرهنگی و محققین
- رانندگان حامل کالا یا مسافر
- اعضای هیئت‌های رسمی، سیاسی، اقتصادی، هنری، تیم‌های ورزشی، و سازمان‌های بین‌المللی و تخصصی
- کارشناسان و تجار شناخته شده
- کارکنان سازمان ملل و ارگان‌های وابسته
- الحاق اعضا خانواده خارجیان مقیم ایران

روادید سرمایه‌گذاری (I): این روادید برای اتباع خارجی که با استفاده از سرمایه با منشا خارجی مجوز سرمایه‌گذاری آنان به تایید سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران رسیده باشد، صادر می‌شود.

روادید درمانی (T): برای اتباع خارجی که به قصد معالجه در یکی از مراکز درمانی معتبر داخل کشور پذیرش دریافت کرده باشند روادید درمان صادر می‌گردد.

روادید خانواده (M): به منظور رفع مشکلات بانوان ایرانی که مطابق قانون جمهوری اسلامی ایران با مردان خارجی ثبت ازدواج نموده‌اند و ارائه تسهیلات بیشتر به همسر و فرزندان مشترک خارجی آنان، روادید خانواده صادر می‌شود.

روادید بستگان: این روادید جهت دیدار اتباع خارجی با اقوام و بستگان خود در ایران، صادر می‌گردد. بعلاوه اتباع ایرانی که همسران خارجی داشته ولی هنوز ثبت قانونی ازدواج نزد مراجع ایرانی ننموده‌اند، روادید بستگان را دریافت می‌کنند.

پروانه اقامت دائم

در آئین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب ۱۳۵۲/۳/۱۲ و ماده ۵ آن به تعریف اجازه اقامت دائم پرداخته شده است. بر اساس این ماده، اجازه اقامت دائم اغلب برای اتباع خارجی که سابقه اقامت در ایران به مدت بیش از پنج سال، سابقه اقامت بیش از دو سال برای مقامات عالی علمی، اقتصادی و ... تبعه خارجی دارای زن و فرزند ایرانی و غیره صادر می‌گردد.

پروانه اقامت دائم یا همان اجازه اقامت از جمله مدارک اقامتی اتباع خارجی در ایران است که هم از نظر عنوان دائم بودن آن و هم از نظر شناسایی آن مورد اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی بوده است. برخلاف عنوان "دائم"، اجازه اقامت مذکور دائم نبوده و مدت اعتبار آن بین یک تا سه سال است. در سال ۱۳۹۲، سردرگمی بانک‌ها در زمینه شناسایی این نوع از اجازه اقامت باعث شد تا بانک مرکزی طبق بخشنامه‌ای به تعریف پروانه اقامت دائم و دسترسی آنها به خدمات بانکی بپردازد:

اجازه اقامت دائم، اجازه اقامت یک ساله تا سه ساله‌ای است که توسط پلیس مهاجرت و گذرنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) صادر می‌گردد و با رعایت شرایط لازم قابل تمدید بوده و مستند آن مهر سبز رنگ با عبارت « پروانه اقامت » بدون صفت « دائم » مندرج در گذرنامه می‌باشد. این اجازه در هر لحظه که سازمان مذکور تشخیص دهد قابل ابطال است.

همچنین در این بخشنامه از بانک‌ها درخواست شده است تا در صورت ارائه تسهیلات و خدمات بانکی به دارندگان پروانه اقامت دائم، وثائق کافی و قابل اتکا از آنها اخذ شود زیرا که اجازه اقامت مذکور در صورت تشخیص پلیس گذرنامه و مهاجرت قابل ابطال است.

پروانه اقامت ازدواجی

ثبت ازدواج رسمی اتباع خارجی (اعم از مرد ایرانی با زن خارجی یا بالعکس) منوط به داشتن اقامت قانونی در کشور است که این اجازه توسط مامورین مجاز از سوی نیروی انتظامی (پلیس مهاجرت و گذرنامه ناجا در مراکز و استان‌ها) صادر می‌شود.

برگه تردد خروجی مدت دار

برای آن‌دسته از اتباع خارجی که قصد خروج از کشور به سمت کشور متبوع یا کشور ثالث را داشته باشند با ارایه اسناد و مدارک مربوطه مشروط به دارا بودن کارت آمایش معتبر، از سوی استان نسبت به تسویه حساب، ابطال کارت و صدور برگه تردد جهت خروج از کشور اقدام می‌گردد.

بطور مثال در صورت درخواست دارنده کارت آمایش برای تبدیل وضعیت جهت ورود به دانشگاه، کارت آمایش ابطال و برگه تردد خروجی مدت دار صادر می‌شود تا متقاضی با در اختیار داشتن این برگه در مدت زمان اعتبار آن از کشور خارج و پس از دریافت گذرنامه مجدد به ایران بازگردد.



شکل ۱۷: نمونه برگه تردد خروجی مدت‌دار برای دارندگان کارت آمایش

برگه تردد بین شهری

آن‌دسته از اتباع خارجی دارای کارت آمایش و هویت معتبر ساکن در استان مربوطه می‌توانند در صورت نیاز به تردد به استان‌های دیگر (غیر از استان‌های ممنوعه) نسبت به مراجعه به ادارات اتباع استان و تحویل اصل کارت و اخذ برگه تردد (به صورت محدود) جهت سفر به استان مورد نظر اقدام نمایند. همچنین به دانشجویان افغانستانی مقیم ایران که به منظور ادانه تحصیل در دانشگاه از کارت آمایش به گذرنامه تبدیل وضعیت شده اند ولی هنوز مدارک جدید از سوی سفارت افغانستان در تهران رسمی نشده است نیز از سوی اداره اتباع و مهاجرین خارجی استان متبوعه برگه تردد دانشجویی (مدت زمان ۳ ماهه و تا ۳ بار قابل تمدید) داده می‌شود.



شکل ۱۸: نمونه برگه تردد بین شهری

رسید سرشماری

در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ طرح سرشماری اتباع غیرمجاز در کشور انجام شد. برای شرکت‌کنندگان در این طرح رسید سرشماری صادر شد و بر روی آن کد سرشماری افراد درج شده است. اطلاعات بخشی از شرکت‌کنندگان در این طرح در سامانه صدک وزارت کشور و برخی در سامانه سیام وارد شده است. موضوعی که باعث ناهماهنگی بین اردوگاه‌های مراقبتی در زمینه طرد آنها ایجاد می‌شود.

برگه حمایت تحصیلی

پس از فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر تحصیل دانش‌آموزان غیرمجاز اتباع خارجی، سرشماری اتباع غیرمجاز در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ انجام و براساس همین طرح سرشماری هر ساله برگه حمایت تحصیلی برای دانش‌آموزان اتباع غیرمجاز صادر می‌شود.

برگه تردد غیرحمایتی

این برگه به منظور سفر بین مناطق کشور جهت انجام امور بیماری برای مهاجرین غیرمجاز (دارندگان برگه سرشماری) صادر می‌شود. اعتبار این برگه‌ها سه ماهه بوده و غیرقابل تمدید هستند و توسط وزارت کشور صادر می‌شوند. در صورت موافقت وزارت کشور امکان تمدید آن وجود دارد.

کارت کار موقت

برای اتباع خارجی دارای دفترچه پناهندگی معتبر یا کارت مهاجرت معتبر، کارت کار موقت (پروانه کار موقت) صادر می‌شود. این کارت مجوزی است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با درخواست کارفرما به منظور اشتغال در یکی از فعالیت‌های اقتصادی مصوب براساس نیاز استان‌ها (عمدتاً در یکی از حوزه‌های کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری، ساختمان و کوره‌پزخانه‌ها (بخشی از تولید صنعتی یا ساخت) برای مدت حداکثر یک سال صادر نموده و قابل تمدید است. کارت کار یا همان پروانه کار موقت براساس ماده ۱۲۲ قانون کار به اتباع خارجی صادر می‌شود. براساس این ماده، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به صدور، تمدید و تجدید پروانه کار اتباع خارجی زیر اقدام می‌نماید:

الف - تبعه بیگانه ای که حداقل ۱۰ سال مداوم در ایران اقامت داشته باشد.

ب - تبعه بیگانه ای که همسر ایرانی باشد.

ج - مهاجرین کشورهای بیگانه خصوصاً کشورهای اسلامی و پناهندگان سیاسی به شرط داشتن کارت معتبر مهاجرت و یا پناهندگی و پس از موافقت کتبی وزارتخانه های کشور و امور خارجه



شکل ۱۹: نمونه کارت کار موقت صادر شده در سال ۱۳۹۸ برای اتباع خارجی

از سال ۱۳۹۸ در طرح تمدید کارت آمایش ۱۴، رویه‌های جدیدی در صدور کارت کار در دفاتر خدمات اقامت و اشتغال اتباع خارجی ایجاد شده است. از سال ۱۳۹۸، دارندگان کارت‌های آمایش ملزم به تمدید کارت کار هستند. این موضوع برای مردان بین ۱۸ تا ۶۰ سال اجرا می‌شود. اجبار به تمدید کارت آمایش و کارت کار باعث افزایش تعداد دارندگان کارت‌های کار در سال ۱۳۹۸ شد.

جدول ۶: تعداد کارت کار موقت صادر شده برای اتباع خارجی (۱۳۹۸-۱۳۹۰)

مجموع کارت کار موقت اتباع خارجی	تمدید کارت کار موقت	صدور کارت کار موقت	
192,691	-	-	1390
35,820	28,512	7,308	1391
178,887	41,341	137,546	1392
530,254	284,965	245,289	1393
363,876	218,927	144,949	1394
232,441	197,810	34,631	1395
59,393	49,482	9,911	1396
26,719	16,430	10,289	1397
198,977	25,638	173,339	1398

منبع: مرکز آمار و اطلاعات راهبردی - آمارنامه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸)

تغییر دیگر در زمینه صدور کارت کار موقت از سال ۱۳۹۸، درج عنوان شغلی پناهندگان متقاضی کارت کار بر اساس روش خوداظهاری است. البته در گذشته نیز روش خوداظهاری در برخی از سال‌ها اجرا و سپس متوقف شده بود؛ بطور مثال مدیرکل سابق اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که در سال ۱۳۹۱ نیز پس از بررسی شرایط اشتغال اتباع خارجی تصمیم گرفته شد تا شغل اتباع خارجی بر اساس روش خوداظهاری در کارت آنها درج شود، همچون کابینت‌ساز و سرایدار (خبرگزاری تسنیم شهریور ۱۳۹۳). البته بر اساس اظهارات مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری اصفهان، در سال ۱۳۹۹ روش خوداظهاری برای صدور کارت‌های کار متوقف شد اما آن دسته از اتباع خارجی که در سال ۱۳۹۸ موفق به دریافت کارت کار به روش خود اظهاری شده بودند می‌توانستند در سال ۱۳۹۹ عنوان شغلی قبلی خود را حفظ نمایند (خبرگزاری آوا مهر ۱۳۹۹).

دسترسی مهاجران مجاز به خدمات و چالش‌های پیش روی آنها

دسترسی مهاجران مجاز افغانستانی به خدمات همواره دستخوش تغییرات زیادی در سال‌های گذشته بوده است. دسترسی به بخش عمده خدمات در سال‌های اخیر افزایش یافته است، اگرچه در اجرا همواره شاهد برخوردهای سلیقه‌ای ارگان‌ها هستیم. از سوی دیگر بین دستورالعمل‌های ابلاغ شده برای دسترسی اتباع خارجی مجاز به خدمات و شیوه اجرای این دستورالعمل‌ها همواره تفاوت وجود داشته است. بعبارتی دیگر، در حالیکه برخی از دستورالعمل‌ها اجازه دسترسی به برخی از خدمات را برای مهاجران مجاز محدود می‌نماید، اما در عمل شاهد هستیم که در برخی استان‌ها و همچنین ارگان‌ها محدودیت پایین‌تری در این خصوص اعمال می‌شود.

دسترسی‌های مهاجران مجاز افغانستانی را می‌توان در چند دسته اصلی ارائه کرد: (۱) اشتغال، (۲) درمان و بیمه، (۳) آموزش، (۴) استملاک (۵) خدمات و تسهیلات (خدمات بانکی، گواهینامه، سیم کارت تلفن همراه و...).

اشتغال و بیمه کاری

در زمینه دسترسی به اشتغال با گروه‌های مختلف مجازین روبرو هستیم. در این زمینه به دو گروه پناهندگان (دارندگان کارت‌های آمایش) و دارندگان گذرنامه با روادید معتبر اشاره کرد. دسترسی پناهندگان به اشتغال بر اساس ماده ۱۷ کنوانسیون پناهندگان قابل طرح است. در حالیکه این ماده بر دسترسی پناهندگان به اشتغال در کشورهای میزبان آنها اشاره دارد، اما ایران این ماده را به عنوان توصیه و به صورت مشروط پذیرفته است (فرزین و جدلی ۲۰۱۳). با توجه به اینکه ایران ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۵۱ در زمینه قوانین کار و بیمه اجتماعی و ماده ۲۶ در زمینه آزادی رفت و آمد را نیز به عنوان توصیه و به صورت مشروط پذیرفته است، روی هم رفته در خصوص دسترسی به اشتغال برای پناهندگان افغانستانی محدودیت‌های جدی اعمال می‌گردد، هرچند این محدودیت‌ها در دهه‌های گذشته همواره دستخوش تغییراتی بوده است. در نتیجه دسترسی پناهندگان به اشتغال محدود به مناطق غیر ممنوعه است، بطوریکه پناهندگان تنها در محدوده محل سکونت خود قادر به اشتغال هستند. بعبارتی دیگر فرصت‌های شغلی در مناطق ممنوعه برای پناهندگان در دسترس آنها قرار ندارد. امکان جابجایی پناهندگان از منطقه‌ای به منطقه دیگر در محدوده مناطق آزاد با موافقت اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور و با رویکرد سختگیرانه امکان‌پذیر است.

علاوه بر محدودیت جغرافیایی از نظر دسترسی به مشاغل، محدودیت‌هایی از نظر رشته‌های شغلی برای اتباع خارجی اعمال می‌شود. با توجه به اظهار نظر مدیرکل سابق اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بخش‌نامه تعیین مشاغل مجاز و درج عنوان شغلی به سال ۱۳۸۱ برمی‌گردد که دولت براساس مصوبه‌ای تصمیم گرفت تا عنوان شغلی اتباع خارجی در کارت کار آنها درج شود که نتیجه آن مصوبه، بخش‌نامه تعیین مشاغل مجاز برای اتباع خارجی گردید. طبق مصوبه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتباع افغانستانی مجاز در ایران تنها در ۴ رشته شغلی می‌توانند فعالیت کنند (ضمیمه شماره ۳). این رشته‌ها عبارتند از: «گروه کوره‌پز خانه‌ها» مانند مشاغل گچ‌پزی و آهک‌پزی، «گروه کارهای ساختمانی» مانند بسته‌بندی مصالح ساختمانی، چاه کن و غیره، «گروه کارگاه‌های کشاورزی» و «سایر گروه‌های شغلی» مانند بازیافت مواد شیمیایی و... (خبرگزاری تسنیم شهریور ۱۳۹۳). لیست کامل مشاغل مجاز در ضمیمه شماره ۶ آورده شده است.

بر دسترسی اتباع افغانستانی مجاز دارای گذرنامه با روادید معتبر به مشاغل در ایران نیز محدودیت‌هایی اعمال می‌شود. بطور کلی اشتغال اتباع دارای گذرنامه بر اساس "روادید با حق کار مشخص" انجام می‌گیرد. براساس ماده ۱۲۰ قانون کار، "اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر آن که اولاً دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده، ثانیاً مطابق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه، پروانه کار دریافت دارند". ماده ۱۲۱ قانون کار نیز مضمولین "روادید با حق کار مشخص" را تشریح می‌نماید:

وزارت کار و امور اجتماعی با رعایت شرایط ذیل در صدور روادید با حق کار مشخص برای اتباع بیگانه موافقت و پروانه کار صادر خواهد کرد:

الف - مطابق اطلاعات موجود در وزارت کار و امور اجتماعی در میان اتباع ایرانی آماده به کار افراد داوطلب واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد.

ب - تبعه بیگانه دارای اطلاعات و تخصص کافی برای اشتغال به کار مورد نظر باشد.

ج - از تخصص تبعه بیگانه برای آموزش و جایگزینی بعدی افراد ایرانی استفاده شود.

تبصره - احراز شرایط مندرج در این ماده با هیات فنی اشتغال است. ضوابط مربوط به تعداد اعضا و شرایط انتخاب آنها و نحوه تشکیل جلسات هیات، به موجب آیین‌نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

همچنانکه ماده ۱۲۱ اشاره دارد، روادید با حق کار مشخص در شرایط خاص و زمانی که متقاضی ایرانی واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد، امکان صدور روادید با حق کار مشخص برای تبعه خارجی وجود دارد. تعداد روادید با حق کار مشخص صادر، تمدید و یا تجدید شده در سال ۱۳۹۸ برابر با سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۴۵۵۹ نفر بوده است. سیاست‌های دولت در وزارت کار موجب شده است که مشاغل اتباع افغانستانی از سی شغل به چهارصد شغل افزایش یابد که موجب افزایش بیکاری و بسترسازی پررنگ‌تر شدن حضور اتباع در ایران شده است. حداقل یک میلیون نفر اتباع شاغل داریم که ۲۳ درصد آنها پروانه اشتغال دریافت کرده‌اند (گزارش منتشر نشده مرکز پژوهش‌های مجلس تابستان ۱۴۰۰).

بعلاوه ماده ۱۲۶ قانون کار نیز به موضوع استخدام نیروی کار خارجی در صورت مصلحت صنایع کشور اشاره دارد:

"در مواردی که مصلحت صنایع کشور اشتغال فوری بیگانه را به طور استثنایی ایجاب کند، وزیر مربوطه مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می نماید و با موافقت وزیر کار و امور اجتماعی برای تبعه بیگانه، پروانه کار موقت بدون رعایت تشریفات مربوط به صدور روادید با حق کار مشخص، صادر خواهد شد."

بر اساس ماده ۱۲۰ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اتباع بیگانه در ایران در صورتی می‌توانند مشغول بکار شوند که دارای روادید ورود با حق کار مشخص و همچنین دریافت پروانه کار مطابق با قوانین و آئین‌نامه‌ها می‌باشند. مدت زمان صدور پروانه کار نیز بر اساس ماده ۱۲۴ یکسال تعیین شده است. در ماده ۱۸۱ این قانون نیز کارفرمایان موظف هستند اتباع بیگانه‌ای را به‌کارگیرند که دارای پروانه کار دارای اعتبار باشند و در صورت عدم رعایت به مجازات حبس ۹۱ تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. در زمینه تعداد پروانه کار موقت صادر شده برای اتباع خارجی دارای گذرنامه اطلاعاتی در دسترس قرار ندارد اما به نظر می‌رسد همچون دارندگان روادید با حق کار مشخص، تعداد آنها محدود باشد. یکی از مهم‌ترین ابعاد آشکار حضور اتباع خارجی در کشور، اشغال فرصت‌های شغلی است و این امر در کشوری مانند ایران که بیکاری یکی از معضلات آن است نمود بیشتری دارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه حضور بسیاری از اتباع در ایران بدون مجوز و غیرقانونی است به‌کارگیری آنها برای کارفرمایان موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های پرداختی اعم از دستمزد و بیمه می‌گردد که در فصل ۲ به تفصیل مورد مذاقه قرار گرفت.

درحالی که بسیاری از دولت‌ها پس از انقلاب بخش قابل توجهی از خود را صرف ایجاد اشتغال نموده‌اند متأسفانه بسیاری از مشاغل در اختیار اتباع بیگانه قرار دارد به نحوی که در حال حاضر بنابر اظهارات مدیرکل اتباع خارجی وزارت

تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در حدود یک میلیون شغل در اختیار اتباع قرار دارد که از این تعداد تنها ۲۳ درصد پروانه اشتغال دریافت کرده‌اند علت اصلی این موضوع گسست بین سازمان‌های درگیر و عدم وجود راهبرد مشخص است. از سوی دیگر باید این نکته را در نظر داشت که در بسیاری از مشاغل که اتباع فعالیت می‌کنند، شهروندان ایرانی تمایلی به مشارکت و یا کارایی لازم را ندارند. با توجه به تغییر فرهنگ اشتغال در میان جوانان ایرانی و حضور پایدار و چندین دهه‌ای اتباع بیگانه در بازار کار ایران، وابستگی دوطرفه‌ای میان اتباع بیگانه و بازار کار ایران ایجاد شده است. به نحوی که در صورت خروج اتباع، بسیاری از مشاغل خرد و کارگاه‌های کوچک با مشکلات بزرگی مواجه شده و تاثیر قابل توجهی در تولید خواهد داشت.

اما یکی از مهمترین بسترهای تهدیدزا در این حوزه، عدم وجود چشم انداز روشن برای قشر تحصیل کرده مهاجر در کشور است، به نظر میرسد سیاست های نهاد آموزش در کشور با سیاست های نهادهای درگیر در حوزه اشتغال هماهنگ نمی باشد و همراستا با وضعیت دانش آموختگان ایرانی، در خصوص دانش آموختگان افغانستانی نیز با عدم تعادل گسترده‌ای در بازار کار مواجه هستیم که با توجه به افزایش سرمایه انسانی این گروه و دسترسی به فضای آنلاین، صدای اعتراضی قوی تری را می توان انتظار کشید. محدودیت‌های اعمال شده در زمینه مشاغل مجاز از سویی و افزایش تعداد اتباع افغانستانی با تحصیلات عالی از سوی دیگر، باعث عدم تطابق قوانین موجود در زمینه اشتغال و ویژگی‌ها و توانمندی‌های اتباع مجاز افغانستانی شده است.

بعبارتی دیگر، به دلیل عدم امکان دسترسی به مشاغل خارج از لیست مشاغل مجاز برای اتباع خارجی مجاز در کشور، شاهد هستیم که بخش عمده اتباع افغانستانی با تحصیلات عالی بصورت غیررسمی و مخفیانه و به صورت زیرزمینی اقدام به اشتغال در برخی از مشاغل نمایند. عدم وجود قرارداد کاری با کارفرما برای اتباع مجاز با تحصیلات عالی یکی از جمله مهمترین تبعات اشتغال آنها در کشور است؛ موضوعی که زمینه استثمار آنها توسط کارفرما و حتی سایر همکاران ایرانی آنها می‌گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در شهر تهران در این خصوص می‌گوید:

دو پسر من تحصیلات دانشگاهی دارند. یکی از آنها IT خوانده در دانشگاه فردوسی. در حال حاضر در یک شرکت فنی مهندسی کار می‌کنه. اما چون کارت کار برای او صادر نمیشه قرارداد با اون نبسته‌اند. یعنی غیرقانونی کار میکنه اونجا... قرارداد هم نداره و هر وقت رئیس اداره بخواد میتونه اخراجش کنه یا حقوقش رو نده... وقتی بازرس (اداره) کار میاد میره تو توالی پنهان میشه. با این که پسر من در شرکت کارش خیلی خوبه ولی بخاطر این موضوع تحقیر میشه... بعضی همکاراش هم که می‌دانند ما افغانستانی هستیم با یه چشم دیگری به او نگاه میکنند.

بعلاوه برخی از اتباع مجاز (و حتی غیرمجاز) اعم از با تحصیلات بالا یا پایین به دلیل شناسایی شدن توسط دیگر همکاران و غریبه‌ها خود را به عنوان ایرانی معرفی می‌نمایند. همچنانکه در مصاحبه اشاره شد، عدم تطابق قوانین با ویژگی‌ها و توانایی‌های اتباع مجاز تحصیل‌کرده زمینه زیست غیررسمی آنها را در بخش اشتغال ایجاد کرده است. فرایند غیررسمی سازی زیست اتباع مجاز در کشور برای پناهندگان (دارندگان کارت آمایش) نیز قابل شناسایی است. به دلیل عدم قرار داشتن شغل آنها در لیست مشاغل مجاز و همچنین به دلیل هزینه‌های بالای صدور و تمدید کارت کار برای دارندگان کارت آمایش، برخی از آنها بدون دریافت کارت کار و دریافت مزایای بیمه (درمانی و بیمه کار) در بسیاری از مشاغل مشغول به کار می‌شوند.

بعلاوه عدم شمول بیمه بیکاری برای نیروی کار مجاز افغانستانی از دیگر عواملی است که باعث عدم تمایل آنها به رسمی نمودن اشتغال خود از طریق دریافت کارت کار شده است. البته همچنانکه اشاره شد، از سال ۱۳۹۸ تمدید کارت آمایش مردان بین ۱۸ تا ۶۰ سال منوط به تمدید کارت کار است. این موضوع اگرچه باعث شده تا اغلب نیروی کار افغانستانی دارای کارت آمایش، کارت کار دریافت نمایند اما همچنان مسئله عدم تطابق مشاغل آنها با لیست مذکور مطرح است؛ به زبان دیگر برخی از آنها در مشاغلی به غیر از شغل ذکر شده در کارت‌های کار فعالیت دارند. بعبارتی دیگر، نیروی کار مجازی هستند که بصورت غیرقانونی مشغول به کار هستند.

بیمه کاری

یکی دیگر از چالش‌های پیش روی اتباع خارجی در ایران مربوط به بیمه اشتغال است. طبق قوانین و مقررات بیمه اتباع خارجی در ایران که توسط سازمان تامین اجتماعی^{۱۰۸} انتشار یافته است، کلیه اتباع خارجی که به صورت قانونی در ایران اشتغال به کار دارند، مشمول قانون تامین اجتماعی می‌باشند مگر در موارد ذیل:

۱. چنانچه بین دولت کشور تبعه خارجی و دولت جمهوری اسامی ایران، موافقتنامه تامین اجتماعی منعقد شده باشد.

^{۱۰۸} قابل دسترسی در وبسایت سازمان تامین اجتماعی به آدرس: <https://www.tamin.ir/News/Item/27121/64/27121.html>

۲. در صورتیکه طبق گواهی دولت تبعه خارجی در مدت اشتغال خود در ایران، در خصوص هر یک از موارد حوادث و بیماری‌ها، بارداری، غرامت دستمزد، از کارافتادگی، بازنشستگی و فوت در کشور خود بیمه شده باشد، در همان موارد از شمول مقررات بیمه تامین اجتماعی معاف خواهد بود.

تبصره: حوادث ناشی از کار اتباع کشورهای ملحق شده به مقاله‌نامه شماره ۱۹ سازمان بین‌المللی کار (مقاله‌نامه تساوی رفتار با آسیب‌دیدگان حوادث ناشی از کار) ۳ درصد حقوق و دستمزد ماهانه بوده و از شمول بند ۲ مستثنی می‌باشد. اتباع خارجی شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی، مشمول بیمه بیکاری نیستند؛ لذا این یکی از مهمترین دغدغه‌های نیروی کار خارجی و پناهندگان شاغل در ایران است که در صورت از دست دادن شغل خود امکان بهره‌مند شدن از حقوق دوره بیکاری را ندارند. این مسئله پس از شیوع ویروس کرونا از اواخر سال ۱۳۹۸ و بیکاری بخشی از اتباع خارجی در ایران تحت تأثیر شیوع ویروس اهمیت بیشتری یافته است.

سایر قوانین و مقررات مرتبط در این حوزه عبارتند از:

۱. اتباع خارجی که در کشور خود بیمه باشند و از حمایت‌های بیمه‌ای حوادث و بیماری‌ها، بارداری، غرامت دستمزد، از کارافتادگی، بازنشستگی و فوت مندرج در ماده ۳ قانون برخوردار می‌باشند، در کشور ایران صرفاً در مقابل حوادث ناشی از کار بیمه خواهند بود و کارفرما مکلف به تنظیم لیست جداگانه و پرداخت حق بیمه متعلقه بر مبنای ۳ درصد حقوق و مزایا در هر ماه می‌باشد.

۲. در مورد اتباع خارجی که در کشور خود بیمه نمی‌باشند (از هیچ‌یک از حمایت‌های بیمه‌ای برخوردار نباشند) کارفرمایان مربوطه مکلفند با ارائه مدارک مرتبط و تکمیل پرسشنامه نام‌نویسی، نسبت به ارسال لیست و پرداخت حق بیمه آنان بصورت ماهانه طبق مقررات به شعب سازمان تأمین اجتماعی اقدام نمایند (به استثنای ۳ درصد بیمه بیکاری).

مشمولین بیمه اتباع خارجی در آیین‌نامه منتشر شده توسط اداره کل اتباع سازمان تأمین اجتماعی شامل دو گروه است:

(۱) **گروه اول:** کلیه اتباع خارجی دارای پروانه کار (کارت کار) معتبر که به عنوان کارگر در کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی شاغل هستند، بایستی طبق قوانین و مقررات فوق، تحت پوشش بیمه قرار گیرند.

کارگاه‌های مشمول شامل کارگاه‌های صنفی، کارگاه‌های حقیقی و حقوقی با کارفرمای غیرایرانی، شرکت‌های دولتی و غیردولتی، پیمانکاری‌های ایرانی و خارجی (کارفرمای ایرانی و خارجی)، شرکت‌ها یا پیمانکاری‌های ساختمانی، پروژه‌های ساختمانی با کارفرمای حقیقی (شخصی) و غیره است. نرخ حق بیمه نیز ۳۰ درصد است که ۲۰ درصد آن سهم کارفرما، ۷ درصد سهم کارگر و ۳ درصد نیز سهم دولت است که باید کارفرما حق خود و کارگر را به تامین اجتماعی پرداخت نماید. در برابر پرداخت حق بیمه، سازمان تامین اجتماعی تعهداتی دارد که در دو گروه حمایت‌های بلندمدت و کوتاه مدت مطرح می‌شود.

حمایت‌های بلندمدت:

- پرداخت مستمری بازنشستگی
- پرداخت مستمری بازمندگان (مستمری فوت)
- پرداخت مستمری از کارافتادگی کلی غیر ناشی از کار
- پرداخت مستمری از کارافتادگی کلی و جزئی ناشی از کار

حمایت‌های کوتاه‌مدت:

- حمایت در برابر حوادث و بیماری‌ها (دفترچه درمانی)
- پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری
- پرداخت غرامت دستمزد ایام بارداری
- پرداخت غرامت نقص عضو
- پرداخت کمک هزینه کفن و دفن
- پرداخت کمک هزینه ازدواج
- پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی

۲) گروه دوم: اتباع خارجی که بصورت خویش‌فرما، در فعالیتهای مشمول قانون تامین اجتماعی اشتغال به کار دارند، با ارائه پروانه کار معتبر (کارت کار) می‌توانند با انعقاد قرارداد تحت پوشش حمایت‌های بیمه‌ای مقرر در قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد شامل بازنشستگی، ازکارافتادگی، فوت و خدمات درمانی قرار گیرند. البته برای این نوع از بیمه (خویش‌فرما) محدودیت سن وجود دارد بطوریکه برای زنان حداکثر ۴۵ سال و برای مردان ۵۰ سال تمام است. البته برای محدودیت سن متقاضی بیمه خویش‌فرما یک تبصره وجود دارد:

"در صورتی که سن متقاضی در زمان ثبت تقاضا بیش از سنین مذکور باشد، پذیرش درخواست وی منوط به دارا بودن سابقه پرداخت حق بیمه قبلی معادل دو برابر مازاد سنی یادشده خواهد بود."

برای گروه دوم اتباع خارجی، حق بیمه بسته به تعهدات بیمه‌ای بین ۱۴ تا ۱۸ درصد متغیر است.

چنانچه از بندهای قوانین مربوط به بیمه اشتغال مشخص می‌شود، شمولیت بیمه اشتغال جز در مشاغل و کارگاه‌های تعیین شده در کارگاه‌های مشمول تامین اجتماعی برای اتباع خارجی وجود ندارد و از سوی دیگر اتباع خارجی مشمول بیمه بیکاری نیستند. از سوی دیگر برای بیمه خویش‌فرمایی نیز باید کارگر در "فعالیت‌های مشمول قانون تامین اجتماعی" فعالیت داشته باشد تا بتواند از این بیمه بهره‌مند شود. مهمترین چالش در زمینه بیمه تامین اجتماعی اتباع خارجی عدم پوشش بیمه بیکاری است.

آمارهای رسمی از تعداد اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی وجود ندارد اما مسئولان سازمان تامین اجتماعی در مصاحبه‌های خبری خود به تعداد آنها اشاره کرده‌اند. مدیر دفتر اتباع خارجی سازمان تامین اجتماعی در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۷ به تعداد اتباع خارجی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی اشاره می‌کند. بر این اساس، ۴۲ هزار نفر از اتباع خارجی در کشور تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار دارند که ۹۰ درصد آنها را اتباع افغانستانی تشکیل می‌دهند. همچنین با در نظر گرفتن تعداد اعضای خانواده افراد تحت پوشش، ۶۵ هزار و ۱۶۰ نفر از اتباع افغانستانی از مزایای بیمه سازمان تامین اجتماعی بهره‌مند شده‌اند (ایرنا آبان ۱۳۹۷).

در جریان این پژوهش از سازمان بیمه تامین اجتماعی مستندات مربوط به اتباع خارجی (با تاکید بر اتباع افغانستانی) اخذ شده است که به روشن شدن دسترسی اتباع دارای مدرک هویتی به این خدمات کمک خواهد کرد. جزییات ضوابط سازمان

تامین اجتماعی با تلخیص در ضمیمه شماره ۵ آورده شده است. براساس جدیدترین آمار به دست آمده (مرداد ۱۴۰۰)^{۱۰۹} پراکندگی کشوری اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی در جدول شماره ۷ آورده شده است.

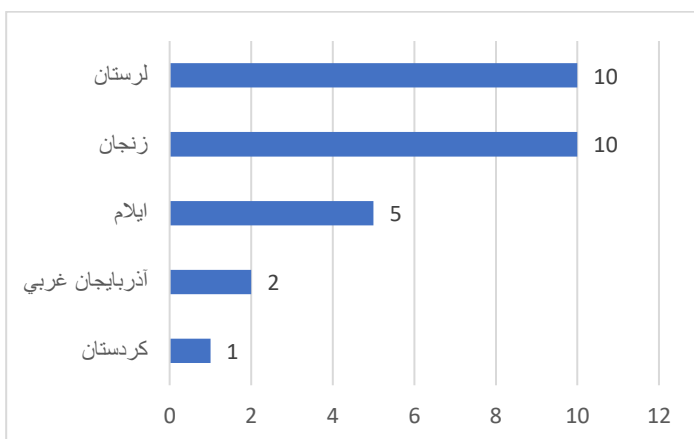
جدول ۷: پراکندگی کشوری اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی (مرداد ۱۴۰۰)

اداره کل	اصلی	مجموع تبعی	مجموع اصلی و تبعی
آذربایجان شرقی	۱۸	۲۷	۴۵
آذربایجان غربی	۱	۱	۲
اصفهان	۳۴۱۳	۳۳۹۱	۶۸۰۴
ایلام	۱	۴	۵
بوشهر	۴۴۰	۵۸۴	۱۰۲۴
چهارمحال و بختیاری	۱۱	۲	۱۳
خراسان رضوی	۲۱۷۰	۲۲۲۹	۴۳۹۹
خوزستان	۵۶	۷۵	۱۳۱
زنجان	۴	۶	۱۰
سمنان	۱۶۶۹	۲۸۲۵	۴۴۹۴
سیستان و بلوچستان	۷۶	۱۳۶	۲۱۲
شهرستانهای استان تهران	۱۱۶۴۴	۱۱۴۴۴	۲۳۰۸۸
فارس	۹۱۶	۹۴۳	۱۸۵۹
قزوین	۵۷۱	۷۹۴	۱۳۶۵
قم	۱۳۲۱	۱۵۴۷	۲۸۶۸
کردستان	۱	۰	۱
کرمان	۲۷۷۸	۲۴۲۵	۵۲۰۳

^{۱۰۹} آمارهای ارائه شده در فرایند رسمی از سوی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم (مجری طرح) از اداره مدیریت آمار و اطلاعات و محاسبات سازمان تامین اجتماعی کشور در مرداد ۱۴۰۰ اخذ شده است.

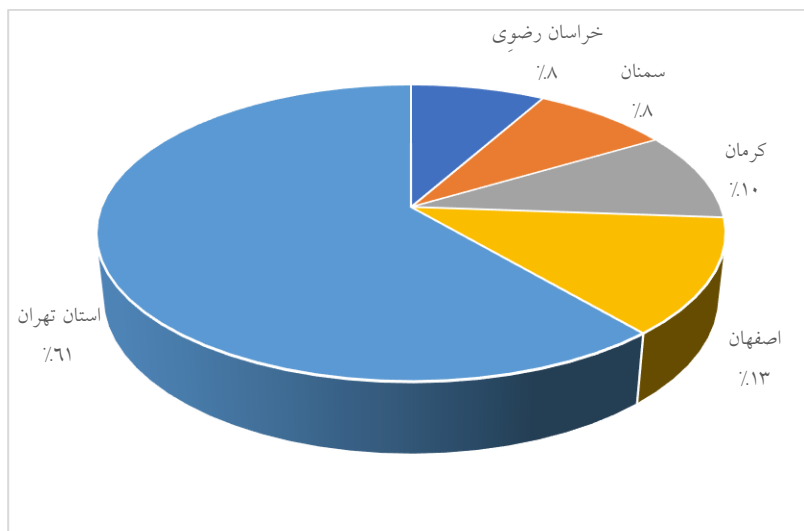
۲۰	۱۷	۳	کرمانشاه
۱۵	۹	۶	کهگیلویه و بویراحمد
۳۹۴	۲۵۹	۱۳۵	گلستان
۱۱۲	۷۷	۳۵	گیلان
۱۰	۵	۵	لرستان
۴۸۱	۱۹۵	۲۸۶	مازندران
۲۳۳۱	۱۲۴۹	۱۰۸۲	مرکزی
۸۱۹	۵۰۹	۳۱۰	هرمزگان
۲۱	۱۴	۷	همدان
۳۷۰۲	۲۱۴۵	۱۵۵۷	یزد
۳۰	۲۱	۹	خراسان شمالی
۵۲۸	۳۹۱	۱۳۷	خراسان جنوبی
۳۶۶۷	۲۰۴۸	۱۶۱۹	البرز
۶۹۰۸	۳۹۲۰	۲۹۸۸	شرق تهران بزرگ
۳۰۲۳	۱۷۱۳	۱۳۱۰	غرب تهران بزرگ
۷۳۵۸۴	۳۹۰۰۵	۳۴۵۷۹	جمع کل

پرواضح است استان های کردستان، آذربایجان غربی، ایلام، زنجان و لرستان به دلیل اینکه براساس لیستی که توسط اداره کل امور اتباع و مهاجرین وزارت کشور (ضمیمه شماره ۱) هر سال اعلام می گردد جزو استان های ممنوعه برای حضور اتباع افغانستانی محسوب می شوند کمترین تعداد افراد تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی را دارا می باشند.



نمودار ۳: استان‌های دارای کمترین تعداد اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی (مرداد ۱۴۰۰)

همانطور که در شکل شماره ۲۰ مشاهده می‌شود استان تهران بیش از دو سوم اتباع افغانستانی تحت پوشش را در اختیار دارد که نشانگر تجمع و تمرکز حضور مهاجران افغانستانی در پایتخت است که در قسمت‌های مختلف به مخاطرات جدی امنیتی-اجتماعی و اقتصادی این موضوع اشاره شده است.



شکل ۲۰: استان‌های با بیشترین اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی

در توزیع منابع انسانی در دستگاه سیاستگذار در حوزه اتباع خارجی می‌بایست به تفاوت‌های استانی توجه جدی شود. نکته حایز اهمیت دیگر در تحلیل داده‌های فوق‌آن است که تعداد اتباع افغانستانی دارای بیمه تامین اجتماعی در استان اصفهان و کرمان بیشتر از استان خراسان رضوی است؛ داده‌های غیررسمی نشان می‌دهد که استان خراسان رضوی پذیرای جمعیت بیشتری از اتباع افغانستانی نسبت به دو استان فوق‌الذکر می‌باشد فلذا می‌توان نتیجه گرفت که اتباع افغانستانی ساکن این دو استان از طبقه اجتماعی نسبتاً بالاتری برخوردار هستند، بیشتر در وضعیت قانونی قرار دارند و اتباع استان خراسان رضوی بیشتر زیست غیررسمی را تجربه می‌کنند و علیرغم تراکم جمعیت بالا، از خدمات اجتماعی دسترسی پایین‌تری دارند.

درمان و بیمه

دسترسی اتباع مجاز افغانستانی به درمان و مراکز درمانی - بهداشتی بدون محدودیت انجام می‌شود، اما مهمترین مسئله در این خصوص هزینه‌های درمان و دسترسی به بیمه درمانی است. بطور کلی دو نوع از بیمه درمانی برای اتباع مجاز مطرح است. ۱) بیمه درمانی تامین اجتماعی از طریق اشتغال یا بیمه خویش‌فرما (۲) بیمه سلامت (اقشار آسیب‌پذیر و غیر آسیب‌پذیر).

آن دسته از اتباع مجاز افغانستانی که دارای کارت کار هستند همچون اتباع ایرانی می‌توانند از بیمه درمانی تامین اجتماعی استفاده کنند. بعلاوه اتباع خارجی از طریق بیمه خویش‌فرما می‌توانند از بیمه درمانی تامین اجتماعی برخوردار شوند. در بخش قبل به بیمه کاری اتباع خارجی مجاز و دسترسی آنها به بیمه درمانی اشاره شد. در این بخش بر دسترسی به بیمه سلامت پناهندگان افغانستانی اشاره می‌شود.

بیمه سلامت، طرحی تحت نظارت دولت، ما بین اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی، سازمان بیمه سلامت ایران و همکاری با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که از سال ۱۳۹۴ آغاز شده است این طرح فقط به اتباع قانونی دارای کارت هویت و کارت آمایش تعلق می‌گیرد. در سال ۱۳۹۹ هزینه دفترچه بیمه سلامت برای هر نفر از اتباع افغانستانی غیرآسیب‌پذیر در حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برای یک سال در نظر گرفته شده است (خبرگزاری برنا خرداد ۱۳۹۹) که پرداخت این هزینه برای بخش زیادی از اتباع افغانستانی دشوار خواهد بود.

از سوی دیگر در سال ۱۳۹۹ در حدود ۱۰۰ هزار نفر از پناهندگان آسیب‌پذیر بر اساس تفاهم‌نامه بین بیمه سلامت و UNHCR تحت پوشش قرار گرفته و هزینه دفترچه بیمه سلامت آنها از طرف کمیساریا پرداخت گردید و حدود ۷۵۰ هزار نفر نیز گروه غیرآسیب‌پذیر بوده‌اند که باید هزینه بیمه درمانی خود را پرداخت نمایند (همان). این هزینه برای یک خانوار پنج نفره، نزدیک به شش میلیون تومان خواهد بود که برای بخش عمده‌ای از پناهندگان پرداخت این هزینه مقدور نمی‌باشد. آسیب‌پذیر بودن خانوار پناهنده افغانستانی هر ساله توسط اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور تعیین و اعلام می‌شود.

از سال ۱۳۹۹ با تصویب آیین‌نامه جدید بخش عمده‌ای از اتباع خارجی دارای گذرنامه نیز مشمول دریافت بیمه سلامت شدند که این موضوع بخش عمده‌ای از مشکلات اتباع خارجی را کاهش داد. بر اساس آیین‌نامه جدید در حوزه بیمه اتباع خارجی در کشور، همه اتباع خارجی مقیم کشور، بجز دارندگان بیمه پایه سلامت از صندوق‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های بیمه‌گر می‌توانند از خدمات بیمه استفاده کنند. این آیین‌نامه جدید یک حرکت مثبت است و فقط شامل حال دارندگان کارت آمایش نمی‌شود و افرادی که گذرنامه هم دارند می‌توانند از خدمات بیمه سلامت استفاده کنند. قبل از آن فقط دارندگان کارت آمایش می‌توانستند از بیمه سلامت بهره ببرند. در حال حاضر، با آیین‌نامه جدید بسیاری از صاحبان کارگاه‌ها هم می‌توانند کارگزارانشان را بیمه کنند. از سوی دیگر براساس آیین‌نامه جدید ۵۰ درصد حق بیمه اقشار آسیب‌پذیر توسط دولت و ۵۰ درصد دیگر نیز توسط سازمان‌های بین‌المللی پرداخت خواهد شد (شهرآرا نیوز مرداد ۱۳۹۹).

بیمه سلامت دارای محدودیت‌ها و ضعف‌های بسیار متعددی برای اتباع خارجی است. برخی از آنها خانوار-مبنا بودن بیمه و اجبار تمام اعضای خانواده برای بیمه را غیرمنطقی و دارای هزینه بسیار می‌دانند. از سوی دیگر برخی از آنها معتقد هستند که به دلیل قید شدن عنوان "اتباع" در دفترچه بیمه سلامت آنها، برخی از مراکز درمانی از پذیرش بیماران اتباع خودداری کرده و با تعرفه آزاد هزینه‌ها را حساب می‌کنند.

اگرچه وزارت بهداشت و سازمان بیمه سلامت ایرانیان این موضوع را تکذیب می‌کنند، اما در عمل شاهد این تبعیض بین اتباع ایرانی و افغانستانی برای بهره‌مند شدن از مزایای بیمه سلامت هستیم. از سوی دیگر برخی از مهاجران معتقد هستند که بیمه سلامت، بخش عمده هزینه‌های درمان همچون برخی از عمل‌جراحی، هزینه آزمایشگاه و غیره را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. هزینه بالای صدور و تمدید بیمه سلامت برای اتباع خارجی (حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در سال) مهمترین چالش مهاجران برای بهره‌مند شدن از مزایای این بیمه است. بعلاوه بر اساس آیین‌نامه جدید، بیمه سلامت تنها

شامل دارندگان کارت آمایش و گذرنامه با ویزای معتبر یکساله است و شامل مهاجران افغانستانی دارای گذرنامه خانواری (حدود ۴۵۰ هزار نفر) نمی‌شود.

استملاک

تملك اموال غیرمنقول توسط اتباع بیگانه جزء امور حاکمیتی است و مشمول حقوق خصوصی قلمداد نمی‌شود. بر همین اساس در ماده (۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ تأکید شده است که «اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملك کرده یا می‌کنند، از هر جهت تابع قوانین ایران خواهند بود». همچنین در اصل نهم قانون اساسی عنوان شده است که «آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند» این نوع نگاه به خاک و سرزمین در قوانین ایران نشان دهنده حساسیت در حفظ آن و به علت جدایی بخش وسیعی از سرزمین ایران در سده اخیر می‌باشد. این حساسیت نسبت به تسلط بیگانگان در تملك اراضی زراعی به خوبی نمایان شده است.

بر همین اساس در قوانین کشور در این رابطه همواره اصل بر ممنوعیت حق تملك اموال غیرمنقول برای بیگانگان بوده است. بندهای (۱۲) و (۱۴) قانون‌نامه تابعیت مصوب شوال ۱۳۱۷ هجری قمری، مواد ۱۱ و ۱۴ قانون تابعیت مصوب سال ۱۳۰۸، مقررات قانون راجع به تملك اموال غیرمنقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰، تبصره (۱) ماده (۳) قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۳۴، مواد ۹۶۱، ۹۸۶، ۹۸۸ و ۹۸۹ قانون مدنی، تبصره ماده (۲) قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ و تبصره (۱) ماده (۲۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲، قانون‌گذار قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن بر لزوم ایجاد محدودیت نسبت به تملك اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی تأکید داشته است و این اصل را در تمامی مقررات به نحوی تصریح نموده است از این رو بر اساس قوانین موجود، اصل بر اعمال محدودیت و جلوگیری از واگذاری املاک غیرمنقول به اتباع خارجی است.

براساس ماده ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی ایران، تملك اموال منقول و غیر منقول توسط اتباع خارجی تابع قوانین ایران است. به دلیل قوانین موجود (از جمله قانون راجع به اموال غیر منقول مصوب سال ۱۳۱۰ و آیین‌نامه چگونگی تملك اموال غیر

منقول توسط اتباع خارجی غیرمقیم در جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۴ و سایر مصوبات و آیین‌نامه‌ها) امکان تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی با سختگیری بسیار زیاد اجرا می‌شود و این موضوع برای پناهندگان دارای کارت آمایش به مراتب دشوارتر است. به همین دلیل مهاجران افغانستانی که توانایی خرید خانه را دارند اقدام به خرید قولنامه‌ای یا وکالتی آن به نام یک معتمد ایرانی و یا مهاجر افغانستانی دارای تابعیت ایران می‌نمایند. این موضوع باعث چالش‌های بسیاری از جمله کلاهبرداری و امتناع از عودت اموال به تبعه خارجی می‌گردد.

دسترسی به خدمات و تسهیلات

در دهه اخیر اگرچه دسترسی اتباع مجاز افغانستانی به بخش عمده خدمات و تسهیلات افزایش یافته است، اما همواره به دلیل رفتارهای سلیقه‌ای و تغییر مداوم قوانین و دستورالعمل‌ها، چالش‌هایی متوجه دسترسی آنها به خدمات شده است. بطور مثال دسترسی به خدمات بانکی از جمله مهمترین نیازهای ضروری شهروندان است اما علی‌رغم تسهیل دسترسی اتباع مجاز خارجی به این خدمات همواره شاهد رفتارهای سلیقه‌ای از سوی بانک‌ها و مسدود نمودن کارت‌های بانکی هستیم. آخرین ابلاغیه در زمینه دسترسی به خدمات بانکی مربوط به فروردین ۱۴۰۰ است. بر اساس دستورالعمل "نحوه صدور کارت پرداخت ریالی برای اشخاص حقیقی خارجی" ابلاغ شده توسط بانک مرکزی، دسترسی پناهندگان دارای کارت آمایش و دارندگان دفترچه‌های پناهندگی و کارت ویژه اتباع خارجی (طبق دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی موسسات اعتباری) مصوب جلسه ۱۲/۱۰/۱۳۹۰ شورای عالی مبارزه با پولشویی) به کارت‌های الکترونیک بانکی ممنوع است اما به دلیل شیوع ویروس کرونا این محدودیت لغو شده است. بر اساس همین دستورالعمل، سقف خرید روزانه ۱۵۰ میلیون ریال برای هر کارت بانکی برای اتباع خارجی در نظر گرفته شده است (ضمیمه شماره ۴).

در زمینه دسترسی به تسهیلات بانکی برای اتباع مجاز نیز، بانک مرکزی طبق ابلاغیه‌ای در سال ۱۳۹۲، اعلام می‌دارد که تنها دارندگان "پروانه اقامت دائم" امکان دسترسی به تسهیلات بانکی را دارند^{۱۱۰} (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲)

^{۱۱۰} تعریف پروانه اقامت دائم در بخش معرفی مدارک ارائه شده است.

در زمینه دریافت گواهینامه رانندگی توسط اتباع خارجی دستورالعمل‌های رسمی ابلاغ شده در دسترس نیست؛ بدین جهت شاهد رفتارهای سلیقه‌ای در استان‌های کشور هستیم. شرایط کلی برای اخذ گواهینامه رانندگی شامل متاهل بودن یا داشتن نامه از سازمان بهزیستی (داشتن معلولیت یا حضور معلول در خانواده) و گذرنامه با رواید معتبر است. مهمترین چالش در زمینه گواهینامه‌های رانندگی، اعتبار یکساله آن است که باید هر ساله تمدید شود. دارندگان کارت‌های آمایش همچنان با محدودیت در دسترسی به گواهینامه روبرو هستند.

دسترسی به سیم کارت تلفن همراه نیز از دیگر چالش‌های اصلی اتباع خارجی مجاز در ایران است. عدم واگذاری سیم کارت به نام اتباع خارجی و سلیقه‌ای عمل کردن دفاتر خدمات از جمله مسائلی است که در سال‌های اخیر مورد تاکید مهاجرین و مسئولان بوده است. پس از شیوع ویروس کرونا و عدم واگذاری سیم کارت به مادر یکی از هنرپیشه‌های افغانستانی، وزیر ارتباطات اینطور به آن پاسخ داد:

موضوع را بررسی کردم؛ هیچ محدودیتی برای واگذاری سیم‌کارت به مهاجرینی که دارای مدارک اقامتی معتبر باشند، وجود ندارد. برای واگذاری سیم‌کارت به مادر این بازیگر، هیچ استعلامی از سامانه احراز هویت سازمان تنظیم مقررات نشده است. این بدان معناست که "دفتر خدمات ارتباطی، از وظایف خود تخطی کرده که به او گفته‌اند سیم‌کارت به شما نمی‌دهند تا چند تومان پول بیشتر بگیرند و نقره داغش کنند. انصافاً، بی‌وجدانی است". (وزیر ارتباطات در صفحه اینستاگرام، برگرفته شده از وبسایت اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۹)

همچنان که وزیر ارتباطات به صراحت اظهار می‌نماید، موضوع سو استفاده از اتباع خارجی حتی شامل مهاجران مجاز نیز می‌گردد. تلاش برای عدم اجرای قوانین با هدف دریافت وجوه غیرقانونی از مهاجران در دفاتر خدمات نیز قابل مشاهده است.

دسترسی غیرمجازین به خدمات

آموزش

پس از آنکه در سال ۱۳۹۴ با فرمان رهبری، دسترسی عمومی به مدارس دولتی برای همه کودکان افغانستانی، از جمله مهاجران فاقد مدرک افغانستانی، فراهم شد، تعداد دانش‌آموزان مهاجر در مدارس افزایش یافته و توانستند از امکانات

آموزشی ایران استفاده کنند (گزارش سازمان NRC ۲۰۱۷). به گفته غلامرضا کریمی قائم مقام وقت وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۹ مهرماه ۱۳۹۸، در طول سال‌های گذشته، سالانه ۲۰ هزار نفر به تعداد دانش‌آموزان غیرمجازی که در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند، افزوده شده است (شهرآرا نیوز ۱۳۹۹).

بنا بر آمار ارائه شده توسط قائم مقام وزیر آموزش و پرورش ایران در امور بین‌الملل و رئیس مرکز بین‌الملل و مدارس خارج از کشور، از مجموع ۱۱۰ هزار مدرسه در سرتاسر ایران، دانش‌آموزان مهاجر و پناهنده از کشورهای مختلف در ۲۸ هزار مدرسه مشغول آموزش‌اند که بیشتر آنها از افغانستان هستند (خبرگزاری آوا ۱۳۹۸). براساس نظر مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور، ثبت نام دانش‌آموزان اتباع خارجی فاقد مدارک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در مقایسه با سال قبل از آن افزایش ۳۲ درصدی داشته است (وبسایت وزارت کشور، بازیابی در ۲۶ مرداد ۱۴۰۰).

با توجه به دغدغه‌های مسئولان ایرانی مبنی بر امکان ورود مهاجران فاقد مدرک جدید به کشور و عدم امکان پذیرش مهاجران تازه وارد در مدارس کشور، همواره موضوع ثبت نام دانش‌آموزانی که قصد دارند برای اولین بار وارد مدارس شده و برگه حمایت تحصیلی دریافت کنند، مشکلاتی را ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد، معیار شناسایی مهاجران فاقد مدرک در ایران، طرح‌های سرشماری اتباع افغانستانی فاقد مدرک در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ بوده است. اما علی‌رغم تاکید بر معیار قرار گرفتن طرح سرشماری غیرمجازین در جهت ثبت نام دانش‌آموزان غیرمجاز، در سال‌های گذشته علی‌الخصوص در سال ۱۴۰۰ فشار رسانه‌ای فعالین اجتماعی، سیاسیون و جامعه مهاجران افغانستانی در ایران در جهت ثبت نام تمام دانش‌آموزان غیرمجاز در کشور وجود داشته است.

با توجه به دریافت مجوز اقامت برای خانواده دانش‌آموز غیرمجاز برای حضور در ایران، ثبت نام بدون محدودیت آنها در کشور می‌تواند به یک تهدید تبدیل شود، همچنانکه یکی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش (مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور) در ویناری در سال ۱۳۹۹ اعلام کردند که در سال ۱۳۹۹ جمعا برای ۲۰۳ هزار نفر از اتباع خارجی غیرمجاز برگه حمایت تحصیلی صادر شد که تنها ۱۴۱ هزار و ۲۴۴ نفر آنها اقدام به ثبت نام در مدارس کردند. بخش قابل توجهی از حدود ۶۰ هزار نفر تنها با هدف دریافت مجوز اقامت و عدم طرد اقدام به دریافت برگه حمایت تحصیلی کرده اما در مدارس ثبت نام نکرده‌اند. افزایش تعداد دانش‌آموزان غیرمجاز در سال‌های اخیر توسط مسئولان ایرانی مورد تاکید قرار گرفته است. افزایش تعداد این دانش‌آموزان و سوء استفاده از آن با هدف عدم طرد از کشور در کنار تغییر ترکیب جمعیتی برخی از مدارس (در محلات مهاجرنشین) از جمله مهمترین آسیب‌های بخش آموزش و پرورش در کشور است.

اشتغال

دسترسی به فرصت‌های شغلی برای اتباع افغانستانی غیرمجاز یکی از عوامل جاذب ایران برای حضور آنها در کشور است. از اوایل قرن بیست و یکم، رفت و آمد مهاجران افغانستانی بین افغانستان و ایران یک راهکار تامین معیشتی موثر برای آنها بوده است. این جابجایی‌ها این امکان را برای بسیاری از مهاجران افغانستانی فراهم می‌کند که وجوه ارسالی خود را به افغانستان ارسال کنند. بنابراین وجوه ارسالی مهاجران افغانستانی سهم کلیدی در اقتصاد افغانستان داشته و همچنین به زندگی بسیاری از خانواده‌ها در افغانستان کمک کرده است (استیگر و مونسوتی ۲۰۰۵). از نظر مونسوتی (۲۰۰۸) جابجایی و رفت‌وآمد افغان‌ها بین ایران، پاکستان و افغانستان یک استراتژی معیشتی وابسته به جابجایی^{۱۱۱} است.

با توجه به ممنوع بودن حضور و اشتغال اتباع افغانستانی غیرمجاز، دسترسی آنها به فرصت‌های شغلی متفاوت از دیگر اتباع مجاز است. از نظر یوسفی و دیگران (۱۳۹۲) شبکه‌های اجتماعی غیررسمی نقش زیادی در تبادل اطلاعات و حمایت مهاجران افغان در ایران از یکدیگر بخصوص در زمینه یافتن شغل دارند. عبارتی دیگر بخش عمده‌ای از مهاجران غیرمجاز افغانستانی که در ایران حضور دارند از طریق شبکه‌های خویشاوندی، دوستی، قومی و غیره اقدام به معرفی شغل به یکدیگر می‌نمایند (میرزایی ۱۳۹۲). بخش عمده مهاجران افغانستانی در مشاغل با سطح تحصیلات، مهارت و دستمزد پایین همچون کارهای ساختمانی، کشاورزی و دامداری، کارگاه‌های خیاطی و غیره مشغول به کار هستند. اگرچه اشتغال آنها در کشور غیرقانونی است و مطابق قانون با کارفرمایان متخلف برخورد می‌شود، اما به دلیل نیاز بازار کار، در برخی از مشاغل حضور آنها در کشور ضروری به نظر می‌رسد.

مهاجران غیرمجاز افغانستانی پس از اشتغال در یک محل (بطور مثال به عنوان کارگر ساختمانی) و اتمام کار از طریق شبکه‌های دوستی و خویشاوندی به شغل بعدی منتقل می‌شوند. یا در صورت رضایت کارفرما از نیروی کار افغان، از طریق او به کارفرمای دیگری معرفی و عبارتی تضمین می‌شوند. یکی از کارگران غیرمجاز افغانستانی ۲۱ ساله در تهران در پاسخ به این سوال که پس از اینکه کار شما در این ساختمان تمام شد چطور کار بعدی را پیدا می‌کنید پاسخ می‌دهد:

فعلا سه ماهه دیگه اینجا کار هست. اینجا هم کارگر هستم شب‌ها هم همینجا میخوابم و نگهبان هستم... دوستای

افغانستانی زیادی در تهران دارم بیشتر در شهرزیا کار می‌کنند. اونها گفتند که کار برای من پیدا میکنند... فعلا نمیدونم

¹¹¹ Mobility

چی میشه شاید هم صاحب کار (کارفرما) بگه یه جای دیگه برایش کار کنم (کارفرما بساز و بفروش است)... صاحب کارم از من خیلی راضی است.

همچنانکه اشاره شد، یافتن شغل اغلب از دو طریق شبکه‌های غیررسمی مهاجران و یا از طریق کارفرما انجام می‌گیرد. البته برخی از مهاجران غیرمجاز به روش سنتی، از طریق ایستادن در کنار میادین معروف کارگری در شهرها اقدام به یافتن شغل می‌نمایند؛ البته به دلیل غیرمجاز بودن و ترس از دستگیری، مهاجران غیرمجاز ترجیح می‌دهند در فضاهای عمومی کمتر حضور داشته باشند.

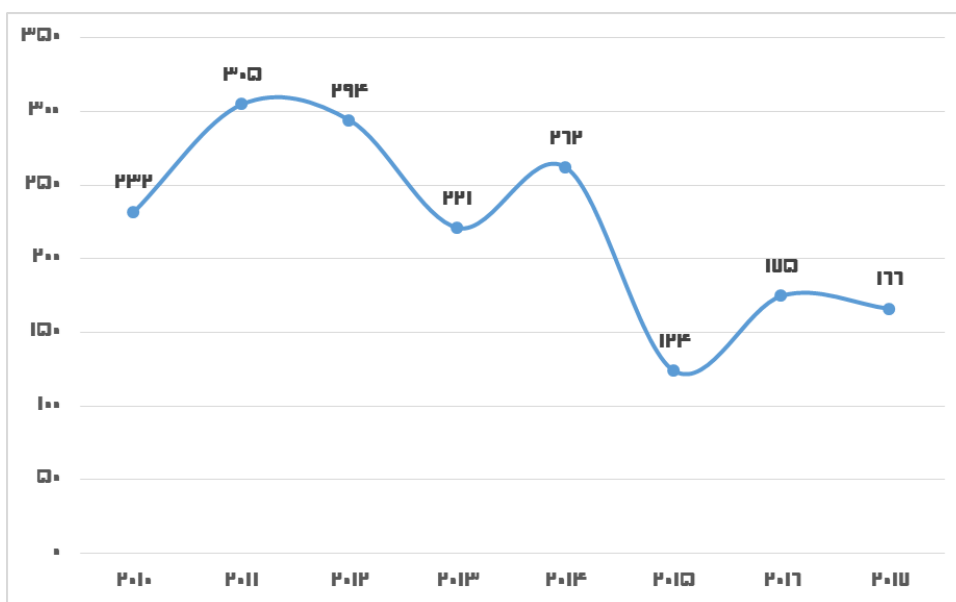
مطالعات اندکی در زمینه آسیب‌شناسی نیروی کار غیرمجاز افغانستانی در کشور انجام شده است. عیسی‌زاده و مهرانفر (۱۳۹۲) معتقدند که حضور نیروی کار افغانستانی (که عمده آنها غیرمجاز هستند) در کوتاه مدت و بلندمدت باعث افزایش نرخ بیکاری در کشور می‌شود. آسیب دیگر از نظر پیامدهای حضور نیروی کار افغانستانی، شکل‌گیری عواطف ضد مهاجرتی در میان جوانان ایرانی قابل طرح است. روحانی و انبارلو (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای در شهر شیراز به این نتیجه رسیده‌اند که حضور نیروی کار افغانستانی در بازار کار باعث شکل‌گیری نارضایتی در میان جوانان شده است که پیامد آن شکل‌گیری کمپین‌های ضد اشتغال و بکارگیری نیروی کار افغانستانی است.

آسیب دیگر نیروی کار افغانستانی را همچنین می‌توان در ارتباط با دستمزدهای پایین آنها و در نتیجه خروج نیروی کار ایرانی از برخی مشاغل به دلیل عدم امکان رقابت با هم‌تایان افغانستانی آنها است. اگرچه دستمزد پایین نیروی کار باعث کاهش قیمت نهایی محصول منجر می‌شود، اما در بلندمدت به دلیل غیررسمی بودن اشتغال نیروی کار افغانستانی (عدم بیمه، انتظارات مالی پایین، عدم پرداخت هزینه اجاره به دلیل زندگی در محل کار، رضایت به ساعات کاری بیشتر و غیره) برای کارفرما جذاب‌تر از نیروی کار ایرانی می‌گردد. از سوی دیگر به دلیل شبکه‌های مهاجران افغانستانی، حضور نیروی کار جدید در مشاغل ادامه می‌یابد که در نهایت منجر به کاهش نیروی کار ایرانی می‌گردد؛ بجز نیروی کار ماهر ایرانی که حضور آنها ضروری است.

بعبارتی دیگر "کارفرما با استفاده از حضور نیروی ارزان و غیرمجاز مهاجر، از لحاظ ارزش (حقوق) نیروی کار بومی را از بازار خارج می‌نماید یا شرایط دشواری را برای نیروی کار بومی ایجاد می‌کند" (شلی ۲۰۰۷). نمونه این مورد را می‌توان در صنف سراجی‌ها مشاهده کرد. در چهار دهه گذشته حضور نیروی کار افغانستانی (اغلب غیرمجاز) در صنف سراجی روند افزایشی داشته است، بطوریکه بخش قابل توجهی از نیروی کار در این صنف را مهاجران افغانستانی تشکیل می‌دهند؛ بطور خاص در شهر تهران. در سال‌های اخیر این موضوع باعث نارضایتی کارگران ایرانی این بخش شد که نتیجه آن حذف

صنف سراجی از لیست مشاغل مجاز برای نیروی کار افغانستانی در سال ۱۴۰۰ است (مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مصاحبه با خبرگزاری صدای افغان- آوا ۱۴۰۰).

آسیب دیگر نیروی کار غیرمجاز افغانستانی از نظر خروج ارز از کشور است. همچنانکه اشاره شد بخش عمده نیروی کار غیرمجاز افغانستانی در ایران به منظور اشتغال و ارسال وجوه به کشورشان به ایران وارد می‌شوند. آنها پس از کار و کسب درآمد بخشی از حقوق ماهیانه خود را به افغانستان ارسال می‌کنند. در این راستا تغییرات در ارزش ریال ایران در ماندگاری آنها در بازار کار ایران و بازگشت آنها به افغانستان یا خروج آنها به سمت کشورهای دیگر تاثیرگذار است.



نمودار ۴: وجوه ارسالی مهاجران به افغانستان از مبدا ایران (۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰) به میلیون دلار (گزارش بانک جهانی ۲۰۲۱)

بانک جهانی آمار وجوه ارسالی به کشورها را به تفکیک کشور مبدا تا سال ۲۰۱۷ ارائه کرده است. همچنانکه در نمودار فوق مشخص است، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار از ایران به افغانستان ارسال شده است.

تملك اموال منقوق و غيرمنقوق

مهاجران فاقد مدرک عمدتاً شامل نیروی کار فصلی یا دوره‌ای هستند که اغلب بخش قابل توجهی از پس‌انداز خود را به خانواده خود در افغانستان ارسال می‌کنند؛ از اینرو عمدتاً این گروه از مهاجران در پی سرمایه‌گذاری در ایران نیستند. اما برخی از آنها که همراه با خانواده برای طولانی مدت در کشور حضور دارند ممکن است اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش املاک منقول یا غیرمنقول نمایند. بدیهی است که از نظر قانونی امکان تملك برای این گروه از مهاجران وجود ندارد اما امکان دارد که همچون مجازین از طریق روش‌های غیررسمی اقدام به این کار نمایند. خرید اموال منقول و غیرمنقول اغلب به نام شخص معتمد ایرانی یا مهاجر مجاز افغانستانی (مهاجر مجازی که امکان تملك دارد بطور مثال آنهایی که تابعیت ایران را کسب نموده‌اند) انجام می‌گیرد که باعث مشکلات مختلفی برای شخص مهاجر می‌گردد. در بخش بعد به آسیب‌های این نوع از تملك پرداخته خواهد شد.

برخی از اتباع غیرمجاز با زنان ایرانی اقدام به ازدواج کرده‌اند. برخی از مسئولان و شهروندان ایرانی این نوع از ازدواج‌ها را با هدف بهره‌مند شدن از امتیازات زن ایرانی تحلیل می‌کنند. از نظر آنها با ازدواج مرد غیرمجاز افغانستانی با زن ایرانی آنها می‌توانند به نام زن ایرانی خود اموال منقول و غیرمنقول خریداری کنند، به خدمات بانکی و غیره دسترسی داشته باشند. پر واضح است که نمی‌توان تنها عامل انتفاع مرد غیرمجاز را به عنوان انگیزه این ازدواج‌ها معرفی کرد و در بخش‌های قبل در خصوص پایداری این نوع از ازدواج‌ها مطالبی بیان شده است.

زندگی استیجاری

مهاجران غیرمجاز افغانستانی که اغلب برای اشتغال وارد ایران می‌شوند عمدتاً در محل کار خود (ساختمان نیمه کاره، کارگاه، مزرعه و غیره) زندگی می‌کنند. از این نظر بحث اجاره خانه برای سکونت برای آنها مطرح نمی‌باشد. اما برخی از آنها یا امکان سکونت در محل کار را ندارند یا همراه با خانواده در ایران حضور دارند که آنها را مجبور به اجاره خانه می‌نماید.

مسئله اجاره خانه به اتباع خارجی در شهرهای بزرگ کشور، بخصوص شهر تهران تقریباً به امری طبیعی تبدیل شده است. اجاره خانه به دو روش انجام می‌گیرد. اجاره مستقیم به مهاجر غیرمجاز یا اجاره به یک مهاجر مجاز افغانستانی. البته ممکن

است در مواردی کارفرمای ایرانی مهاجر یا اشخاص دیگر ایرانی نیز اقدام به اجاره خانه برای فرد مهاجر نمایند. در روش اول که کمتر رایج است، مالک به صورت غیررسمی و نوشتن اجاره‌نامه (خارج از بنگاه املاک) اقدام به اجاره دادن خانه خود می‌نماید. در روش دوم، مهاجر غیرمجاز یکی از آشنایان یا دوستان مهاجر مجاز خود را برای اجاره خانه معرفی می‌نماید. در این حالت مالک با فرد مجاز اجاره نامه را امضاء می‌نماید اما مهاجر غیرمجاز در خانه سکونت پیدا می‌کند. در روش دوم، مهاجر غیرمجاز تمایل بیشتری برای پرداخت کرایه دارد. یکی از صاحبان بنگاه املاک در محله هرنندی تهران در این خصوص می‌گوید:

مهاجرین غیرمجاز مشکلی در اجاره خانه ندارند. به مهاجر مدرک‌دار به جاشون خونه رو اجاره میکنه. صاحب خونه هم میدونه که قرار نیست اون مدرک دار تو خونه بشینه.... اونایی که مدرک ندارند زیاد دوست ندارند رهن بدن چون هم ندارند هم میترسن رهن رو اون مدرک‌دار بهشون پس نده (زمان اتمام قرارداد اجاره)... البته پیش میاد که صاحب خونه بخواد به افغانی بی مدرک هم خونه‌اش رو اجاره بدهد.

بخشی از مهاجران غیرمجاز در شهرهای ایران، بخصوص در شهر تهران در خانه‌های مجردی در محلات قدیمی همچون اطراف بازار تهران (همچون محله هرنندی، کن و یا نواب) ساکن هستند. هزینه‌های پایین خانه‌های استیجاری در این محلات، بافت قدیمی و ریزدانی، متراژ پایین خانه‌ها و همچنین جرم‌خیز بودن این محلات باعث شکل‌گیری کلونی‌های مهاجران شده است. یکی از این محلات در شهر تهران، محله هرنندی (دروازه غار) است که حضور بالای نیروی کار مجرد و غیرمجاز افغانستانی را شاهد هستیم. حضور آنها در این محله عمدتاً به دلیل دسترسی به بازار تهران، نرخ پایین اجاره خانه، وجود خانه‌های با حیاط مرکزی و امکان زندگی جمعی با دیگر مهاجران است. این موضوع باعث آسیب‌هایی از جمله تغییر بافت جمعیتی محله شده است. یکی از مسئولان شهرداری ناحیه ۴ منطقه ۱۲ تهران در مصاحبه خود به تاریخچه محله در چند دهه اخیر و تحولاتی که باعث حضور مهاجران داخلی و همچنین افغانستانی در محله شد، اشاره می‌کند:

مهمترین مشکلات محله هرنندی حضور ضعیف‌ترین طبقات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی است. با اینکه محله به بازار تهران نزدیک است اما سطح (اقتصادی) اینجا با بازار خیلی فرق داره... تقصیر اهالی محله بوده که وضعیت محله این شده. از پنج تا خانه چهار خانه تخریب شده و یا قدیمی است. دهه ۶۰ و ۷۰ سبک زندگی تغییر کرد و بحث "بالا شهر تهران" مطرح شد، پس از آن اهالی قدیمی محله هرنندی رفتند شمال تهران و در نتیجه محله از قدیمی‌ها خالی شد؛

به جاش حاشیه‌نشین‌های تهران در هرنندی ساکن شدند. در نتیجه اصالت بومی‌گری محله از دست رفت... رفته رفته تغییر کاربری در محله بیشتر شد و اطراف بازار تبدیل به انبار و کارگاه‌ها شد. در نتیجه این موضوع به دلیل دستمزد بالا و نیاز به نیروی کار، کارگر افغانی وارد محله شد و در خانه‌های مجردی ساکن شدند.

همچنانکه در مصاحبه فوق مشخص است، حضور نیروی کار افغانستانی در محله هرنندی به مرور زمان افزایش یافته است که یکی از مهمترین دلایل آن سطح اقتصادی پایین محله و اجاره پایین خانه است. یکی دیگر از کارشناسان دفتر توسعه محله هرنندی تهران در زمینه مسائل اجتماعی ناشی از حضور مهاجران افغانستانی اظهار می‌کند:

یکی از مهمترین ویژگی‌های مهاجران افغانستانی در محله زندگی به صورت جمعی در خانه‌های با حیاط مرکزی است. بعضاً ۳۰ تا ۴۰ نفر از مهاجران در یکی از خانه‌های با حیاط مرکزی زندگی می‌کنند. هیچ نظارتی بر آنها در محله هرنندی نیست... زاد و ولد در بین مهاجران افغانستانی زیاد است و این موضوع به یکی از مشکلات محله تبدیل شده است.

خدمات و تسهیلات بانکی

کارت بانکی

دسترسی اتباع غیرمجاز به کارت‌های بانکی امکان‌پذیر نیست. از این جهت به دلیل نیاز این گروه از مهاجران به کارت‌های بانکی از جمله برای دریافت حقوق، خرید و غیره، آنها اقدام به در اختیار گرفتن کارت‌های بانکی سایر افراد می‌نمایند. داشتن کارت بانکی در دوره شیوع ویروس کرونا از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. کارت‌های بانکی عمدتاً توسط شهروندان ایرانی بخصوص کارفرمایان کارگران در اختیار آنها قرار می‌گیرد. بعلاوه بخشی از مهاجران غیرمجاز اقدام به امانت گرفتن کارت بانکی مهاجران مجاز می‌نمایند. در بخش‌های قبلی، این فرایند در قالب "نبوغ بقا" مفهوم سازی شد.

تسهیلات بانکی غیررسمی

صندوق‌های خرد وام‌دهی در سطح محلات از جمله مهمترین ابتکاراتی است که در شهرهای مختلف کشور راه‌اندازی شده‌اند. یکی از مهمترین انواع صندوق‌های خرد وام‌دهی در محلات، صندوق‌های مبتنی بر روابط خویشاوندی-همسایگی است. در این صندوق‌ها که اعضای آن متفاوت است، براساس قرعه‌کشی و آورده متقاضیان به اعضاء وام اختصاص می‌یابد. تمام فرایندهای مربوط براساس اعتماد بین اعضاء بوده و اغلب با محوریت زنان در محلات شکل می‌گیرد. با توجه به عدم دسترسی مهاجران غیرمجاز به تسهیلات بانکی، برخی از آنها اقدام به عضویت در صندوق‌های وام‌دهی در محلات کرده‌اند. اعضای این صندوق‌ها اغلب شامل همسایگان یک محله اعم از ایرانی و افغانستانی (مجاز و غیرمجاز)^{۱۱۲} است.

بیمه درمانی (درمان)

علاوه بر دو گروه پناهندگان و مهاجران افغانستانی دارای گذرنامه، تعداد قابل توجهی از مهاجران فاقد مدرک افغانستانی نیز در ایران حضور دارند. این گروه از مهاجران که جمعیت آنها بین ۱ تا ۱.۵ میلیون برآورد می‌شود، به خدمات بیمه درمانی دسترسی ندارند. البته کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان در گزارش‌های جدید خود تعداد مهاجران افغانستانی غیرمجاز را ۲.۶ میلیون نفر برآورد می‌کند (کمیساریای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان ۲۰۲۱). با توجه به فعالیت بخش عمده مهاجران فاقد مدرک در مشاغلی همچون ساخت و ساز یا فعالیت در بخش کشاورزی-دامداری، آنها در معرض حوادث ناشی از کار نیز قرار دارند. به دلیل غیرمجاز بودن اشتغال آنها در کشور، امکان بیمه اشتغال و بیمه درمانی برای آنها از سوی کارفرمایان نیز وجود ندارد. در صورت بروز هر گونه حادثه در محل کار یا بیماری این گروه به مراتب بیشتر از دیگر گروه‌های مهاجران افغانستانی، آسیب‌پذیر خواهند بود. از طرف دیگر ترس از مراجعه به مراکز درمانی به دلیل امکان شناسایی و رد مرز شدن برای آنها وجود دارد که آنها را علاوه بر آسیب‌های ناشی از بیماری و حوادث، در معرض استرس و ترس در زمان مراجعه به مراکز درمانی قرار می‌دهد.

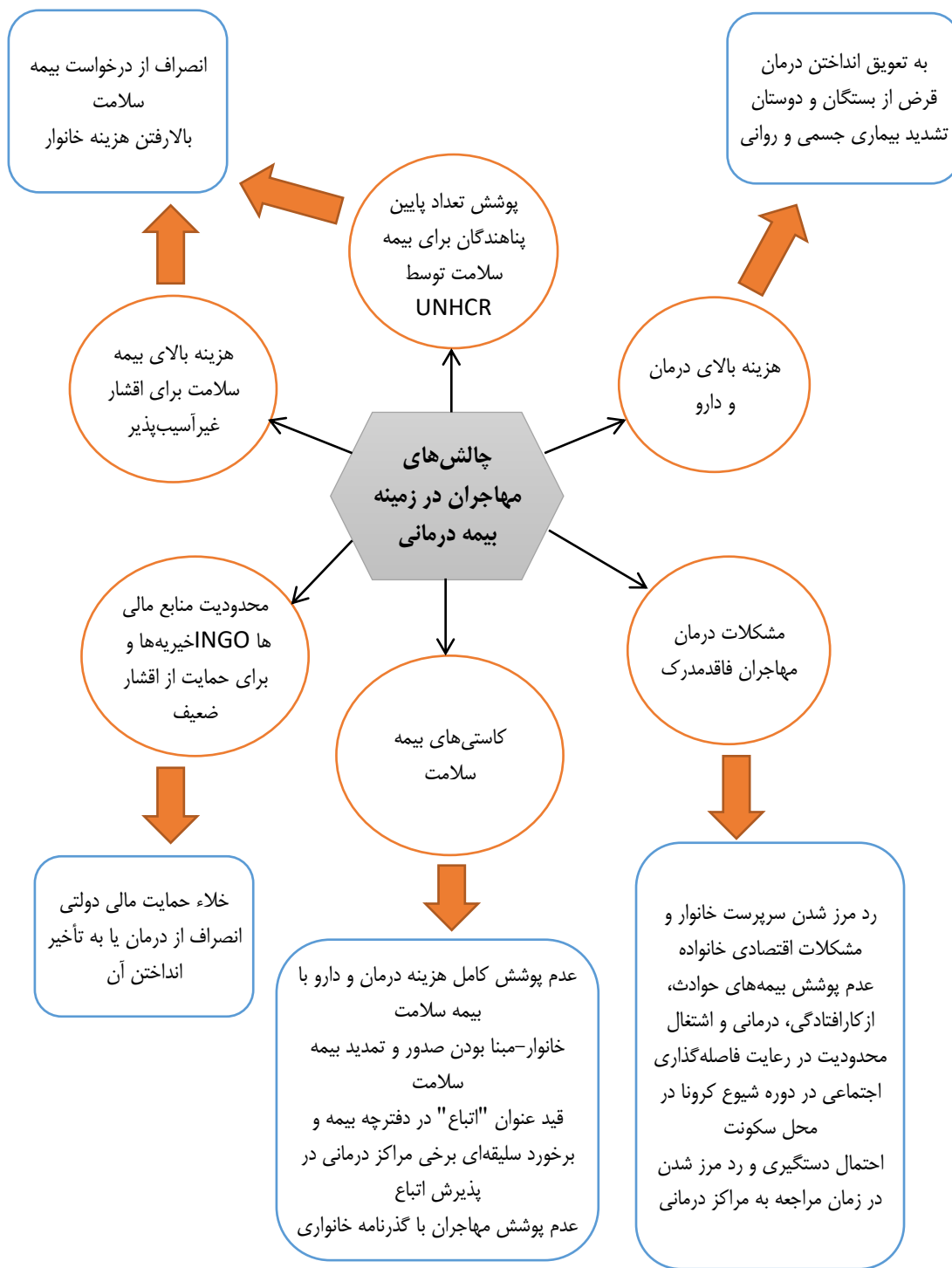
مراکز درمانی اغلب بدون محدودیت، نسبت به ارائه خدمات به مهاجران فاقد مدرک اقدام می‌نمایند اما هزینه درمان آنها با تعرفه آزاد محاسبه می‌شود. چالش هزینه درمان نه تنها برای مهاجران افغانستانی فاقد بیمه درمانی، بلکه برای آن دسته از

^{۱۱۲} در بخش انتفاع رابطین صندوق‌های وام‌دهی در محلات بیشتر به این موضوع پرداخته خواهد شد.

شهروندان ایرانی که دسترسی به بیمه درمانی ندارند نیز مطرح است، اما به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر مهاجران افغانستانی، در زمان مراجعه به مراکز درمانی آنها با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شوند. برخی از آنها فرایند درمان را به دلیل مشکلات مالی به تاخیر می‌اندازند که باعث بروز مشکلات بیشتر برای سلامت جسمی و روانی آنها می‌گردد. بخش محدودی از مهاجران افغانستانی در مناطق شهری بزرگ همچون تهران به حمایت‌های مالی و درمانی خیریه‌ها و درمانگاه‌های وابسته به خیریه‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی دسترسی دارند.

بطور مثال "پزشکان بدون مرز" که یک سازمان مستقل پزشکی، بین‌المللی، غیرانتفاعی و بشردوستانه است از سال ۱۳۹۱ در محله هرنندی شهر تهران - که یکی از محلات اصلی حضور مهاجران افغانستانی در شهر تهران است - حضور داشته و در زمینه‌های مختلف پزشکی همچون اعتیاد، ایدز، زنان و زایمان، روانشناسی و دیگر خدمات درمانی و بهداشتی به ساکنان محله خدمات ارائه می‌دهند. چند آژانس سازمان ملل متحد نیز خدمات محدودی در زمینه مراقبت‌های بهداشتی برای معتادان، زنان آسیب‌پذیر و دیگر گروه‌های پرخطر ارائه می‌نمایند. البته خدمات ارائه شده توسط خیریه‌ها و سازمان‌های غیردولتی محدود بوده و همه مهاجران افغانستانی امکان دسترسی به این خدمات را ندارند.

شهرداری نیز به صورت دوره‌ای (البته قبل از شیوع ویروس کرونا) با فراهم کردن شرایط، پزشکان، دندانپزشک و دیگر خدمات درمانی را به صورت رایگان فراهم می‌کرد. از سوی دیگر نهادهای خیریه در برخی محلات شهری (بخصوص حاشیه شهرها) نیز در زمینه خدمات بهداشتی و درمانی کمک‌های مادی و مالی ارائه می‌نمایند. بطور مثال در صورت تایید آسیب‌پذیر و بی بضاعت بودن خانواده توسط خیریه، بخشی از هزینه‌های درمان با هماهنگی با درمانگاه‌های خیریه و یا هزینه دارو به بخشی از مددجویان ارائه می‌گردد. بعلاوه در ارتباط با دسترسی به این نوع از خدمات درمانی غیررسمی محدودیتی برای مهاجران افغانستانی اعم از مهاجران فاقد مدرک وجود ندارد؛ اگرچه شاید به دلیل محدودیت منابع مالی خیریه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی امکان ارائه این خدمات رایگان درمانی به تمام جامعه آسیب‌پذیر و بی بضاعت وجود نداشته باشد. از طرف دیگر مهاجران فاقد مدرک همچون مهاجران دارای مدرک در صورت مراجعه به مراکز درمانی دولتی و یا خصوصی محدودیتی در دسترسی به این خدمات نداشته‌اند اما مشکل اصلی در این زمینه عدم دسترسی به بیمه درمانی و هزینه بالای درمان در مراکز درمانی و هزینه دارو برای مهاجران است.



در کنار حمایت خیریه‌ها و درمانگاه‌های خیریه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی از درمان مهاجران غیرمجاز، این گروه از مهاجران از روش‌های دیگری برای درمان و کاهش هزینه‌های آن استفاده می‌کنند. مهمترین روش آن استفاده از دفترچه درمان اتباع مجاز افغانستانی است. برخی از مراکز درمانی یا پزشکان با علم بر بی بضاعت بودن این افراد "با اغماض" با موضوع برخورد می‌کنند و دفترچه شخص دیگری را می‌پذیرند. در برخی موارد نیز به دلیل تشابه چهره امکان شناسایی افراد و اطمینان از تعلق دفترچه به شخص ارائه دهنده وجود ندارد. شناسایی چهره دارنده دفترچه بیمه در دوره شیوع ویروس کرونا به دلیل استفاده از ماسک دشوارتر شده است.

آخرین روش تامین منابع مالی برای درمان مهاجران افغانستانی (مجاز و غیرمجاز) بخصوص در مواقع نیاز به جراحی‌های سنگین، استفاده از ظرفیت و جوه ارسالی مهاجران افغانستانی ساکن در کشورهای اروپایی یا دیگر کشورهای غربی است. یکی از زنان افغانستانی فاقد مدرک در محله هرنندی تهران (۳۵ ساله و صاحب ۵ فرزند) اظهار می‌نماید:

چند سال قبل شوهرم باید عمل (جراحی) قلب انجام می‌داد. اما هزینه‌اش زیاد بود و ما پول نداشتیم... چند تا از پسرعمو و پسر دایی‌هاش در سوئد زندگی می‌کنند. به اونا که زنگ زدیم از اونا کمک خواستیم و یه مقدار پول فرستادند و توانست عمل کنه... اما الان که کرونا اومده فکر میکنم پول ازشون بخوایم نمیدن چون در سوئد هم وضع درآمدشون خوب نیست... البته بستگی داره چقد پول بخوایم اگه کم باشه شاید کمک کنن ولی زیاد باشه نمیکنن... اگه آشنا آدم نزدیکی باشد مثل خواهر برادر شاید کمک کنن ولی آشنای دور این کار رو نمیکنه.

همچنانکه مصاحبه‌شونده اشاره دارد، در زمان‌های مواجهه با بحران یا نیاز شدید، توسل به ظرفیت بستگان و دوستان مهاجر که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند از جمله روش‌هایی است که جامعه مهاجر افغانستانی برای زیست یا بقا به آن روی می‌آورد. البته میزان کمک درخواستی در موافقت یا عدم موافقت توسط مهاجران افغانستانی ساکن در دیگر کشورها تاثیرگذار است. بعلاوه بخشی از مهاجران افغانستانی در ایران اقوام یا آشنایانی در دیگر کشورها ندارند یا اقوام درجه یک آنها در دیگر کشورها حضور ندارند و از سوی دیگر به دلیل شانس پایین موافقت اقوام و آشنایان دور با درخواست کمک آنها، اغلب تمایلی به ارائه این درخواست به اقوام و آشنایان دور ندارند.

گواهینامه رانندگی

بدیهی است که به دلیل غیرقانونی بودن حضور اتباع غیرمجاز در کشور، امکان دسترسی به گواهینامه رانندگی وجود ندارد. البته بخشی از مهاجران مجاز نیز به دلیل قوانین محدودکننده کنونی در ارتباط با صدور گواهینامه رانندگی شرایط مشابهی دارند. در این شرایط بخشی از افرادی که تمایل به رانندگی در ایران دارند یا بخاطر وضعیت شغلی یا خانوادگی مجبور به رانندگی هستند، بدون داشتن گواهینامه اقدام به رانندگی می‌کنند. در صورت بروز تصادف یا متوقف شدن توسط پلیس، خودرو را رها کرده و فرار می‌کنند. با توجه به اینکه مالکیت خودرو نیز متعلق به شخص ایرانی یا افغانستانی مهاجر (مجاز) است، مالک واقعی پس از مدتی خودرو را با پرداخت جریمه رفع توقیف می‌نماید.

دسترسی به حمل و نقل عمومی

در زمینه دسترسی به حمل و نقل عمومی درون و بین شهری که اغلب با تاکسی و اتوبوس انجام می‌گیرد، محدودیت زیادی برای مهاجران غیرمجاز وجود ندارد؛ اگرچه در دوره شیوع ویروس کرونا و ضرورت ثبت کد ملی برای دریافت بلیط اتوبوس سخت‌گیری‌هایی انجام می‌گیرد اما همچنان بسیاری از رانندگان اتوبوس بدون صدور بلیط رسمی (به صورت مسافر کنار جاده) می‌توانند مسافران افغانستانی را سوار اتوبوس خود کنند. اما امکان استفاده از حمل و نقل هوایی به دلیل ضرورت ثبت کد ملی برای آنها امکان‌پذیر نیست.

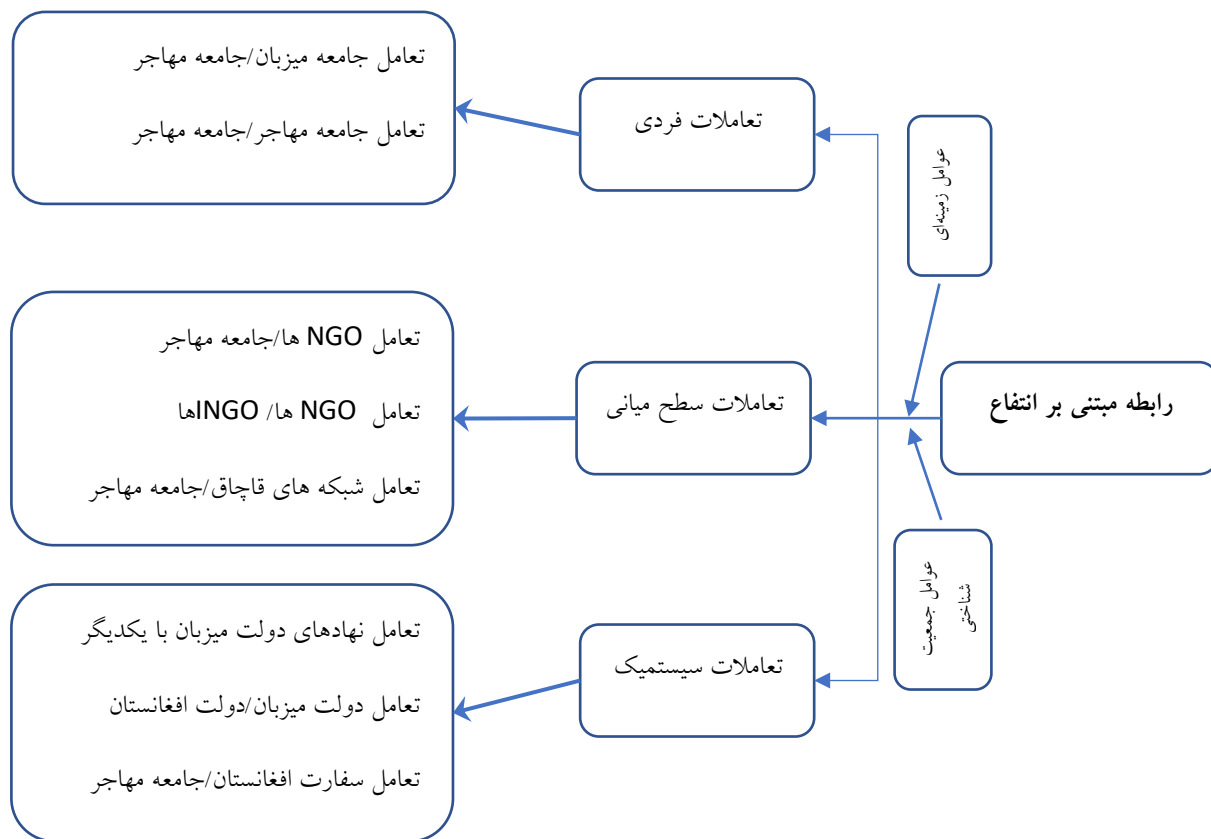
در زمینه استفاده از متروهای درون شهری از جمله در تهران، مهاجران غیرمجاز اغلب بدون محدودیت از آن استفاده می‌نمایند. البته برای شارژ بلیط مترو با مشکل مواجه می‌شوند. در این مواقع یا اقدام به خرید بلیط تک/دو سفره با پرداخت وجه می‌نمایند (البته در دوره شیوع ویروس کرونا پرداخت وجه نقد در باجه‌های بلیط مترو با محدودیت‌هایی مواجه شده است) یا از یک شهروند ایرانی درخواست خرید بلیط یا شارژ کارت مترو را می‌کنند. البته آن دسته از مهاجران غیرمجاز که کارت بانکی (اجاره‌ای یا امانت) در اختیار دارند مشکل چندانی در زمینه خرید بلیط یا شارژ کارت مترو ندارند.

چرخه انتفاع، مطالعه موردی: مهاجران افغانستانی در استان تهران

هدف اصلی در این بخش این است که با نشان دادن روابط غیرشفاف شکل گرفته حول موضوع اتباع خارجی در ایران به شکل گیری بستری منجر شده است که مولد زیست غیررسمی مهاجران، عدم تمایل به مرئی شدن، افزایش قدرت مانور اتباع غیرایرانی در زیستن در سایه شده است. تعاملات مبتنی بر روابط سودمحورانه در ادبیات مختلف با واژگان مختلفی صورت بندی شده است؛ استثمار و یا بهره کشی^{۱۱۳} به معنای تعامل نفع جویانه ای است که عمدتاً یکسویه و همراه با تبعیض و فشار است. در این پژوهش براساس ملاحظات موجود از واژه انتفاع استفاده شده است؛ تعاملی که بدون توجه به منافع ملی و فارغ از چشم اندازی درازمدت صرفاً براساس نفع فردی/گروهی یا سازمانی اعمال و اجرایی می شود و بی شک بازی دوسر باخت خواهد بود.

براساس مصاحبه های صورت گرفته در این پژوهش هم با جامعه مهاجر، گروه های ذی نفع در موضوع مهاجران، سازمان های دولتی و غیردولتی فعال در حوزه اتباع افغانستانی مجموعه ای از تعاملات مبتنی بر سودمحوری و انتفاع صورت بندی شده است که در شکل شماره ۲۲ آورده شده است.

¹¹³ Exploitation



شکل ۲۲: مفهومی تعاملات شکل گرفته در حوزه اتباع افغانستانی در ایران

مشاغل غیررسمی عرصه استثمار و نابرابری هستند و تولید کننده پرولتاریای غیررسمی است. زیست غیررسمی جمعیت مهاجر افغانستانی ساکن استان تهران، افراد را در موقعیت "موقتی بودن دائمی"^{۱۱۴} قرار می دهد (ایفناچل ۲۰۰۹) که برای بقا استراتژی های متنوعی را دنبال می کنند. دسوتو (۱۳۸۹) با نگاهی متفاوت، به بازیگران عرصه این عرصه عاملیت بیشتری می دهد و اقتصاد غیررسمی را پاسخ خودجوش و خلاقانه تهیدستان به ناتوانی دولت در تامین نیازهای اولیه توده های فقیر می داند و زیست غیررسمی نوعی استراتژی بقا و پاسخ افراد به اقتصاد بیش از حد تنظیم کننده و دولت ناکارآمد است.

اتباع افغانستانی ساکن استان تهران همراستا با نظریه پیشروی آرام آصف بیات (۲۰۰۷) استراتژی بقا را در این شیوه زندگی دانسته که دارای انعطاف پذیری، پراگماتیسم، مذاکره و مبارزه مداوم برای بقا و توسعه خویش است و دنبال می کنند و

¹¹⁴ permanent temporariness

در تلاشند تا بدون دخالت مقامات و نهادهای رسمی اموراتشان را اداره کنند. این جمعیت به دنیال نظم شهری جایگزین و شیوه متفاوتی از سازماندهی فضا هستند. وضعیت اتباع افغانستانی که با عنوان "قانونی" شناخته می‌شوند نیز باثبات نمی‌باشد و می‌توان از آن به پیوستار رسمیت-غیررسمیت^{۱۱۵} یاد کرد (روی و الصیاد ۲۰۰۴؛ مک فارلین و وایبل ۲۰۱۲). در این فضای خاکستری^{۱۱۶} که افراد را در هاله مبهمی از وضعیت نامطمئن قرار می‌دهد که در بازه روشنایی موقعیت قانونی، امن و عضویت در جامعه تا بعد تیره در حاشیه ماندگی و هرمان قرار می‌دهد به بازتولید تجربیات منفی مهاجران نسبت به جامعه میزبان منجر می‌شود؛ تجربیاتی که به تدریج انباشته شده و به تشدید سوگیری‌های نسل جدید مهاجران نسبت به جامعه ایران منجر شده است.

تداوم تعاملات مبتنی بر انتفاع، به تقویت زیست غیررسمی جامعه مهاجر، تشتت سیاستگذاری و تنوع دسته بندی وضعیت اقامتی مهاجران به دلیل نفع سازمانی و گروهی می‌انجامد که علاوه بر تحت الشعاع قرار دادن خدمات و تسهیلاتی که جمهوری اسلامی ایران طی بیش از ۴ دهه حضور میلیونی اتباع خارجی در کشور منجر به تخریب وجهه کشور در عرصه بین المللی و همچنین افزایش نارضایتی هر دو جامعه میزبان و مهاجر شده است. شناخت این گونه روابط خارج از چارچوب و غیرشفاف می‌تواند به تدوین سیاستگذاری دقیق تر، منسجم تر و قدرتمندتر بیانجامد.

رابطه مبتنی بر انتفاع در تعامل بین جامعه میزبان و جامعه مهاجر

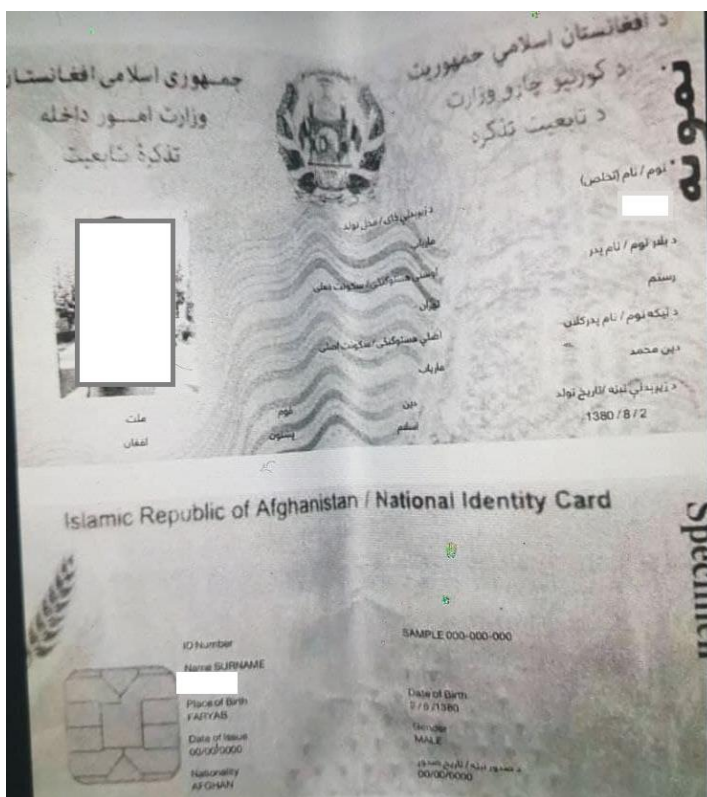
گروه‌های مختلفی از شهروندان ایرانی از وضعیت زیست غیررسمی مهاجران غیرمجاز افغانستانی نفع می‌برند. البته گروهی آگاهانه و با قصد استثمار این گروه اقدام می‌نمایند. در این بخش به نمونه‌های مختلفی از روش‌های انتفاع و بهره‌کشی غیرمجازین و همچنین مجازین پرداخته می‌شود. اغلب یافته‌های این بخش حاصل مصاحبه‌های متعدد و طولانی مدت با مهاجران افغانستانی (مجاز و غیرمجاز)، شهروندان ایران، مسئولان محلی و ملی، سازمان‌های مردم نهاد در شهرستان‌های مختلف استان تهران است.

¹¹⁵ formality-informality continuum

¹¹⁶ gray spacing

صدور کارت اقامت نامعتبر برای غیرمجازین

برای یک مهاجری که به صورت غیرمجاز و فقدان مدارک اقامتی در یک کشور سکونت پیدا می‌کند، مهمترین نیاز دسترسی به مدارک اقامتی است. این مدرک برای زیست و اشتغال او امری حیاتی است. در جهت دریافت مجوز اقامت، مهاجران غیرمجاز به عنوان گزینه‌های در دسترس برای کلاهبرداران و جاعلین مدارک محسوب می‌شوند.



شکل ۲۳: نمونه تذکره نامعتبر صادر شده برای مهاجر غیرمجاز افغانستانی در تهران

تصویر فوق یک فرم خام از تذکره تابعیت افغانستان است که در منطقه شهرزیا برای یکی از مهاجران غیرمجاز افغانستانی صادر شده است. این مهاجر که سه بار تجربه دستگیر شدن توسط پلیس (در یک سال و نیم سکونت در ایران) را داشته است، به دنبال مجوز اقامت برای عدم رد مرز شدن بوده است. در نهایت در یکی از مغازه‌ها (کافی‌نت‌ها) پس از دریافت حدود ۲۰۰ هزار تومان (زمستان ۱۳۹۸)، تذکره نامعتبر با یک عکس (آن هم عکس غیراستاندارد) برای او صادر می‌شود.

با توجه به اینکه این مهاجر پشتون‌زبان بوده و سواد خواندن و نوشتن هم ندارد در مصاحبه اعلام می‌کند که "من که نمی‌دونم چی نوشته اینجا ولی دوستام میگن این رو به پلیس نشون بدی دیگه رد مرز نمیکنن، شما ببین چی نوشته".

سطح سواد پایین مهاجر در این مورد نقش زیادی در سوء استفاده دیگران از وضعیت اقامتی او دارد. عدم اطلاع از قوانین اقامتی و مجوزهای معتبر باعث شده است که آنها اطلاعی از نامعتبر بودن مجوز اقامت صادر شده نداشته باشند. البته در این خصوص باید به ماجرای شبکه‌های اجتماعی مهاجران غیرمجاز نیز اشاره کرد. برخی از نیروی کار غیرمجاز (اغلب پشتون زبان) با مهاجران مجاز با سابقه سکونت بالا کمتر در ارتباط هستند. این موضوع نیز در بی‌اطلاعی آنها از مجوزهای اقامتی معتبر بی‌تاثیر نبوده است. مهاجر مصاحبه‌شده فوق‌الذکر تنها با چند نفر دیگر از مهاجران غیرمجاز در ارتباط است که اغلب آنها سابقه سکونتی کوتاه مدت در ایران دارند.

ثبت نام اعزام به اروپا

از دیگر نمونه‌های جدید سوء استفاده شهروندان ایرانی از اتباع غیرمجاز افغانستانی می‌توان به ایجاد شایعه ثبت نام آوارگان افغانستانی توسط دفتر سازمان ملل در تهران و سفارت آلمان در تهران جهت اعزام آنها به کشورهای اروپایی اشاره کرد. پس از بحران به قدرت رسیدن طالبان و خروج سراسیمه مهاجران غیرمجاز افغانستانی به سمت ایران در مرداد- شهریور سال ۱۴۰۰، برخی از افراد (بخصوص کافی‌نت‌ها) با ادعای ثبت نام آنها جهت ارائه مدارک به سفارت آلمان یا دفتر سازمان ملل، مبلغی در حدود ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان از هر خانواده دریافت کرده‌اند (مصاحبه ایسنا ۷ شهریور ۱۴۰۰^{۱۷۱}). از سال ۲۰۱۵ که روند مهاجرت به سمت کشورهای اروپایی افزایش یافت، افراد و شرکت‌هایی اقدام به سوء استفاده از این نکته نمودند تا با فریب مهاجران افغانستانی مبالغی را از آنها دریافت کنند. یکی از افراد شاغل در NGOهای وابسته به مهاجران در تهران در این خصوص می‌گوید:

در چند سال گذشته خصوصا امسال بعضی شرکت‌ها هستند که زنگ می‌زنن یا در گروه‌های تلگرام و واتس‌آپ پیام میدارن که ما شما رو ثبت نام می‌کنیم تا بفرستیمتون کانادا یا اروپا.... بعضی از این شرکت‌ها یا افراد تو افغانستان هستند.

¹⁷¹ <https://www.isna.ir/news/1400060705268/>

و از اونجا کار میکنند... حدود ۵۰۰ هزار تومن یا بعضا یک میلیون تومن میگیرن بعد فرم پر میکنن. چون فرم‌ها لاتین هست خیلی‌ها نمیفهمند چی هست. بعد که پول را میگیرند میگن بعد از این دیگه دست ما نیست و دولت کانادا باید بررسی کند. آگه جواب نده یعنی موافقت نکردن با مهاجرت شما.

در اینجا اشاره شد که مهمترین عامل در اقدام به کلاهبرداری از مهاجران افغانستانی توسط شرکت‌ها و افراد، علم به سواد پایین مهاجران و نداشتن سواد زبان انگلیسی هست. از سوی دیگر بحث سوء استفاده از مهاجران حتی از افغانستان نیز انجام می‌گیرد که حتی امکان پیگیری قانونی مسئله توسط مهاجران برای احقاق حقوق و دستگیری کلاهبرداران در افغانستان وجود ندارد.

روش دیگر انتفاع و بهره‌کشی از مهاجران افغانستانی با هدف مهاجرت به کشورهای غربی (بطور کلی توسعه‌یافته) در چارچوب بورسیه‌های نامعتبر ارسال دانشجوی به خارج است. یکی از مصاحبه‌شوندگان به این موضوع اشاره می‌کند که شرکت‌های اعزام دانشجوی به خارج در سال‌های اخیر به شدت فعال شده و اقدام به دریافت وجوه از دانشجویان افغانستانی با هدف ارسال آنها به خارج می‌نمایند. البته جامعه هدف این شرکت‌ها علاوه بر جامعه مهاجر افغانستانی شامل شهروندان ایرانی نیز می‌شود. اما با توجه به میل بالای مهاجرت در میان اتباع افغانستانی، امکان فریب خوردن آنها از سوی این شرکت‌ها بالاتر است.

چهارراه‌های درجه دو برای کودک خیابانی افغانستانی

از جمله چالش‌های حضور اتباع افغانستانی بخصوص اتباع غیرمجاز می‌توان به موضوع کودکان کار اشاره کرد. یکی از محلات اصلی زندگی کودکان خیابانی و کار افغانستانی محله هرنندی است که به همین دلیل انجمن‌های مردم نهاد متعددی در حوزه کودکان کار و خیابانی در این محله فعالیت دارند. در مصاحبه‌های انجام با مهاجران غیرمجاز افغانستانی و فعالین NGOها به نکته مهمی در خصوص خصومت بین غربتی‌ها و افغانستانی‌ها اشاره شد و همچنین جایگاه لرها در زمینه کسب و کار در چهارراه‌های شهر تهران. از نظر آنها بخشی از خصومت بین افغانستانی‌ها و غربتی‌ها را باید در رقابت آنها برای اشغال فضای چهارراه‌ها و کسب درآمد جستجو کرد:

در بین غربتی‌ها زنان نیز در سر چهارراه‌ها کار می‌کنند حتی بیشتر از مردان غربتی که پس از یک سنی، دیگر مردان سرچهارراه نمی‌روند. نقش مرد غربتی این است که مرد فضای چهارراه را می‌گیرد و تحویل زن می‌دهد. اگر مشکلی پیش بیاید (مرد) برای قلدری و بیرون راندن غریبه‌ها از چهارراه که محل کار آنها محسوب می‌شود، حضور پیدا می‌کند و غریبه‌ها را خارج می‌کند. اختلاف و رقابت بین کودکان کار در چهارراه‌ها و خیابان‌ها وجود دارد. چهارراه‌های شمال شهر تهران دست غربتی‌ها و لرها است. مثل بلوار کاوه که دست غربتی‌ها است. اما افغان‌ها در چهارراه‌های مهم نیستند و بعضاً از مترو هم بیرون رانده می‌شوند. البته بعضاً ایرانی‌ها مثل داروخانه‌ای در بلوار کاوه از کودک کار افغان در مقابل غربتی‌ها حمایت می‌کنند و اجازه فروش در جلو مغازه خود را می‌دهند.... افغان‌ها سر چهارراه هم حس مالکیت ندارند، حس غربت دارند و فکر می‌کنند که بقیه حق دارند تا آنها را بیرون کنند؛ به همین خاطر کودکان افغانستانی به فضاهایی می‌روند که کسی آنجا نمی‌رود مثل پارک یا سوراخ سنبه‌ها.... افغان‌ها از غربتی‌ها می‌ترسند و آنها افغان‌ها را تهدید می‌کنند و افغان‌ها از چهارراه می‌روند. غربتی‌ها در کودک کار در چهارراه سابقه بیشتری دارند و شغل چهارراه را برای خودشان می‌دانند.

همچنانکه اشاره شد، در زمینه دسترسی اتباع غیرمجاز افغانستانی به فضاهای شهری (در اینجا چهارراه به عنوان محل کسب درآمد) نیز تبعیض قابل رصد است. قرار گرفتن مهاجر افغانستانی در موقعیت پست تر از نظر قدرت باعث می‌شود که دو گروه دیگر یعنی دستفروشان لر در چهارراه یا غربتی‌ها فضا را برای فعالیت آنها در چهارراه‌های پر درآمد شهری محدود کنند.

وام قرض‌الحسنه غیررسمی در محلات و انتقاع رابطین

به دلیل عدم دسترسی به تسهیلات بانکی برای اتباع افغانستانی غیرمجاز، آنها به دنبال روش‌های غیررسمی جهت تامین مالی برای حل مشکلات خود هستند. آن دسته از مهاجرین که برای مدت طولانی در ایران زندگی می‌کنند و یا همراه با خانواده در ایران زندگی می‌کنند، همچون شهروندان ایرانی در صندوق‌های خرد محله شرکت می‌کنند. این صندوق‌ها اغلب بر محوریت زنان شکل می‌گیرد. مبلغ وام نیز به تعداد اعضای صندوق و توان مالی آنها دارد. یکی از مهاجران افغانستانی در شهرستان اسلامشهر که خود در گذشته در این صندوق‌ها عضو بود می‌گوید:

صندوق‌های محله از گذشته وجود داشت. هم ایرانی‌ها هستند هم افغانستانی‌ها. اما رابط صندوق ایرانی است. فاقد مدرک‌ها هم بعضا عضو میشن. خیلی از اونها این وام رو میگیرن تا به مشکلی رو حل کنن مثلا یکی دخترش میخواد ازدواج کنه برای جهیزیه به پول نیاز داره یا یکی میخواد دکتر بره برای عمل و... اما بعضی‌ها هم که وضع مالی شون خوبه بعضا میرن با این وام طلا میخرن. مثل خودم... یکی از این صندوق‌ها اعضایش خیلی زیاد بود. مبلغ وام هم زیاد بود مثلا حدود ۲۵ میلیون تومن. کم کم که اعضاء زیاد شد اون رابط ایرانی که همه پول رو میریختن حسابش (به عنوان صندوقدار و معتمد عمل میکرد) درخواست اجرت کرد. میگفت چون زحمت میکشه باید موقع گرفتن وام به پولی بهش بدن. من شنیدم از بعضی‌ها که میخواستن وام‌شان را زودتر بگیرن به درصدی از وام رو برای خودش بر میداشت تا نوبت اینا رو جلو بیندازد... الان دیگه من عضو این صندوق‌ها نیستم چون پرسیدیم گفتن مشکل شرعی داره. اما من شنیدم که یکی دیگه از صندوق‌ها اون فرد ایرانی صندوقدار و رابط) پول‌ها رو برداشته و فرار کرده به خارج... ولی اونی که مدرک نداره نمیتواند بره شکایت کند به پلیس که پولش را بردند.

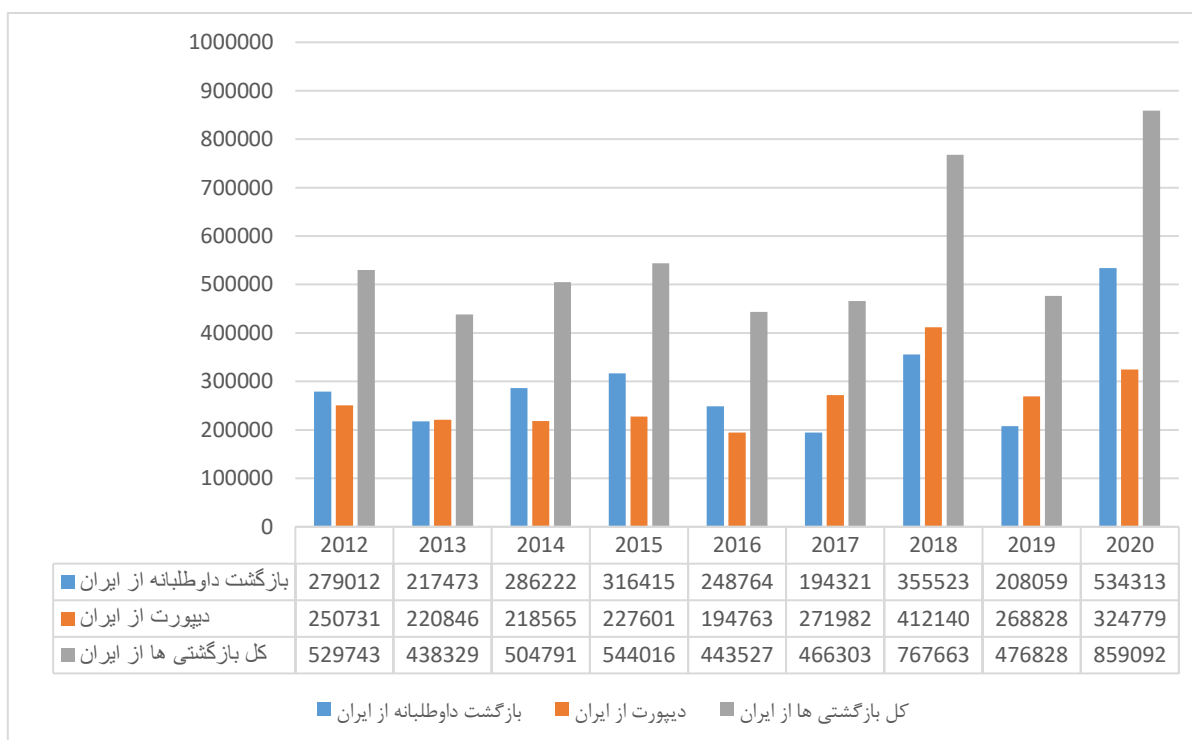
شرکت در صندوق‌های خرد محلی اگرچه می‌تواند به عنوان محلی برای حل مشکلات اقشار آسیب‌پذیر مهاجران غیرمجاز باشد اما به دلیل عدم نظارت و سوء استفاده رابطین، باعث تشدید مشکلات آنها می‌شود. در این مورد نیز به دلیل موقعیت آسیب‌پذیر و متزلزل اقامتی غیرمجازین، امکان مراجعه به پلیس و پیگیری حقوق از آنها سلب شده است. مسئله‌ای که شاید مورد توجه سوء استفاده کنندگان ایرانی نیز قرار گرفته است.

قاچاق مهاجران و انتفاع شبکه‌های قاچاق

شاید بتوان مهمترین برنده حضور اتباع غیرمجاز افغانستانی را در کنار "کارفرمایان ایرانی"، "اعضای شبکه قاچاق مهاجران" دانست. مطالعات محدودی در زمینه شبکه‌های قاچاق مهاجر بین ایران و افغانستان صورت گرفته است. یکی از مهمترین مطالعات در این زمینه مطالعه محمدی و صادقی (۱۳۹۸) در زمینه شناخت ویژگی‌های شبکه قاچاق مهاجران است. از نظر آنها وضعیت موجود در افغانستان، پاکستان و ایران فضای مناسبی را بر فعالیت‌های سودآور برای شبکه‌های قاچاق محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در منطقه فراهم کرده است.

از نظر نویسندگان "در افغانستان شبکه‌های قاچاق بیشتر در حوزه کشورهای منطقه فعالیت می‌کنند و نوع و دامنه فعالیت‌های شان آنها را بیشتر به یک سازمان "تجاری" شبیه می‌سازد تا سازمانی جنایی". اما از سوی دیگر گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC¹¹⁸) در سال ۲۰۱۸، دو دسته از قاچاق‌بران مهاجران را در مسیر غرب آسیا به سمت اروپا معرفی می‌نماید که شامل قاچاق‌بران محلی و قاچاق‌بران وابسته به شبکه‌های بین‌المللی است که برخی از قاچاق‌بران محلی در مسیر افغانستان به ایران وابسته به شبکه قاچاق‌بران بین‌المللی هستند.

همچنانکه اشاره شد تعداد زیادی از مهاجران غیرمجاز افغانستانی هر سال بین ایران و افغانستان در رفت و آمد هستند. اگرچه آمار دقیقی از تعداد ورود آنها در دسترس نیست اما می‌توان از آمار خروج مهاجران فاقد مدرک افغانستانی برآوردی از تعداد آنها کرد.



نمودار ۵: روند بازگشت مهاجران فاقد مدرک افغانستانی از ایران (۲۰۲۰ تا ۲۰۱۲) (سازمان جهانی مهاجرت ۲۰۲۱)

¹¹⁸ United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد

همچنانکه در نمودار فوق مشخص است از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ در مجموع بیش از پنج میلیون تبعه غیرمجاز افغانستانی از کشور طرد شده یا بصورت داوطلبانه به کشور خود بازگشته‌اند. بعبارتی دیگر بطور میانگین سالانه حدود ۵۵۰ هزار نفر به افغانستان باز می‌گردند. اگر فرض کنیم که سالانه ۴۰۰ هزار نفر از اتباع غیرمجاز افغانستانی به کشور وارد می‌شوند، سود بالایی حاصل از قاچاق آنها عاید قاچاق‌بران می‌شود. هزینه قاچاق هر مهاجر را اگر بطور متوسط چهار میلیون تومان فرض کنیم، تراکنش مالی برای قاچاق ۴۰۰ هزار مهاجر در یک سال حدود یک هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان خواهد بود.

خلا حمایت قضایی و بهره‌کشی از غیرمجازین

یکی دیگر از جنبه‌های ادغام ساختاری، دسترسی به پلیس و دادگاه است. برخی از مهاجران افغانستانی فاقد مدرک اعلام می‌کنند که در گذشته به دلیل اینکه مورد سرقت قرار گرفته‌اند و یا به دلیل بروز اختلاف با شهروندان ایرانی از ترس رد مرز شدن به پلیس مراجعه نکرده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان این نکته را اینطور مطرح می‌نماید:

برخی از خلافکاران ایرانی متوجه شده‌اند که ما از پلیس می‌ترسیم؛ به همین خاطر آنها برای سرقت لوازم بخصوص سرقت تلفن همراه به سراغ مهاجران افغانستانی می‌آیند. چند ماه پیش یکی از دوستان (مهاجر غیرمجاز افغانستانی) ما رو سوار ماشین کردند و بردند اطراف ورامین. کتک زدند و گوشی و پول هاش رو بردند.... اما به پلیس زنگ نزد چون میترسه رد مرز بشود.

همچنانکه این مصاحبه‌شونده اشاره می‌کند، آسیب‌پذیر بودن اتباع فاقد مدرک و علم خلافکاران و سارقین از این موضوع باعث شده است که آنها به طعمه‌ای بی‌دردسر تبدیل شوند. از سوی دیگر عدم اطمینان از پیگیری موارد از سوی پلیس و همچنین رد مرز شدن تبعه غیرمجاز افغانستانی باعث شده است که دسترسی آنها به مراجع قضایی و پلیس محدود شود. مهاجرین افغانستانی غیرمجاز به کرات به عدم رسیدگی به درخواست‌های آنها در زمینه احقاق حقوق‌شان در پلیس و مراجع قضایی اشاره می‌کنند. یکی از بازاریان افغانستانی در شهر تهران (فعال در بخش فروش پارچه) که از فعالین اجتماعی و اقتصادی مهاجرین می‌باشد در این خصوص می‌گوید:

من اغلب پارچه را از شهر یزد سفارش می‌دهم. یک بار جنس من را در راه یزد به مشهد گرفتند (توقیف شد). به دادگاه مراجعه کردم و گفتم جنس برای من هست. قاضی بدون توجه به حرف‌های من گفت تو از اتباع هستی حق داشتن مغازه را نداری... من که مجاز هستم و گذرنامه دارم با من اینطور برخورد شد وای به حال کسی که غیرمجاز باشد.

مسئله آسیب‌پذیر بودن اتباع افغانستانی بخصوص غیرمجازین برای شهروندان عادی نیز آشکار شده است. این موضوع بخصوص در زمینه درگیری در سطح محلات شهری بیشتر مشاهده می‌شود. فہیم ۳۱ ساله در محله دروازه غار تهران به این موضوع اشاره می‌کند:

... خیلی وقت‌ها مجبور میشیم از حقمون بگذریم و سکوت کنیم. مثلاً سر یک موضوع کوچیک با همسایه دعوی مان میشه یا تو خیابان بهمون زور گفته میشه ولی مجبوریم سکوت کنیم. چون پلیس بیاد حق رو به ایرانی می‌دهد.

در مواقع بروز تنش با ایرانیان اتباع افغانستانی بخصوص غیرمجازین تلاش می‌کنند از حق خود کوتاه بیایند تا مورد به پلیس و دادگاه منتهی نگردد. موقعیت فروتر مهاجران فاقدمدرک و بعضاً دارای مدرک و جرم‌انگاری حضور آنها در اذهان مامورین پلیس و دادگاه‌ها، آنها را در موقعیت ضعف قرار داده که امکان مطالبه حقوق خود را از طریق مجاری قانونی غیرممکن یا دشوار می‌دانند.

دریافت اجاره برای جواز کسب

آن دسته از اتباع خارجی مجاز یا غیرمجاز که در اقدام به فعالیت‌های اقتصادی می‌کنند در زمینه دریافت جواز کسب به نام خود با سخت‌گیری مواجه می‌شوند. البته در این زمینه عدم شناخت از قوانین از سوی مهاجران در عدم دریافت جواز کسب بی‌تاثیر نیست. اما بطور کلی دارندگان کارت آمایش یا غیرمجازین امکان دریافت جواز کسب را ندارند. این گروه از افراد اقدام به دریافت اجازه کسب به نام یک فرد ایرانی می‌نمایند و در مقابل مبلغی را به عنوان اجاره پرداخت می‌کنند. بر اساس مصاحبه با یکی از فعالین اقتصادی مهاجر که خود نیز جواز کسب اجاره کرده است، در تابستان ۱۳۹۸ مبلغ اجاره ماهانه برای اجاره جواز کسب بین ۲۵۰ هزار تا ۶۰۰ هزار تومان در تغییر بوده است. این فرد در مصاحبه اظهار می‌کند:

جواز کسب به نام ما نمی‌دن. کلی دوندگی کردم ولی به جایی نرسیدم. ۴۰ ساله در بازار کار میکنم اما هنوز به اسم یکی دیگه کار میکنم. الان این جواز کسب برای یه ایرانی هست. ماهی ۳۰۰ هزار تومن برای این جواز کسب میدم.... من این فرد (دارنده جواز کسب) رو میشناسم و تا الان مشکلی پیش نیومده برام ولی میتونه بیاد منو از مغازه بیرون کنه بگه همه جنس‌های مغازه برای من است. الان همین جا هم که نشسته ام و کار میکنم غیرقانونیه چون اماکن همیشه میاد گیر میدن... میگه باید صاحب جواز تو مغازه باشی... قبلا جواز کسب به نام یکی دیگه بود ولی چند سال پیش مغازه رو پلمپ کردن رفتم اماکن اونجا خودشان یکی رو معرفی کردند از آشنایانشان و گفتن جواز کسب رو به اسم این بگیر بهش اجازه بدهد. سود حاصل از اجازه جواز کسب و امکان سوء استفاده و کلاهبرداری از مهاجرین از سوی دارنده جواز، باعث شده است تا مهاجران در یک وضعیت بی ثباتی فعالیت اقتصادی خود را انجام دهند.

انتفاع سازمانی/فردی نهادهای درگیر در حوزه استحقاقی

دریافت وجه خارج از چارچوب توسط برخی مامورین انتظامی که وظیفه دستگیری مهاجران غیرمجاز را دارند اغلب در رسانه‌های اجتماعی و از سوی جامعه مهاجرین مطرح می‌شود. اگرچه نمی‌شود این تخلف را به همه جامعه مامورین انتظامی تعمیم داد اما به دلیل قرار گرفتن مهاجرین غیرمجاز دستگیر شده در وضعیت دشوار و مشکلات و هزینه بالای بازگشت مجدد به ایران توسط قاچاق‌بران، آنها حاضر به پرداخت مبلغی به عنوان رشوه هستند تا خود را آزاد کنند. براساس مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصان، این تعامل انتفاع محور، در ارتباط بین سازمان‌ها هم مطرح شده است. یکی از مهاجران افغانستانی غیرمجاز در شهر تهران تجربه خود را اینطور تعریف می‌کند:

تا الان سه بار دستگیر شدم. دو بار رد مرز شدم و برگشتم. دفعه سوم زمانی که از مترو پرشتم میخواستم بیرون پیام مامور من رو دستگیر کرد. به چند نفر زنگ زدم دو میلیون جور کردند و آوردند. پول رو که بهش دادم گفت برو.

از سوی دیگر برخی از افراد ایرانی که از موضوع ترس مهاجران غیرمجاز از پلیس مطلع هستند نیز از آنها سوء استفاده می‌کنند. یک مرد ایرانی از آنها روش سوء استفاده خود را به این شکل توضیح می‌دهد:

میرم جنوب تهران ورامین قرچک. اونجا افغانی‌ها زیاد هستند تو ساختمون کار میکنن. زنگ میزنم پلیس بعد که پلیس رسید میرم پیش افغانی‌ها میگم بذارید من مشکل رو حل کنم. از هر کدوم ۵۰۰-۶۰۰ هزار تومن میگیرم. جمعا ۳-۴ میلیون میگیرم. بعد میرم پیش پلیس دو تومنش رو میدم به پلیس بقیه‌اش رو برای خودم برمیدارم.

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته، انتفاع مالی غیرمجاز در مواردی در فرایند بازرسی از کارگاه‌ها جهت شناسایی نیروی کار غیرمجاز نیز اتفاق می‌افتد. برخی از بازرسین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که موظف به بازرسی از کارگاه‌ها برای شناسایی نیروی کار غیرمجاز هستند در برابر اخذ وجه، از جریمه کارگاه و کارفرمای متخلف صرف نظر می‌کنند.

انتفاع از طریق اجاره کارت‌های بانکی

همچنانکه اشاره شد، مهاجران غیرمجاز برای دسترسی به کارت‌های بانکی و انجام تراکنش‌های مالی خود اقدام به اجاره کارت بانکی می‌نمایند. برخی از مهاجران کارت بانکی را از دیگر مهاجران مجاز افغانستانی امانت می‌گیرند که در این حالت عمدتاً بدون پرداخت هزینه این امر انجام می‌گیرد. آن دسته از غیرمجازین که از شهروندان ایرانی بخصوص از کارفرمای ایرانی خود کارت بانکی اجاره می‌نمایند، اقدام به پرداخت مبلغی به عنوان کرایه کارت می‌کنند. البته ممکن است برخی از شهروندان ایرانی به دلیل شناخت مهاجر بدون دریافت مبلغی این کار را انجام دهند. کارفرما بعضاً اقدام به سوء استفاده از وضعیت مهاجر غیرمجاز می‌نماید، زیرا که امکان برداشت وجه از حساب بدون اطلاع فرد مهاجر (گیرنده کارت بانکی) وجود دارد. در زمان برداشت وجه توسط کارفرما یا شخص امانت‌دهنده، مهاجر غیرمجاز پیامک برداشت دریافت نمی‌کند. قیس از کارگران غیرمجاز افغانستانی در شهر تهران در این خصوص تجربه خود را اینطور اظهار می‌کند:

در ماه چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان میگیرم... در ساختمانی که قبلاً کار میکردم صاحب کار به من کارت بانکی خودش رو داد... هر ماه ۱۵۰ هزار تومن بخاطر کارت بهش میدم... اما چند ماهه فهمیدم که بدون اینکه به من بگه از کارت من پول برمیداره... بخاطر همین وقتی صاحب کارم (فعلی) میخواد حقوقم رو بده میرم صرافی منتظر میشم تا پول رو بریزه همین که پول اومد تو کارت تو صرافی کارت میکشم و پول رو برمیدارم و به افغانستان میفرستم. چون آگه پول تو کارت بمونه اون صاحب کارم (صاحب کار قبلی) میره از بانک برمیداره.

رابطه مبتنی بر سودمحوری در بخش اجاره خانه و تملک غیررسمی

در برخی از محلات شهر تهران، ویژگی کالبدی و معماری خانه‌های قدیمی با حیاط مرکزی به عنوان یک مزیت برای خانواده‌های با جمعیت زیاد و حتی نیروی کار مهاجر فاقد مدرک محسوب می‌شود. بطور مثال آنها در خانه‌های با حیاط مرکزی زندگی می‌کنند. در مجموع این شکل از خانه، اغلب مورد توجه مهاجران مجرد است که در کنار تعداد زیادی از مهاجران دیگر در این منازل سکونت دارند که این موضوع باعث کاهش هزینه‌های زندگی و اجاره منزل برای آنها می‌شود. اما از سوی دیگر مالکان ایرانی اغلب تمایل به اجاره خانه به مردان مجرد غیرمجاز را افغانستانی دارند؛ زیرا که به دلیل تعداد بالای افراد مستاجر امکان دریافت اجاره بالاتر برای مالکان وجود دارد. اگرچه هزینه اجاره برای مهاجر در مقایسه با اجاره خانه مستقل بسیار پایین است اما برای مالک به دلیل تعدد مستاجرین (مردان مجرد)، میزان اجاره بسیار بالاتر خواهد بود. این موضوع یکی از عواملی است که برخی از مالکان در برخی محلات شهری تمایل دارند که خانه‌های خود را به مردان مجرد اجاره دهند.

از سوی دیگر، زیست غیررسمی و حضور غیرقانونی آنها این امکان را به مالک می‌دهد که هر زمانی اختیار کند، اقدام به تخلیه ملک خود نماید. در زمینه اجاره دادن خانه به مهاجران افغانستانی در ورامین، یکی از مصاحبه‌شوندگان ایرانی که صاحب بنگاه املاک است می‌گوید:

برخی از صاحبان خانه‌ها، بیشتر مایل هستند به افغان‌ها خانه اجاره دهند چون تخلیه خانه افغان‌ها راحت‌تر هست ولی ایرانی اذیت می‌کند، در زمان تخلیه خانه توسط مستاجر... صاحب خانه می‌داند که اگر افغان خانه را تخلیه نکند با یک زنگ به پلیس سریع خانه‌اش تخلیه خواهد شد.

انتفاع یا بهره‌کشی در بخش استملاک نیز قابل مشاهده است. محدودیت‌های قانونی تملک اموال منقول همچون خودرو یا غیرمنقول همچون خانه، زمین، مغازه و غیره برای اتباع مجاز و غیرمجاز افغانستانی زمینه‌های سودجویی شهروندان ایرانی یا بخشی از جامعه مهاجر مجاز افغانستانی را فراهم کرده است. در بخش تملک خودرو، در صورت خرید آن، مهاجر به اجبار سند آن را به نام یک تبعه ایرانی یا مهاجر مجاز افغانستانی به ثبت می‌رساند و تنها قولنامه‌ای بین فرد ایرانی و افغانستانی به امضا می‌رسد. فرد ایرانی در مقابل پذیرش این معامله (بخوانید لطف)، مبلغی را از مهاجر دریافت می‌کند.

البته امکان کلاهبرداری و عدم عودت وجه حاصل از فروش خودرو (در زمان فروش خودرو توسط مهاجر) توسط فرد ایرانی وجود دارد. البته این نوع از استثمار توسط مهاجر افغانستانی مجاز نیز وجود دارد اما با توجه به شناخت بیشتر بین جامعه مهاجران، احتمال کلاهبرداری کمتر است.

در زمینه تملک خانه نیز همچون مورد خودرو با مشکل ثبت سند ملک مواجه هستیم. اغلب مهاجرین افغانستانی که امکان خرید خانه و ثبت سند آن به اسم خود را ندارند، از معتمدین ایرانی یا افغانستانی (آن دسته از مهاجران که تابعیت ایران را دریافت کرده یا از لحاظ قانونی امکان تملک دارند) درخواست می‌کنند تا سند به نام آنها ثبت شود. کلاهبرداری از مهاجران در زمینه ملک همچون خودرو روی می‌دهد که اغلب در صورت شکایت، دادگاه‌ها به دلیل منع قانونی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی با مشکلاتی جهت بازپس‌گیری ملک از اتباع ایرانی دارند. اگرچه مواردی از حمایت دادگاه از اتباع افغانستانی شنیده شده است. ویس ۵۱ ساله از مهاجران مجاز افغانستانی که در محله گلشهر مشهد خانه‌ای خریداری کرده است می‌گوید:

من چند ساله خانه خریدم در همین محله. چون نمیتونم سند به اسم خودم بزنم به اسم یه ایرانی سند زدم... آدم مطمئنی هست چند ساله باهاش کار میکنم. اما شنیدم که سر خیلی از مهاجران کلا میدارن... اون ایرانی میره خونه رو میفروشه به یکی دیگه و باید بیفتن تو دادگاه‌ها که ثابت کنن خونه مال ما بوده نه اون ایرانی.

نکته بسیار مهم در زمینه تملک خودرو یا ملک به نام شخص ایرانی زمانی است که فرد ایرانی (که سند به نام او زده شده است) با مشکلات مالی مواجه می‌شود. در این زمان از سوی بانک یا مراجع قضایی اموال وی توقیف می‌شود. با توجه به اینکه سند خانه یا خودرو تبعه افغانستانی به نام آن فرد ایرانی است، در نتیجه مراجع قضایی ملک یا خودرو تبعه افغانستانی را توقیف می‌نماید. این تهدید همواره مهاجران افغانستانی را که به صورت غیررسمی اقدام به خرید ملک یا خودرو به نام ایرانی می‌نمایند، تهدید می‌نماید.

تعاملات مبتنی بر انتفاع در بخش درمان

در زمینه درمان نیز مشکلات مختلفی پیش روی مهاجران غیرمجاز قرار دارد. اما شاید مهمترین آن را در زمینه مسائل مالی و بهره‌کشی از آنها در فرایند درمان جستجو کرد. تجارب مختلفی توسط مهاجران غیرمجاز در بیمارستان‌ها بخصوص

بیمارستان‌های خصوصی و مطب پزشکان وجود دارد. دریافت وجوه مازاد و بعضاً چند برابر از مهاجران غیرمجاز از نمونه‌های این استعمار به دلیل وضعیت غیررسمی یا آسیب‌پذیر آنها است. مهاجران غیرمجاز نیز با توجه به ضرورت دریافت خدمات درمانی عمدتاً پرداخت وجه اضافی را می‌پذیرند.

نمونه دیگر از انتفاع از مهاجران غیرمجاز (حتی مجاز) عدم پذیرش دفترچه بیمه درمانی (بخصوص بیمه سلامت) آنها در برخی مراکز درمانی است. این عدم پذیرش بعضاً به دلیل دریافت وجه اضافی از مهاجران انجام می‌گیرد. عدم پذیرش دفترچه درمانی در داروخانه‌ها نیز وجود دارد.

پزشکان غیرمجاز و اجاره مهر نظام پزشکی

براساس مصاحبه با یکی از کارکنان و فعالان مهاجر افغانستانی در شهر مشهد، برخی از پزشکان افغانستانی در سال‌های گذشته وارد ایران شده و در شهرهایی همچون مشهد سکونت دارند. این گروه از پزشکان به دلیل ممنوعیت فعالیت‌شان در کشور و محدودیت‌های قانونی پیش روی آنها (بخصوص به دلیل عدم تحصیل آنها در ایران و عدم تایید مجوز پزشکی آنها برای فعالیت در کشور) امکان طبابت ندارند. اما این پزشکان هم بنحاطر کسب درآمد و هم به دلیل عدم فراموشی حرفه خود، اقدام به اجاره مهر نظام پزشکی برخی از پزشکان ایرانی می‌نمایند. البته برخی از پزشکان ایرانی در برابر اخذ وجه اقدام به اجاره دادن مهر پزشکی خود می‌نمایند. این موضوع هم به عنوان روشی برای زیست و فعالیت غیررسمی آنها در کشور است و از سوی دیگر وضعیت غیررسمی آنها امکان انتفاع را برای برخی پزشکان ایرانی فراهم کرده است. البته باید توجه داشت که تعداد پزشکان غیرمجاز (غیرمجاز از نظر فعالیت در حرفه خود نه وضعیت اقامت) افغانستانی در ایران بسیار پایین است.

انتفاع علمی: اختراع افغانستانی به نام ایرانی

یکی دیگر از جنبه‌های بهره‌جویی از مهاجران مجاز را می‌توان در زمینه‌های علمی مشاهده کرد. ثبت اختراع در ایران براساس قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و آیین‌نامه اجرایی آن انجام می‌گیرد. اما در خصوص

ثبت اختراع توسط اتباع خارجی اطلاعات زیادی ارائه نشده است. این موضوع را در تجربه زیسته مخترعین افغانستانی دنبال کردیم. در مصاحبه‌ای با یکی از مخترعین افغانستانی (متولد شهر بابل) که در زمینه پزشکی فعالیت داشته و در مرکز رشد دانشگاه تهران مستقر هست به این نکته پرداخته شد:

در زمان تحصیل من کار میکردم و خیلی تلاش کردم تا ایده خود را اجرایی کنم. اختراع من در زمینه تجهیزات پزشکی است. این اختراع باعث شد تا ایران از واردات این محصول بی نیاز بشود. خوشبختانه من موفق شدم اختراع خودم را به اسم خودم ثبت کنم. کارهای اداری و بروکراسی زیادی دارد. شاید خوش شانس بودم که توانستم این اختراع را به نام خودم ثبت کنم. تعدادی از دوستان و مهاجران افغانستانی که میشناسم موفق نشدن ایده‌ها یا اختراعات خودشان رو به نام خودشان ثبت کنن. مجبور شدنند به اسم یک ایرانی ثبت کنند.

همچنانکه اشاره شد، آن دسته از نخبگان و مخترعان مهاجر که یا با سخت‌گیری در زمینه ثبت اختراع مواجه می‌گردند یا قادر به پیگیری مداوم کارهای اداری و بروکراسی ثبت اختراع را ندارند، به اجبار اختراع خود را به اسم یک فرد ایرانی به ثبت می‌رسانند. این موضوع در مصاحبه مخترع دیگر افغانستانی (در بخش سخت‌افزار کامپیوتر و مستقر در مرکز رشد دانشگاه تهران) نیز قابل شناسایی است:

مهاجران با مشکلات زیادی مواجه هستند بخصوص در زمینه کارهای اداری و کاغذبازی. من خودم در زمینه ثبت اختراع با مشکل مواجه شدم. در حالی که تلاش میکردم اختراع خود را ثبت کنم اما افرادی ایده من را دزدیدند و محصول مد نظرم را قبل از خودم تولید کردند (احتمالا منظور به سرقت رفتن ایده در فرایند ثبت اختراع است).

محدودیت‌های قانونی یا عدم شفاف بودن آنها در زمینه ثبت اختراع و ایده باعث شده است تا نخبگان علمی مهاجر اقدام به ثبت اختراع به نام افراد ایرانی کنند و یا در مسیر ثبت اختراع با مشکلاتی همچون به سرقت رفتن ایده یا دلسرد شدن از پیگیری اختراع یا تولید مد نظر خود مواجه شوند.

انتفاع صراف‌ها

همچنانکه اشاره شد، سالانه بیش از صد میلیون دلار از ایران توسط مهاجران افغانستانی به کشورشان ارسال می‌گردد. در حال حاضر بخش عمده وجوه ارسال شده به افغانستان از طریق صراف‌ها انجام می‌گیرد. صراف‌ها هزینه‌ای را برای انتقال دریافت می‌کنند. اگرچه این راه مطمئن است اما هزینه‌ای را به مهاجران افغانستانی تحمیل می‌کند.

انتفاع و بهره‌کشی توسط دیگر مهاجران افغانستانی

موارد متعددی از انتفاع شهروندان ایرانی از وضعیت اقامتی و مشکلات آنها در دسترسی به خدمات استفاده می‌نمایند. اما بخش عمده مهاجران مجاز به دلیل خویشاوندی و یا حس کمک به هم‌وطن بدون چشم‌داشت مالی اقدام به کمک به مهاجران غیرمجاز افغانستانی می‌کنند. البته مواردی از روابط مبتنی بر سودجویی را می‌توان در میان جامعه مهاجران مجاز از غیرمجاز یافت. بطور مثال در زمینه معرفی شغل، مهاجران افغانستانی همواره از یکدیگر حمایت می‌کنند اما با تغییر روابط بین افراد و رویکرد نفع‌گرایانه بعضاً شاهد هستیم که معرفی شغل به دیگر مهاجران بدون چشم‌داشت نیست. بطور مثال یکی از مهاجران افغانستانی در شهر تهران می‌گوید که "در گذشته مهاجران فرصت‌های شغلی را به هم معرفی می‌کردند اما در حال حاضر برخی از مهاجران در مقابل معرفی دیگر مهاجران برای کارکردن مبلغی را دریافت می‌کنند". البته این موضوع بین مهاجرانی که با یکدیگر روابط نزدیک ندارند یا قوم و خویش نیستند اتفاق می‌افتد، اگرچه به روش غالب در فرایند معرفی شغل بین مهاجران تبدیل نشده است.

انتفاع و استثمار توسط کارفرمای ایرانی

مطالعات متعددی در جهان در زمینه سوء استفاده¹¹⁹ یا بهره‌کشی نیروی کار مهاجر انجام گرفته است. اما مطالعات مشابه در ایران بسیار محدود است. برخی پژوهشگران این حوزه سوء استفاده یا استثمار نیروی کار مهاجر را به معنای هر عملی فراتر هنجارهای اعمال شده برای مهاجر داخلی تعریف می‌نمایند (شلی ۲۰۰۷). از نظر شلی استثمار نیروی کار مهاجر

¹¹⁹ abuse

بخشی از ماهیت سرمایه‌داری در راستای کسب سود بیشتر قابل تعریف است. در حالیکه نیروی کار بومی در بستر سرمایه‌داری در حال استثمار شدن است، نیروی کار مهاجر همچون سایر گروه‌های آسیب‌پذیر در معرض "ابر استثمار"^{۱۲۰} هستند. زیرا که آنها به دلیل شرایط متزلزل خود حقوق‌های پایین، ساعات کار بالا، عدم اختصاص مرخصی درمان، انجام کارهای دشوار را خواهند پذیرفت. حتی آنها ممکن است توسط کارفرمایان برای احقاق حقوق خود فریب داده شوند و یا کودکان مهاجر به کار گرفته شوند یا زنان و کودکان برای کارهای جنسی مورد استثمار قرار گیرند. شاید بتوان این وضعیت را برده‌داری مدرن نامید (همان: ۷).

زمانی که مهاجر در وضعیت فقدان مدرک قرار دارد، امکان استثمار توسط کارفرما به مراتب بیشتر خواهد بود، زیرا که امکان پیگیری حقوق و حتی شکایت نیروی کار مهاجر فراهم نخواهد بود. از سوی دیگر به دلیل غیرمجاز بودن، کارفرما ملزم به پرداخت هزینه‌های بیشتر از جمله هزینه بیمه (کاری و درمانی)، پاداش، مرخصی و غیره نیست. "آسیب‌پذیری نیروی کار مهاجر بخصوص زمانی که او به اطلاعات کافی دسترسی نداشته یا از شبکه‌های حمایتی (حمایت اجتماعی) ضعیف در کشورهای مقصد برخوردار باشد، تشدید خواهد شد (هنبری ۲۰۱۷).

نمونه‌های مختلفی از استثمار و سوء استفاده از نیروی کار مهاجر غیرمجاز را از سوی کارفرما مشاهده کرد. بخش عمده استثمار به دلیل وضعیت اقامتی آنها و آسیب‌پذیری اقتصادی آنها اتفاق می‌افتد. یکی از مغازه‌داران در بازار امین‌السلطان تهران که به "بازار افغانی‌ها" معروف است به مزیت نیروی کار افغانستانی اشاره دارد:

من قبلاً کارگر ایرانی داشتم. چند ماه کار کرد بعد رفت اداره کار شکایت کرد و کلی از من جریمه گرفت. بعد از اون دیگه کارگر ایرانی نیاوردم. چه کاریه می‌رم مثل بقیه مغازه‌ها کارگر افغانی میارم. البته کارگر افغانی هم حقوق کمتری از ایرانی نمیخواهد اما بیشتر کار میکنند... در دسر اداره کار و بیمه هم نداره. هر وقت هم بخوام میندازمش بیرون. او که نمیتواند به اداره کار شکایت کند.

یکی از مدیران شرکتهای پیمانکاری مسکن مهر در شهر جدید پرنده در مصاحبه به استثمار نیروی کار مهاجر غیرمجاز اشاره می‌کند:

¹²⁰ super-exploitation

اکثر شرکت‌ها کارگر افغانی دارند. افغانی‌ها هم خوب کار می‌کنند هم قانع هستند. اما خیلی از پیمانکارها اصلاً باهاشون خوب برخورد نمی‌کنند. یکی (پیمانکار ساختمان) رو میشناسم کارگر افغانی میاره همیشه حقوقشون رو دیر میده. بعضی وقتا که چند ماه حقوقشون رو نداده زنگ میزنه پلیس میان کلشون (کل کارگرای افغانستانی) رو جمع می‌کنن میبرن.

از نظر این کارفرمای ایرانی، مهمترین ویژگی کارگر افغانستانی، قانع بودن و پاک دستی است. یعنی به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی مجبور به پذیرش هر کاری با هر دستمزدی است. از سوی دیگر آسیب‌پذیر است زیرا که می‌توان چند ماه از او استفاده کرد و در نهایت با یک تماس با پلیس حقوق آنها را پرداخت نکرد.

صدور کارت کار اقامت نامعتبر برای غیرمجازین

برخی از کارفرمایان ایرانی به منظور حفظ کارگران افغانستانی غیرمجاز اقدام به صدور کارت‌هایی با عنوان کارت کار می‌نمایند. یکی از این کارگران در منطقه شهرزیا اظهار می‌کند که کارفرما کارت کار برای او درست کرده (تصویر شماره ۲۴). مهاجر غیرمجاز همواره با این کارت احساس می‌کند که حضور او در کشور قانونی است، البته حداقل برای برخی از ایرانی‌ها می‌توانست نشان دهد که حضورش قانونی است تا به او "به چشم یک مهاجر غیرمجاز نگاه نکنند".

مشخصات کارگاه و کارفرما

شماره سیستمی کارگاه: [Redacted]
 نام کارگاه: [Redacted]
 کارفرما: [Redacted]
 شماره کارگاه: [Redacted]
 شماره مجوز: [Redacted]
 شناسه ملی: [Redacted]
 تلفن: [Redacted]
 موبایل: [Redacted]
 کد پستی: [Redacted]
 آدرس: [Redacted]

لیست مشخصات کارگزاران

ردیف	نام و نام خانوادگی	شماره اختصاصی	ردیف	نام و نام خانوادگی	شماره اختصاصی
۱	[Redacted]	[Redacted]			

شکل ۲۴: نمونه کارت کار صادر شده از سوی کارفرما برای کارگر غیرمجاز افغانستانی در تهران

انتفاع سیستمیک (نهادهای دولتی)

گذرنامه‌ای شدن و انتفاع پلیس گذرنامه

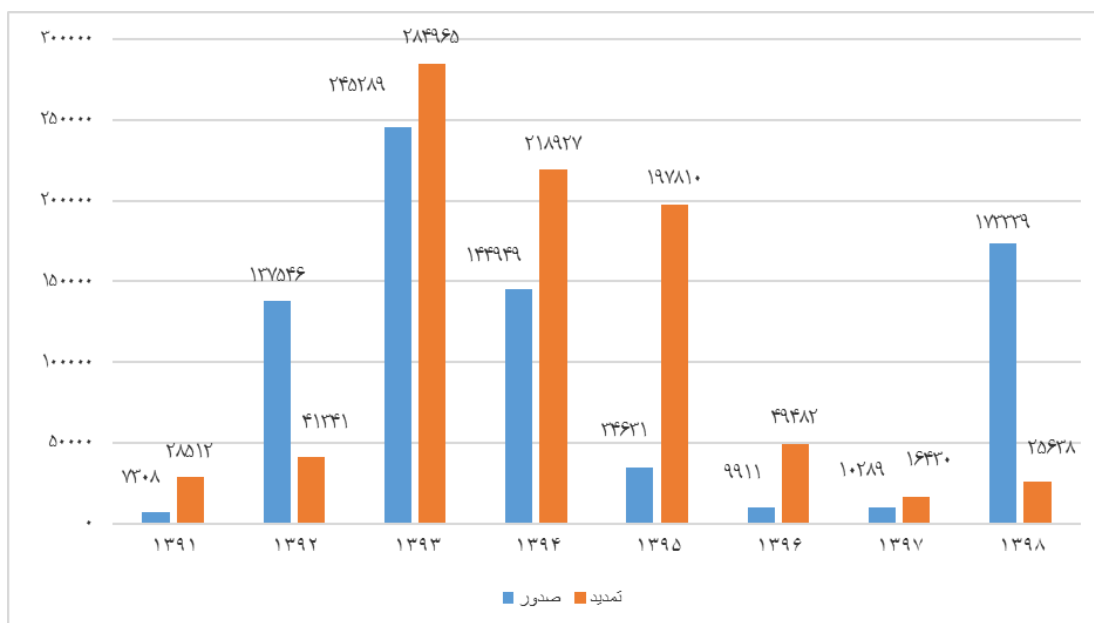
در دهه ۱۳۹۰ تعداد پناهندگان افغانستانی (دارندگان کارت آمایش) از طریق محدود کردن ارائه برخی خدمات به اتباع دارای گذرنامه کاهش می‌یابد، به ویژه برای مهاجرینی که قصد تحصیل در دانشگاه را دارند. یکی از روش‌های اجرای این سیاست تبدیل وضعیت دانشجویان متقاضی تحصیل در دانشگاه‌های ایران است. در سال‌های ابتدایی این سیاست، دانشجویان افغانستانی دارای وضعیت پناهندگی که از یک دانشگاه ایرانی فارغ التحصیل شده بودند، مجبور بودند پس از اتمام تحصیل خود در دانشگاه، ایران را ترک کنند. سیاست فعلی این است که دانشجویان افغانستانی که در گذشته دارای کارت آمایش بودند، می‌توانند "ویزای عادی" قابل تمدید دریافت کنند، اما در این صورت بایستی وضعیت خود را از پناهندگی به گذرنامه تغییر دهند. تبدیل وضعیت از پناهندگی به گذرنامه و تمدید سالانه رواید درآمدی را برای پلیس

گذرنامه و مهاجرت نیروی انتظامی دارد. این موضوع می‌تواند یکی از عوامل تمایل نیروی انتظامی بر تبدیل وضعیت پناهندگان از کارت آمایش به گذرنامه باشد.

از خلال مصاحبه‌های متخصصان صورت گرفته، روابط مبتنی بر انگیزه‌های سودمحورانه گاه‌ها در تعاملات بین دستگاه‌های ذیربط در حوزه اتباع دیده می‌شود؛ گویی موضوع اتباع خارجی به عنوان اهرم فشار در روابط بین نهادهای دولتی توانسته است موثر باشد و انتفاع فردی/سازمانی را در این معادله رقم بزند. بی شک یکی از مهمترین دلایل از رابطه ناسالم نهادی، نبود سازمان مرکزی واحد در امور اتباع، منافع مادی و غیرمادی دستگاه‌های اجرایی از موضوع اتباع است که با تجمیع عایدی حاصل از امور اداری اتباع خارجی به خزانه دولت و نه حساب سازمان‌های درگیر می‌تواند از این نابسامانی سودمحورانه جلوگیری کند.

صدور و تمدید مجوزهای اقامت و کار

یکی از مهمترین موارد انتفاع دولت از طریق حضور اتباع خارجی در ایران از طریق فرایند تمدید مجوزهای اقامت و کار صورت می‌گیرد. تمدید سالانه مجوزهای اقامت علاوه بر اینکه به اتباع خارجی و بخصوص پناهندگان، موقت بودن حضور آنها را به صورت سالیانه یادآور می‌شود، از طریق دریافت هزینه صدور و یا تمدید مجوزهای اقامت یا کار و یا سایر مجوزها منافی را به دنبال دارد. بطور مثال صدور کارت کار یکی از موارد دریافت هزینه از پناهندگان افغانستانی در ایران است که از سال ۱۳۹۸ دریافت آن برای مردان ۱۸ تا ۶۰ سال اجباری شده است. بعبارتی دیگر مردان ۱۸ تا ۶۰ ساله در زمان تمدید کارت آمایش ملزم به دریافت و یا تمدید کارت کار هستند که برای این منظور هزینه‌ای از اتباع افغانستانی دریافت می‌شود. براساس قانون بودجه سال ۱۳۹۹ مصوب مجلس شورای اسلامی، هزینه صدور و تجدید پروانه موقت کار برای یک سال، مبلغ ۵ میلیون ریال و هزینه تمدید پروانه کار موقت، مبلغ ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال است که واریز به حساب خزانه داری کل کشور نیز تعیین شده است. با ابلاغ سیاست الزام دریافت کارت کار جهت تمدید کارت آمایش از سال ۱۳۹۸، تعداد کارت‌های کار تمدید یا صادر شده برای اتباع خارجی به شدت افزایش یافت.



نمودار ۶: تعداد صدور و تمدید کارت کار موقت اتباع خارجی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۸

منبع: (آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۸)

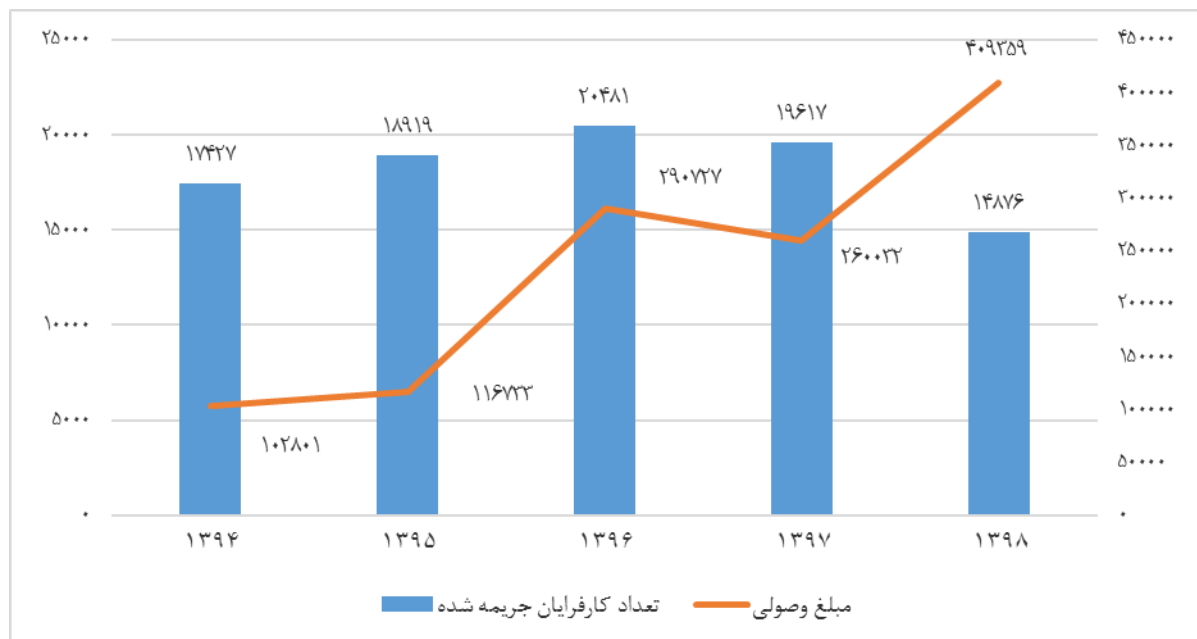
در زمینه تمدید گذرنامه خانواری نیز هزینه‌های زیادی از اتباع خارجی دریافت می‌شود. در سال ۱۴۰۰ به طور میانگین هزینه تمدید گذرنامه خانواری یک خانواده در حدود پنج میلیون تومان بوده است. در زمینه تمدید سالانه روادید گذرنامه‌ها نیز بحث دریافت هزینه‌ها به عنوان منبع مالی برای دولت و ارگان‌ها مطرح است.

یکی از چالش‌برانگیزترین مصوبات در زمینه تمدید روادید مربوط به گذرنامه‌های دانشجویی است. براساس قوانین، دارندگان کارت‌های آمایش جهت تحصیل در دانشگاه‌ها ملزم هستند که وضعیت خود را از پناهندگی (آمایش) به گذرنامه با روادید تحصیلی تغییر دهند. بدین منظور دانشجویان پسر بایستی پس از تحویل کارت آمایش و دریافت برگه تردد خروجی مدت دار به افغانستان سفر کرده و روادید را از سفارت یا کنسولگری‌های ایران در این کشور دریافت کنند. اما دانشجویان دختر دو گزینه پیش رو دارند: سفر به افغانستان همچون دانشجویان پسر و یا سفر به جزیره کیش. با توجه به اینکه بخش عمده پناهندگان افغانستانی در استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان ساکن هستند، سفر به جزیره کیش بخاطر مسافت طولانی آن هزینه‌های بسیار زیادی را برای آنها تحمیل می‌نماید. بعلاوه هزینه اقامت در هتل و سایر هزینه‌های سفر نیز از دیگر مسائل پیش روی آنها است. این در حالی است که الزام دانشجویان دختر به سفر به جزیره

کیش منطقی به نظر نمی‌رسد و حداقل می‌توان تمام مناطق آزاد کشور (به عنوان نمونه منطقه سلفچگان) را مجاز به صدور روادید به این دسته از پناهندگان نمود.

چرخه بی پایان دستگیری نیروی کار غیرمجاز و انتفاع دولت

کارفرمایان از جمله گروه‌های ذینفعی هستند که از حضور مهاجران فاقد مدرک تحت نیروی کار بهره‌مند می‌شوند. بر اساس قوانین، کارفرمایان ایرانی در قبال بکارگیری نیروی کار فاقد مدرک، باید جریمه پرداخت کنند. میزان جریمه بکارگیری نیروی کار فاقد کارت کار به ازای هر روز بکارگیری حدود ۳۰۶ هزار تومان در سال ۱۳۹۹ بوده است و در صورت تکرار این امر، مجازات‌های سنگین‌تر حتی حبس نیز در قانون در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ جمعاً ۹۱ هزار و ۳۲۰ نفر از کارفرمایان به دلیل بکارگیری نیروی کار غیرمجاز جریمه شده‌اند.



نمودار ۷: تعداد کارفرمایان جریمه شده و میزان مبلغ وصول شده به دلیل بکارگیری نیروی کار غیر مجاز (میلیون ریال)

منبع: (آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۴)

طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۴ مبلغ وصول جریمه‌ها تنها مربوط به جریمه‌ها در خصوص اشتغال غیرمجاز اتباع خارجی است. اما طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۸ مبلغ وصول جریمه‌ها تلفیقی از مبالغ اعلام شده بابت پروانه کار، کارت کار موقت اتباع خارجی و جریمه کارفرمایان متخلف اعلام شده است، و مبلغ تفکیک شده برای جریمه کارفرمایان در دسترس نیست. چرخه بی‌پایان دستگیری نیروی کار غیرمجاز برای چندین دهه در کشور ادامه دارد. در این چرخه، علاوه بر انتفاع کارفرمایان و بهره‌کشی نیروی کار غیرمجاز توسط آنها، دولت و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی نیز از این چرخه از طریق دریافت جریمه منتفع می‌گردند.

انتفاع و بهره‌کشی توسط دولت افغانستان

از مهمترین جنبه‌های روابط سودمحورانه و انتفاع دولت افغانستان در زمینه ارائه خدمات کنسولی توسط سفارتخانه و کنسولگری‌های آن اتفاق می‌افتد. در حالی که اغلب مهاجرین افغانستانی در ایران از طبقات پایین اقتصادی هستند اما هزینه

ارائه خدمات کنسولی به مهاجرین به صورت دلاری انجام می‌گیرد. یکی از موارد مهم در این خصوص الزام به صدور برگه تجرد است. این برگه بخصوص برای تغییر وضعیت از روادید دانشجویی به عادی الزامی است. در کنار فرایند آزردهنده اثبات مجرد بودن برای دختران افغانستانی، هزینه‌های دلاری اخذ شده توسط افغانستان از مهمترین مشکلات پیش روی آنها است.

انتفاع سازمان‌های غیردولتی

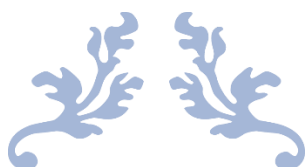
سازمان‌های غیردولتی و خیریه‌های متعددی در سال‌های اخیر از سوی جامعه مهاجران و یا جامعه ایرانی برای ارائه خدمات بشردوستانه شکل گرفته‌اند. تعداد این سازمان‌ها بخصوص در محلاتی که مهاجران افغانستانی در آنجا حضور دارند افزایش یافته است. یکی از این محلات محله هرنندی در منطقه ۱۲ شهرداری تهران است. یکی از مهمترین ویژگی‌های محله هرنندی حضور تعداد بالای تشکلهای مردم نهاد هست که اغلب در حوزه آسیب‌های اجتماعی در محله فعالیت می‌کنند.

معاون اجتماعی شهرداری منطقه ۱۲ در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۷ اعلام کرده است که در محله هرنندی بیش از ۴۰ تشکل مردم نهاد به ثبت رسیده است؛ اگرچه حدود ۱۵ مورد از این تشکلهای به صورت فعال در منطقه و با همکاری با شهرداری مشغول به ارائه خدمات در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی فعالیت دارند (همشهری آنلاین مهر ۱۳۹۷). همچنانکه این مسئول شهرداری اشاره کرده است، بیش از نیمی از سازمان‌های مردم نهاد ایجاد شده فعالیت در محله انجام نمی‌دهند. یکی دیگر از مسئولان شهرداری در ناحیه در زمینه مشکلات ناشی از حضور خیریه‌ها و NGOها اعلام می‌کند:

حدود ۱۸ مورد NGO در محله هرنندی فعالیت دارند که اغلب آنها در زمینه‌های کودکان کار و خانواده‌های بی‌بند سرپرست و اعتیاد فعالیت دارند. بعلاوه حدود ۱۵ تا ۲۰ خیریه نیز در محله فعال هستند که شهرداری ناحیه از فعالیت آنها اطلاعی نداشته و یا با آنها همکاری ندارد. خیریه‌ها خیلی می‌خواهند اسم داشته باشند و در صحنه باشند؛ نوعی از شویازی. بعضا دنبال گرفتن بودجه هستند. در کل خیریه‌ها باری را از دوش محله برنداشته‌اند و نقش‌شان محدود است و با شهرداری هم همکاری ندارند، در نتیجه موازی‌کاری خیریه‌ها زیاده، یک نفر از ۱۰ خیریه کمک می‌گیره و به برخی از نیازمندان هم کمکی نمی‌رسد.

همچنانکه واضح است بخش عمده‌ای از NGOها با هدف جذب منابع مالی از سازمان‌های بین‌المللی یا ارگان‌های دولتی اقدام به تاسیس سازمان‌های مردم‌نهاد یا خیریه می‌نمایند، بدون این که فعالیت چندانی داشته باشند. با توجه به ارائه منابع مالی گسترده (عمدتاً دلاری) توسط سازمان‌های بین‌المللی به اقشار آسیب‌پذیر مهاجرین افغانستانی، فرصت مناسبی برای برخی NGOها فراهم شده است تا از فضای ایجاد شده نفع ببرند. تمایل سازمان‌های بین‌المللی از جمله آژانس‌های سازمان ملل متحد برای همکاری با NGOها برای ارائه خدمات به جامعه هدف در ایران نیز باعث شده است تا هر ساله شاهد ایجاد NGOهای صوری در کشور باشیم. عدم نظارت بر تراکنش‌های مالی NGOها امکان تخلف را برای آنها فراهم کرده است تا با استفاده از عنوان سازمان مردم‌نهاد، سود فراوانی را عاید خود و اطرافیان خود کنند.

از سوی دیگر تعامل NGOهای داخلی با INGOها که به عنوان منبع اصلی مالی پروژه‌های حوزه اتباع خارجی در ایران محسوب می‌شوند نیز مبتنی بر روابط سودمحورانه و ناسالم است؛ مشاهدات میدانی نگارنده حاکی از آن است که اغلب بودجه‌ای که انجمن‌های داخلی به اسم "ترویج خدمات آموزشی، بهداشتی و تسهیل‌گری در جامعه مهاجر" از سازمان‌های بین‌المللی دریافت می‌کنند صرف پرداخت هزینه‌های جاری انجمن (همچون حقوق پرسنل و خدمات جانبی انجمن) می‌شود تا صرف خدمت‌رسانی به جامعه مهاجر و می‌توان گفت برای NGOهای داخلی در بیشتر مواقع عملاً موضوع مهاجران بیشتر به عنوان مهره جذب منابع مالی است تا انگیزه خدمت‌رسانی بشردوستانه. نبود حمایت‌های مالی مناسب از سوی دولت ایران در قبال فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از مهمترین دلایل این مسئله است.



فصل ششم:

نتیجه‌گیری و پیشنهادات



یافته های عملیاتی تکنیک تحلیلی سوات

پس از مطالعات اسنادی گسترده، انجام تحقیقات میدانی در نقاط مختلف استان تهران از جمله ورامین، اسلامشهر، پیشوا، منطقه کن، دماوند، مناطق ۱، ۳، ۵، ۱۲، ۱۶، ۲۲ شهرستان تهران، انجام مصاحبه های نیمه ساختار یافته و همچنین انجام مصاحبه متخصصان با دستگاه های اجرایی مرتبط با موضوع اتباع خارجی با گروه هدف و تجزیه و تحلیل داده های مستخرج از مصاحبه ها نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید حضور اتباع افغانستانی در استان تهران شناسایی شد و ماتریس سوات در ابعاد مختلف تدوین گردید. از تجمیع نظرات پاسخگویان در بستر مطالعات اسنادی در مجموع عوامل درونی شامل نقاط قوت و ضعف (۸ نقطه قوت و ۲۷ نقطه ضعف) تشخیص داده شد و در بحث عوامل بیرونی شامل فرصت ها و تهدیدها (۱۷ نقطه فرصت و ۲۴ نقطه تهدید) تشخیص داده شد که براساس این نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت‌های مشخص شده، استراتژی‌های مختلف و متناسب با موضوع مشخص گردیده است به با جزییات ارائه می گردد.

در اینجا باید به دو نکته اشاره داشت: نخست اینکه تکنیک تحلیلی سوات در این پژوهش با رویکرد کیفی تدوین شده است و تدوین استراتژی های ۴ گانه (تهاجمی، تدافعی، رقابتی و انطباقی) با محوریت سوژگی محقق بوده و بعد از تجمیع داده‌های میدانی، با کمک پانل خبرگان تدوین و نهایی شده است.

یکی از مهمترین یافته های این پژوهش که در ماتریس های ۴ گانه زیر خودنمایی می کند فرجه تر بودن جدول نقاط ضعف است. این نکته به خوبی نشان می دهد که موضوع اتباع افغانستانی در استان تهران به طور خاص و در کل کشور به طور عام، بیش از آنکه تهدید باشد یا بستر ساز فرصت، به دلیل نقاط ضعف سیستمی و نهادی موجود چالش برانگیز شده است. فهم این نقاط ضعف و بازآرایی نهادی این حوزه قطعاً مهمترین استراتژی نهاد سیاستگذار باید باشد که سبب ساز کاهش تهدیدها و تقویت کننده بسترهای فرصت ساز جامعه مهاجران افغانستانی در کشور خواهد بود.

جدول ۲. نقاط قوت حضور اتباع افغانستانی در استان تهران

ردیف	عنوان
S1	وجود زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری و اشتغال در استان تهران
S2	وجود مراکز آموزشی و بهداشتی/درمانی مناسب و متعدد در استان تهران
S3	افزایش نرخ باسوادی، مهارت‌آموزی نسل جدید مهاجران به واسطه زیست‌کلانشهری در تهران
S4	تبادل فرهنگی ناشی از اشتراکات زبانی، فرهنگی، مذهبی بین جامعه مهاجر و جامعه میزبان
S5	افزایش عاملیت دختران و زنان مهاجر در استان تهران
S6	تقویت قدرت فرهنگی ایران در منطقه آسیای غربی
S7	تقویت پتانسیل همکاری اقتصادی، سرمایه‌گذاری با کشور مبدا با استفاده از ظرفیت نخبگان مهاجر در استان تهران
S8	دسترسی به نیروی کار در مشاغلی که با کمبود نیروی کار مواجه هستند

جدول ۳. نقاط ضعف حضور اتباع افغانستانی در استان تهران

ردیف	عنوان
W1	تعدد سازمان‌های تصمیم‌گیر در بحث اتباع غیرایرانی، موازی‌کاری و ناهماهنگی سازمانی (۲۴ نهاد)
W2	نبود برنامه جامع در خصوص پذیرش مهاجران/پناهندگان
W3	نبود آمار دقیق و تفصیلی و عدم دسترسی مراکز آکادمیک به نهادهای اصلی تصمیم‌گیر
W4	ضعف در اجرای قوانین مربوط به مهاجران
W5	نبود تحقیقات میدانی منسجم به منظور شناخت مختصات جامعه مهاجران و چالش‌های آنها
W6	شهری شدن مهاجرت و پناهندگی/پناهجویی در ایران
W7	ختی بودن برنامه درسی نسبت به فرهنگ جامعه مبدا در راستای بازگشت پایدار
W8	پذیرش اجتماعی پائین جامعه میزبان نسبت به اتباع افغانستانی به ویژه هزاره (در محیط آموزشی، تعاملات محله‌ای، فضای رسانه‌ای و بازار کار)

W9	رهاسازی طبقه نخبه جامعه مهاجر بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه های ایران
W10	اسکیمای اجتماعی- فرهنگی نسبت به جامعه مهاجران افغانستانی
W11	عدم همکاری مناسب نهادهای آموزشی و فرهنگی در دو کشور فرستنده و میزبان
W12	عدم اطلاع رسانی کامل، بازنمایی ناقص و نامناسب خدمات جمهوری اسلامی ایران در قبال جامعه مهاجران در سطح بین المللی
W13	نبود ضمانت اجرایی کافی سیاستگذاری در قبال مهاجران
W14	عدم انجام پژوهش های مناسب جهت استفاده از پتانسیل های بالقوه و بالفعل مهاجرین افغانستانی
W15	تعارض منافع/ رقابت/ موازی کاری نهادهای مرتبط با اتباع خارجی
W16	ضعف در اجرای قوانین مربوط به مهاجرین و به روز نبودن قوانین
W17	بی ثباتی و تغییرات مداوم مقررات مربوط به اتباع غیر ایرانی
W18	رفتارهای گزینشی، احساسی و گاه مبالغه آمیز رسانه های جمعی در بازتولید ایماژ ظالم-مظلوم
W19	برخوردهای سلیقه ای و دوگانه و بوروکراسی مضاعف برای اتباع به ویژه اتباع افغانستانی
W20	تشتت آماری از وضعیت اتباع غیر ایرانی در کشور و استان تهران
W21	عدم شمول بیمه بیکاری برای اتباع مجاز
W22	غلبه رویکرد شخص محور، نهاد محور به جای رویکردهای مبتنی بر منافع ملی در سازمان های ذیربط
W23	عدم به روز بودن قوانین و دستورالعمل ها در زمینه اتباع خارجی در ایران
W24	عدم اجرای دقیق قوانین از جمله قانون منع بکارگیری نیروی کار غیرمجاز
W25	عدم بهره برداری مناسب از سازمان های بین المللی
W26	فقدان سازمان دهی مناسب برای اخذ مالیات و عوارض از اتباع خارجی
W27	وجود مکانیسم های غیرقانونی ساز: همچون تعدد و هزینه های بالای تمدید کارت کار، کارت آمایش و سایر خدمات ارائه شده در دفاتر خدمات اقامت و اشتغال اتباع خارجی

جدول ۴. فرصت‌های حضور اتباع افغانستانی در استان تهران

ردیف	عنوان
01	تأثیرات مستقیم ایران بر بازار نشر در افغانستان به واسطه رفت و برگشت مهاجران بین دو کشور
02	ظرفیت بالقوه مهاجران به عنوان سفیر فرهنگی ایران در افغانستان به ویژه در مناصب سیاسی کشور مبدا
03	سرمایه‌گذاری روی اشتراکات مذهبی، زبانی، فرهنگی و جغرافیایی
04	ایجاد مراکز علمی، فرهنگی و اقتصادی در اطراف مرز با مشارکت دو کشور
05	تقویت همکاری دو جانبه دانشگاه‌های دو کشور در تربیت دانشجویان به صورت مشترک
06	دسترسی به آموزش و فرصت مهارت‌آموزی در استان تهران در جهت تقویت فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری براساس ارزش‌ها و هنجارهای جامعه میزبان
07	وجود رسانه‌های گروهی فارسی‌زبان در افغانستان و تولید محتوای فارسی
08	وجود نیروی کار ارزان به ویژه در حوزه مشاغل یدی سخت
09	حضور در جامعه چند فرهنگی تهران
010	تنوع دسترسی به بازار کار در استان تهران
011	بهره‌مندی از نیروی کار ماهر مهاجران در توسعه کشور میزبان
012	استفاده از ظرفیت فارغ‌التحصیلان افغانستانی در مراکز دانشگاهی افغانستان
013	بازیگری در عرصه روابط بین‌الملل در حوزه مهاجرت با استفاده از مهره مهاجران در کشور (استفاده از تجربه کشورهای همسایه به ویژه سیاست‌گذاری فرصت‌طلبانه ترکیه در تعامل با اتحادیه اروپا)
014	افزایش تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و خیریه‌های ^{۱۲۱} بین‌المللی در حوزه پناهندگان
015	امکان استفاده از ظرفیت مهاجران برای افزایش مراودات تجاری با کشور افغانستان
016	ظرفیت‌های بهره‌مند شدن از حضور نخبگان و سرمایه‌گذاران افغانستانی
017	بهره‌مند شدن از توریسم درمانی اتباع افغانستانی در ایران

¹²¹ donors

جدول ۵. تهدیدهای حضور اتباع افغانستانی در استان تهران

ردیف	عنوان
T1	گسترش زیست غیررسمی اتباع افغانستانی در استان تهران
T2	سرگردانی هویتی نسل جدید مهاجران افغانستانی
T3	تغییر بافت هرم سنی/جنسی/مذهبی در مناطقی از استان تهران به ویژه در سطح مدارس
T4	فربه شدن هویت های سایه ای در زیست مهاجرانه اتباع افغانستانی استان تهران
T5	تعجیل-تعطل بدون پشتوانه کارشناسی در بحث اعطای تابعیت
T6	شهری/کلانشهری بودن زیست مهاجران در ایران به ویژه در استان تهران
T7	شکل گیری جزیره های محصور ملیتی/قومیتی
T8	تهدید امنیتی برای کشور میزبان به دلیل عدم اشراف اطلاعاتی نسبت به ازدواج های بین فرهنگی ثبت نشده و فرزندان حاصل از آن
T9	بازگشت ناپایدار به کشور مبدا و احتمال بازگشت مجدد
T10	افزایش دامنه پدیده قاچاق انسان (افغانی کشی): تبعات سیاسی و امنیتی قاچاق مهاجران به/از مسیر ایران
T11	پایین بودن تعلق اجتماعی جامعه مهاجر به کشور میزبان
T12	افزایش تقاطع زیست مهاجرانه، زیست حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی اتباع افغانستانی در استان تهران
T13	کاهش قدرت مانور نیروی کار دهک پایین جامعه در قیاس با نیروی کار مهاجر
T14	اختلالات روان شناختی در میان جامعه مهاجران و عدم پوشش (شناخت/درمان) از سوی جامعه میزبان
T15	بازنمایی تجربه زیسته مهاجران افغانستانی در پرونده های پناهجویی در کشورهای انگلوساکسون
T16	عدم توجه به طرح‌های ساماندهی فضایی اتباع خارجی و شکل‌گیری کلونی‌های مهاجران در شهرهای بزرگ کشور
T17	تغییرات سیاسی افغانستان بعد از قدرت‌گیری طالبان (تابستان ۱۴۰۰) و موج آوارگی گسترده به ویژه در میان شیعیان، زنان و نخبگان فرهنگی-اجتماعی افغانستان
T18	روند کند بازگشت اتباع خارجی غیرمجاز و پناهندگان به افغانستان پس از به قدرت رسیدن طالبان
T19	چرخه بی‌پایان ورود و طرد اتباع خارجی غیرمجاز و شکل‌گیری مافیای پرسود
T20	مرزهای طولانی و قابل نفوذ برای اتباع خارجی غیرمجاز

T21	مشکلات ثبت نام دانش‌آموزان غیرمجاز تازه وارد و گسترش بی ضابطه مدارس خودگردان
T22	تعدد کارت‌ها و مجوزهای اقامت برای اتباع افغانستانی و افزایش امکان جعل و سواستفاده / مشکلات مربوط به پولشویی و استفاده اتباع غیرمجاز از کارت سایر افراد
T23	ورود مستقیم و بدون غربالگری پناهجویان/مهاجران به بافت شهری جامعه میزبان
T24	حذف نیروی کار بومی از برخی مشاغل به دلیل ویژگی‌های نیروی کار غیرمجاز افغانستانی

راهبردها

با توجه به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای حضور اتباع افغانستانی اعم از مجاز و غیرمجاز در استان تهران بعد از برگزاری ۳ پانل خبرگان و انجام مصاحبه متخصصان اولویت بندی راهبردهای تدوین شده است. به دلیل برجسته بودن نقاط ضعف و تهدیدها، بخش عمده راهبردها مربوط به کاهش آسیب‌های ناشی از نقاط ضعف (عوامل درونی) و تهدیدات (عوامل بیرونی) می باشد.

۱. استراتژی تدوین منشور جامع مهاجران در کشور (استراتژی رقابتی ST)

- ۱,۱ پذیرش اتباع به عنوان یک واقعیت در جامعه ایرانی و ماندگار بودن آنها
- ۱,۲ تقویت نظام حکمرانی کارآمد در موضوع مهاجرت: کاهش ابهام و انگاره های ذهنی نادرست سیاستگذاران نسبت به موضوع اتباع
- ۱,۳ تغییر رویکرد دولت به موضوع مهاجرت از نگاه امدادی، موقتی در راستای رفع بحران به نگاه درازمدت، فرصت محور، عامل و مزیت ساز
- ۱,۴ چرخش تحول آفرین از نگرش تک ساحتی صرفا امنیتی و یا اجتماعی به مهاجرت به نگرش میان بخشی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی
- ۱,۵ اصلاح و به روزرسانی قوانین در زمینه جذب نخبگان و سرمایه‌گذاران افغانستانی

۲. استراتژی افزایش کنترلگری مرزی (استراتژی تدافعی WT)

- ۲/۱. سیاست غربال از نقطه صفر ورود به منظور کاهش معضل شهری شدن پدیده مهاجرت در کشور
- ۲/۲. تفویض فرایند شناسایی و گزینش افراد از استان تهران و سایر کلانشهرهای مقصد به مناطق مرزی شرق کشور
- ۲/۳. گسترش و تقویت اردوگاه‌های مرزی به منظور تشدید غربالگری اتباع ورودی به کشور قبل از ورود به شهرهای ایران
- ۲/۴. شناخت و کنترل بازیگران شبکه‌های درگیر در مافیای افغانی کشی
- ۲/۵. تقویت دیپلماسی منطقه‌ای، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای با کشورهای درگیر موضوع (افغانستان، پاکستان و ترکیه)
- ۲/۶. مبارزه با پدیده قاچاق مهاجران و کنترل مرزهای شرقی به منظور کاهش ورود اتباع خارجی غیرمجاز
- ۲/۷. اطلاع‌رسانی در زمینه روش‌های کلاهبرداری و سوء استفاده از اتباع خارجی در ایران

۳. استراتژی تجمیع سازمانی حوزه سیاستگذاری (استراتژی محافظه کارانه WO)

- ۳/۱. تاسیس سازمان ملی مهاجرت و سیستمی کردن گردآوری داده و اطلاعات، بسط موقعیت ویژه سازمان ملی مهاجرت به عنوان بالاترین نهاد سیاستگذاری/اجرایی در حوزه اتباع غیر ایرانی
- ۳/۲. تفویض اختیارات در راستای ایجاد تمرکز
- ۳/۳. سیاستگذاری مهاجرتی بر اساس حساسیت‌های نسلی، مدت زمان اقامت در ایران و وجوه نخبگی اتباع
- ۳/۴. ایجاد بانک اطلاعاتی اتباع غیر ایرانی (ثبت اطلاعات ورود و خروج، تردد، اقامت، تمامی اطلاعات هویتی اتباع خارجی غیرمجاز)
- ۳/۵. تهیه طرح آمایش اتباع خارجی با رویکرد آمایش فضایی

- ۳/۶. تدقیق آمارهای ملی: در این راستا پیشنهاد می‌شود اداره کل مهاجرین و اتباع خارجی در همکاری مستقیم با مرکز ملی آمار ایران موارد جدیدی را به سرشماری ۱۴۰۰ اضافه نماید همچون پرسش از سال ورود، طول اقامت، دلیل مهاجرت به ایران و برنامه بازگشت
- ۳/۷. استفاده از تجارب کشورهای موفق در زمینه حکمرانی و مدیریت مهاجرت های دسته جمعی: نمونه‌های پیشنهادی: ترکیه، اردن و مجارستان

۴. افزایش سواد فرهنگی جامعه در جهت تقریب فرهنگی دو ملت (استراتژی تدافعی WT)

- ۴/۱. گسترش فعالیت های فرهنگی ایجابی به جای سیاست های تدافعی محافظه کارانه
- ۴/۲. تقویت برنامه های مبتنی بر ادغام فرهنگی-اجتماعی نسل دوم و سوم مهاجران در سطحی گسترده تر نسبت به ادغام ساختاری
- ۴/۳. استراتژی مداخله آموزشی- فرهنگی نهاد آموزش (مدرسه/دانشگاه) در جهت تقویت ارتباطات فرهنگی تقریب فرهنگی
- ۴/۴. استراتژی مداخله آموزشی- فرهنگی از بستر رسانه های جمعی با تاکید بر رادیو و تلویزیون در جهت بازشناسی کشور و فرهنگ افغانستان، تاکید بر اشتراکات فرهنگی در جهت تقویت پذیرش اجتماعی- فرهنگی
- ۴/۵. ارائه تسهیلات در راستای تغییر وضعیت اقامتی به ویژه برای دختران مهاجر: بهره مندی از سایر مناطق همچون منطقه آزاد سلفچگان
- ۴/۶. تدوین ردیف بودجه برای دانش آموزان دارای برگه حمایت تحصیلی
- ۴/۷. تقویت همکاری با سازمان های بین‌المللی در جهت دریافت کمک‌های مالی در راستای کاهش عدالت آموزشی
- ۴/۸. نیاز به کلاس‌های پیش آمادگی هم برای دانش آموزان و هم برای والدین به منظور همگن سازی زبانی و بعضا فرهنگی
- ۴/۹. برگزاری مسابقات و تعریف جوایز بین المللی مشترک بر پایه عناصر مشترک فرهنگ دو ملت ایران و افغانستان

۴/۱۰. استراتژی تقویت پذیرش فرهنگی: برگزاری دوره های آموزشی^{۱۲۲} و دوره های ضمن خدمت اجباری مداوم با ارائه امتیاز آموزشی برای کلیه امور اداری نهادهایی که به نوعی با اتباع غیرایرانی در ارتباط هستند در راستای تقویت فهم میان فرهنگی و بالا بردن سواد فرهنگی و ایجاد نگاه پذیرش فرهنگی

۵. استراتژی حکمرانی و مدیریت پدیده مهاجران در تهران/ایران (استراتژی تهاجمی SO)

۵/۱. استراتژی نگهداشت گزینشی و غربالگری اقامتی و سیاست اقامت پلکانی براساس سرمایه انسانی افراد و اعطای حقوق شهروندی بر اساس مکانسیم های گزینشی نخبگی

۵/۲. افزایش همکاری‌های بین بخشی نهادهای سیاستگذار در حوزه مهاجران به منظور کاهش موازی کاری و سیاستگذاری متناقض

۵/۳. شکل گیری بانک اطلاعاتی از تخصص دانشجویان و فارغ التحصیلان افغانستانی در ایران و تقویت و تداوم ارتباط با مهاجران فارغ التحصیل در ایران به منظور پرورش سفیر فرهنگی

۵/۴. افزایش بازرسی و نظارت بر بنگاه ها و کارخانجات، موسسات و شرکت ها و کارگاه های تولیدی و خدماتی جهت عدم بکارگیری اتباع خارجی غیر مجاز (همکاری اداره مهاجرین و اتباع خارجی با وزارت تعاون و رفاه)

۵/۵. شناسایی بازار کار استان و شهرستانها و تهیه نقشه نیازمندی مناطق به نیروی کار خارجی هر فصل

۵/۶. ایجاد شعب تخصصی ویژه رسیدگی به تخلفات اتباع غیر ایرانی در استان

۶. استراتژی کنشگری فعال در عرصه صنعت مهاجرت (استراتژی رقابتی ST)

۶/۱. برجسته سازی خدمات ارائه شده از سوی دولت ایران در قبال مهاجران در طی ۴ دهه گذشته علیرغم وجود تحریم های گسترده بین المللی

۶/۲. افزایش تعامل با نهادهای بین المللی در راستای جذب منابع مالی در مدیریت موضوع مهاجرت در منطقه

¹²²orientation course

۶,۳. افزایش قدرت چانه زنی دولت ایران در تعاملات منطقه ای با کشورهای فرستنده، ترانزیت و مقصد

نتیجه گیری

با وجودی که حوزه مهاجرت و اتباع خارجی در دو دهه اخیر دچار تحولات عظیمی در دنیا شده و بسیاری از کشورها رویکرد فرصت محوری را نسبت به مهاجران اتخاذ کرده‌اند، قوانین جمهوری اسلامی ایران هنوز نتوانسته‌اند در این زمینه بسترهای لازم برای جذب اتباع بیگانه را به عنوان یک فرصت فراهم نمایند. در حال حاضر بسیاری از کشورها در سراسر جهان با چالش‌های پیری جمعیت و کمبود نیروی کار ماهر در بخش‌های اقتصادی و مشاغل خاص روبرو هستند. در واقع مکانیزم جذب نیروی انسانی ماهر در بسیاری از کشورهای دنیا تکمیل کننده پازل نوآوری و کارآفرینی در این کشورهاست. با گذشت بیش از چهار دهه از حضور مهاجران افغانستانی در ایران همچنان سیاستگذاران با چالش ساماندهی حضور آنها در کشور روبرو هستند. روی کار آمدن طالبان در تابستان ۱۴۰۰ و تشدید ناامنی و بی ثباتی در داخل افغانستان به ویژه تهدیدهای جانی نسبت به شیعیان در این کشور از یکسو، گسترده‌گی مرزهای جمهوری اسلامی ایران و حضور دیاسپورای بزرگ و بعضاً رصدنشده مهاجران در داخل خاک ایران برای چندمین بار نشان داد که موضوع مهاجرین و پناهندگان همچنان یکی از دغدغه‌های جمهوری اسلامی در دهه‌های آینده خواهد بود. بنابراین نیاز است در این حوزه تدابیر خاصی اتخاذ گردد تا از تبعات آن کاسته شده و از فرصتهای آن بهره‌برداری شود.

براساس یافته‌های میدانی این پژوهش، یکی از مهمترین نقاط چالش برانگیز در حوزه حکمرانی مهاجرت در ایران "نبود ساختار در سیاستگذاری مهاجرتی در ایران" و رویکرد جزیره ای و نبود متولی مشخص در این حوزه است که نه تنها به تخریب برنامه‌های تدوین شده در حوزه مهاجرت منجر شده است بلکه براساس شکل شماره ۲۲ بستر ساز تشدید تنش‌های بین دستگاهی و تضاد منافع شده است. براساس داده‌های به دست آمده در این پژوهش، مهم‌ترین دلایل تشتت و عدم هماهنگی میان نهادها، نوع نگاه، منافع دستگاه‌ها و فقدان نظارت است. بخشی نگرانی نهادهاست که این امر بستر لازم را برای پیاده سازی راهبردهای ملی با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. سیاستگذاری جزیره ای که فاقد تعامل سازنده و دوسویه بین نهادی هستند به چالش برانگیزتر شدن شرایط منجر شده است. نهادهای متعدد به جای همفکری و همکاری

برای مدیریت و ساماندهی مهاجران، به دلیل تعارض منافع به شدت در حال فشار بر یکدیگر هستند. فعالیت متشتت و ناهماهنگ موجب تثبیت حضور اتباع غیرقانونی در کشور شده است.

اصرار و پافشاری هر یک از نهادهای درگیر در موضوع اتباع خارجی بر صحت نظرات و اجرای برنامه‌های مورد تاییدشان و در نهایت عدم مشارکت فعال برای ایجاد هماهنگی با سایر نهادهای موجب سیاستهای متفاوت و متضاد توسط دستگاهها شده است. این موضوع باعث کاهش مزایای حضور مجاز نسبت به حضور غیرمجاز و در نتیجه افزایش تمایل به عدم ثبت حضور شده است. روند رشد اتباع خارجی غیر مجاز در طی دهه‌های اخیر نیز بیانگر تاثیرات فقدان انسجام و هماهنگی بر حاشیه‌ای شدن جامعه اتباع است.

عدم وجود هماهنگی و همکاری مناسب میان دستگاههای متولی در سالیان اخیر موجب ایجاد تشکیلات اداری گوناگون و بعضا با وظایف موازی و متداخل شده است که از جمله آنها می‌توان به کمیته دائمی پناهندگان (مصوب ۱۳۴۲ هیئت وزیران) شورای هماهنگی امور آوارگان افغانی (مصوب ۱۳۶۰ شورای امنیت کشور)، شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه (موضوع ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم و چهارم توسعه) و در نهایت کمیسیون ساماندهی اتباع بیگانه (مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی امنیت ملی) اشاره کرد. دغدغه اصلی تشکیلات مذکور ایجاد مدیریت منسجم و هماهنگی میان نهادهای درگیر در موضوع اتباع خارجی بوده است که متأسفانه تاکنون به نتیجه مطلوب نرسیده است.

در حال حاضر به دلیل گستردگی موضوعات ۲۴ نهاد و وزارت خانه در امور اتباع دخالت دارند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به وزارت کشور (اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی^{۱۳۳})، وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه، وزارت

^{۱۳۳} در حال حاضر اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور مهمترین ارگان اجرایی در خصوص اتباع غیر ایرانی است که در ۳۱ استانداری دفتر دارد. مهم‌ترین مرجع تدوین سیاست‌ها برای اداره کل اتباع و سایر نهادهای درگیر، کمیسیون ساماندهی اتباع خارجی ذیل وزارت کشور و با ریاست وزیر و حضور تمامی نهادهای درگیر در موضوع اتباع خارجی تشکیل می‌شود. بررسی‌های میدانی که در جریان این طرح پژوهشی صورت گرفت نشان می‌دهد که حجم مسئولیت اداره اتباع و اردوگاه‌های زیر نظر این مجموعه، هیچ تناسبی با بودجه تخصیص یافته، نیروی انسانی و قدرت تصمیم‌گیری این سازمان ندارد و عملاً بخش عمده فعالیت‌های این اداره به پاسخگویی بوروکراتیک روزمره به برگه‌های هویتی تقلیل یافته است. اگرچه در عرصه عمومی و فضای دانشگاهی، اداره اتباع به عنوان مهمترین نهاد موثر در وضعیت اتباع افغانستانی تلقی می‌شود و همچنین همانطور که پیشتر اشاره شد این اداره به عنوان یکی از مهمترین مراجع تدوین سیاست‌های حوزه اتباع قلمداد می‌گردد اما به نظر می‌رسد به دلیل تعدد کارت‌های هویتی و کاغذبازی‌های متعدد بین نهادهای، این اداره قدرت مانور لازم در تدوین سیاستگذاری هوشمندانه در عرصه اتباع را از دست داده است و به صورت مداوم روزانه با حجم گسترده‌ای از ارباب رجوع در تمامی حوزه‌های متبوعه مواجه است؛ از سوی دیگر به نظر می‌رسد علیرغم حجم بالای مسئولیت این اداره، مراجع تصمیم‌گیری در بیرون از این نهاد نقش

بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نیروی انتظامی، سازمان ثبت احوال، معاونت علمی ریاست جمهوری اشاره کرد. در حال حاضر امور مهاجران و پناهندگان در چارچوب کمیسیونهای ساماندهی و یا کارگروه وزرا و با استفاده از برخی بندهای قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه و مصوبات شورای عالی امنیت ملی با محوریت وزارت کشور انجام می‌گردد و سیاست‌گذاری منسجم و سازمان یافته و متمرکزی در این چند دهه ایجاد نشده است.

به نظر می‌رسد تجمیع نهادهای پرتعداد درگیر در این حوزه که بعضاً مأموریت‌ها، سیاست‌ها و منافع متفاوت و گاهی متناقضی با یکدیگر دارند در نهادی واحد در قالبی فراوزارتخانه‌ای (در قالب سازمان ملی مهاجرت) می‌تواند از تشتت و ناهماهنگی سازمانی بکاهد و تصمیمات سیاستی چابک تری را دنبال نماید. فقدان هماهنگی میان نهادها و سازمان‌های متولی یکی از دلایل دیگر وضعیت نابهنجار اتباع خارجی در کشور است. بدین منظور شورای عالی اداری کشور بر اساس مصوبه شماره ۷۶۲۲۹ در ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷، با تشکیل سازمان ملی مهاجرت موافقت کرد. پیشنهاد تشکیل این سازمان از سوی وزارت کشور و سازمان اداری و استخدامی کشور و در اجرای فرایند مقرر در تبصره ذیل ماده ۱۱۵ قانون مدیریت خدمات کشور ارائه شده بود و امید می‌رود تا این نهاد مرجع، به تدوین راهبردهای منسجم و سیاست‌های یکپارچه و جامع در حوزه مهاجران مبادرت ورزد.

به نظر میرسد لایحه سازمان ملی مهاجرت که در زمستان ۱۳۹۹ به سازمان امور اتباع و مهاجرین خارجی تغییر و به مجلس ارسال شده است نمی‌تواند پاسخگوی این خलाهای حقوقی-اداری باشد چرا که همچنان زیر نظر وزارت کشور قرار داده شده است. سازمان ملی مهاجرت می‌بایست به صورت چتری منسجم قدرت اجرایی و عملیاتی گسترده‌ای داشته باشد، بانک اطلاعات جامع در خصوص مهاجران تدوین نماید و قدرت برقراری روابط با نهادهای بین‌المللی را داشته باشد که پیشنهاد می‌شود زیر نظر نهاد ریاست جمهوری قرار گیرد و تصمیمات اتخاذ شده توسط این سازمان، در سطح ملی لازم‌الاجرا گردد و تمامی مصوبات ضمانت اجرا داشته باشد.

آفرینی می‌کنند و این اداره صرفاً بازوی اجرایی می‌باشد و از قدرت مانور پایینی برخوردار است. از آنجا که این اداره با توجه به ارتباط مستقیم و مداوم با جامعه هدف، بیشترین اشراف را نسبت به وضعیت اتباع غیر ایرانی به ویژه افغانستانی در کشور دارد این نهاد می‌تواند از فعالیت‌های بوروکراتیک و قهری/تنبیهی فراتر رفته و نقش هادی و تاثیرگذارتری در سیاستگذاری مهاجرت در ایران بازی کند.

از سوی دیگر حکمرانی مهاجرت یک تخصص بین‌المللی است و نیازمند تعامل گسترده در سطح جهانی فلذا تقویت همکاری با سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه مهاجران و پناهندگان همچون کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل^{۱۲۴}، سازمان برنامه جهانی غذا^{۱۲۵}، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)^{۱۲۶} و سازمان بین‌المللی مهاجرت^{۱۲۷} و نیز آژانس‌های وابسته به دولت‌ها و سمن‌های خارجی می‌تواند از فشار مالی و اداری مدیریت موضوع بکاهد و به عنوان بازوی مالی-اجرایی جمهوری اسلامی ایران قلمداد گردد که نیازمند تعامل دو سویه، شفاف و دقت عمل نهادهای نظارتی است.

یکی دیگر از مهمترین مواردی که بسترساز گره خوردگی موضوع اتباع غیرایرانی در کشور شده است به روز نبودن قوانین در این حوزه می‌باشد. مهمترین قانون در این حوزه قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۹ اردیبهشت ماده ۱۳۱۰ شمسی است. به نظر می‌رسد قوانین مربوط به اتباع غیرایرانی در حوزه‌های مختلفی چون اقامت، تابعیت، استملاک و اشتغال، ورود، عبور و خروج نیازمند بازنگری جدی براساس اقتضائات جدید هم جامعه میزبان و هم جامعه مهاجران می‌باشد.

مسئله فعالیت باندهای قاچاق در حوزه تحرک مکانی اتباع افغانستانی چه در مرزهای شرقی (مسیر ورودی از افغانستان) و چه در مرزهای غربی (مسیر خروجی به سمت ترکیه) بازار پررونقی را به شکل مافیایی گسترده و غیرقابل کنترل درآورده است؛ علاوه بر ابعاد اقتصادی مسئله، به روز نبودن قوانین جزایی که مربوط به سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۵ می‌باشد و همچنین نبودن وحدت رویه قضایی منجر به ضعیف عمل کردن دولت در قبال مجازات و بازدارندگی در این خصوص شده است. حضور اتباع کشورهای همسایه به‌ویژه اتباع افغانستانی می‌تواند فرصت‌ها و پیامدهای سیاسی به همراه داشته باشد که در بسیاری از موارد توسط سیاستمداران دو کشور مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین با توجه به اهمیت مهاجرت و حمایت از پناهندگان، ظرفیت‌های سیاسی فراوانی اعم از تقویت جایگاه سیاسی ایران در عرصه بین‌المللی بابت پذیرایی از اتباع بیگانه وجود دارد. تقویت تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی کمک شایانی به ساماندهی کنترلگری بر مرزها و جلوگیری از ورود غیرقانونی افراد خواهد نمود. براساس آمار غیر رسمی روزانه بیش از ۳ هزار نفر تبعه افغانستانی به صورت غیر مجاز از مرزهای شرقی وارد کشور می‌شوند.

¹²⁴ United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

¹²⁵ World Food Programme (WFP)

¹²⁶ The United Nations Children's Fund (UNICEF)

¹²⁷ International Organization for Migration

همانطور که در شکل شماره ۲۲ ارائه شد موضوع اتباع غیر ایرانی به عنوان محملی برای کسب درآمد و انتفاع برای بسیاری از نهادهای ذیربط مبدل شده است. در واقع هر سازمان ارائه کارت به اتباع غیر ایرانی را به عنوان منبع درآمد نهاد خود تعریف می‌کند و به منظور تامین بودجه هزینه پرسنل به راحتی نمی‌خواهد از آن دست بکشد و آن را به عرصه رقابت بین نهادی تبدیل کرده است. فلذا اطلاعات از مهاجران را به عنوان منبع قدرت و ابزار چانه زنی بین نهادی قلمداد کرده و در نتیجه تجمیع داده‌های قابل استناد در حوزه اتباع امکان پذیر نمی‌باشد. این امر به تنوع دسته بندی اقامتی و تنوع مدارک هویتی و کارت‌ها منجر شده است که تشتت بوروکراتیک را به همراه آورده است. راهکار پیشنهادی آن است که با شکل گیری یک سازمان بالادستی و فراوزارتخانه‌ای و همچنین واریز درآمدهای حاصل از صدور کارت‌ها صرفاً به خزانه دولت واریز نه تنها صدور کارت‌های متعدد و کاغذبازی‌های آن کنترل می‌شود بلکه به دلیل متصور نبودن نفع سازمانی، همکاری بین بخشی و بین سازمانی هم تقویت می‌گردد.

از سوی دیگر صدور کارت‌های هویتی متعدد منجر به افزایش امکان جعل و سواستفاده از برگه‌های هویتی می‌گردد. راهکار پیشنهادی "ارائه کارت‌های الکترونیک چیپ دار" است که به صورت متمرکز و یکسان در کشور توزیع گردد. در این راستا توصیه می‌شود؛ ارائه کارت هویت واحد، نیازمند پیش شرط‌هایی همچون انجام آزمایش‌های اولیه پزشکی در خصوص بیماری‌های همه گیر همچون سل که به سلامت عمومی ملی ارتباط وثیق دارد منوط گردد.

تغییر مداوم قوانین و مقررات، سیطره نگاه امنیتی به موضوع مهاجران عدم کارایی سیاستگذاری در حوزه اتباع غیرایرانی را نشان می‌دهد. سیاستگذاری کوتاه مدت و مقطعی مبتنی بر انتفاع و قرار دادن اتباع افغانستانی در موقعیت تعلیق و پادروایی اگرچه می‌تواند به بهره برداری اقتصادی کوتاه مدت برای دولت و سازمان‌های غیردولتی منجر شود اما تمایل به زیست غیررسمی و سایه‌ای را در آنان افزایش داده و در درازمدت به شکل گیری جمعیتی ناراضی، غیرقابل کنترل و جامعه پذیر نشده منجر خواهد شد که پتانسیل رفتارهای نابهنجار و ایجاد هزینه را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت. زیست غیررسمی مهاجران را می‌توان بازی دو سرباخت خواند. از یکسو این شیوه زندگی برخلاف منافع ملی درازمدت کشور میزبان خواهد بود چراکه کنترلگری اجتماعی را پایین می‌آورد و امکان رصد فعالیت‌های افراد از بین می‌رود و همچنین تربیت سرمایه انسانی (در راستای سفیر فرهنگی مورد نظر در اسناد بالادستی) کاملاً مغفول می‌ماند چراکه افراد صرفاً در جستجوی راهی برای بقا مسیرهای غیررسمی را تجربه می‌کنند که قابل مشاهده و تحلیل نیست. از سوی دیگر این شیوه زندگی به موقعیت پادروایی و متزلزل مهاجران دامن زده و مسیری بدون چشم انداز روشن را در برابر افراد

قرار می‌دهد که این احساس نامرئی بودن و دیده نشدن به دلزدگی و ناکامی کنشگران منجر می‌شود و سرمایه انسانی تولید شده در بستر نهاد آموزش به هدر می‌رود.

بی‌شک تشدید کنترل‌های مرزی به منظور اشراف بر ورود و خروج از مرزهای شرقی و رسمی کردن حداکثری حضور مهاجران مناسب‌ترین استراتژی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با پروبلماتیک مهاجرت است. توجه به مختصات این زیست‌غیررسمی یکی از مهمترین وظایف دستگاه سیاستگذار است چراکه فربه شدن این گروه‌های سیال که خارج از نهادهای رسمی دست به فعالیت می‌زنند و به تدریج قدرت شبکه سازی، سازمان‌دهی و بسیج شدن می‌یابند می‌تواند "زهدانی برای تغییرات نوین" (گرامشی ۱۹۷۱) مبدل شود چراکه احساس تهدید مشترک به بسیج شبکه‌های منفعل منجر خواهد شد. در عرصه خطر و بحران مهاجران افغانستانی خود را در قالب دیگری مهم^{۱۲۸} نشان می‌دهند که باید دیده/شنیده/کنترل یا طرف مذاکره قرار بگیرند. حالتی که دیگر امکان چشم‌پوشی از حضور طرف مقابل نیست و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

¹²⁸ significant other

منابع

- ایرنا (آبان ۱۳۹۷) ۹۰ درصد بیمه شدگان اتباع خارجی تامین اجتماعی افغان هستند. مصاحبه با مدیرکل اتباع خارجی سازمان تامین اجتماعی. تاریخ انتشار ۱۲ آبان ۱۳۹۷. قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83086598/90>
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۹۲) شرایط اتباع خارجی برای بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات بانکی. بازیابی در ۲۷ مرداد ۱۴۰۰؛ قابل دسترسی در: <https://www.cbi.ir/showitem/10615.aspx>
- بیات، آصف (۱۳۹۸)، *سیاست‌های خیابانی (جنبش تهی‌دستان در ایران)*، ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، تهران: نشر شیرازه.
- تدلی، چارلز و تشکری، عباس (۱۳۹۵)، *مبانی پژوهش ترکیبی: تلفیق رویکردهای کمی و کیفی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسن نژاد، بهزاد (۱۳۹۸)، تاثیر نیروی کار مهاجر افغانستانی بر نرخ بیکاری و نرخ مشارکت افراد بومی در بازار کار ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- خبرگزاری آوا (۱۳۹۸) بازیابی در ۱۰ شهریور ۱۴۰۰. قابل دسترسی در: <https://avapress.com/fa/145690>
- خبرگزاری آوا (مهر ۱۳۹۹) بازیابی شده در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۹۹؛ قابل دسترسی در: <https://www.avapress.com/fa/interview/219744>
- خبرگزاری ایمن (۱۳۹۴) تمديد رواديد و صدور کارت موقت کار اتباع بیگانه در دفاتر کفالت اقامت. بازیابی شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۰. قابل دسترسی در: <https://www.imna.ir/news/212136>
- خبرگزاری تسنیم (شهریور ۱۳۹۳) توضیحات مدیرکل اتباع خارجی وزارت کار درباره محدودیت شغلی مهاجرین افغانستانی. انتشار در ۴ شهریور ۱۳۹۳، بازیابی شده در ۲۰ مهر ۱۳۹۹. قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/06/04/473409>
- خبرگزاری صدای افغان- آوا (۱۴۰۰) افزایش مشاغل مجاز برای اتباع خارجی در ایران از ۸۰ به بیش از ۴۰۰ شغل / امسال برای صنف سراجان افغانستانی پروانه کار صادر نمی‌شود؛ مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مصاحبه با خبرگزاری آوا. بازیابی شده در ۶ شهریور، قابل دسترسی در: <https://avapress.com/fa/236925>
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۸) سامانه یکپارچه امور اتباع و مهاجرین خارجی (سیام) رونمایی شد. بازیابی شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۰. قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.ir/news/13980301000771>
- خجسته نژاد، ندا و ابراهیم حاجیانی و سیدرضا صالحی امیری و نعمت الله فاضلی (۱۳۹۶)، *سنجش میزان همبستگی ملی در میان اقوام آذری و ترکمن، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۳، پاییز. دسوتو، ارناندو (۱۳۸۹)، *راهی دیگر*، ترجمه: جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی.
- رصدخانه مهاجرت ایران (۱۴۰۰) سالنامه مهاجرتی ایران. تهیه شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران (پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف، تهران).
- رنانی، محسن و همایون شیرازی و بهروز صادقی عمروآبادی (۱۳۹۳)، بررسی عوامل موثر در جریان مهاجرت از ایران با استفاده از مدل پانل پویا، *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان.

- روحانی، علی و حبیب احمدی و محمد تقی ایمان و علی گلی (۱۳۹۴)، بررسی عواطف اجتماعی منفی ایرانیان نسبت به مهاجرین افغانستانی (مورد مطالعه: شهروندان شهر شیراز)، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۱۰، شماره ۱.
- روحانی، علی و مسعود انبارلو (۱۳۹۵)، بر ساخت اجتماعی عواطف منفی از جرائم متناسب به افغانستانی های مقیم شیراز، به سوی یک نظریه زمینه ای، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۵، شماره ۴.
- روحانی، علی؛ انبارلو، مسعود (۱۳۹۷) کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری عواطف جوانان از بازار اشتغال افغان‌های مقیم شیراز. *مسائل اجتماعی ایران*، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷. صص ۷۷-۱۰۲
- زند رضوی، سیامک (۱۳۹۹)، مرآه انسانی ریشه هر تندروی بین منطقه را خشک می‌کند، گفتگو با روزنامه اعتماد، خرداد.
- سعیده سعیدی (۱۳۹۵)، بازنمایی هویت در الگوی خوراک: بررسی اتنوگرافیک تغییرات الگوی خوراک در میان مهاجران افغان بر اثر تجربه مهاجرت به ایران، *مجله نامه انسان شناسی*، دوره ۱۴، شماره ۲۴، بهار و تابستان، صص. ۱۰۶-۷۹.
- سعیده سعیدی (۱۳۹۷)، آسیب شناسی مهاجرت های غیرمتعارف زنان، مطالعه موردی: چالش های زنان مهاجر افغان ساکن در ایران در کشورهای ترانزیت، *مجله جامعه فرهنگ رسانه*، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۶)، بررسی اتنوگرافیک پدیده ازدواج زودهنگام در میان مهاجران افغان (قوم هزاره) در دو شهر هامبورگ (آلمان) و تهران (ایران)، *مجله پژوهش های انسان شناسی*، دانشگاه تهران، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۸)، جنسیت و بین‌المللی سازی آموزش عالی: تحلیل جنسیتی تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی در ایران، *طرح پژوهشی، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری*.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۹ الف)، غریبه های قریب: بررسی تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا، *فصلنامه میان رشته ای*، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۹ ج)، تحلیل جنسیتی فرایند هویت یابی دانش آموزان افغانستانی در نهاد آموزش و پرورش ایران، *طرح پژوهشی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم*.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۹ د)، سیاستگذاری مهاجرت و پناهندگی؛ مطالعه موردی آلمان، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۱۷۱۴۲، تیر.
- سعیدی، سعیده و فلاحتی، لیلا (۱۳۹۹ ب)، تحلیل جنسیتی چالش های دانشجویان افغانستانی در نظام آموزش عالی ایران، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۲.
- شاطریان، حسن و اسما عسکری کویری و فاطمه فخری (۱۳۹۴)، مطالعه و بررسی نگرش مردم شهر آران و بیدگل نسبت به مهاجران افغانی ساکن در بافتهای فرسوده، همایش ملی بافت های فرسوده و تاریخی شهری: چالش ها و راهکارها، کاشان.
- شرق (خرداد ۱۳۹۹)، پیمایش نگرش ایرانیان به مهاجران افغانستانی، کارفرما آرش نصر اصفهانی، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و دفتر طرح های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شهرآرا نیوز (مرداد ۱۳۹۹) تغییراتی مثبت در حوزه بیمه سلامت و مشکلات دانشجویی اتباع خارجی در ایران. انتشار در ۱۱ مرداد ۱۳۹۹، بازیابی شده در ۲۴ مهر ۱۳۹۹؛ قابل دسترس در: <https://shahraranews.ir/fa/news/37000>

- شهرآرانیوز (۱۳۹۹) همه چیز درباره وضعیت دانش‌آموزان افغانستانی در سال تحصیلی جدید. بازیابی شده در ۱۰ شهریور ۱۴۰۰. قابل دسترسی در: <https://shahraranews.ir/fa/news/38306>
- صادقی، رسول (۱۳۸۸) ویژگی‌های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران در سال ۱۳۸۵. *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*. سال ۲۰، شماره ۱. صص ۴۱-۷۳.
- صادقی، فاطمه. (۱۳۸۶)، سیاست ایران و مهاجرین افغان: تغییر سیاست و تحول هویت، *فصلنامه گفتگو*، شماره ۵۰، صص ۷-۲۱.
- عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۸)، تفاوت‌های بومی-مهاجر ازدواج در ایران: مطالعه مقایسه‌ای رفتارهای ازدواج مهاجران افغان با ایرانی‌ها، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۸.
- علالدینی، پویا و میرزایی، آمنه (۱۳۹۷)، ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی در تهران، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۸، شماره ۱.
- علی‌پور، عباس و حسن سعادت‌تی جعفرآبادی و جلیل دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۶)، شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد، *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، دوره ۵، شماره ۱۸.
- عیسی‌زاده، سعید؛ مهرانفر، جهانبخش (۱۳۹۲) بررسی تأثیر مهاجرت بین‌المللی بر سطح اشتغال و دستمزد: مورد مطالعه اقتصاد ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*؛ دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- فصیحی، نرگس. (۱۳۹۳). بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال مهاجرت غیرقانونی به ویژه اتباع افغانستان و عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- فلاح، غلامعلی و سارا برمکی (۱۳۹۵)، چالش عناصر هویت ساز سرزمین مادری و میزبان در فضاهای بیناگفتمانی مهاجرت در رمان‌های ادبیات مهاجرت فارسی، *جستارهای زبانی*، شماره ۵.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*، تهران: تربیت معلم.
- لطفی، محمود رضا و حسنعلی جهان تیغ (۱۳۹۳)، سکونت‌گزینی افغانه بر توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای مرزی سیستان، *فصلنامه علمی پژوهشی آمایش سرزمین*، دوره ششم، شماره ۲.
- محمدی، عبدالله؛ صادقی، رسول (۱۳۹۸) قاچاق مهاجر به مثابه تجارت: کندوکاو فرایند قاچاق مهاجران اقتصادی از افغانستان به ایران. *مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۶، شماره یک. صص ۶۸-۳۹.
- محمدیان مهرداد، دادفر محبوبه، بوالهروی جعفر، کریمی کیسیمی عیسی (۱۳۸۴). غربالگری اختلال‌های روانی در مهاجران افغان مقیم تهران. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵، تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۱)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۲)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۳)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۴)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۵)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۶)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۷)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۸)، سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۶)، بررسی ویژگی‌ها و وضع فعالیت اتباع خارجی در کشور (براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵)، بهمن.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۲)، انسان‌شناسی قومی-زبانی مهاجرین هزاره در ایران، *مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۲) بررسی انسان‌شناختی روزمرگی راه بردهای اقتصادی مهاجران افغانستانی. *مطالعات فرهنگ و هنر آسیا*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۳۷-۱۷۳.
- نصر اصفهانی، آرش (۱۳۹۷)، *در خانه برادر پناهندگان افغانستانی در ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وبسایت اقتصاد آنلاین (۱۳۹۹). قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/w14384>
- وبسایت وزارت کشور، مصاحبه مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور (۱۴۰۰) افزایش ۳۲ درصدی ثبت نام دانش‌آموزان اتباع خارجی فاقد مدارک در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰. بازیابی شده در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۴۰۰. قابل دسترسی در: <https://moi.ir/fa/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1/154314>
- وثوقی، فاطمه و محمدرضا محسنی (۱۳۹۵)، بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال ۳۱، شماره ۲، تابستان.
- یوسفی، علی؛ موسوی، سیدمهدی؛ حسینی، آمنه سادات (۱۳۹۲) شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد، مورد پژوهش: مهاجران ساکن شهرک گلشهر. مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲.

Abbasi-Shavazi M., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2008). *Second-generation Afghans in Iran: integration, identity and return*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.

Abbasi-Shavazi, M., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2005). *Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad, Islamic Republic of Iran*. Tehran: Afghanistan Research and Evaluation Unit.

Adelkhah, F., & Olszewska, Z. (2007). The Iranian Afghans. *Iranian Studies*, 40(2).

- Borjas, G.J., & Bratsberg, B. (1994). Who leave? the outmigration of the foreign-born, NBER Working paper series, no. 4913, National Bureau of economic research.
- Braakman, M., & Schlenkhoff, A. (2007). Between two worlds: feelings of belonging while in exile and the question of return. *Asien*, 104.
- Brah, A. (2005). *Cartographies of diaspora contesting identities*, New York: Routledge.
- Bryman, A. (2016). *Social research methods*, Oxford University Press.
- Christiansen, J. (2016). Guests or trash. Iran's precarious policies towards the Afghan refugees. *DIIS Report*, 11.
- Donato, K.M., & Alexander, J.T., & Gabaccia, D.R., & Leinonen, J. (2011). Variations in the gender composition of immigrant populations: how and why they matter, *International Migration Review*, 45(3).
- Erdal, M.B., & Oeppen, C. (2013). Migrant balancing act: understanding the interactions between integration and transnationalism. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 39(6).
- Farzin F & Jadali S (2013). Freedom of movement of Afghan refugees in Iran. *Forced Migration Review* 44.
- Frelick, B. (1999). Refugees in Iran: Who should go? Who should stay? *Refugee Reports*, 20(6).
- Gramsci, A. (1971). *Prison notebooks*. New York: International Publishers.
- Grare, F., & Maley. (2011). The Afghan refugees in Pakistan. *Middle East Institute*, pour la Recherche Strategique.
- Hennebry, J. (2017). For their own good? Addressing exploitation of women migrant workers. *Migration Research Leaders' Syndicate*, 131.
- Hobler, L. (2015). Paradox and repatriation: Iranian refugee policies and the Afghan Crisis. *Refugees Studeis*. 2.
- Hoodfar, H. (2010). Refusing the margins: Afghan refugee youth in Iran. In Chatty D(ed): *Deterritorialized Youth: Sahrawi and Afghan Refugees at the Margins of the Middle East*, 145-181. London: Berghahn Books.
- ICRC. (2009). Our world: views from the field, Afghanistan opinion survey and in-depth research. Available from: <https://www.icrc.org/eng/assets/files/2011/afghanistan-opinion-survey-2009.pdf>.
- IOM, (2020). AVVR Factsheet, Assisted voluntary return and reintegration.
- IOM, (2021). Key global migration figures. Available from: <https://migrationdataportal.org/sites/default/files/2021-02/key-global-migration-figures.pdf>.
- Jauhiainen, J., Eyvazlu, D., & Salavati, S. (2020). Afghans in Iran: migration patterns and aspirations. *Publications of the Department of Geography and Geology*, 13.
- Kasimis D. (2019). Response to Yarbakhsh Elisabeth: Reading Derrida in Tehran. *Humanities*, 8(3), 140.
- Khosravi, S.H. (2017). *Precarious lives waiting and hope in Iran*. University of Pennsylvania Press.

- Kvale, S., & Brinkmann, S. (2009). *Interviews: learning the craft of qualitative research interviewing*, Sage.
- Marfleet, P., & Chatty, D. (2009). Iraq's refugees – beyond 'tolerance'. University of Oxford, Refugee Studies Centre.
- Maslow, A. H. (1954). *Motivation and personality*. New York: Harper and Row.
- McFarlane, C., & Waibel, M. (2012). The informal- formal divide in context. *Urban Informalities: Reflections on the formal and informal*, By Colin McFarlane & Michael Waibel. Ashgate Publishing, Routledge
- Merriam, S.B. (2009). *Qualitative research: a guide to design and implementation*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Monsutti, A. (2008). Afghan migratory strategies and the three solutions to the refugee problem. *Refugee Survey Quarterly*, 27(1).
- Naseh M, Potocky M, Stuart P & Pezeshk S (2018). Repatriation of Afghan refugees from Iran: a shelter profile study. *Journal of International Humanitarian Action* 3: 13 (2018).
- Ng, E. S., & Bloemraad, I. (2015). A SWOT analysis of multiculturalism in Canada, Europe, Mauritius, and South Korea. *American Behavioral Scientist*, 59(6).
- NRC = Norwegian Refugee Council (2017). Afghan Children's Access to Education in Iran. What Happened after the Supreme Leader's Decree? Norwegian Refugee Council.
- Popper, R. (2008). How are foresight methods selected?. *Foresight*, 10(6).
- Purkayastha, B. (2005). *Negotiating ethnicity: second-generation South Asian traverses a transnational world*. Rutgers University Press.
- Rajaei, B. (2000). The politics of refugee policy in post-revolutionary Iran. *The Middle East Journal*, 54(1).
- Ramadan, T. (2010). *The quest for meaning: developing a philosophy of pluralism*. London: Allen Lane (Penguin Books).
- Roy, A., & AlSaiyad, N. (2004). *Urban informality: Transnational perspectives from the Middle East, Latin America, and South Asia*. Lanham, MD: Lexington Books
- Saidi, S. (2018). *Juggling between two worlds, sociocultural change in Afghan immigrant women's identity in Germany*, LIT Verlag, Berlin.
- Saidi, S. (2019). Migration and redefining self: negotiating religious identity among Hazara women in Germany. *Anthropology of Middle East Journal*, Berghahn, 14(2).
- Schreier, M. (2012). Qualitative content analysis, in F Uwe (ed), *The sage handbook of analyzing qualitative Data*. SAGE, London
- Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation sociological review. *American Sociological Review*, 24(6).
- Shelley, T. (2007). *Exploited: migrant labour in the new global economy*. Zed Books.
- Squire, Catherine. (2000). Education of Afghan refugees in the Islamic Republic of Iran, Report Commissioned by UNESCO-Tehran, Supported by UNICEF and UNHCR Tehran.

- Stigter, E., & Monsutti, A. (2005). Transnational networks: Recognising a regional reality. Briefing Paper Series. Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU). areu.org.af/publication/510.
- Telles, E. (2014). *Pigmentocracies. ethnicity, race, and color in Latin America*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- Tober, D. (2007). "My country is broken like my country": identity, nation, and repatriation among Afghan refugees in Iran. *Iranian Studies*, 40 (2).
- UNFPA. (2012). Escaping child marriage in Afghanistan'. Available from: <http://www.unfpa.org/news/escaping-child-marriage-afghanistan>.
- UNHCR (2014). World at war. Available from: <https://www.unhcr.org/556725e69.pdf>
- UNHCR Operational Data Portal (2021). Country Overview: Iran. Retrieved 01 September 2021. Available at: <https://data2.unhcr.org/en/country/irn>
- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), (2014). Solution Strategy for Afghan Refugees to Support Voluntary Repatriation, Sustainable Reintegration and Assistance to Host Countries, Portfolio of Projects, Islamic Republic of Iran. Available on: <https://www.unhcr.org>.
- UNODC (2018) Global Study on Smuggling of Migrants 2018. (United Nations publication, Sales No. E.18.IV.9).
- VanDer Laan Bouma-Doff, W. (2007). Involuntary isolation: ethnic preferences and residential segregation. *Journal of Urban Affairs*, 3.
- Weil, S. (1987). *The need for roots: prelude to a declaration of duties towards mankind*. New York: Ark.
- World Bank (2020) Migration and Remittances Data. Retrived 01 September 2021. Available at: <https://www.worldbank.org/en/topic/migrationremittancesdiasporaisues/brief/migration-remittances-data>
- Yarbakhsh, E. (2018). Reading Derrida in Tehran: Between open door policy and an empty sofreh. *Humanities*, 7(1).
- Yiftachel, O. (2009). Critical theory and 'gray space': Mobilization of the colonized. *City*, 13(2-3).
- Zhang, D. (2008). *Between two generations: language maintenance and acculturation among Chinese immigrant families*, USA: LFB Scholarly Publishing LLC.



ضمائم



ضمیمه ۱: فهرست شهرهای ممنوعه (تابستان ۱۴۰۰)

نام استان	مناطق ممنوعه استان
آذربایجان شرقی	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان تبریز) ممنوع می‌باشد.
آذربایجان غربی	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان ارومیه) و سایر اتباع غیرایرانی در شهرهای مرزی استان ممنوع می‌باشد.
اردبیل	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان اردبیل) و اقامت اتباع عراقی در شهرستان‌های پارس‌آباد، بیله‌سوار، گرمی، مشکین‌شهر و تمین ممنوع می‌باشد.
اصفهان	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های نطنز، فریدن، قریبون‌شهر، سمیرم، چادگان، خواتسار، دهاقان، تاتین، گلپایگان، خوروبیاتک، اردستان و بخش ابوزید از شهرستان آران و بیدگل ممنوع می‌باشد.
البرز	اقامت اتباع غیرایرانی در کل استان بلامانع است.
ایلام	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان ایلام) و اقامت سایر اتباع غیرایرانی در شهرستان‌های مهران، دهلران و شهرهای مرزی استان ممنوع می‌باشد.
یوشهر	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های دیلم و گناوه ممنوع می‌باشد.
تهران	اقامت اتباع غیرایرانی در کل استان (به استثناء منطقه خجیر در منطقه ۱۳ شهرداری تهران برای اتباع افغانی) بلامانع می‌باشد.
چهارمحال و بختیاری	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان شهرکرد) ممنوع می‌باشد.
خراسان جنوبی	اقامت کلیه اتباع غیرایرانی در شهرستان‌های مرزی نهبندان، سریشه، درمیان، قائن، زیرکوه، فردوس، سرابان و طبس ممنوع می‌باشد. اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های خوسف و بیرجند مجاز است. اقامت اتباع عراقی در سطح استان (بغیر از شهرستان بیرجند) ممنوع می‌باشد.
خراسان رضوی	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های مرزی تربت جام، قوچان، تایباد، خواف، سرخس، کلات نادری و درگز ممنوع می‌باشد.
خراسان شمالی	اقامت اتباع افغانی و عراقی در سطح استان (بغیر از شهرستان بجنورد) ممنوع می‌باشد.
خوزستان	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان‌های اهواز و گتوند) و اقامت و تردد سایر اتباع غیرایرانی در شهرستان‌های آبادان، خرمشهر و دشت‌آزادگان ممنوع می‌باشد. تصرد: اقامت اتباع غیرایرانی دارنده گذرنامه و اقامت معتبر در شهرستان‌های آبادان و خرمشهر بلامانع است.
زنجان	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان زنجان) ممنوع می‌باشد و صرفاً شهرستان‌های زنجان و خدابنده برای اقامت اتباع عراقی مجاز است. تردد و اقامت اتباع غیرایرانی در منطقه گرمسار و ورودی قصر بهرام، مرکز آمایش معراج یک و منطقه دامغان از جاده جندق به طرف مرکز آمایش سراج و اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های شاهرود و دامغان ممنوع می‌باشد.
سیستان و بلوچستان	اقامت اتباع افغانی و عراقی در کل استان (بغیر از شهرستان زاهدان) و اقامت و تردد اتباع غیرایرانی در شهرستان‌های زابل، هیرمند، زهک و نیز بخش‌های مرزی شهرستان‌های خاش، ایرانشهر، سراوان و چابهار ممنوع می‌باشد.
قارس	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های قیروزیاد، قراشند، داراب، ارسنجان، قسا، مهر، رستم، خنج و نیریز ممنوع می‌باشد.
قزوین	اقامت اتباع افغانی در کل استان (بغیر از شهرستان قزوین) ممنوع می‌باشد.
قم	اقامت اتباع غیرایرانی در کل استان بلامانع است.
کردستان	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان سنندج) و اقامت کلیه اتباع غیرایرانی در بخش مرکزی شهرستان سنقر و شهرستان‌های بانه و میروان و همچنین شهرهای مرزی استان (به استثنای مهمانسراها) ممنوع می‌باشد.
کرمان	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های عنبرآباد، بافت، منوجان، قلعه گنج، بیب قهرج، رودبار، قاریاب، نماشیر، کهنوج، جیرفته، انار و ریگان و همچنین اقامت اتباع عراقی در سطح استان (بغیر از شهرستان کرمان) ممنوع می‌باشد.
کرمانشاه	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان کرمانشاه) و کلیه اتباع غیرایرانی در شهرهای مرزی استان ممنوع می‌باشد.
کهگیلویه و بویراحمد	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان یاسوج) ممنوع می‌باشد.
گلستان	اقامت اتباع افغانی در کل استان (بغیر از شهرستان‌های گرگان و گنبد) ممنوع می‌باشد.
گیلان	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان رشت) ممنوع می‌باشد.
لرستان	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان خرم‌آباد) ممنوع می‌باشد.
مازندران	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان ساری) ممنوع می‌باشد.
مرکزی	اقامت اتباع افغانی در شهرستان‌های آشتیان، تفرش، قراهن، قرمهین، خمین، شازند، محلات، زرنده، کمیجان و خنداب ممنوع می‌باشد.
هرمزگان	اقامت اتباع افغانی در کل استان (بغیر از شهرستان بندرعباس) و اقامت اتباع عراقی در شهرستان‌های کیش، حاجی‌آباد، قشم، ابوموسی و جاسک ممنوع می‌باشد.
همدان	اقامت اتباع افغانی در سطح استان (بغیر از شهرستان همدان) ممنوع می‌باشد.
یزد	اقامت اتباع افغانی صرفاً در شهرستان‌های خاتم و باقی ممنوع می‌باشد.

ضمیمه شماره ۲

کنوانسیون ژنو: قرارداد مربوط به پناهندگان

کنوانسیون ژنو در تاریخ ۱۳۵۵/۳/۲۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و ایران نیز جز کشورهای متعهد گردیده است.

مقررات عمومی

ماده ۱: توصیف اصطلاح پناهنده

اشخاصی که در اثر حوادث به وقوع پیوسته قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ در اثر ترس از شکنجه به علل نژادی، مذهبی، ملیت، تعلق به بعضی گروه‌های اجتماعی یا عقاید سیاسی خارج از کشوری که ملیت آن را دارند باشند و نمی‌توانند و یا به دلیل این ترس نمی‌خواهند مورد حمایت این کشور باشند. این کنوانسیون در موارد ذیل درباره اشخاص فوق‌الذکر اجرا نخواهد گردید:

۱. شخصی که داوطلبانه خود را به طور مجدد تحت حمایت کشور متبوع خویش قرار دهد.
۲. در صورتی که تابعیت خود را از دست داده باشد آن را به طور مجدد تحصیل نماید.
۳. تابعیت جدیدی کسب کرده و از حمایت کشور متبوعه جدید برخوردار باشد.
۴. داوطلبانه برای سکونت به کشوری بازگردد که به علت ترس از شکنجه قبلاً آن جا را ترک گفته یا در خارج از آن به سر برده است.
۵. به علت از بین رفتن اوضاع و احوالی که باعث شده بود وی به عنوان پناهنده شناخته شود، دیگر نتواند از قبول حمایت دولت خود امتناع نماید.
۶. اگر اوضاع و احوالی که باعث شده بود وی به عنوان پناهنده شناخته شود، از بین برود آن شخص می‌تواند به کشوری که در آنجا سکونت دائم داشته مراجعت نماید.

ماده ۲:

هر پناهنده در کشوری که به سر می‌برد، دارای وظایفی است که به موجب آن به خصوص ملزم می‌باشد خود را با قوانین و مقررات آن کشور و اقدام‌هایی که برای حفظ نظم عمومی به عمل می‌آید تطبیق دهد.

ماده ۳: عدم تبعیض

دول متعاقد مقررات این کنوانسیون را بدون تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی درباره پناهندگان اجرا خواهند نمود.

ماده ۴: دین

دول متعاقد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود رفتاری لاقفل در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۵: به حقوق و مزایایی که خارج از حدود این کنوانسیون به پناهنده داده شده است، لطمه ای وارد نخواهد شد.

ماده ۶: اصطلاح در شرایط یکسان

از لحاظ این کنوانسیون منظور از اصطلاح در شرایط یکسان این است که تمام شرایط (به خصوص شرایط مربوط به مدت و نحوه اقامت موقت/دائم) که فرد اگر پناهنده نباشد، باید برای برخورداری از حق مورد نظر دارا باشد مراعات گردد به استثنای شرایطی که به طور طبیعی پناهنده نمی تواند واجد آن باشد.

ماده ۱۲: احوال شخصیه

۱. احوال شخصیه پناهنده تابع قوانین کشوری است که در آنجا اقامت دارد، ولی چنان که فاقد محل اقامت باشد تابع قوانین کشور محل سکونت او خواهد بود.

۲. حقوقی که پناهنده قبلاً کسب نموده و مربوط به احوال شخصیه او می باشد به خصوص حقوق مربوط به ازدواج باید از طرف هر دولت متعاقد محترم شمرده شود به شرط آن که در صورت لزوم تشریفات پیش بینی شده در قوانین دولت مزبور انجام گیرد. بدیهی است حق مورد بحث باید از جمله حقوقی باشد که طبق قوانین دولت مذکور چنان که وی پناهنده هم نباشد، شناخته شده باشد.

ماده ۱۳: اموال منقول و غیر منقول

دول متعاقد در مورد تحصیل اموال منقول و غیر منقول و سایر حقوق مربوطه و همچنین در مورد قراردادهای اجاره یا سایر قراردادهای مربوط به مالکیت اموال منقول و غیر منقول پناهندگان رفتاری خواهند نمود که تا سر حد امکان مساعد بود و در هر حال از رفتاری که در این گونه موارد نسبت به بیگانگان به طور اعم به عمل می آید، نامساعدتر نباشد.

ماده ۱۴: مالکیت معنوی و صنعتی

در مورد حمایت از مالکیت صنعتی به خصوص حمایت از اختراع‌ها، طرح‌ها و مدل‌ها، علائم تجاری و اسامی تجاری و هم چنین حمایت از مالکیت ادبی و هنری و عملی پناهنده در کشوری که معمولاً سکونت دارد همان حمایتی واقع خواهد شد که از اتباع کشور مزبور به عمل می‌آید. در سرزمین هر یک از دول متعاقد دیگر پناهنده از حمایتی برخوردار خواهد شد که در آن سرزمین نسبت به اتباع کشوری که پناهنده در آن سکونت دارد معمول می‌گردد.

ماده ۱۵: حق عضویت

در مورد عضویت در جمعیت‌های غیرسیاسی و غیرانتفاعی و سندیکاهای حرفه‌ای دول متعاقد نسبت به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آنان سکونت دارد، مساعدترین رفتاری را که در چنین موارد در مورد اتباع دولت خارجی به عمل می‌آورند، معمول خواهند داشت.

ماده ۱۶: حق مراجعه به دادگاه

۱. هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاقد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه نماید.

۲. هر پناهنده در سرزمین دولت متعاهدی که محل سکونت عادی اوست، در مورد دسترسی به دادگاه‌ها از جمله استفاده از معاضدت قضایی و معافیت از سپردن تضمین هزینه‌های دادرسی از همان رفتاری که در باره اتباع دولت مزبور به عمل می‌آید بهره‌مند خواهد شد.

۳. هر پناهنده در سرزمین‌های دول متعاقد دیگر غیر از سرزمین محل سکونت دائمی خود در مورد مسایل مندرج در بند ۲ از رفتاری برخوردار خواهد شد که درباره اتباع کشور محل سکونت دائمی وی به عمل می‌آید.

ماده ۱۷: اشتغال با دستمزد

۱. در مورد حق اشتغال به کار با دریافت دستمزد هر دولت متعاقد نسبت به پناهندگانی که به طور منظم در سرزمین او سکونت کرده‌اند مطلوب‌ترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می‌دارد به عمل خواهد آورد.

۲. در هر حال مقررات محدودکننده‌ای که درباره بیگانگان یا استخدام بیگانگان به منظور حمایت از بازار داخلی وضع می‌گردد درباره پناهنده‌ای که در تاریخ اجرای این کنوانسیون در سرزمین دول متعاقد مذکور از مقررات مورد بحث معاف بوده یا واجد یکی از شرایط زیر باشد اجرا نخواهد شد:

الف) مدت ۳ سال در کشور سابقه سکونت دارد.

ب) همسری دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت او است. پناهنده ای که با هسمرش متارکه کرده نمی تواند به مقررات این بند استناد نماید.

ج) فرزند یا فرزندان دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت او می باشند.

۳. دول متعاقد با نظر مساعد کوشش خواهند کرد که حقوق مربوط به استخدام پناهندگان خصوصا پناهندگانی را که به موجب برنامه های مربوط به استخدام کارگر یا برنامه های مهاجرتی وارد سرزمین آنها شده اند، با حقوق اتباع خود در این مورد مشابه و یکسان نمایند.

ماده ۲۰: جیره بندی

در صورتی که سیستم جیره بندی وجود نداشته باشد و توزیع محصولات کمیاب در میان مردم طبق سهمیه صورت گیرد، نسبت به پناهندگان نیز مانند اتباع کشور رفتار خواهد شد.

ماده ۲۲: تعلیمات عمومی

۱. در مورد تحصیلات ابتدایی دول متعاقد نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهند نمود.

۲. در مورد تحصیلات غیرابتدایی و به خصوص در مورد حق اشتغال به تحصیل و تعیین ارزش مدارک تحصیلی دیپلم ها و دانشنامه های صادره از ممالک خارجی و تخفیف حقوق و عوارض مربوط و اعطای کمک هزینه تخفیف حقوق و عوارض مربوط و اعطای کمک هزینه تحصیلی و بورس تحصیلی دول متعاقد نسبت به پناهندگان رفتاری معمول خواهند داشت که تا سرحد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که نسبت به بیگانگان به طور کلی به عمل می آید، نامساعدتر نباشد.

ماده ۲۳: امور خیریه دولتی

در مورد تعاون و کمک های عمومی دول متعاقد نسبت به پناهندگانی که مطابق قانون در سرزمین آنها به سر می برند مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد.

ماده ۲۴: قوانین کار و بیمه اجتماعی

دول متعاقد در موارد زیر نسبت به پناهندگانی که مطابق قانون در سرزمین آنها به سر می برند مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد:

الف) حقوق (از جمله مدد معاض خانواده در مواردی که مدد معاش مزبور جز حقوق است)، ساعات کار، حداقل سن برای استخدام، باگیری، تعلیات حرفه ای، اشتغال به کار بانوان و نوجوانان و استفاده از مزایای کنوانسیون های جمعی تا حدودی که موارد مذکور تابع قوانین و مقررات بوده و یا منوط به نظرات مقامات اداری می باشد.

ب) بیمه اجتماعی (مقررات قانونی درباره حوادث، امراض ناشی از کار، زایمان، بیماری، از کار افتادگی، پیری، مرگ، بیکاری، مسئولیت های خانوادگی و ...)

ماده ۲۶: آزادی رفت و آمد

پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین هر یک از دول متعاقد به سر می برند، حق خواهند داشت که محل سکونت خود را انتخاب نمایند و ازادانه داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند. مشروط بر رعایت مقررات که به طور عموم در این گونه موارد درباره خارجیان اجرا می شود.

ماده ۲۷: اوراق هویت

دولت های متعاقد برای پناهندگانی که در سرزمین آن ها به سر می برند و فاقد اسناد معتبر مسافرت می باشند اوراق هویت صادر خواهند کرد.

ماده ۲۸: اسناد مسافرت

۱. دول متعاقد برای پناهندگانی که به طور منظم در سرزمین آن ها به سر می برند، به منظور مسافرت آن ها به خارج از سرزمین خود اسناد مسافرت صادر خواهند کرد؛ مگر این که دلایل آمرانه مربوط به امنیت ملی و نظم عمومی مغایر با این امر باشد. اسناد مزبور مشمول مقررات مندرج در الحاقیه این کنوانسیون خواهد بود. دول متعاقد می توانند برای کلیه پناهندگانی که در سرزمین آن ها به سر می برند، اسناد مسافرت صادر کنند. دولت متعاقد نسبت به پناهندگانی که نمی توانند اسناد مسافرت را از کشوری که محل سکونت دایمی آنان در آن جاست تحصیل کنند، توجه خاصی مبذول خواهند داشت.

۲. اسناد مسافرتی که طبق موافقت نامه های قبلی بین المللی توسط دول طرف موافقت نامه های مزبور برای پناهندگان صادر شده است، رسمیت داشته و دولت های متعاقد باید این گونه اسناد را به منزله اسنادی تلقی نمایند که طبق مقررات این ماده صادر شده است.

لازم به ذکر است دولت ایران مواد ۱۷، ۲۴، ۲۳، و ۲۶ کنوانسیون ژنو را تنها به صورت توصیه^{۱۲۹} قبول نموده است.

¹²⁹ with reservation

ضمیمه شماره ۳

جدول ۶. لیست مشاغل چهارگانه مجاز اشتغال اتباع خارجی در استان تهران، ابلاغیه توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

گروه کوره‌پزخانه‌ها			
آجر پزی		گچ پزی و آهک پزی	
۱. کوره چین ۲. فخار ۳. قالب زن ۴. کوره سوز ۵. خشت زن کوره		۱. گچ پز ۲. آهک پز ۳. کیسه زن کوره ۴. کوره خالی کن	
گروه کارهای ساختمانی			
راه سازی و معدن	سنگبری و سنگتراشی	بلوک زنی و موزاییک سازی	امور ساختمانی
۱. کارگر پل ساز ۲. کارگر تعمیر و نگهداری تونل ۳. کارگر آتشبار ۴. کارگر استخراج معدن ۵. کارگر حفار معدن	۱. برشکار سنگ ۲. کارگر دستگاه سنگبری ۳. کارگر سنگبری ۴. کارگر ماشین سنگتراش ۵. صیقل کار سنگ ۶. سنگ کوبی ۷. برشکار کاشی	۱. بتون ساز ۲. بلوک ساز ۳. پله ساز ۴. تیرچه ساز ۵. پرسکار موزاییک ۶. موزاییک ساز	۱. چاه کن (مقنی) ۲. حفار (تونل و کانال و ...) ۳. آسفالت کار ۴. بتون ریز ۵. بسته بندی مصالح ساختمانی ۶. تعمیر کوره آجر پزی کارگر ساختمانی
گروه کارهای کشاورزی			
چرمسازی و سالامبورسازی	کشارگاه	مرغداری و دامداری	کشاورزی

<p>۱. آهک زن ۲. چرم ساز ۳. شستشوی پوست (کارگر ماشین کار-کارگر ساده) ۴. کارگر مواد شیمیایی ۵. سالامبور ساز</p>	<p>۱. سلاخ دام و طیور ۲. پوست و پر کن ۳. سیرابی و روده پاک کن ۴. جمع آوری ضایعات کشتارگاه</p>	<p>۱. دامپرور و دامدار ۲. کارگر مرغداری ۳. چوپان</p>	<p>۱. کارگر بیل زن ۲. کارگر زراعت کار ۳. کارگر سمپاش ۴. کارگر علوفه جمع کن ۵. کارگر کشاورزی</p>
سایر گروه‌های شغلی			
<p>۱۲. خیاط ۱۳. کارگر بافنده کارگر نجاری</p>	<p>۹. تولید غذای دام و طیور (کنستانتره) ۱۰. کارگر تخلیه و نظافت مخازن فاضلاب ۱۱. کارگر جوشکار تعمیرکار کفش</p>	<p>۵. حناسایی ۶. کمپوت سازی ۷. سریشم پزی ۸. تولید کود شیمیایی</p>	<p>۱. کارگر امحا زباله ۲. کارگر بازیافت مواد شیمیایی ۳. کارگر تخلیه و بارگیری ۴. کارگر کوره ریخته گری</p>

مشاغلی که علاوه بر جدول بالا صرفاً مختص به اتباع خارجی ساکن در استان تهران می‌باشد

مشاغل اعلام شده			
۱۹. کارگر پرداختکار	۱۳. کارگر آسیاب ضایعات	۷. کارگر موادزن چرم سازی	۱. کارگر تخریب ساختمانی
۲۰. کارگر تاسیسات	۱۴. رزین کار	۸. کارگر قبرکن	۲. کارگر حمل مواد معدنی
۲۱. باغبان	۱۵. کارگر حمل و نقل	۹. کارگر تخلیه چاه و لوله بازکنی	۳. کارگر شن و ماسه
۲۲. کارگر مکانیک	۱۶. کارگر تفکیک پسماند	۱۰. کارگر بازیافت زباله	۴. کارگر نظافت اصطبل و نگهداری اسب
۲۳. کارگر باطری سازی	۱۷. کارگر تولید بلور	۱۱. کارگر تولید زغال	۵. کارگر نظیف دامپروری و دامداری
۲۴. کارگر آرماتوربند	۱۸. کارگر پرسکار (پلاستیکی-فلزی)	۱۲. کارگر حمل و نقل داربست	۶. کارگر نظیف مرغداری

ضمیمه ۴

دستورالعمل نحوه صدور کارت پرداخت ریالی برای اشخاص حقیقی خارجی

در اجرای بند ۳ از مصوبات پانزدهمین جلسه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۲ شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرائم پولشویی و تامین مالی تروریسم و با هدف تسهیل ارائه خدمات بانکی به اشخاص حقیقی خارجی، "دستورالعمل نحوه صدور کارت پرداخت ریالی برای اشخاص حقیقی خارجی"، که از این پس به اختصار "دستورالعمل" نامیده می‌شود، به شرح زیر تدوین می‌شود:

ماده ۱- در این دستورالعمل عبارات ذیل در معانی مشروح بکار می‌روند:

۱. آیین‌نامه: آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پولشویی، مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ هیأت وزیران و ابلاغی به موجب بخشنامه شماره ۹۸/۲۶۳۵۵۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۴ بانک مرکزی.

۲. بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۳. مؤسسه اعتباری: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که به موجب قانون و یا با مجوز بانک مرکزی تاسیس شده و تحت نظارت بانک مرکزی می‌باشد.

۴. کارت پرداخت ریالی: انواع کارتهای فیزیکی یا مجازی صادر شده توسط مؤسسه اعتباری که به دارنده آن امکان پرداخت و یا انتقال وجه به شخص دیگر را فراهم می‌سازد.

۵. مدارک شناسایی معتبر: مدارک شناسایی تعیین شده توسط کارگروه موضوع تبصره ۶ ماده ۲۱ آیین‌نامه ابلاغی طی بخشنامه شماره ۹۹/۲۸۸۷۴۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۱ بانک مرکزی و اصلاحات بعدی آن.

۶. اشخاص حقیقی خارجی مقیم: مشتمل بر الف- اشخاص حقیقی خارجی که دارای گذرنامه با پروانه اقامت معتبر هستند. ب- اشخاص حقیقی خارجی که دارای یکی از مدارک شناسایی معتبر؛ دفترچه اقامت ویژه یا دفترچه اقامت یا دفترچه پناهندگی یا مدرک آمایش می‌باشند.

۷. اشخاص حقیقی خارجی غیرمقیم: مشتمل بر الف- اشخاص حقیقی خارجی دارای رواید با تاریخ اعتبار صادره توسط وزارت امور خارجه و درج شده در گذرنامه؛ ب- اشخاص حقیقی خارجی دارای گذرنامه معتبر با تابعیت کشورهای لغو رواید با ایران و دارای مهر ورود به کشور که مدت اعتبار آن از زمان ورود به کشور تاکنون منقضی نشده باشد؛ پ- اشخاص حقیقی خارجی دارای رواید تمدید شده توسط نیروی انتظامی و درج شده در گذرنامه.

۸. شماره اختصاصی: شماره ای منحصر به فرد که برای هر یک از اشخاص خارجی تعیین و در چارچوب ماده ۲۱ آیین نامه اختصاص داده می شود.

ماده ۲: موسسه اعتباری بنا به درخواست اشخاص حقیقی خارجی بالاتر از ۱۸ سال تمام و طبق شرایط مندرج در این دستورالعمل، می تواند نسبت به صدور کارت پرداخت ریالی و اعطای آن به متقاضی اقدام نماید. اختصاص کارت پرداخت ریالی، پیش از ایجاد یا معرفی حساب سپرده متناظر برای اشخاص حقیقی خارجی در چارچوب دستورالعمل اجرایی افتتاح حساب سپرده ریالی برای اشخاص خارجی مصوب یکهزار و دویست و بیست و هفتمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ شورای پول و اعتبار و اصلاحات بعدی آن، ممنوع است.

تبصره: صدور کارت پرداخت ریالی برای اشخاص حقیقی خارجی کمتر از ۱۸ سال تمام ممنوع است.

ماده ۳: صدور بیش از یک کارت پرداخت ریالی به نام هر شخص حقیقی خارجی مجاز نمی باشد. در صورت وجود کارت پرداخت ریالی فعال به نام شخص حقیقی خارجی، صدور کارت پرداخت ریالی جدید منوط به ابطال کارت پرداخت ریالی قبلی می باشد. بانک مرکزی شرایط اجرای این ماده را برای موسسات اعتباری فراهم می نماید.

تبصره: اشخاص حقیقی خارجی دارای دفترچه اقامت ویژه یا پروانه اقامت معتبر، از شمول این ماده مستثنی می باشند.

ماده ۴: موسسه اعتباری مکلف است مدت اعتبار کارت پرداخت مالی را در چارچوب مقررات مربوط به صدور و تمدید کارت های پرداخت و همچنین برحسب شرایط اقامت و نوع مدرک شناسایی شخص حقیقی خارجی، به صورت زیر تعیین نماید:

۴.۱. اشخاص حقیقی خارجی غیرمقیم؛ حداکثر تا تاریخ اعتبار روادید صادر یا تمدید شده.

۴.۲. اشخاص حقیقی خارجی مقیم؛ حداکثر تا تاریخ انقضا مدرک شناسایی معتبر.

تبصره: در خصوص اشخاص حقیقی خارجی دارای تابعیت کشورهای لغو روادید با ایران، مدت اعتبار کارت پرداخت ریالی نباید بیش از سه ماه از زمان ورود شخص به کشور باشد.

ماده ۵: موسسه اعتباری مکلف است حداکثر تراکنش خرید از کارت متعلق به اشخاص حقیقی خارجی غیرمقیم یا اشخاص حقیقی خارجی دارای مدرک آمایش، دفترچه اقامت یا دفترچه پناهندگی را به روزانه یکصد و پنجاه میلیون ریال محدود نماید.

تبصره: سقف خرید از کارت های پرداخت ریالی متعلق به اشخاص خارجی دارای دفترچه اقامت ویژه یا پروانه اقامت معتبر، مطابق سقف های تعیین شده برای اشخاص ایرانی می باشد.

ماده ۶: موسسه اعتباری مکلف است پیش از صدور و اعطای کارت پرداخت ریالی به شخص حقیقی خارجی، تعهدات لازم مبنی بر عدم استفاده سایر اشخاص از کارت مذکور را از مشتری اخذ نماید. متقاضی دریافت کارت باید تعهد نماید که در صورت اطلاع از بهره برداری سایر اشخاص، بلافاصله موضوع را به موسسه اعتباری اطلاع دهد.

ماده ۷: موسسه اعتباری می‌بایست از صدور کارت پرداخت ریالی برای شخص حقیقی خارجی در موارد ذیل خودداری نماید:

۷.۱. شخص حقیقی خارجی که در هنگام درخواست صدور کارت، مدارک شناسایی معتبری را برای حضور در ایران ارائه نمی‌نماید.

۷.۲. شخص حقیقی خارجی که به حکم مراجع قضایی و یا به موجب قانون، ارائه خدمات به وی مجاز نمی‌باشد.

۷.۳. شخص حقیقی خارجی فاقد هویت قانونی یا شخص حقیقی خارجی که شماره اختصاصی وی به دلایلی اعم از فوت و غیره ابطال شده است.

۷.۴. شخص حقیقی خارجی که اقامت وی محدود به حوزه جغرافیایی خاصی مانند استان می‌باشد، در حالی که بریا دریافت کارت پرداخت ریالی از حوزه دیگری که مجاز به اقامت در آن منطقه نمی‌باشد، به موسسه اعتباری مراجعه می‌نماید.

۷.۵. شخص حقیقی خارجی که فاقد شناسه شهاب معتبر می‌باشد.

۷.۶. شخص حقیقی خارجی که از ارائه تعهدات لازم استنکاف نماید.

تبصره: چنانچه پس از اعطای کارت پرداخت ریالی مشخص شود، شخص حقیقی خارجی از عمل به تعهدات خود، خودداری نموده است، موسسه اعتباری مکلف است مطابق با مقررات نسبت به ابطال کارت مذکور اقدام کند.

- "دستورالعمل نحوه صدور کارت پرداخت ریالی برای اشخاص حقیقی خارجی" در ۷ ماده و ۵ تبصره در چهلمین جلسه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ کمیسیون مقررات و نظارت موسسات اعتباری بانک مرکزی به تصویب رسید.

ضمیمه شماره ۵

انواع بیمه های اتباع غیر ایرانی تحت پوشش / شرایط و مدارک دریافتی

سازمان تامین اجتماعی دارای شخصیت حقوقی، استقلال مالی و یک نهاد عمومی غیردولتی است که داراییها و سرمایه های آن متعلق به اقشار تحت پوشش در نسلهای متوالی می باشد. تعهدات این سازمان برابر استانداردهای تعیین شده از سوی سازمان بین المللی کار (ILO) و اتحادیه بین المللی تامین اجتماعی (ISSA) تنظیم و بالاترین حد این استانداردها را دربر می گیرد. سازمان تامین اجتماعی یک سازمان بیمه گر اجتماعی است که مأموریت اصلی آن پوشش گروههای مزدبگیر، اختیاری و صاحبان حرف و مشاغل آزاد است. سازمان براساس قانون، موظف به ارائه خدمات و تعهدات تعریف شده برای جامعه تحت پوشش خود بوده و به جهت گستردگی و تنوع در حوزه فعالیت ها و خدمات، نیازمند اطلاع رسانی جامع، بهنگام و متناسب با دانش، تخصص و آگاهی افراد مختلف می باشد.

مستندات قانونی تامین اجتماعی:

- ماده ۵ قانون تامین اجتماعی: بیمه اتباع بیگانه که طبق قوانین و مقررات مربوط در ایران به کار اشتغال دارند.

۱- مطابق با ماده ۵ قانون تامین اجتماعی به عنوان یک اصل مترقی منطبق با کنوانسیونهای بین المللی کلیه اتباع و مهاجرین خارجی با اقامت مجاز در خاک جمهوری اسلامی ایران در صورتی که در کشور خویش تحت پوشش بیمه نباشند را شامل می گردد.

۲- به موجب ماده ۵ قانون تامین اجتماعی اتباع خارجی دارای پروانه کار معتبر که طبق قوانین و مقررات در ایران اشتغال به کار دارند، تابع مقررات این قانون بوده و کارفرمایان مربوطه مکلفند نسبت به ارسال لیست و پرداخت حق بیمه آنان اقدام نمایند.

۳- اتباع خارجی که قبلاً در یکی از کارگاهها یا مؤسسات مشمول تامین اجتماعی حق بیمه برای آنان پرداخت شده باشد و به هر علتی غیر از علل مندرج در قانون یادشده خارج شوند برابر تبصره ماده ۸ قانون تامین اجتماعی تحت پوشش ادامه بیمه به طور اختیاری قرار گیرند. علاوه بر آن اتباع خارجی که به صورت خویش فرما اشتغال دارند وفق قانون اصلاح بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تامین اجتماعی مصوب تیر ۱۳۵۴ (مصوب ۱۳۶۵/۰۶/۳۰) می توانند با انعقاد قرارداد تحت پوشش حمایت‌های بیمه‌ای مقرر در قانون صاحبان حرف و مشاغل آزاد گیرند.

- اتباع خارجی شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی، تابع قانون بیمه بیکاری نمی‌باشند.

کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی که اتباع خارجی در آن مشغول به کار می‌باشند عبارتند از:

کارگاه‌های صنفی

کارگاه‌های حقیقی و حقوقی با کارفرمای غیر ایرانی

شرکت‌های دولتی

شرکت‌های غیر دولتی

پیمانکاری‌های ایرانی و خارجی کارفرمای ایرانی و خارجی

شرکت‌ها یا پیمانکاری‌های ساختمانی

پروژه‌های ساختمانی با کارفرمای حقیقی (شخصی)

سفارتخانه کشور متبوع و سفارتخانه سایر کشورهای مستقر در ایران

به عنوان مدیرعامل و اعضای هیات مدیره

به عنوان مدیر شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران

مناطق آزاد تجاری و صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی و پارکها و شهرک‌های علم و فناوری

رانندگان حمل و نقل بار و مسافر

باشگاه‌های ورزشی کشور، مربیان و ورزشکاران خارجی

مشمولین اتباع خارجی

گروه اول: کلیه اتباع خارجی دارای پروانه کار معتبر که به عنوان کارگر در کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی شاغل می‌باشند، بایستی طبق قوانین و مقررات فوق، تحت پوشش بیمه قرار گیرند.

شرایط نام نویسی: ارائه پروانه کار معتبر، اشتغال در کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی، تکمیل پرسشنامه نام‌نویسی و

اخذ شماره تأمین اجتماعی

نرخ حق بیمه: حق بیمه متعلقه ۳۰٪ از مزد و حقوق مشمول کسر حق بیمه کارگر است، شامل ۲۰٪ حق بیمه سهم کارفرما، ۷٪

حق بیمه سهم کارگر و ۳٪ حق بیمه سهم دولت.

تکالیف کارفرما:

کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا، 7 درصد سهم کارگر را کسر و به همراه 20 درصد سهم خود، حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان پرداخت نماید.

حق بیمه حوادث ناشی از کار

اتباعی که کشور آنان عضو مقاوله نامه شماره 19 سازمان بین المللی کار می باشد، چنانچه در کشور خود یا کشورهای دیگر بیمه باشند صرفاً مشمول بیمه حوادث ناشی از کار خواهند بود و حق بیمه مذکور بر مبنای 3 درصد حقوق و مزایای پرداختی به آنان و بدون رعایت حداکثر دستمزد مشمول کسر حق بیمه بوده و کارفرما مکلف است صورت مزد یا حقوق آنان را طی لیست جداگانه تنظیم و حق بیمه متعلقه را از حقوق و مزایای پرداخت شده به آنان کسر و حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان پرداخت نماید.

تعهدات سازمان:

الف: حمایت های بلندمدت شامل: پرداخت مستمری بازنشستگی، بازماندگان (مستمری فوت)، ازکارافتادگی کلی غیر ناشی از کار.
ب: پرداخت مستمری حمایت های کوتاه مدت: حمایت در برابر حوادث و بیماری ها، پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری، پرداخت غرامت دستمزد ایام بارداری، پرداخت غرامت نقص عضو، پرداخت کمک هزینه کفن و دفن، پرداخت کمک هزینه ازدواج، پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی.

ب: گروه دوم

اتباع خارجی که به صورت خویش فرما در فعالیت های مشمول قانون تامین اجتماعی اشتغال دارند، با ارائه پروانه کار معتبر، می توانند با انعقاد قرارداد تحت پوشش حمایت های بیمه ای مقرر در قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد شامل بازنشستگی، ازکارافتادگی، فوت و خدمات درمانی قرار گیرند. بعضی از مشمولین این گروه عبارتند از کارفرمایان حقیقی و حقوقی، فعالیت های خوداشتغالی، کارگران ساختمانی شاغل در پروژه های شخصی ساز، رانندگان حمل و نقل دارای کارت هوشمند رانندگی، زنان خانه دار اتباع خارجی با ارائه مجوز اقامت و طلاب و روحانیون خارجی با ارائه مجوز اقامت و معرفی نامه از مرکز خدمات حوزه های علمیه.